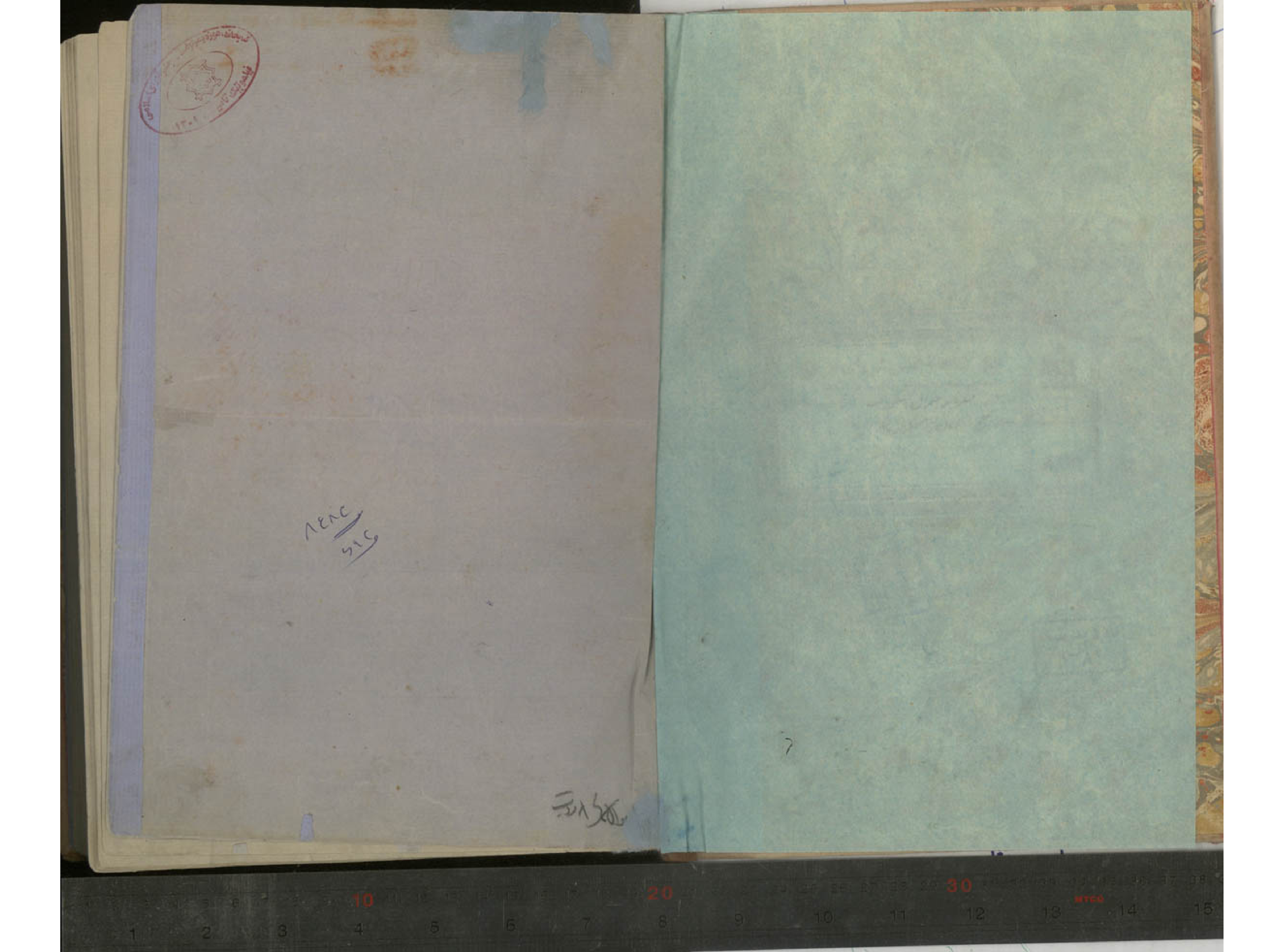

کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
مؤسسة ۱۳۰۲
اسم کتاب سفرنامه جنرال اسکوبلف
موضوع تألیف
شمارهٔ دفتر
بازدید شد
۱۳۸۱





ترجمهٔ

جلد اول

سفرنامهٔ جنرال اسکوبلف فاتح

کوک تپه

از سال

۱۸۸۰ ——— ۱۸۸۱

میلادی

از زبان روسی

ترجمه

جان نثار امان الله میرزا بن شکرالله میرزا بن حاجی

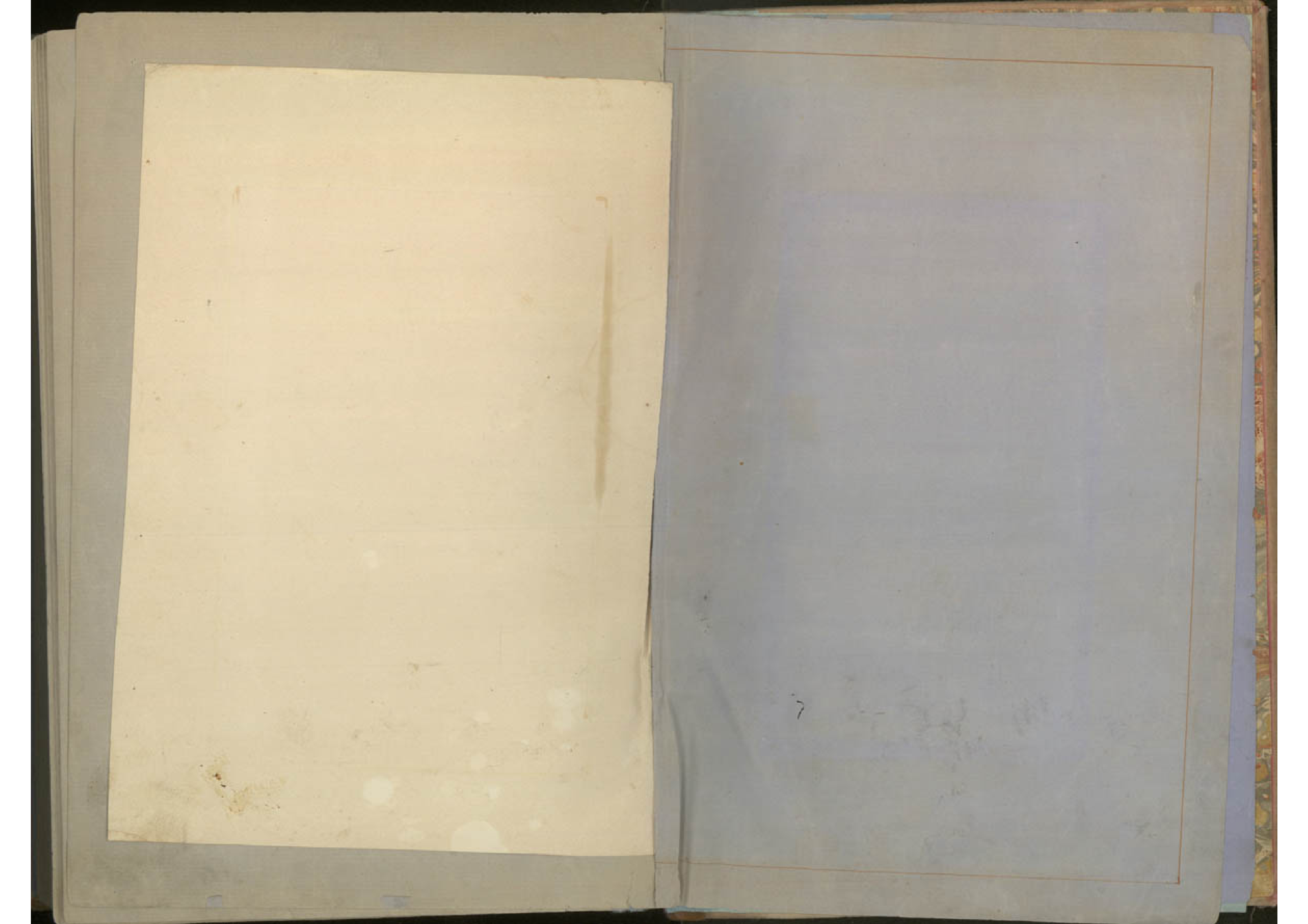
بهرام میرزا بن جنت مکان خلد آشیان

فتحعلیشاه

[illegible] مطبعه [illegible]

در طهران

۱۳۰۳



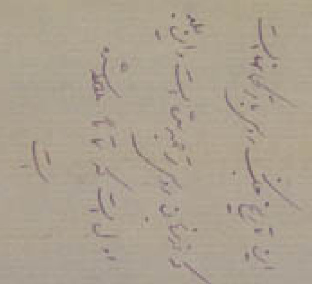


ژنرال آدیوتان اِسکوبلیف

از روی عکسی که در دوازدهم فوریه سنه ۱۸۸۱ در گک تپه انداخته شد

Генералъ-адъютантъ Скобелевъ

Съ фотографіи, снятой въ Геокъ-тепе, 12 февраля 1881 года





جنگ در ترکستان نو

سفر اسکوبلف از سنه ۱۸۸۰ الی سنه ۱۸۸۱

باب اول

شرح مختصری از ماوراء الخزر

قطعهٔ مملکت وسیعی که واقع است مابین بحر خزر و دریاچهٔ آرال معروفست بماوراء الخزر
واین مملکت از سمت شمال محدود است به ریک زار سام و از سمت جنوب
برودخانهٔ گورکان و جبال قپتداق از جانب شرق ممتد است تا ترکستان
افغان
برای آنکه شناسائی و معرفت کامل در حق این مملکت بهم رسانیم ابتدا از منقشلاق
شروع نموده شرح میدهیم

لفظ

لفظ منقشلاق مرکب است از دو کلمهٔ من و قیشلاق یعنی جای زمستانی و واقع است
مابین بحر خزر و جبال اوستیورت و خلیج مرده کولتوک و قره بوغاز
منقشلاق مرکب است از دو شبه جزیرهٔ بزرگ اول شبه جزیرهٔ بزاجی که بتوسط چهار
خلیج جدا شده است اول خلیج مرده کولتوک که این شبه جزیره را از سمت
شمال از خاک منفصل نموده و دیگر خلیج قایداق که از سمت جنوب بشرق او
از خاک جدا نموده دیگر خلیج قره قیچو و قچپاق که از سمت جنوب مقابل یکدیگر
در دو طرف تنگهٔ که این شبه جزیره با خاک متصل است در آنجا واقع
می باشند
ثانیا شبه جزیرهٔ منقشلاق اصلی که بتوسط خلیج قره بغاز که در جنوب واقع است
از خاک جدا گردیده
تمام سواحل شبه جزیرهٔ بزاجی بسیار کم آب است بنوعیکه حتی بازورقهای بسیار
کوچک هم امکان ندارد که نزدیک آن شد در اوقات زمستان تمام سواحل بالکلیه
از بزاجی تا کوریزیو چنان یخ ضخیمی روی آب را میپوشاند که مراوده و آمد و شد
از روی او مابین شبه جزیره و مملکت اورال بکمال خوشی برقرار میشود

ولی در اطراف شبه جزیره منقشلاق چند خلیج واقع می باشند که دارای بنادر
بسیار خوب و جاهای بسیار راحت برای ایستادن و توقف کشتی می باشند
از قبیل لنگرگاه بساریتاش و تیوب قارکان و الکساندربای و
کیندرلی

شبه جزیره بزاچی از منقشلاق بتوسط جبال آق تاو و قره تاو جدا میشود این
جبال در بعضی نقاط بسیار مرتفع می باشند که دسترس بان امکان ندارد
و بقدر چهارصد فوت از سطح دریا ارتفاع دارند

رشته جبال آق تاو که جبال سفید نیز میگویند مرکب است از گل سفید و ابتدا
از ساحل دریا شروع شده الی هشتاد ورست ممتد است و در دیگ خلیج قره
قیچو تمام میشود و اما جبال قره تاو که جبال سیاه هم میگویند بقدر ار و اول
دارای معادن ذغال سنگ فراوان می باشد قدری جنوبی تر از آق تاو دورای
با همان ممتد است و در دیگ اوستیورت تمام میشود

در منقشلاق از سمت خلیج قایداق بسیار کوهستانهای ممتنع الصعود واقع می باشند
که از قایداق در سمت خط نصف النهار ممتد است تا خلیج قره بغاز لیکن ما بقی

منقشلاق مرکب از زمینهای زیاد مرتفع و هموار است که بندرت بعضی دره ها و تپه
کوچک دیده میشود ولی در سمت جنوب دو کوه مرتفع واقع است اول کوه کارا
تینگ که هزار و پنجاه فوت از سطح جزیره ارتفاع دارد دیگر کوه چاپارلی که در سمت شرق
خلیج کیندرلی تقریبا بهمان ارتفاع واقع است

در شبه جزیره منقشلاق سه قسم آب موجود است
اول آب دریاچه که بسیار تلخ و شور است
ثانیا آب رودخانهای کوهی که زیاده از وصف و بیان خوشگوار و بسیار
شیرین است

ثالثا آب چاه در منقشلاق هشت دریاچه های تلخ و شور واقع می باشند و در
بزاچی دو دریاچه چشمه های خوشگوار اغلب در شکافهای کوه جاری می باشند
و بفاصله زیادی که از کوه دور گردیدند نابود میشوند آب چاه پیش از همه جا وفور دارد
در دهات جانگیلدی و توشچوبک و چپه دوندی و کاشتی در اطراف چاه
بزدالی در این ملک چاه آب بسیار است ولی اغلب شور است لیکن بعضی از چاهها
هستند که آب آنها از زمین آهکی عبور میکنند ولهذا بعد از عبور از روی آ

خوشگوار میشوند و یخچالها اگر عمقشان از دو سارژن میباشد (سارژن معادل [illegible])
عموماً هرچه به اوستیورت نزدیک میشوند عمق یخچالها زیاد میشود و باید دانست
که از اسامی یخچالها عمق آنها معین میشود

از این قرار چاههای بسیار کوچک را اسه می‌نامند و چاههای دو سارژنی
را اورپا و چهار سارژنی عمق را کودوک و کویو و شش سارژنی عمق را چین گراو
می نامند

طبیعت عمومی خاک این ملک خاک و شن است ولی بعضی قطعات نیز موجود است
که شن و نمکزار است سرحدات شرقی منقشلاق در دامنه اوستیورت است
از خلیج قایداق ممتد الی خلیج قره‌بغاز لاینقطع ماسه و ریگزار است و در هر مکانی باسم
مخصوصی خوانده میشود

طول این ریگزار قریب دویست و هشتاد و پنج ورست میشود و عرضش مختلف
است از هیجده الی شصت ورست میشود

بحر خزر قریب ششصد ورست منقشلاق را احاطه نموده و علاوه بر آن
خلیجهای بسیار بزرگ و عمیق در اطراف این ملک حادث نموده و این خلیجها باعث

هوای

هوای این ملک بواسطه این آبها معتدل بوده باشد ولی بخلاف ایام تابستان
حرارت زیاد سخت و شدید میشود مخصوصاً در ریگزارها درجه حرارت به
پنجاه میرسد

این اوقات اغلب چاهها خشک میشود در اوقات زمستان هم برودت به بیست درجه
میرسد و بادهای سخت و شدید غیر متحمل شدنی متصل میوزند در اوقات تابستان
این بادها گلوگیر خفه کننده می باشد در اوقات زمستان زیاد سخت بنوعیکه زیاد
خطرناک است و بارندگی هم بسیار کم میشود

چنانکه در سنه [illegible] در قلعه اسکندریه تمام روزهای بارندگی این سال شماره بوده [illegible]
این خشکی متصل هوا از قراریکه تعیین شده است بواسطه بادهای سخت متصلی
است که در تابستان از سمت جنوب شرقی در زمستان از سمت شمال
شرقی میوزد بواسطه این طبیعت و هوای منقشلاق در هیچ نقطه قریه
و نه علف و گیاهی موجود است مگر در بعضی اماکن که بوته‌ها و بعضی علفها از قبیل [illegible]
که برای شتران و گوسفندان و اسبان طوایفیکه در آن صفحات بادیه گردی
و صحرانشینی مینمایند خوراک بسیار خوبی است

با وجود قلت نباتات و بخار و پهلو سوخت در تمام این شبه جزیره زیاد
و فراوان است و سوختشان عبارتست از علفی که معروفست به کیزیار
و علاوه بر آن علف دیگر نیز می باشد که برای سوخت استعمال میکنند
و معروفست به چلیکن و این علف در اول زمستان ریشه بسیار سخت و ضخیم دارد
آنها را بیرون آورده میسوزانند مخصوصاً این علف در شبه جزیره ارجی
فراوانست و تقریباً در تمام اماکن آنجا در همه وقت از ایام بدون استثنا
می روید

درخت در تمام این شبه جزیره بقدری کم است که شماره آنها را بخوبی میتوان دانست
چند درخت توت در دره نزدیک چاه آب خانک بابا در پیت و پنج ورستی
از اسکندریه می باشند که دو قره آنها را مانند مردمک چشم خود نگاهداری مینمایند
و گناه میدانند اگر کسی رگه از آن درختها بشکند و آنها را از چاه مدام آب
میدهند

در سنه ۱ پالگونیک اوسکوف بزحمات بسیار نزدیک اسکندریه باغ
کوچکی بعمل آورد در آن باغ بقدر هزار درخت بعمل آورد که پنجاه عدد آنها

درخت

درخت میوه دارند مابین اینها بزحمات سرباز شاحلوی بجا بستانی بعمل
آورده که از چاهها بواسطه دو ماشین تلمبه آنها را آب میدهند

با وجود همه بدی بعضی از خصوصیات آب و هوای این شبه جزیره زیاد نیک است
برای زندگانی انجا که مرض نوبه بکلی موجود نیست و هوای شب و روز آن
بیک درجه میباشد

حیواناتیکه در این شبه جزیره میباشند گوسفند وحشی و بز وحشی و روباه و
وحشی و از پرندگان اردک و غاز و قوا است

ماوراءالخزر اینجاست که بنظر می آید کم حاصل باشد بلا عمل حصول زراعت که تا
کنون منحصر بود به بعضی علفها و نباتات خوراکی که در سواحل رودخانه ها
بدست می آوردند و آنها را از چاه آب میدادند حال توسط ماشین تلمبه
از سنه ۱۸۷۰ در نزدیکی چاه تا طال و آپار شروع بعمل و استخراج آن کردند و در
این اواخر علاوه بر معادن مذکور معدن دیگر نیز پیدا کرده
اولاً در جائیکه مابین جبال قره تا او و دقنا او در سی ورستی از خلیج
قجاق

[illegible]

ثانیاً در قراکیا در پستی و درستی از خلیج الکسا ندارد

ثالثاً در دیک دماغه تماق که در ساحل خلیج کیندرلین واقع است دیگر

از جمله حاصل این ملک صید و شکار کردن ماهی و تیولن است که در سواحل این

شبه جزیره و در جزایر پراکنده در اطراف و حول و حوش آن کرد در آنجا

می نمایند

عمده نتایج تجارتی سالیانه این محل تقریباً به چهار صد هزار منات تخمین شده

است

امّا اوستیورت که محدود است از سمت مغرب بکوههای طبقه طبقه که از خلیج مرده کولتوک

الی شمال شرقی قره تغار ممتد است و در سمت مشرق بدریاچه آرال و از سمت جنوب

بفاصله زیادی بمجرای قدیم رودخانه آمو دریا (جیحون) ممتد است

لهذا این ملک اوستیورت زیاد مرتفع واقع شده است که از سطح بحر خزر با پانصد

الی ششصد فوت ارتفاع دارد

و بواسطه بلندی و پستی زیاد و درههای عمیق تو در تو بسیار بندرت اتفاق افتاده

بود که کسی از آنجا عبور نماید برای قشون ما عقیده بسیار تحقق شده بود که دسترسی

اوستیورت ابداً امکان ندارد و اگرچه بعضی از مأمورین سپاه ما تمام قسمت شمالی

این بلندی را دور زده بودند از سمت سواحل غربی بدریاچه آرال رسیده بودند

و حتی تا کاسارم رفته بودند ولی با وجود آن گمانشان بر این بود که در صورت لزوم

حرکت قشون ما بجانب خیوه از سمت آنبورگ میتوانند از اوستیورت عبور

نمایند ولی همینقدر اول بهار که بحران آن فصل دیگر امکان ندارد

قیرقیزها همه قسم سعی و کوشش نمودند که عقیده روسها را در اینکه دسترس

به اوستیورت ابداً امکان ندارد ثابت و برقرار بدارند زیرا که این عقیده روسها

برای آنها بسیار مثمر و مفید بود چون در صورت اندک نارضایتی از تحکمات

و تنظیمات روس را آنها فوراً اوستیورت را پناهگاهی برای خود قرار داده

فرار مینمودند در آنجا مخفی و ایمن از جمیع صدمات روسیها بوده آسوده

میگردیدند

بعد از آنکه قشونها داخل اوستیورت گردیدند قیرقیزها سعی کردند

که اقلاً بعضی کارشکنیها از حرکات ما نمایند و میگفتند که حرکت این

قشون جنوب‌تر از قلعه جدید اسکندریه امکان ندارد چونکه آب بسیار کمیاب است

وعلاوه از آن با طاقت گرمای تابستان و تشنگی و بی آذوقگی نداریم تمام

بیم و واهمه های راه اوستیورت در سنه ۱۸۳۹ در هنگام سفر بجانب خیوه بکلی

معدوم الاثر گردیدند

قبل از سفر بجانب خیوه چنین لازم شمرده بودند که از اوستیورت عبور کرده

تمام قشون را در فصل زمستان در یک نقطه جمع کرده که اول بهار تماما از آنجا

حرکت نمایند

ژنرال کرژانوفسکی در اواخر سنه ۱۸۷۳ طرح سفر بجانب خیوه را از سمت ارنبورگ ترتیب داده و برای

محافظت از زحمات و گرمی تابستان اوستیورت تمام قشون و اردوی مأمور سفر

را فصل پائیز در قلعه ایرگیز و امبه جمع نموده و در آنجا اردو زده در اطاقهای چوبی

منزل داده و تمام فصل زمستان را در آنجا بسر برده در اول بهار زودی

از آنجا حرکت کرده پیش روند همین طرح ریزی ژنرال نیز نمایاند عقیده

انها را در امکان نداشتن عبور از اوستیورت که نه تنها در فصل تابستان بلکه در فصل پائیز هم

امکان نخواهد داشت

در حرکت قشون ارنبورگ از اوستیورت در سنه ۱۸۳۹ ابدا هیچگونه مانع و صدمه دچار

انها نخورده تمام عراده و چرخهای توپ بطور آسایش و خوبی از کوه و سنگ

عبور کرده در نهایت راحت تپه و دره های واقعه در این راه را دور زده رفتند زیرا

که قشون ارنبورگ که در سنه ۱۸۷۳ اقدام با سفر کردند از تمام آذوقه و اسلحه و اسباب با لوازم

سفر و حرکت بکلی مسلح و مکمل بودند و از هیچگونه لوازم کمی نداشتند و عموما

بطور یقین میگوئیم عبور و حرکت از اوستیورت برای قشونها در کمال خوبی بدون هیچ

گونه ضرر و خسارت ممکن است و لیکن اگرچه برای قشون

منقشلاق بطور خوبی ممکن نگردید و نهایت خسارت را دیدند ولی سبب و تقصیر

آن بود که بنوعیکه باید و شاید و لازم بود این قشون را از لوازم آذوقه و وسائل

مکمل و مسلح ننموده بودند و علاوه از آن نهایت عجله را در مأمور نمودن این

قشون بعمل آورده بودند

ملاحظه میکنیم که در سنه ۱۸۱۸ در یک دفعه ده هزار شتر از اوستیورت عبور کرده از اهالی

جنوبی به کیفیت رای رفتند در این راه در همه جا بقدر کفایت آب و آذوقه

بدست می آوردند

کمتر ملک دیده میشود مانند اوستیورت علم انگیز و بد زمین آنجا گلی و خاکی است و تقدیری

سخت است که آب بارانیکه در گودالها جمع میشود در مدت چند ماهی ایستد
در این ملک باران زیادکمتر از منقشلاق است لهذا هوای آنجا نیز باعلا درجه
خشکی میرسد بقدری هوا خشک است که در اوقاتیکه قشون منقشلاق از خیوه معاودت
بسمت قشقار نمودند شترانی را که در این راه سقط شده بودند بالحالت اصلی
خود بدون اینکه تغیری در او واقع شده باشد خشک شده و آنها را در آنجا می
یافتند

چاه آب نیز در این صفحات زیاد است مانند سایر ولایات ماوراء الخزر
اما در این ولایات گودی چاه ها بیش است چنانکه چاه از ده و بیست و پنج سارژن
کمتر عمق موجود نیست مثلاً در راه از خلیج کینه درلی به خیوه چاه ها عمقشان از قرار ذیل
می باشند

چاه کی نیز بی سارژن چاه دِ ئو یمای ۲۹ سارژن چاه قزل آخیر هفده سارژن چاه
باچاکیر شانزده سارژن چاه خان یی دِکش آکزوک و کاریک بیست و پنج سارژن و عموماً چاه هائیکه
عمقشان کمتر است آبش شور و تلخ است و چاه هائیکه گودیشان زیاد است
آب آنها طعم گوگرد و بوی ایدرژن سولفوره میدهند اینگونه چاه ها هرچه عمقشان

زیادتر باشد آبشان خوشگوارتر است ولی در آنجا اینگونه چاه ها بسیار کم یافت
میشود

در این مکان بعضی جاها برش ازرسید پیدا میشوند و چاه هائیکه در آنجا حفر میکنند آبهای خوشگوار
خوش طعم میدهند و مخصوصاً اینگونه مکان را برای ده نشینی بر همه مکان
ترجیح میدهند زیرا که آب بقدر کفایت موجود میشود و علاوه بران در این شنزارها
سوخت هم پیدا میشود

خوراک چارپایانشان عبارتست از بعضی علفهای خودروی صحرائی چون
برفها آب میشوند علف خشک سال گذشته نمودار میشود و از همان چارپایان
خود را خوراک میدهند تا آنکه علف تازه بروید و این علوفه زیاد با فایده می باشد
وکفایت از تمام شتران بیابان اغرقی و چارپایان ترقیه می نماید ولی در اوقات
کارهای بسیار سخت قدری جو هم لازم دارند والا از قوه و رفتار باز خواهند
ماند

در حمل و اول ثور اگرچه چندان سرمای سخت نیست ولی باز هم در جزو ایام بسیار
سرد محسوب میشود در این اوقات درجه سرما به بیست درجه میرسد باران نیز در این ایام

بسیار است

از نیمهٔ ثور هوا شروع بگرم شدن مینماید و اندکی نمیگذرد که گرمای زیاد شدید میشود در ماه جدی برف میبارد در دلو و حوت مخصوصاً طوفانهای شدید همه وقت میشود

در فصل زمستان در اوستیورت زیاد خطرناکتر از فصل تابستان است و از قراریکه ملاحظه شده و تجربه رسیده در فصل زمستان حرکت از اوستیورت مهلک و سم است

در جنوبی اوستیورت تپه‌ها و چمن سبز کوچک قطعه قطعه و دریاچه‌های از قراریکه معلوم شوره بسیار است و علامات و مجرای رودخانه خشک شده زیاد یافت میشود و بسیار است

از قراریکه معروف است و میگویند این پستی‌ها رودخانه مجرای عظیمی است که در ایام قدیم در این ملک جاری بوده و معروف بوده رودخانه اکوس (سیحون) و لیکن ترکمانها این مجرای خشک شده را اوزبای میخوانند و این مجرا ابتدا از جنوب غربی دریاچه ساراکامیش بنا شده از اوستیورت عبور میکند

بجانب جنوب میرسد بچاه تقدی در همانجا بر میگردد بجانب مغرب و از نزدیک چاه آدین‌ها پس بالخان کوچک و بزرگ و از آنجا بسمت خلیج بالخان حرکت مینماید در شمال ساراکامیش این مجری چند شعبه میشود

از قراریکه تفحص بسیار شده است این مجری چهار است

اول مجرائی که قدیمتر از همه میباشد در صد و پنج ورستی جنوب شهر چهارجوی واقع است و از آنجا موازی با رودخانه آمودریا (جیحون) حرکت مینماید تا قلعه قاباقلی و از آنجا بر میگردد بجانب مغرب تلاقی میکند با چاه شیخ این مجری معروف است بمجرای اونگیوز مدتی است خشک شده لیکن در کنار و بعضی جاهای بسیار کم عمق موجود است که آبهای خوشگوار و فراوان آماده دارند

مجرای ثانی واقع در ایالت خیوه در نزدیکی شهر خزاسب از رودخانه آمودریا جدا میشود و تمام شهر خیوه را دور میزند و نزدیک شهر خانقلی نابود میشود این مجرا تا این نقطه در همه جا بخوبی معین و معلوم است مگر در بعضی نقاط که شن‌زار است بواسطهٔ شن‌ها کور گردیده در هر نقطه اسم مخصوصی دارد در

اویل یکیاش و بعد یامان قالی قیتان که در آخر تیزخو یا آنکه معروف است
به سینوداری

مجرای سیم که معروفست به داودان و بعضا اهالی خیوه عبور مینمایند و ابتدا
میشود قدری شمال تر از شهر خیوه و شهر تاشاوز و ایلیالی را دور میکند
و تپه و بلندیهای کیزیل ایحاطه کرده از دریاچه تیونیقول عبور میکند و از جنوب
شرقی داخل حلقه سارکامیش میگردد

چهارم مجرای دریالیق که در این عصر در اوقات طغیان رود آمودریا پر از آب
میشود این مجری اهمیت ورستی در مغرب کهنه ارگنج بنا میشود از جانب شمال
شرقی داخل سارکامیش میگردد

اوزبا محل زیاد نیکی می باشد برای بادیه نشینی زیرا که اماکن بسیاری در این
قطعه موجود است که اسباب آسایش برای بادیه گردان فراهم است
و مخصوصا قطعات واقعه مابین چاههای تونی آتان و تاندارلی آب تجدد و فوری یافت
میشود چنانکه در فاصله بود ورست شانزده چاه آب موجود است
که فاصله مابین آنها از یک الی سیزده ورست میشود علاوه بر وفور آب

خوراک

خوراک و علوفه زیاد برای اسبان و شتران آنها یافت میشود که اغلب آنها
بان واسطه بآنجا میروند

در کف مجری اوزبا همه نوع علف و گیاه که در تمام ترکستان یافت میشود بمقدار
زیاد روئیده میشود و علاوه از آن نی زار زیاد موجود است که بسیار بطور
راحت و آسایش سوار با اسب میتوانند در آنجا پنهان شوند و این نیز از اغلب
محل پناهگاه گله گرازهای وحشی است و این گیاه زارها و نی زارها کم کم هر چه
بجانب جنوب پیش میرود تنگ و کم میشود

تمام کف مجری عبارتست از خاکهای نرم و شن که در اغلب نقاط بقدر تپه
جمع شده در بعضی از جاها جزیره نمودار میشود سمت شمال و جنوب اوزبا
از قرار تفصیل ذیل است

اول تپه سنگی و کوهستان بالخان بزرگ واقع است که ارفع محل نقاط او
داق دیریم است که پنج هزار و چهارصد و پنجاه فوت ارتفاع دارد
و بجانب مغرب کوه قیورقانی قره و کوه قوباداق واقع است در سمت شمال بالخان
بزرگ و ریگ راچیل محمد قوم واقع است که از یکطرف ممتد است تا دامنه اوستیو

و از سمت دیگر دو میرسند و از بازارچه و آقچا تا چاه قچا

در سمت جنوب اوزبانیز ریگزار زیاد وسیعی واقع است که بلخان بزرگ را
از بلخان کوچک جدا مینماید و این ریگزار از سمت مشرق الی غیر النهایه میرود
تا به سرحد خیوه

در سمت جنوب شرقی بلخان کوچک رشته جبالی واقع است که قریب سیصد و چهل ورست
ممتد است و در هر محل معروف باسم مخصوصی میباشد اولش موسوم است
به قیورنداق و اندکی دورتر رفته قپتداق است و آخر ملحق میشود با رشته جبال
کلستان بزرگ و سیحی واقعست ما بین رود اترک و جبال قیورنداق و بلخان کوچک
و سواحل بحر خزر یا بکلی شن زار است یا اکثر ملک از بنا بر این
تمام ممالک واقعه در سمت جنوب و سمت سورت مانند دریائی از شن است
و کوهستان بلخان بزرگ و کوچک و قیوریاق قره و قیورنداق مانند جزیره در
وسط این دریای شن بوده اند و این قطعه ملک را ترکمانیه می نامند

رشته جبال قپتداغ در سمت جنوب شرقی زیاد مرتفع میشود بقسمی که در بامی دو هزار
فوت ارتفاع دارد و در امتداد نصف النهار گک تپه سه هزار و پانصد فوت ولی

ولی شعب عمده آن که بجانب شمال است چندان ارتفاع ندارند و در جنوب
بفاصله صد ورست کشیده میشود و کم کم از نزدیکی چشمه رودخانه گورکان
که از مکان حاصل خیز عبور میکند با همین رودخانه ممتد است الی محل ریزش
آن در بحر خزر

بفاصله زیادی در مشرق حکومت درگز که جزو دولت علیه ایران است
رودخانه اترک جاریست که دارای آب و سیلاب زیاد است و در کوهستانها
جاری میباشد در نزدیکی چات از کوهستان خارج شده داخل صحرای
مسطح میگردد در آنجا رودخانه سومبار که یکی از شعب بزرگ آن محسوب
میشود داخل او میگردد

سومبار در نجاه ورستی محل ریزش و تلاقی خود با اترک در نزدیکی دوزالوم
با رودخانه چاندیر تلاقی نموده و چاندیر جزو او میشود از آن محل قدری که حرکت
میکنیم و بسمت مشرق دور میشویم رودخانه تجن را ملاقات میکنیم که
در امتداد دو هزاری با دامنه کوه قپتداق حرکت مینماید بعد از رودخانه
رود تجن رودخانه ژاب مرغاب واقعست که چمن او از نیس مرو بواسطه همین رودخانه

حاصل شده است

بعد از ذکر رودخانهای مذکور معرفت کامل در حق تمام رودخانهای ترکستان
پیدا کرده ایم چونکه در بخارا رودخانهٔ عمده جز آنکه ذکر شد روان و جاری نیست
رودخانهای کوچک چندی دیگر جاری هستند اما چندان قدری ندارند
زیرا که از کوهستان همینکه خارج میشوند بفاصلهٔ اندکی در ریگها نابود
میشوند

بدون ملاحظه بصفات و خواص مختلفهٔ ملک ترکمانیه چه سواحل بحری و چه بری
و چه کوهستانی این قطعه ملک شباهتی زیاد دارد از تازگی هوا و خوبی
حاصل وغیره در این قطعات بیابان زیاد موجود است بسیار وسیع
و در سیصد و پانصد هزار ورست مربع بخزبا در آتش منحصر است بجلده و در اعلا اماکن
اینگونه بیابانها ملک زار است چنانکه در اوز باد دیده میشود در بیابان ریگ روان
ارگ و کوه قیور و اق نیز این چنین بیابانها بسیارند
سرحدات بحری ملک ترکمانیه بسیار مختلف است همینقدر در بعضی نقاط آن دماغه
کوه تا کنار دریا کشیده مکانهای لنگرگاه دارند از قبیل نقاط سویوتو

و تورا و تو چیلج کراسنوودسک با وجود آنکه از اطراف محفوظ است امواج و اضطراب چند
دارد

از جنوب جزیرهٔ چلکن الی سرحدات ایران تمام سواحل زیاد کم آب می
باشند
اما مکانی پاکیزه و خوب برای توقف و ایستادن کشتی ندارند مثلا در چکشلر کشتی
که نه پا به آب فرو میرود در پنج ورستی از ساحل می ایستد و نزدیک تر نمیتواند
رود
در سرحدات ایران بخصوص در دهنه رود قره سو مکانهای بسیار خوب و پاکیزه
برای ایستادن توقف کشتی میباشد
آب و هوای ملک ترکمانیه غالبا گرم است و هوا بشدت خارق عادت خشک
و علاوه بر آنها مغایرت هوا در شب و روز بشدت غلبه دارد مثلا از اول
عقرب الی نیمه جدی و ولو درجه هوا در روز باعلی درجه گرما و حرارت
غیر متحمل شدنی رسیده فورا بعد از غروب آفتاب تغییر میکند و کم کم تا نزدیک
صبح قریب بیست و هشت درجه خلاف بهم میرساند و این مغایرت هوا

بواسطهٔ بادهائیست که بشدت میوزد و طوفانهای سخت در هوا حاصل مینماید

بادیکه از سمت شمال شرقی میوزد درجهٔ گرمی و حرارت هوا را کم میکند

چنانکه مکرر دیده شده که درجهٔ گرمی و حرارت هوا به ۲۷ درجه رسید

باد شمال شرقی بنا بوزیدن میکند مدت دو شبانه روز که این باد

میوزد در روز سیم حرارت به ۶ درجه می آید و بعد از آنکه باد موقوف گردید

فوراً حرارت بدرجهٔ اول باز میگردد

بادهای شرقی زیاد خشک اند اگر چنانکه چند روز بوزند چنان هوا را

خشک میکنند که خفه و هلاک کننده میشود

بادهائیکه از سمت مغرب یعنی از سطح دریا میوزند اندکی هوا را تازه و مرطوب میکنند

باران هم می آورند

بارندگی نیز در این ملک زیاد مختلف است و ابداً هیچ قاعده و قانون کلی

ندارد گاه میشود که در اوقاتیکه ایام و فصل بارندگی است چند ماه

ابداً هیچ نمی بارد و گاه میشود در همین اوقات چون طوفان نوح باران می بارد

و تمام دریاچه و گودال و رودخانهای خشک پر آب میشوند و این دریاچه و گودال

با وجود شدت و حرارت هوا مدت چند ماه متوالی آب را در خود نگاه

میدارند

گاه میشود که باران چند سال میگذرد ابداً هیچ بارندگی نمیشود و گاهی میشود چند سال متعاقب بارندگی

سخت میشود این گونه بارندگی را زور طغیانیهٔ نیل از خود ثابت میدانند و بیادگار

نگاه میدارند مثلاً میوتهائیکه در مغرب کهنه از خیلی مکان دارند و نقل میکنند

حکایت میکنند که در سنهٔ ۱۸۰۷ چنین بارندگی شد و بعد از آن در سنهٔ ۱۸۱۶ و بعد از آن

در سنهٔ ۱۸۳۷ و گویا بعد از آن دیگر چنین بارندگی نکرد تا سنهٔ ۱۸۷۸ که پل های کوچک

دستی بسیار و لوله های راه آهن ریگستان ساخته شد و علامت و یادگار

این باران هنگ قریهٔ بولمو و ریت که از آب و سیل بکلی شسته و در

آنجا سیل گاهی بزرگ حاصل کرده که از ۵ الی ده بارش (از یازده ذرع و

الی بیست و دو ذرع و نیم) عمق دارد و علاوه بر آن در این ملک فقط بعضی

منبع های بسیار عمیق بوجود آورده که متصل دارای آب خوش طعم

خوشگوار می باشند و در هیچ وقت بی آب و خشک نمیشوند

در این ملک هم قدر در امتداد کوه قیستاق کشت و ورع میکنند زیرا که

بواسطه رودخانه‌هائی که از کوه می‌آیند مشروب میشوند و آن زمین آخال که را تازه
وخوش میکنند و بعد از آن قدری شرقی‌تر در امتداد رود تجن و رود مرغاب
آن زمینهای خوب و تازه واقع است که متعلق می‌باشند به تکه آخال
و مرو و دیگر زمین کشت و زرع که نیکوتر و تازه‌تر از تمام زمینهای مذکور
است آنست که در امتداد رود گرگان واقع است از ابتدای سرچشمه آن
الی وسط رودخانه همان حالت است باقی این بیابان بکلی غیر ذی زرع
و دارای شوران و بعضی جاها خشک می‌باشد و تا اول شن‌زارها این
حالت است چونکه داخل شن‌زار میشویم در همه جا درخت طاق و گز
مانند جنگل موجود است

سواحل رودخانه اترک از زمینهای نیکو و حاصل‌خیز است و در اینجا بادیه‌گردان
یموت منزل میکنند و دیگر وسط صحرای خشک از زمینهاست که در پیش در کنار آن
شده بسیار حاصل‌خیز است
رنگهای زمینها همه سبز نشسته (گاهی در کف قطعه معینی زینت میکنند گاه با دیگری نمایند)
از حیثیت زینت در کشت و زرع بر تمام برتری دارند کشت و زرع آنها عبارتست

از پنبه و گندم و جو و قارو و بستان یا در خربزه و هندوانه و بعضاً باغ
انگور و نخودی میوه بعمل می‌آورند غالباً در سواحل رود گرگان نباتات و اشجار زیاد
روئیده میشود
در قپتداق در بعضی جاها و قله‌ها که بار و خانه مجاور رود جنگل بسیار از نارون و
زبان گنجشک وغیره موجود است
از قره ارکه علی‌خان نیکوبد در راه پل تجن و مرغاب بفاصله صد ورست
اشجار بسیار است چنانکه در بعضی محال آن جنگل بسیار و زیاده از حد نظر
می‌آید
در این نقطه چند قسم جانور شکار صحرائی زیاد دیده است از قبیل بز وحشی و گوسفند
وحشی که در جبال یافت میشوند گورخر و گوزن در جنگل می‌باشند
و گراز در نیزارهای اورباو تجن و جبال قبه‌قیق می‌باشد بیش از این جنس دیگر
دیده نشده و گاهی اوقات از ولایت استرآباد یوز و ببر بسواحل
اترک می‌آیند اما چندان بجاهای نزدیک و مسکون نمی‌آیند و مکان
نمی‌کنند ولی در تجن ببر همه وقت موجود است و از آنجا گاهی

برخاب نیز نمی روند

از جنس پرندگان پیش از همه تیهو و قرقاول یافت میشوند و گاه هم عقاب و قوش
دیده میشود و در نزدیکی بعضی چاهای آب نیز پرندگان کوچک دیده میشود اما
عوض همه حیوانات حشرات الارض در جاهای بدون استثنا موجود هستند از قبیل رتیل
و ملخ و عقرب و رطیل که در هر قدم چه در خاک و چه در کوه دیده میشود اما
مخصوصا در قیور (?) ... ذاق و قپسداق (?) و نهان زیرک (?) این حشرات الارض بیشتر
از همه جا یافت میشود

راه عمده ممالک ماوراء الخزر از قرار تفصیل ذیل است

راه از قلعه اسکندریه به آخر شبه جزیره براچی (?) که در هنگام زمستان از روی یخ عبور
میکند از قیوریو قوروق (?) باید بگذرد از قلعه اسکندریه تا ساحل دریا که یازده
منزل است دویست و هشتاد ورست میباشد چاه آب در این راه چندان گود
و عمیق نیستند و بقدر اندازه کفایت دارای آب خوش طعم و شیرین میباشند
و خوراک چارپایان و سوخت نیز بقدر زیاد و فراوان موجود است کاروان
این راه را در مدت دوازده روز میرود ولی قشون توره در مدت شش روز

طی میکند

ثانی از قلعه اسکندریه به شهر کراسنوودسک ششصد و هیجده ورست طول دارد لهذا کاروان
زودتر از مدت بیست و چهار روز نمیتوانند برود قشون توره دو هفته به آسانی و نهایت خوبی میروند
در این راه بیست منزل در کنار چاه می باشد و آب این چاهها در همه جا خوشگوار
و زیاد است و راه آنجا اغلب شن زار است در همه جا بخوبی و آسانی میشود عبور
نمود

ثالث از اینبای (?) ... به کراسنوودسک که شش هزار و ششصد شتر از بیورک (?) در هنگام سفر جنگی
... و ... از آنجا عبور کردند در باب دهم مفصلا ذکر خواهیم
کرد

رابع راه از قلعه اسکندریه به خیوه راه کاروانی از قلعه اسکندریه به خیوه
که از منقشلاق و اتیوریت (?) عبور میکند نیکوترین راه از ساحل شرقی بحر خزر به خیوه
محسوب میشود در این راه کوه و دره نیست و کلی مسطح است و عراده گاری
بخوبی حرکت میکند شن زار این راه از باشکدوک (?) است الی پیش قستی (?)
چاه آب نیز در این راه زیاد و بسیار است و هم آب و خوشگوار هم مقدار زیاد (?)

او آزنیس فاصله زیادی کم آبست که تقریبا بیش از هشتاد ورست نمیشود
و تمام این راه هزار و چهارده ورست است

راه از نیمندری به خیوه قریب صد و چهارده ورست می باشد و در همان راه است
که در سنه [illegible] قشون [illegible] از آنجا عبور کرده است

خامسا در این اواخر خوانین تاجرهای عسکر بر روی بردن های رود خانه [illegible] ساخته اند
تا من خلیج مرده گولوک که از او ستیورت عبور میکند و فاصله آن چهارصد و
چهل و هفت ورست است حرکت از این راه زیاد است ولی مشقت و پر آب است و خوراک
چارپایان نیز بسیار فراوان است از قراری که معلوم میشود آینده بعد از این
خواص بسیار خواهد داشت و فواید بیشمار خواهد داد

سادسا راه کراسنوودسک به خیوه از قزل آتا و آقلامیش و قچا و کهنه ارگنج
و قولت هشتصد ورست است در سیصد ورست اول آب به قدر کفایت
یافت میشود از قوم تپه شن تا و چاه آب زیاد کم یافت است و از چاه
دقچا بعد جزو اوزنس خیوه محسوب میشود

هفتم راه از کراسنوودسک به چکشلر از کنار خلیج بالکان از روی کیقسید تا قاری میگذرد

سیصد و هشتاد و چهار ورست است تمام راه یکسان نمی باشد بعضی شن زار و اغلب
شوره زار است علوفه چارپایان کم یاب و غیر مطبوع است ولی چاههایش
به قدر کفایت دارای آب خوشگوار و چندان گود نیست

هشتم راه از چکشلر به چاه ایقدی که از اوزبای میگذرد و فاصله این راه چهارصد و
بیست و دو ورست است جزوی از او از کنار دریا میگذرد و بعد از آن از
دامن بالخان بزرگ و کوچک و بعد از میان مجرای اوزبای خاک این راه اغلب شوره
زار یا شن زار یا باطلاق است و چاههای آبش نیز بسیار بد و کم آب
و نامطبوع است و اغلب بوی ایدروژن سولفوره میدهد

نهم از ایقدی به خیوه قشون ترکستان در هنگام سفر جنگی بجانب آخال
که در سنه ۱۸۸۰ و ۱۸۸۱ از این راه عبور نموده شد و تفصیل این راه را در باب
سفر جنگی این قشون به آخال که بمعاودت آن متصل است عنقریب بیان و ذکر
خواهیم کرد

دهم راه از گوک تپه به اوزنس خیوه از کهنه ارگنج الی موکشیر که از چاههای ایگدی
سالیش و هام تیبار و دربند و لایلی و قزل چاقویی ششصد و پانزده ورست است

اینجا ده زیاد بلند است برای حرکت حتی تکیده‌ترین قشون بسیار کم عمده چاه‌های آبش
کم شیرین است شیرین است ولایتی مخصوصاً از چاه لالی الی زنوک شیر که صد و نود و دو
ورست فاصله است ابداً هیچ آب نیست برای سختی و مشکلی عبور از آنجا همینقدر این
علامت و دلیل بزرگ کفایت میکند که در تمام امتداد این راه استخوان حیوانات
ریخته است حتی آنکه کاپیتن نایب که مأمور رسیدگی تحقیقات این راه بود استخوان
انسان که بکلی در حالت تشریح باقی مانده بود بسیار دیده است تمام راه
شن زار و سوخت زیاد است

یازدهم راهی که از امتداد رود اترک و رود سومبار به آوزیس آخال تکه میرود
از چکشلر اول فاصله‌ی سی ورست بجانب جنوب میرود از آنجا بعد راه در ساحل
راست رودخانه واقع است ولی اگر از چکشلر بخط مستقیم بجانب مشرق حرکت کنند
یعنی بطرف چات قره‌جه باتیر در آنصورت دو منزل راه نزدیکتر میشود این راه از چات نیز
میگذرد محل تلاقی و ریزش رودخانه سومبار در اترک نیز در امتداد این راه است
و از آن نقطه بعد راه در ساحل راست رود سومبار واقع میشود طرف
راست هر دو رودخانه جنگلهایی واقعند که بکلی خالی از رعیت است

نزدیک قیورمذاق که بیرسیم راه داخل کوه میشود در این جبال دو جاده است
اولاً در قزل آروت که از دوزالوم میرود به چشمه دیگر چشمه قیشلوق چشمه
در نزدیکی این چشمه کدوکی واقع است که تقریباً دو هزار پا از سطح دریا ارتفاع دارد
و بلند است

ثانیاً راهی که از دوزالوم میرود بجانب قریه بامی در هر دو این راه آب شیرین
و خوشگوار بمقدار زیاد موجود است

فاصله از چکشلر به قزل آروت سیصد و بیست ورست است و از چکشلر به بامی سیصد و پنج ورست

دوازدهم از خلیج میخائیلوفسکی به آخال تکه

این راه از جهت آب بسیار مشکل و دشوار است چونکه اولاً چاه‌های آب در آنجا بسیار کم است
ثانیاً اغلب چاه‌ها آبشان تلخ و شور است بقسمی که حیوان هم نمیتواند از آن
بنوشد و بوی بد دارند سولفوره میدهند علوفه و سوخت بسیار کم یافت این راه
نزدیکترین راهی باشد از ساحل دریا به آوزیس چونکه بیش از دویست
ورست نمیشود دسی ورست اول در شن زار واقع است نزدیک آنچه توپیا
ازگذره و گدوک بالخان کوچک میگذرد از آن جهت این محل مشکل و سخت است

چونکه از چند دره های عمیق باید بگذرند از آن بعد الی آخر تمام مسطح و عبور از آنجا
آسان است

سیزدهم راهیکه از اوتین آخال تکه میکشند و نزدیک قزل اروت با میشود از دامنه
کوه قیتداق عبور میکنند ره فاصله دویست و چهل و دو ورست است و از آب سیاری
بسیار حاصلخیز و انواع نباتات موجود است

چهاردهم راه های مروانی از ایرانیها میگویند هست اما از وجود آن چنانکه باید مطلع
نیستیم چونکه در ایام سفر انکلیسی کولیف تحقیق از اسم مرور شنیدیم که موجود است و از اهالی
اروپ کسی نتوانسته بود بآنجا رود مگر بارنس نایب که از جانب چارجوی
خود را بمرو رسانده و از آنجا به سرخس آمد در این اواخر علیخان نایب از عشق آباد حرکت
کرده قدری از اوتین مرور گردش نموده معاودت نمود و دیگر نازیف
که از مشهد بمرو رفته و از آنجا بجیحون از کالج کالی قاری بند هفتاد و شش ورست است
این راه زیاد بی آب است و بعضی از نقاط آن شوره زار اما از حیثیت سوختنی بسیار معروف
و مشهور است از قاری بند تا قوشوت خان قلعه صد و شصت و [illegible] ورست است
صد ورست آن جنگل است پاره از محل آن بقدری انبوه است که عبور از آنجا بسیار سخت و

مشکل است

مشکل است در این راه دو چاه آب پیش نیست و در آخر بیست و چهار ورست آن ریگ
قدمش زار است و بعضی جاها شوره زار

تمام این راه از عشق آباد به مرو در صورتیکه از کالج کا عبور کنند صد و سی و سه ورست است
در هنگام معاودت کاروان از کنار دریاچه الامان چو نقول میکنند

صد و سیزده ورست آن صحرای بی آب و بی جدی مشکل و خطرناکست عبور از این [illegible]
که سوار ترکمان نیز از آن بیمناک و متوحش اند و از آنجا باختیار خود عبور نمیکنند
مگر در صورت بسیار لزوم

از عشق آباد تا قوشوت خان قلعه صد و پنجاه و دو ورست است راه از مرو که بطرف قریه خواجه
و جیحون میرود از سار آب و آذین عبور میکند

در [illegible] توسط نازیف نایب معین و رسیدگی شده است از قره [illegible] دیلمت
کرد کر میشود

فاصله تمام راه دویست و سی و هشت ورست است در تمام این راه جز دو محل چاه آب
نیست اما در هنگام لزوم در شن زارها بعضی گودالها که شبیه قیف می باشند
حفر کنند آب خوشگوار بیرون می آید سوخت در عرض راه همه جا زیاد موجود است

علوفه چارپایان بسیار کم یاب است در اغلب منازل نمک گلی موجود است در بعضی از نقاط
راه بعضی تپه و دشتهای شن زار یافت میشود که از هیجده الی بیست و هشت ذرع ارتفاع دارند
این تپه‌ها برای حرکت قشون و توپخانه زیاد ممانعت دارند در جهات مشکل و زیاد
توپها را بجا میگذارند بهترین فصل برای حرکت کردن دسته قشون از این راه
فصل زمستان است یا اول بهار در این راه علاوه بر آبهای چاهها بعضی غدیرها
یافت میشود که هر وقت دارای آب باران و برف می‌باشند و اگر
مدتی بگذرد که باران نشود آب این غدیرها خشک می‌شود از قراریکه
کاپیتان بوتکوف معین نموده و کار رسیدگی کرده است در سنه از جیحون بعضی
راههای دیگر هم موجود است چنانکه قشون خان خیوه محمد امین که برای تنبیه و گوشمال
اهالی مرو و برای غارت و خرابی سرخس رفتند از یکی از این
یکی از این راهها که کاپیتان بوتکوف مینویسد عبور نمودند از همین بابت معلوم
میشود که این راه بر تمام راه دیگر امتیاز دارد فاصله از جیحون یعنی از
چارجوی و بوردالیک و قاباقلی وغیره به مرغاب واسطه است مابین دویست و سی الی
سیصد و شصت ورست
راه از چارجوی مخصوصا معروف

و مشهور است بواسطه آبهای خوشگوار فراوان و علوفه ممتاز و جنگلها و اقسام مختلفه
نباتاتیکه در تمام راه موجود است

و در راه از چارجوی به مرغاب نیز این چنین ملاحظات بسیار است
بعد از این در خاتمه شرح مفصلی از تمام راهها و منازل و چاهها خواهیم داد که این راهها
بعد از سفر جنگی با بچه خان معروف شده و منازل و عده چاههای آب چقدر فرده
شدند

شرحی در باب اینکه قرقیزها و ترکمانها در کجا ساکن هستند قرقیزها در قشلاق منزل دارند
و ازاچی و استیورت بندرت بطرف جنوب سمت منزل میکنند ترکمانها در باقی ممالک
ماوراء الخزر ساکنند و علاوه بر آن قریب چهارصد خانوار از آنها
در منقشلاق در سواحل بحر خزر از قلعه اسکندریه الی خلیج قره بغاز بادیه
گردی میکنند نیمه شهرنشینی روسها در سواحل بحر خزر از سنه ابتدا و اول
شد چونکه بعد نموده نیکلای اول امپراطور روس نزدیک خلیج قایداق
قلعه جدید اسکندریه را برای آنها بنا نهادند و چندی نگذشت که این قلعه را
بکلی خالی کرده و بعوض او در منتهای غربی منقشلاق قلعه نوپطروفسکی را

ساختند که برودی اسم آن تغییر پیدا کرده معروف بقلعهٔ اسکندریه گردید و اینک
این قلعه یک شهر جنگی کوچکی است و در واقع محل حکومتی (پای تخت)
تام حکومت منشق است در پنج ورستی در شمال این قلعه محلی (قریه) بنا نموده
برای ماهی گیری و بالفعل که بزرگ و آباد شده است معروف است به نیکلا
یوفسکی

تا [illegible] در این سواحل بجز آنکه ذکر شد ابدا محل مسکونی نبود ولی از آن بعد بخیال
این شدند که بندری برای ایستادن کشتی ها در ساحل شمالی خلیج کراسنوودسک
بسازند در [illegible] باین فکر شدند ولی باز مدت ده سال دیگر طول کشید تا اقدام
باین کار نمودند در نهم نوامبر ۱۸۶۹ ابنای شهر کراسنوودسک را نهادند و اینک بسیار بزرگ شده
و تمام عمارات و خانه‌هاشان مانند بناهای اروپ ردیف و پهلوی یکدیگر ساخته
شده است و یک شهر کوچکی ترتیب یافته است و نقطهٔ عمده است برای ایستادن کشتی
هائیکه بجانب ساحل شرقی بحر خزر می‌آیند
بعد از بنای کراسنوودسک در آن اوقاتیکه مامورین روس مشغول ملاحظات و تحقیقات در
خصوص ممالک ترکمان که در کنار بحر واقعند بودند پالکونیک استولتوف در نقاط ملاقاری و خلیج

میخایلوفسکی و تاش ارواط قلعه قراوال تعیین نمود و بعد بخیال آن شد که تاش
ارواط قلعه را که دارای چشمه آب شیرین است و در صد و پنجاه ورستی از اترک
واقع است محل دسته قشون اردوی جمعی خود نماید و علاوه بر آن چنین
دانست که زینت داری نقطه منافع و فواید پلتیکی و تجارتی هم خواهد داشت
در سنه اول دفعه چکیشلر بتصرف در آمد و نزدیکترین نقطات بسرحدات
ایران و با امتداد جریان رود اترک که طوایف یموت در آنجا صحرانشینی میکنند
و از آن تاریخ ببعد چندین دفعه دیگر هم چکیشلر بتصرف در آمد و مکرر از
دست داده شد عاقبت در سنه ... مستحکم گردید و لیکن محل سکنی نیست از
هر حیثیت زیرا که چاه هائیکه در اطراف آن میباشند بسیار بد مزه و در موسم
آن کشتی نزدیک تر از پنج ورست بساحل مانده نمیتوانند بیاید و مرض
و نوبه های سخت دائم وجود دارد بخصوص در وقتیکه از طرف خلیج حسن قلی
باد میوزد و از نبات سیل های بزرگ که اغلب می آید هیچ چیز کفایت برای
نگاهداری اردوی قشون ندارد و لیکن از جهت حرکت جنگی بجانب اترک و
آخال تکه بهترین نقطات است چونکه از کنار رود خانه اترک حرکت میکنند و بسیار



КРАСНОВОДСКЪ.

کراسنوودسک

راحت است

نقطه جنوبی تر از همه نقاط ساحل شرقی بحر خزر جزیره آشوراده می باشد که در
نزدیکی محل ریزش رود گرگان در بحر واقع است و این نقطه منزل اول بحری
استراباد است

از قراری که در عهدنامه ترکمن چای قید شده است دولت روس حق دارد که
در بحر خزر بیدق جنگی بحری و کشتی های مسلح جنگی داشته باشد و بعوض او مجبور است
که دزدهای بحری را کلی موقوف نماید

در اواخر ۱۲۵۳ دولت ایران بتوسط وزیرمختار روس که مقیم طهران بود اظهار نمود
که میخواهد قراول و ساخلو در جزیره چلکن برقرار و معین نماید و خواهش رضایت
و اتفاق دولت روس را در اینباب نمود لیکن این خواهش قبول نشد ولی
دولت روس برای رفع و دفع ترکمانها در ذمه بعهده گرفت که در ساحل جنوب
غربی بحر خزر متصل کرجی ها (کشتی های جنگی کوچک که در هنگام حرکت
تند و چابک باشند) مداوم نمایند و بنابراین لازم شد که در این ساحل جنوب
غربی منزل یا بندری بسازند زیرا که این نقطه که کرجی ها در آنجا باید

بلنگر

باشند از بندرهای بزرگ روس حاجی طرخان و پطروفسکی بسیار دور بند و این کرجی ها
نمیتوانند متصل از این ساحل برای ذغال سنگ بآن بنادر بروند چونکه تمام
سواحلی که این کرجی ها باید از آنجا عبور کنند تا برسند بحاجی طرخان و پطروفسکی زیاد
کم آب می باشند و برای حرکت کرجی ها خوفناک است و بنابراین ملاحظه آشوراده را
بنا نمودند و چندی نگذشت که تمام ترکمانهای اطراف آن و ترکمانهائیکه تا
گردی میکنند در اترک و گرگان اطاعت رئیس آشوراده را نموده رعیت روس
گردیدند و بر وجود آشوراده که قلیل جمعیتی داشت عمده که پیدا نمود میان ترکمانهای
اترک و گرگان و رئیس آن که کارش منحصر بود به بعضی امورات
بحری رئیس و حاکم بالاستقلالی برای طوایف اترک و گرگان گردید از قراری که
مسکوبیه از کار احتیاط و تدابیر بسیار بکار بردند از آنجمله چنین قرار دادند
که آنکه هائیکه (ره زنقها) در بحر برای کسب میروند گمرک معینی بدهند
و بلیت بگیرند دیگر از میان خود آنها نورگلدی خان را منتخب کردند و سالی
سیصد و شصت منات مواجب برای او معین نمودند و به او اجازه دادند که
بعوض هر بلیت که میدهد سه منات بگیرد و خان متعهد گردید که در صورت

غارت و یا دزدی که از آنها سر زند اولاً از عهده آنچه را که به سرقت برده‌اند بر آیند
و ثانیاً غارت کنندگان و دزدان را البته پیدا کرده تسلیم دولت نمایند
انتخاب و معین کردن خان بر قدر و تسلط رئیس‌ها افزود زیرا که این خانان را زیاد
گرامی میداشتند هم موجب اهمیت بواسطه در آمد و مداخل آنها ولهذا اکثر ترکمنها به عقیده خود رئیس
را شخص بزرگی شمرده و اشخاصیکه از حاکم استرآباد ظلم و تعدی میدیدند پناه
به او برده در تحت حمایت و رعیتی او در می‌آمدند

قیرقیز و اوزبکها که در خیوه و بخارا ساکن‌اند اصلاً از نژاد تاتار و مغول میباشند در هنگام
حرکت روسها به جانب آسیای مرکزی بعضی از قیرقیزها بمیل خود تابع و رعیت دولت روس گردیدند
در هنگام سفر جنگی به ترکمانیه قیرقیزهای اردوی بزرگ و متوسط و کوچک حتی
آدائیوهائیکه با این رود [?] با دیگر کردی میکنند بکلی تبعیت دولت روس را قبول نمودند
در سنه اغتشاش و شورش بزرگی مابین آدائیوها بر پا شد و در این اغتشاش
پالکونیک روکین کشته شد لیکن این اغتشاش مدتی نکشید که مبدل به امنیت گردید
آدائیوها بقدری مایل به اطاعت و تبعیت دولت روس بودند که در هنگام سیاحت
و تحقیقات بعمل آوردن ما از خصوصیات و کیفیات ممالک از میان خودشان راهی

ادایها

دویست شتر و شتربان و راهنما چپارصد نمودند حتی آنکه ژنرال لاکین از آنها کدسته

قشون جنگی ترتیب داده لیکن ژنرال اسکوبلف در هنگام ریاست خود آنها را موقوف نمود

و از میان آنها کدسته سوار بارگیر قیقاچ رو ترتیب داد که برای بعضی خدمات از قبیل

جاسوسی وغیره بودند

تیمور قرا با واسطه کلاهای مخصوص خود معلومند اسبان آنها زیاد کوچک و پرقوت می باشند

ترکمانها مسکونند در ملکی بسیار وسیع که عبارتست از ده هزار میل مربع و محدود است از جانب

با ایالت خیوه و بخارا و ترکستان افغان و ولایت هرات و خراسان و استرآباد و اغلب آنها

در سرحدات مذکور زندگی میکنند و جمعی قلیل در جزو افغان رود خانه مرغاب یعنی در روی پس

مروی میباشند در این عصر سه ربع ترکمان تابع ...

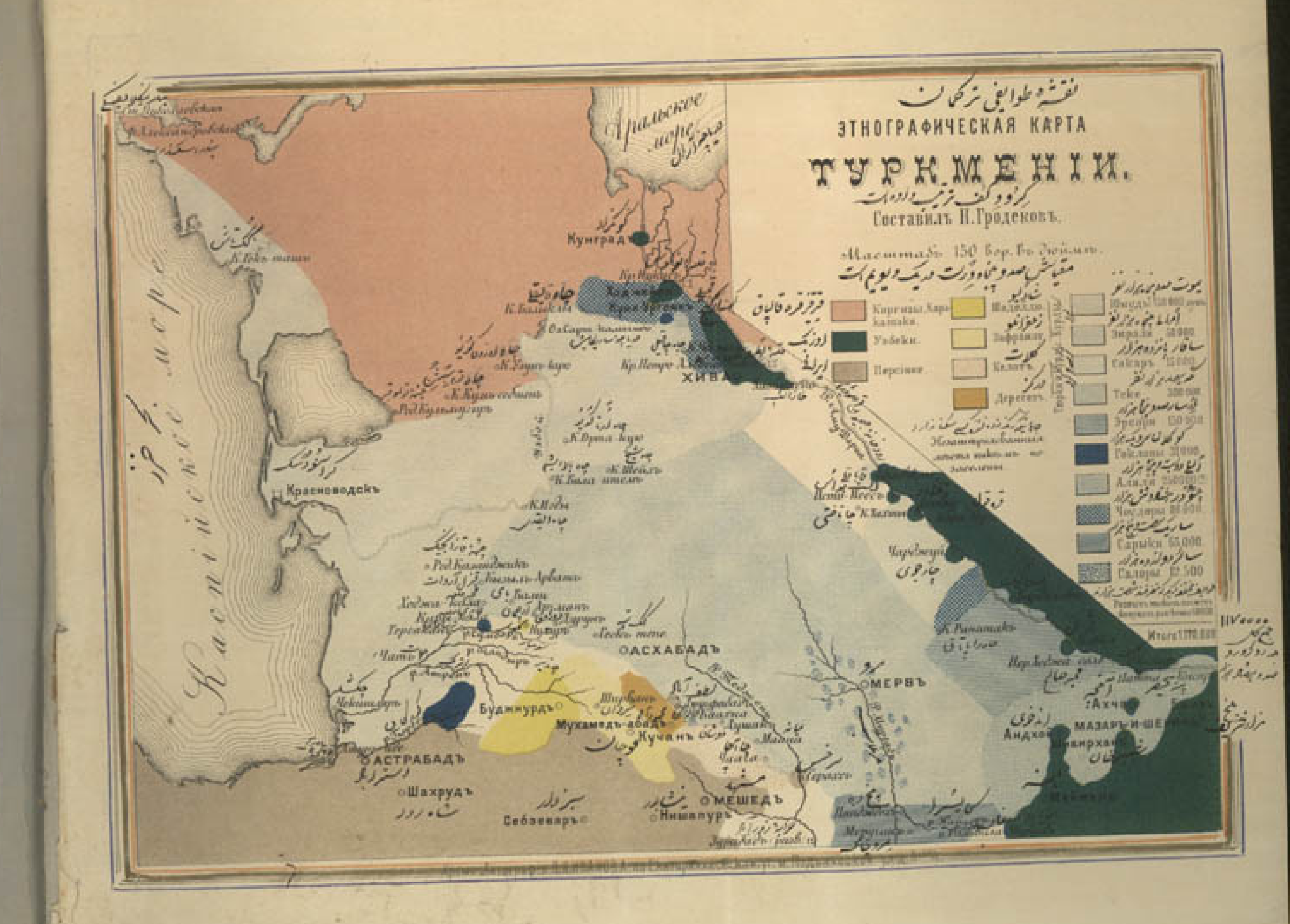
اطراف را آنها حافظه و زندگی می باشند ترکمانانیکه در جنوب غربی خیوه منزل دارند تابع

خان خیوه می باشند ترکمانانیکه در ساحل چپ رود خانه جیحون از اتبه پائین تا ترکستان افغان ساکنند تابع بخارا هستند

و بعضی از موتهاشکه زمستان را در مابین دو ترک و کرکان بسر می برند تابع ایرانند حال کم ...

روس شده اند

در خیوه طوایف ترکمان ذیل می باشند



اولاً یموت که آنها نیز دو تیره میشوند بیرام شالی که در سرحدات خیوه می باشند دیگر قره
چوخا که گاهی در اراضی مابین ارک و گرگان گردش میکنند و گاهی در متصرفات روس
جمعیت ایشان بالغ از قراری که میگویند و پطرویچ تعیین میکند از پانزده الی بیست هزار خانوار
می باشند (آلاچیق) ثانیاً چاودری که عده ایشان هزار آلاچیق میشوند
ثالثاً امرالی که تا ده هزار آلاچیق هستند
رابعاً آتا که نه هزار آلاچیق است
خامساً آلیلی که هزار آلاچیق است و دیگر شش طایفه کوچک هم هستند که جمعیتشان کم از
پانصد آلاچیق است تمام طوایف مذکور بزراعت و گله داری مشغول میباشند برای فصل زمستان
در جنوب غربی ایالت خیوه جاهای مخصوص دارند از این قرار یموت و گوکلان و آلیلی و [illegible]
و امرالی نزدیک ایلیالی چاودورها از قیچیلی و کهنه ارگنج الی قیچاق و تاشاووز و غزوات و آتاها در [illegible]
و منازل تابستانی اینها را وستورت کشیده میشود لیکن جاهای تعیین ندارند از قرار شمار مذکور
ترکمان خیوه به هشتاد هزار آلاچیق میرسد ولی از قرار شماره پطرویچ شماره تمام جمعیت ترکمن و از آن قرار [illegible]
معلوم میشود ترکمان خیوه پنجاه هزار آلاچیق که مرکب از دویست و پنجاه هزار نفر باشند میشود و در زمان کاوفمان
در ۱۸۷۳ برای برقرار کردن مالیات همین عدد پطرویچ را قبول نموده است

ترکمانهای

ترکمانهای خیوه از قدیم الایام تاکنون در خیوه بمنزله پریتوریانس و ینیچاریهای
قدیم روم را داشتند (دسته گارد مخصوص امپراطور روم بودند) که
بسیار محترم و مشهور بودند و بر تمام اصناف مردم برتری و رجحان داشتند و اغلب
هر چه که میخواستند بزور شرارت و هرزگی جهه خود میگرفتند) و اغلب در اوقات
جنگ خان خیوه با خان بخارا و ایران و اعظم قشون خان خیوه از این ترکمانها
بوده است و رسم عمومی از این بود که هر یک از خانهای خیوه که احترام
و طرفداری ترکمانها را داشت در تمام امورات پیشرفت داشت همیشه
بر دشمن و مدعی خود غالب بود و بنابر این ترکمانها خود را بر تمام اصناف
مردم رجحان میدادند و بلکه اغلب در امورات داخله حکومت
خیوه هم مداخله میکردند و جنگهای داخله برپا مینمودند و اغلب خانهای خیوه
را بسته به آنها برقرار و معزول مینمودند تا سنه ۱۸۷۳ ترکمانهای خیوه در بعضی
امورات اجازه انحصاری داشتند و در میان خود یک دسته مخصوص
جهه گارد خان خیوه معین مینمودند و مالیات و غیره نمیدادند اگر
هر آینه خان در بعضی از کارهای آنها اعمار و در خواهشهای آنها

کوتاه می‌نمود محل خطر و هلاکت خان می‌بود و بطور اجماع داخل شهر می‌شدند
و جبراً مجبور میکردند خان را که خواهش و میل آنها را بانجام رساند و بلکه
خان را میکشتند چنانچه قوتلو مرادخان را در عمارت حکومتی خود خفه نمودند

بعد از آنکه قشون روس بساحل جیحون آمدند مرو و ترکمانها با خیوه بکلّی
متروک شد خان خیوه به ژنرال کافمان اظهار نمود که من در صورتی اطاعت
و تبعیت دولت روس را قبول میکنم که در تمام موارد خیوه بالاستقلال
و مسلّط باشم و جهت آنکه تسلّط و استقلال من در تمام ایالت خیوه برقرار
باشد لازم است که ترکمانها را تنبیه و گوشمال نمود بنابرین ژنرال
کافمان قشون روس را باملاک و زمینهای ترکمانها فرستاد و آنها را
بکلّی در تحت اطاعت خان خیوه در آورد و از آنها مالیات دیوانی بست ولی
بعد از آنکه قشون روس از ساحل بسیار جیحون دور شدند ترکمانها
که مثلهای بی رضایتی و دلخوری از بعضی تنظیمات جدید و از مساوی نمودن
آنها را با تمام اهالی خیوه داشتند بنای طغیان و شورش را نهادند
و چندین دفعه شوریدند تا آنکه در سنه ۱۸۷۳ و سنه ۱۸۷۶ دوباره قشون

روس بآنجانب رفته و آنها را ساکت و منظم نمود و بعضی خان خیوه از آنها
مسلط و مستقل نمود که خود خان شخصاً سوار شده و در میان ترکمانها رفته
جمع‌وری مالیات مینمود

ترکمانهائیکه در هر دو ساحل جیحون منزل دارند

یعنی از ایست پوان تا قبچه صالح متعلقند بخارا و این ترکمانها عبارتند از طوایف
ذیل سالقار که مرکب از سه هزار آلاچیق هستند چاودر که مرکب از دویست
آلاچیق میباشند و ارساری که از قراریکه نظر و سویچ معین میکنند
مرکب از سی هزار آلاچیق است این شماره ارساریها که نظر و سویچ کرده است
تقریباً بسیار زیادتر با شماره که کاپیتان آرنداریکو کرده است و مدتهای
مدید در ایالت بخارا گردش میکرده می‌باشد چنانچه این کاپیتان سی و چهار هزار
آلاچیق معین کرده است جهت تمام این ترکمانها نیز مالیات معینی برقرار
و تعیین شده است

یک گروه دیگر از ترکمانها ترکمانهای رود اترک و کرکان میباشند که
جزوی آنها تمام سال را یا بعضی سال را در سرحدات ایران ساکن شده‌اند و آنها

عبارتند از یموتها که طایفه قره چوخا میباشند و گوگلان

یموت قره چوخا بدو تیره قسمت میشود اول آق آتابای و دیگر جعفربای شماره
آنها از قراریکه پطروسویچ تعیین میکند جعفربای مرکب از ششهزار
آلاچیق است که چهار هزار و پانصد آلاچیق آنها بادیه گردند و سه هزار و پانصد
آلاچیق دیگر شهرنشین یعنی در یک نقطه ساکن و متوطن هستند و اما آق
آتابای مرکب از هشت هزار آلاچیق است که چهار هزار و پانصد آلاچیق آنها بادیه
گرد و دو هزار و پانصد آلاچیق دیگر شهرنشین هستند از این تمام یموت قره چوخا
مرکب از پانزده هزار آلاچیق که هشتاد و چهار هزار نفر میباشند از این جمعیت
نه هزار آلاچیق نه ماه در ساحل راست اترک میباشند و شش هزار آلاچیق آنها
در سمت شمال اترک شهرنشین میباشند و تمام باقی آنها در کنار
اترک در خاک ایران ساکنند

و اما زراعت آنها — یموتها حاصل زراعت زیاد دارند تمام
اطراف اترک و گرگان و قجه نفس را از اول خاک آلتی آق قلعه زراعت
میکنند و جعفربای همه ساله بیست و سه هزار پود گندم و هزار و دویست

پود برنج

پود برنج زراعت دارند که در سالهای خوب گندم بیست و در سالهای بد
گندم هیچ بر نمیدارند

یموتهائیکه در کنار آب ساکنند بیش از پانصد کرجی و زورقهائیکه باندازهای
مختلف دارند و از این پانصد قریب سیصد و پنجاه آنها آنچنانند که
هر یک در سالی بیش از هشتاد منات مداخل بصاحبان خود میدهند و شغل
زورق بانان اغلب صید و حمل ماهی است و حمل نفت و نمک از چله کن
بسواحل و بنادر ایران قبل از ساختن و بنا منزل اول بحری آشوراده
باشد کار زورقهای بزرگ آن بود که ترکمانان در آن نشسته
کشتیهای تجارتی ایران را در دریا غارت و یغما مینمودند بلکه بعضی از شهرهای
ایران که در کنار آبست نیز ترکمنها غارت و ویران مینمودند

و اما طوایف گوکلان آنها ساکنند در سمت مشرق یموتها
و آنها بکلی شهرنشین و تابع دولت ایران میباشند و بشمار شش هزار
تومان مالیات آنها است که همه ساله باید ادا نمایند شماره و عده آلا
آلاچیق و نفوس گوکلانها از قراریکه اشخاص مختلفه تعیین کرده اند بسیار

محلف است لیکن باکلین که در استرآباد مشغول بوده است چهار هزار آلاچیق
آنها را تعیین نموده است بارون بوده در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و دو آنها را
دو هزار و پانصد آلاچیق مینویسد و دیگر بلارامبرگ که در سنه ۱۸۳۶ [illegible] در ایران بوده است
آنها را نه هزار خانوار تحقیق مینویسد و عجب در اینست که حکومت مالیات بخورد که
مالیات از آنها میگیرد آنها را هزار و هشتصد آلاچیق محسوب میدارد (گوکلانهائیکه تابع
او هستند) مالیاتی را که به گوکلانها بسته اند بنا بر ظلم و تعدی که با آنها
میکنند حکومت بجنورد چهار مساوی دریافت مینمایند چنانچه شش هزار
تومان را بیست و چهار هزار تومان اخذ میکنند

از قراریکه پطرویچ میگوید جمعیت
گوکلانها قریب شش هزار آلاچیق میشود و این تخمین بسیار نزدیک و موثق است
با شماره و تعیینیکه کارپرداز روس یحیی بیک که مدتی مقیم بجنورد بوده و
مراوده و آشنائی کامل با آنها داشته و بطور تحقیق شماره آنها را معین
نموده است
از قراریکه بارون بده مینویسد این قطعه ملکی که واقع است مابین جبال قبداق

و رشته جبال البرز بر تمام ممالک شمالی ایران تفوق و رجحان دارد زیرا که دارای
آبهای فراوان و زمینهای با مصرف بسیار و چراگاههای شایسته و جنگل
میباشد و دیگر ملک خوب و آباد ملک گورگان است که زمینهایش از
اطراف محصورند در سمت شمال و شمال شرقیش جبالهای بسیار مرتفع و در
سمت مغربش بحر خزر که همه قسم نباتات و اشجار در آن سو اصل موجود است
و همه قسم اشجار از قبیل درخت نارنج و لیمو و هلو و ریح و پنبه و نخود
و نیشکر موجود است و با اعتقاد بارون بده ملک گوکلان همان گورکان قدیم است
که گورکان نیز میگفتند و در وسط این ملک دهستانی واقع بود که در هنگام
سفر اسکندر ذوالقرنین با ایران و نقشه آن امکان گردیده بود
از تمام دهات و آبادیهای مذکور در تمام قطعات واقعه
در امتداد قاری قلعه از اترک و قپچاق الی اول آبادی بجنورد بجز میش قلعه
و کات لیش هیچ آبادی و احدی ساکن نیست و اغلب کوهستان است که
در آنها آثار دهات و شهرهای خرابه موجود است و از تمام آن آبادیها
دو آبادی پیش نیست اول قاری قلعه و دوم نخوز و تمام آبادیهای دیگر

بواسطه حمله و غارت ترکمانها مخروبه و ویران شده و از قراریکه
پطرسوسویچ مینویسد آنچه که طوایف ساکن در آنجاها داشتند از مال و زن و بچه
و حیوانات و غیره متعلق بود به ترکمانها که اعلی دشمن جان و مال آنها بودند
قبل از آنکه شروع

به احوالات ترکمانهای ترکمانیه مخصوص نمائیم لازم دیدم که چند کلام از
احوالات قاری قلعه بگویم که اهمیت بسیار دارد چونکه یکوقتی نقطه
بسیار عمده بود جهة دولت ایران و سیاحان و مسافرین دولت
انگلیس از این قلعه کاغذ پرانیها میکردند بولایات ترکمانهای همسایه
قاری قلعه واقع است در دامنه جنوبی کوه قپتداق و نزدیکست به دره
رود سومبار و مجاب که دست رس آن بهیچوجه امکان ندارد و در
کمال آسانی ممکنست خودداری و محافظت در این قلعه نمود از سوارهای [illegible]
گکلان پانزده فرسنگ دور است و از ولایت بجنورد بیست فرسنگ است
بنابراین اسباب طبیعی قاری قلعه آن بوده است که اغلب خود را
یاغی و همدست با سایر ترکمانها نموده و متصل مشغول غارت و خرابی باشند

وباین لحاظ

و باین لحاظ این قلعه بنائی شده بود که جنگ ایرانیان در این نقطه برپا باشد
و علاوه بر آن همیشه نوشتجات دیپلوماتکی مابین دولت ایران و دولت
روس در راه باشد و بعضی اخبارات و اطلاعات جغرافی و تاریخی
نیز ما بواسطه این راه حاصل نموده ایم از آنجمله یکی آنست که در سنه ۱۸۳۷
قشونی مکمل و مسلح از ایران بسرداری نواب والا شاهزاده فریدون میرزا
بجانب ترکمانهای مقیم آن قلعه آمدند همینکه قشون ایران نزدیک گردید
ترکمانها قلعه را خالی کرده و کوهائی که در نزدیکی قلعه واقعند فرار نمودند
و بهیچوجه امکان نداشت که تعقیب آنها را از آنجا پیدا کرده و بیرون
بیاورند بنابراین قشون ایران بمقصود خود نرسیده مراجعت نمودند
در اوایل سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه السلطان بن السلطان بن السلطان

ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه

در ولایت خراسان بواسطه سالار شورش و طغیانی برپا شد و مقصود سالار آن بود
که ولایت خراسان را بکلی از دولت ایران مجزا نموده و خودداری بحث

ریاست آنسامان کردد ولیکن از شورش و طغیان زودی اندک
بهرجهتی آنسلطان جمجاه بدانجانب مبدل بامنیت گردید سالار و اشخاص فتنه
جوی دیگر بمکافات خود رسیدند لیکن داماد سالار جعفرقلیخان ترکمان
مجال بوده از خراسان فرار کرده بقاری قلعه متحصن گردید و در انجا استدعای
عفو و بخشایش تقصیرات از پیشگاه اعلیحضرت اقدس همایونی درخواست نمود
و اشهریار جمجاه بتعهدهای او را پذیرفته او را بمنصب سرتیپی و حکومت استراباد
سرافراز و مفتخر گردانیدند و چون جعفرقلیخان در چشم ترکمانان بزرگ
مینمود و بیم و امید همه او در دل ترکمانان بود در هنگام حکومت استراباد
زودی توانست ترکمانهای یموت و گکلان را تابع دولت ایران نماید و آنهارا
از دزدی و غارت ایران باز دارد

در سنه ... در زمانیکه بی نظمی و اغتشاشات کلی در خیوه رخ نمود بیش از چهار هزار
آلاچیق از یموت و گکلان که تابع و رعیت بدخان خیوه بودند از انجا کوچ
کرده بخاک ایران متوطن گردیدند و این مهاجرین میل و رغبت تمام عرض
نموده که بتبعیت دولت ایران را میکنم درصورتیکه اجازه داده شود

که در اطراف حول و حوش قاری قلعه مقیم گردیم جعفرقلیخان جهة انجام
مقصود استدعای ترکمانها مانعی در نظر ندیده اجازه بآنها داده
لیکن میرزا آقاخان صدر اعظم بخاکپای اعلیحضرت همایونی معروض داشته
که همسایگی و نزدیکی ترکمانها بخاک ایران جهة دولت ایران بسیار
خطرناکست و در ضمن معروض داشته که جعفرقلیخان حاکم استراباد بعضی
خیالات بیهوده در باطن دارد بنابراین شاه فرمود بجعفرقلیخان که
این ترکمانها را از اطراف قاری قلعه رانده دور نماید و جای دیگری
جهة سکنای آنها تعیین نماید در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و هفت جعفرقلیخان
تهیه سفر جنگی نموده قاری قلعه را احاطه نمود لیکن در جنگ چنان
ترکمانها با او مقابلی سخت نمودند که جعفرقلیخان مجبور شده توپهای خود را
از دست داده عقب نشست و کم مانده بود که تمام قشون او بواسطه نقصان
آذوقه وغیره تلف کردند

چندی نگذشت یعنی در سنه یکهزار و هشتصد و پنجاه و هشت مر
جعفرقلیخان حاکم استراباد اقدام بسفر دیگر بانجانب نمود و رسیده پیش از

ده هزار سپاه در اطراف قاری قلعه جمع نمود ترکمانها که این سپاه
قوی و بسیار را ملاحظه کردند دریافت نمودند که از عهده مقابلی با آنها
بر نخواهند آمد بعضی از آنها مراجعت بمنزل اول خود خیوه نمودند برخی
دیگر از آنجا نقل مکان کرده به او آزین اخال که ساکن گردیدند جعفرقلیخان
قلعه را بکلی متصرف شده به استراباد مراجعت نمود

این اتفاقات بر نفرت
و دشمنی ترکمانها نسبت با ایرانیان پیش از پیش افزوده و چندی نگذشته
که دولت ایران بعوض فتحی که در قاری قلعه نمود ضرر و خسارت
کلی دیده زیرا که بعد از مراجعت جعفرقلیخان از آنجا تکه‌ها دو مرتبه قلعه را
متصرف شدند و متصل حملات بخاک استراباد مینمودند و حتی آنکه اهل
یرت و کوکلانهائی را که تابع دولت ایران بودند نیز غارت میکردند و آنها
را در سنه هزار و هشتصد و شصت و نه دولت ایران مجبور شده که قشونی
تازه باینجانب بفرستد و سرداری لشکر را از جعفرقلیخان حیدرقلیخان بجنوردی را
تعیین نمودند

حیدرقلیخان قلعه را بیورش مسخر نموده تفصیل آن مفصلا بطبع رسیده بعد از این بیکار
این قشون که بجانب قاری قلعه حرکت نمود مرکب بود از توپخانه و سواره و پیاده
منظم و اکراد قوچان و بجنورد در هنگام جنگ از تیرهای توپ ابدا آسیبی بمحصورین
قلعه نرسیده لهذا مجبور شده یورش بردند چند دفعه یورش برده شکست خورده
عقب نشستند تمام آنها از گرفتن قلعه ناامید گردیدند و در واقع هم بود
گرفتن قلعه بهیچوجه امکان نداشت در این بین یکنفر از اهل بجنورد که به اسیری
در این قلعه افتاده بود بر دیوار قلعه آمده و بنا کرد بفریاد کردن تفنگچیها که
قلعه را احاطه نموده بودند و بالفاظ رکیک ناپسند انها را بیدل
خوانده و فریاد نموده که آیا فراموش میکنید که زنها و اطفال و برادران
شما گرفتار چه زحماتی شدند در این قلعه و لعنت بسیار بر آن اکراد کرد که تمام
آنکه هوا اکر بطور رسوائی در وقت یورش عقب نشستند سخن آن جوان با تمام قشون اثر نمود
کردها را بر خود مخمر نمود که یکدفعه دیگر نیز یورش بقدر امکان بدانجانب بردند و
بجنورد را بجانب برجی که جلوتر از همه بود و نتیجه یورش بسیار مانع بود
روانه نمود و در این دفعه حمله و یورش بقدری زود و بحرکت شد که کرده شد

که فوراً قلعه مسخر گردید محصورین تقسیم بجتاکینه و مجروح بودند که بعد از آنکه آنان
داخل قلعه گردیدند نمیخواستند زنهای آنها بدست دشمن گرفتار و اسیر گردد
بچه خود را هلاک مینمودند و بسیاری از زنها از شوهران خود استدعا مینمودند که آنها را
بدست خود بکشند تا آنکه گرفتار فاتحین قلعه نگردند

بعد از این هنگامه

بزرگ آنچه را از ساکنین قلعه باقی مانده بود بجنورد نقل مکان داده و قاری قلعه را
بطایفه از گوکلانها که پیش از تمام طوایف ترکمان مایل بتبعیت دولت ایران
بودند واگذار نمودند که در آنجا ساکن و مقیم باشند با وجود آنچندی نگذشت که
این گوکلانها نیز شروع بغارت کاروان نمودند

در هنگام سفر جنگی بجانب

آخال تکه در سنه هزار و هشتصد و هشتاد دیگر قشون از قاری قلعه عبور نمودند و بتصور اینکه
از حملات تکه ها گوکلانها قلعه را گذارده از آنجا کوچ نموده بودند در سنه هزار و
هشتصد و هشتاد و نه ساکنین قاری قلعه از روس استدعای کمک نمودند و از وقتیکه
گفتگوی تعیین سرحد ایران و روس گردید ژنرال اسکوبلف چنین تصور نمود که

قاری قلعه‌جه ما هیچ نفعی نخواهد داشت ممکن است از آباد دولت ایران واگذار

نمود با وجود آن تعلق بخاک ما گرفت

اینکه لازم است بر ما که ذکری مختصر از

طوایف ترکمانی که قبل از سفر ما بوطن خاک وحشیانه صاحب و متصرف این محال که

بوده‌اند نمود

در او از بسکره و آخال و تمام آنجاها نهائی که از یکطرف به اوزبا میرسد و از طرف

دیگر تا حدود اوازیس خیوه طوایف بسیاری منزل دارند که موسوم‌اند به تکه و ترجمه

لغوی آن یعنی بز است این طایفه بدو قسمت بزرگ منقسم میشوند اول تختامیش و دیگر

اوتامیش و اوتامیش نیز بدو تیره میشود یکی سیچمز و دیگر باخشیداشیاک و همچنین تختامیش

نیز بدو تیره منقسم میشوند اول بک و دیگر وکیل

اطلاعاتی که در خصوص تکه‌ها داریم

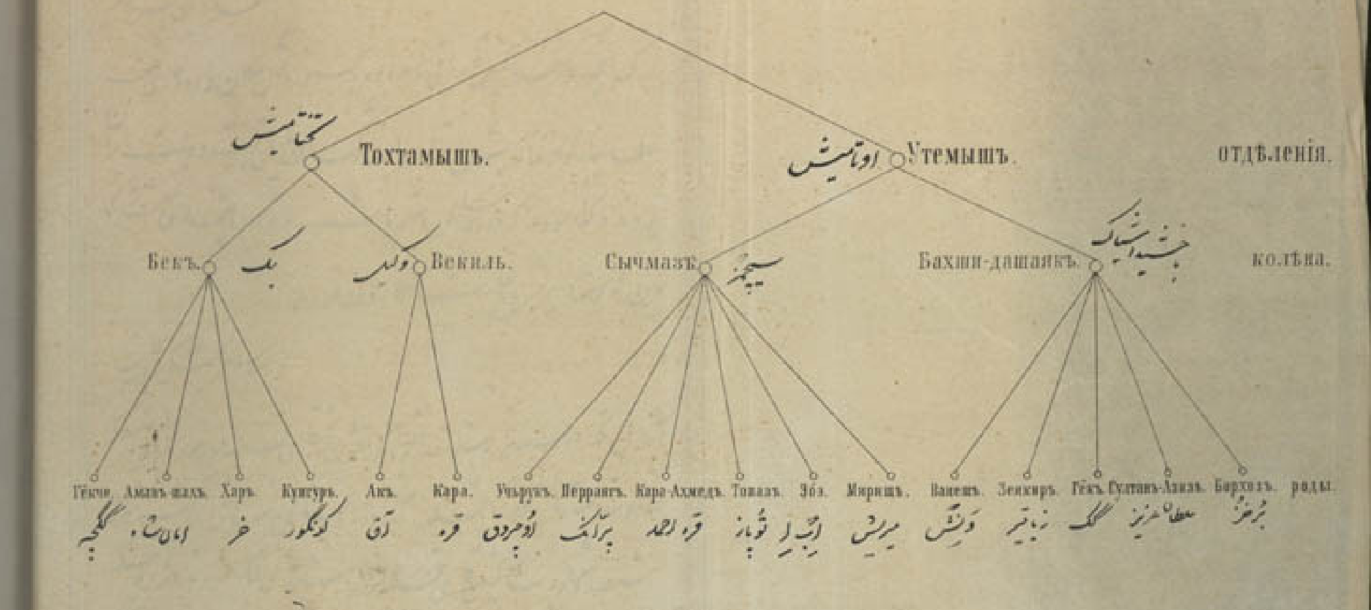
آنست که پالکونیک کریلاتوک می نگارد و از قرار رکیا و تعیین میکند جمعیت تمام

آنها در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و یک قبل از آنکه پراکنده شوند مرکب

بوده از هفتصده هزار الاچیق که از قرار تفصیل ذیل در دهات و نقاط ذیل سکنی کنند

اصل و نژاد طوایف تکه

РОДОСЛОВНАЯ ТЕКИНЦЕВЪ.



تحتامش پاپ

درگیا اورس	۱۰۰	الاجق
درباقه	۲۹۰	الاجق
درگلچپ	۴۰۰	الاجق
قپچاق	۳۸۰	الاجق
اگجو	۱۰۰۰	الاجق
لپالیاجار	۲۰۰۰	الاجق
باسمی	۳۹۰	الاجق
لشی	۲۰۰	الاجق
دورون	۳۰۰	الاجق
اتا او	۹۰۰	الاجق
جمع کل	۵۰۵۰	الاجق

تحتامش وکیل

درعشق آباد	۱۰۰۰	الاجق
کشی	۲۰۰۰	
ارزکند	۲۰۰	
باب عرب	۱۰۰	
تیولکی یاپی	۲۰۰	
قابجیک یاپی	۴۰۰	
پوکرپو	۱۰	
کاخشال	۵۰۰	
کمیی	۳۰۰	
کیاریز وکلته	۳۰۰	
آق تپه	۵۰۰	
کاراگال	۵۶۰	
قزل آروات	۱۰۰۰	
دورون	۳۰۰	
اتا او	۹۰	
جمع کل	۶۱۵۰	

اتامیش

اتامیش سیچمز

درانا او	۹۰	الاجق
گک تپه	۲۰۰۰	
یاراجی	۶۰۰	
بویورمه	۸۰۰	
جمع کل	۳۴۹۰	

اتامیش باخشی اشیاک

درمیراوا	۱۱۰	الاجق
گرتوقسه	۵۷۰	
یاسماصالح	۶۰۰	
بوزمه ای	۱۰۰۰	
بقرزون	۳۰۰	
مورچه	۱۸۰	
سوکچه	۴۰	
درچمان	۳۰۰	
آنا او	۹۰	
جمع کل	۳۲۱۰	

علاوه براین هیجده هزار آلاچیق از طوایف لکومات ایسپلا توگه دوازده هزار آلاچیق که بادیه
کردی میکنند معین میکنند که تمام ساکنین آخال شماره او سی هزار آلاچیق میشود

شماره تکه های

مرو از قراریکه بطرو سوج تعیین میکنند چهل و هشت هزار آلاچیق است
جهة رسانیدن آب بزمین و حاصلهای خود تکه ها در رودخانه مرغاب سدی بسیار
بلند بسته اند بواسطه آن سد بیست و چهار نهر بزرگ و کوچک از رودخانه مرغاب جدا نموده اند
تمام زمینهای مرو را بواسطه رودخانه مرغاب بدو جزو مساوی قسمت میشود که
آب رودخانه هم بطور مساوی نصف بیکطرف و نصف دیگر بطرف دیگر میرود

تمام نهرها

باید در هر سالی یکدفعه پاک و تعمیر نمایند نهرهای کوچک بهر کس تعلق دارد خودش
باید بخرج خود تعمیر و پاک نماید ولی نهرهای بزرگ و سد بزرگ را باید همگی
بطور اجماع از عهده تعمیر آن برآیند چنانچه رسم است از هر بیست و چهار خانوار
یک عمله باید جهة این کار بفرستند و در این صورت جهة اینکار دو هزار عمله جمع میشود
و از همین معلوم میشود که تمام شماره آنها به چهل و هشت هزار خانوار یا آلاچیق میرسند

علیخان نایب شماره تکه های مرو را سی و شش هزار آلاچیق تعیین میکند
و چند طوایف کوچک دیگر نیز در اوارز ساریق و غیره مرو معین میکنند که با تمام چهل
و شش هزار آلاچیق میشود نازیرف نایب نیز تمام تکه های مرو را سی و شش هزار
آلاچیق میگوید ولی میگوید در تمام اوارزهای مرو ساکنین قریب پنجاه هزار
آلاچیق میشود آب اوارزهای آخال عبارتست از بعضی رودخانهها و چشمه های کوهستانی
که از سمت شمال رشته جبال قپت داغ جاری میباشند این رشته
جبال در سمت جنوب بیشتر بسیار مرتفع تر از نقاط شمال عرضش است و رودخانهها که
در سمت شمال جاری میباشند بسیار پرآب تر از سایر رودخانههای اطراف
آن میباشد و باین لحاظ تکه ها خود اغلبشان مابین گک تپه و گیاورس
ساکنند و کمترشان مابین قزل آروات و گک تپه میباشند تمام طول
اوارزیس ۲۴۰ ورست است که قریب سی و هشت فرسنگ میشود و عرض بیشتر از دو ورست نیست
که قریب سه فرسنگ است تمام دهات تکه ها از اطراف دیوارهای قطور و مرتفع کشیده
شده است مانند قلعه های بسیار محکم و اغلب این دهات در کنار رودخانههای
کوچک بنا شده است در کنار هر رودخانه یک یا دو یا بیشتر قریه ساخته شده است

معروفترین دهات آنها از این قرار است در کنار نهرهای قنبرباش دهات باقرچاری
قلعه و گلجه و بلاج قلعه و قیچاق و همچنین عشق آباد واقع میباشند و در کنار رود قرلوخ
دهات بیشام و ارلنه و اقعند و در کنار رود فیروزی نیز بود قریه نوبنده این
و در کنار رود سکیز بات قلعه یعنی قلعه و کیپ تپه و کهنه تک تپه و اغلان واقع میباشند

تکه ها در اثنای قرن

گذشته بواسطه تعدیاتیکه از خانات قلیش دیده که موسوم به آتوکا بوده است نزدیک کوههای
بالخان نقل مکان نمودند و در سنه اول با دولت ایران مصاحب نمودند و موبهار از انجا رانده
و ازانجا هم حرکت کردند بجانب مشرق پیش رفتن تا حدود رود جاهه غرب اول دفعه
بامی و بورمه و آرچمان و گوک تپه را گرفته ساکنین آنها که از مالی بودند از انجا
به ایالت خیوه کوچ نمودند و چندیکه گذشت تکیه اکه ساکنینش از مالی بودند
و دوره نزاکه ساکنینش از بابا کرد بودند و عشق آباد که ساکنینش الیلی و گوکلن بودند
مسخر نمودند و در این اواخر که ما هم مسند بدیم آنها او و گیا اورس را که
آنیسی و کرد منزل داشتند مسخر نمودند تمام این طوایفیکه گرفتار تعدیات
تکه ها گردیدند در تحت تبعیت دولت ایران بودند

تکه ها بعد از آنکه

تکه ها بعد از آنکه این ممالک را بکلی مسخر نمودند خود را بهمان قسم تابع خان خیوه خوانده و مالیات
نیز باو میدادند از قرار هر خانوار در عرض سال یک شتر و همیشه چهل نفر بهم
گروگان از ایشان در نزد خان میبود خانهای خیوه فرمان بخانهای
اخال میدادند و تکه ها هم در صورت احتیاج وکلا از جانب خود
بطهران میفرستادند و خانهای آنها فرمان از اعلیحضرت سلطان ایران
میگرفتند و مخصوصا آنها پیش از همه احترام و گرامی میداشتند نادر
را داوراقاتح اخال میخواندند و در ایام سلطنت او یکدفعه الامان جزئی
از کردها نمودند و لهذا تلافی صدمه که از کردها بانها رسیده بود
مجبور شده الامان نمودند و همیشه در حین اتفاقی فورا چند نفر از خود
را بحضور نادرشاه نمودند که از او وضع و مصرحی نمایند سبب واقع شدن
الامان را بعد از فوت نادرشاه جنگ و زد و خورد اخالها با ایرانیان
تجدید شد و متصل بدرجات بسیار سخت بر پا بود تا کنون و همه وقت
اسباب هنگ ها از اینان بود که میخواستند اخالها را در تحت ریاست
و تبعیت خود نگاهدارند چنانچه حاکم خراسان میرزا حیدر با سپاهی

بزرگ بجانب آخال حرکت نمود و کلیه آنجا را محاصره کرد تمام تکه ها در این نقطه
بجایات تکه دیگر جمع شدند و مدت محاصره بیش از یکماه گردید آخرالامر
شبانه تکه ها بیرون آمده جمعی زیاد از آنها را بکشتند و تمام اردوی آنها را
برهم زدند و مجبور نمودند میرزا حیدر را که فوراً مراجعت نماید

چندی نگذشت

که میرزا حیدر بار سپاهی گرد آورده دوباره بجانب آخال حرکت نمود و این دفعه
آق تپه را محاصره نمود ولی در این نوبت نیز شکست فاحش خورده مراجعت کرد
این فتوحات تکه ها را بسیار جلوه و بزرگ نمود در نظر ایرانیان چنین گمان
نمودند که بزودی و آسانی میتوان خراسان را غارت نمود و غنایم گران بدست
آورد بنابراین شروع بالامان نموده و متصل در کار بودند

بواسطه زیاد شدن

ساکنین و زراعت و کمی آب تکه ها مجبور شدند که جهة خود جاهای تازه پیدا کنند
که راحت تر باشد و این در سنه ۱۸۳۰ واقع گردید که بتصدیق و قول اکثر بزرگ
ده هزار خانوار از آنها بریاست اراض خان آمدند بساحل رودخانه هری رود

رودخانه تجن و در اینجا بنای قلعه تجن را نهادند که اراضی قلعه نیز نامیده
چندی نگذشت که رودخانه نیز معروف به تجن دریا گردید و ترکمانهای
ساکن آنجا نیز معروف بتکه تجن شدند

تمام طوایف تکه بدون استثنا همیشه مردمانی بودند وحشی
و دزد و غارتکننده اگرچه آنها در آخال شاه منزل داشته اند لیکن غارت
و خرابی آنها در تمام ممالک وسیع واقعه در اطراف و حول و حوش سکنای
آنها استمرار داشته تمام سرحدات شمالی ایران که ولایت درگز و قوچان و بجنورد
باشند متصل تاخت و تاز و غارت میکردند و از مسکن نمودن آنها در تجن جهة آنها
ممکن شد که غارت خود را در جنوب شرقی نیز بنمایند بخصوصه در ولایت
خراسان بعد از آنکه تاخت و تاز آنها روز به روز بیشتر شد در سنه ۱۸۳۰ الهیار خان
آصف الدوله حمله بسیار سخت بجانب آنها در تجن برد و تمام منازل آنها را خراب
و معدوم الاثر نمود و مجبور نمود آنها را که باز بآخال مراجعت نمایند و بعضی
از آنها تعدی و بخت گرفتند که خود اراض خان با چند نفر از روسای طایفه
خدمت آصف الدوله آمده و استدعا نمودند که به آنها اجازه دهند که در رود

سرخس منزل نمایند یعنی در ساحل است رودخانهٔ هریرود این مکان محلی بود چه آ
ودی آبادی و سبب خرابی آن اینست که تا اول سنه ۱۸۳۲ ترکمانهای سالر در این
محل منزل داشتند و چون آنها غارت از خاک ایران میکردند لهذا
ایرانیان حمله بآنها برده تمام آبادیهای آنها را خراب و ویران نمودند
و آنها را از آنجا فرار دادند و آنها بعد از آنکه از همگان فرار نمودند بکلی
از توانائی زیست در آنجا مأیوس شدند در قریهٔ پولتان که در کنار رودخانهٔ مرغاب است
منزل نمودند

آصف الدوله از آنها گروگان گرفته و بآنها اجازه داد که در نزدیکی سرخس منزل نمایند
این طایفه چون دیگر قوهٔ غارت ایرانیان بر خود ملاحظه نموده و هیچ جا
هم مکان نداشت که با خاک دست اندازی نمایند بنابراین بنا نمودند بغارت کردن
اهالی خیوه و بخارا و ترکمانهای سالور سارق را در زمان محمد امین در خیوه سلطنت
مینمود خود شخصاً بسرخس آمده و تشدد و تعزیر بسیار بآنها نموده جانشینی بعوض
خود در سرخس نشانیده با پانصد نفر سرباز و خود از آنجا بخیوه مراجعت نمود
بعد از آنکه تمام امورات آنجا را منظم نموده خود

محمد امین را بخارا رفت مدتی نکشید که شورش نمودند و جانشین محمد امین را بقتل رسانیدند
و تمام قشون خیوه که در آنجا بودند معدوم نموده بنای دزدی و غارت را
از نو تجدید نمودند بنابراین جسارت آنها در سنه ۱۸۵۵ محمد امین خود شخصاً بسرخس
آمده و بعد از چند زد و خورد دیگه با آنکه هجوم‌ها نمود جملهٔ آخر شکست خورده و خود او
گرفتار شده او را بقتل رسانیدند و از آن تاریخ بعد تا حالی که بخیوه
میدادند ترک نمودند

ترکمانها بعد از این فتح تعدی جسور شدند که بنای
غارت را از همه طرف نهادند حتی بخارا و خراسان را در این وقت در خراسان
شورش و طغیان سالار پسر آصف الدوله شدت دیده کرده بود بعد از آنکه از جانب
اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه کل ممالک محروسهٔ ایران سلطان ناصرالدین شاه قاجار
سپاه بخراسان آمده و این شورش سالار را بکلی مبدل بامنیت نمود حاکم
خراسان نواب فریدون میرزا بخیال آن افتاد که گوشمالی بترکمانها
دهد با سپاهی بدانجانب روانه گردید در این سفر شاهزاده بر دشمنان چیره و غالب
آمده شکست فاحش بآنها داده صد و پنجاه خانوار از آنها بگروگان گرفته

مظفر و منصور مراجعت نمود ولی افسوس چندی نگذشت که بعد از مراجعت فریدون
میرزا شرارت و هرزگی آنها از نو شروع پیدا کرده و در این دفعه سلطان مراد میرزا
میرزا بسرخس رفته آنها را شکست داده بکلی از سرخس فرار نموده بمرو رفتند در مرو
سنه ۱۲۷۱ طوایف ساریک منزل داشتند تکه بمحض ورود بنای جنگ سخت را با آن
طایفه گذارده و میخواستند که بزور و جبر آنها را از مرو بیرون کرده
خود در آنجا ساکن شوند و ساریکها که جمعیتشان کمتر بود اظهار تظلم خدمت سلطان
مراد میرزا نموده و استدعای کمک از او کردند بنابر این سلطان مراد میرزا در سنه ۱۲۷۲ لشکری انبوه
که مرکب از هجده فوج پیاده و هشت هزار سواره بود گرد آورده بجانب مرو حرکت نمود

تکه‌ها همینکه ملاحظه این سپاه را کرده و دریافت نمودند که پایداری نخواهند کرد
بخصوصه در وقتیکه ساریکها هم با آنها جمع شوند بنابر این بعد از چند زد و خورد
مجبور شده از مرو دور شدند و سلطان مراد میرزا هم بواسطه بعضی پاها و پیشکش که از جانب
تکه‌ها باو فرستادند علاوه بر آن بسیار پوزش خواسته و توبه از بدکاری خود
نموده و درخواست کردند که آنها را عفو نماید فریب خورده از تقصیرات آنها گذشته

بدون آنکه از آنها گروگان بگیرد از مرو بیرون آمد
قشون از آنجا مراجعت نموده همینکه سلطان مراد میرزا بخراسان رسید تکه‌ها
جنگ را با ساریکها تجدید نمودند و بعد از زد و خورد بسیار آخرالامر ساریکها را
بکلی شکست داده و آنها را از مرو بیرون نمودند
ساریکها از آنجا رانده شدند مدتی به یولتان و پنج ده رفته ساکن شدند و در آنجاها بنای
و تعدی را با ساکنین آنجاها که از طایفه سالور بودند نهادند از این تاریخ به بعد تکه‌ها
بکلی صاحب و متصرف مرو گردیدند و پیش از پیش بنای غارت و چپاول را در هر جای خراسان
و حتی مغانستان نهادند همینکه خرابی آنها از حد گذشته ایرانیان که از صدمات
و تعدیات و غارتهای تکه‌ها خسته شده در سنه ۱۲۷۶ بخیال آن شدند که سپاهی بجانب آن طایفه برده
در آن خونخوار را خراب و ویران نمایند ولهذا با همین مقصود قبل از وقت در ساحل رود
هریرود قلعه جدید سرخس را بنا نمودند و در سنه ۱۲۷۷ سپاهی که مرکب از سیزده هزار پیاده و ده هزار
سوار و سی عراده توپ بود بجانب مرو حرکت نمود همینکه این سپاه بحوالی مرو رسیدند
تکه‌ها خدمت سردار سپاه نواب والا شاهزاده حمزه میرزا حشمت الدوله فرستاده
و عرضه داشتند که هزار خانوار بسم گروگان میدهیم و هزار سوار هم همه بخدمت دولت ایران

میفرستیم و ولایات تمری کشتیقال طلا در سال میدهیم و از این بعد بداخلاقی از ما
نسبت بدولت ایران هیچگاه دیده نخواهد شد از تقصیرات آنها درگذرند از اینها چون فتح
خود را منتهای امیدواری زیاد شده و ملکه بطور یقین امیدوار شدند که مظفر و منصور
خواهند بود لهذا نواب حشمت الدوله استدعا و عرایض آنها را قبول ننموده و فرمود
که باید بکلی تکه‌ها را از طرف و نابود نمایم

تکه‌ها چون چاره بجز جنگ ندیده مجبوراً چنان خود داری و قلعه داری نمودند که رو
از ایشان لابد شده عقب نشستند در روز اول تکه‌ها چنان شکستی بسپاه حمزه میرزا
وارد آورده که یکدفعه روبفرار نهادند و سوارها بقدری ترسیدند از هلاکت و گرفتاری
خود در اخلاص نمایند لیکن تمام اسباب و توپخانه بدست تکه‌ها گرفتار گردید
عده اسرا بقدری بود که بعد از اتمام جنگ در میدان خیوه بخارا از ایرانی تمری پست
نهایت ارزان میفروختند   از همان تاریخ به بعد دیگر دولت
ایران بخیال اطاعت در آوردن مرو نشد و تکه‌ها در مرو خودسر و بدون
بستگی از هیچ طرفی بسر میبردند   طایفه سیم از ترکمانهای
ترکمانیه سالر استان طایفه بنه تیره قسمت میشوند از قراریکه خود سالرها حساب

میکردند هر تیره مرکب از دو هزار آلاچیق است که تمام آنها شش هزار آلاچیق میشود
بطور صحیح شماره آنها را ضعف آنچه ذکر شده میگیرند ولکن از قراریکه در آن
اواخر یعنی در سنه پالکوینک بار آلیو تعیین کرده است عده سالورها دو هزار و پانصد
آلاچیق تعیین میکند   اخبارات تاریخی درباب طایفه سالورها
بسیار داریم در ابتدا آنها در نزدیکی سرخس سابق در ساحل رود هری رود مکان داشتند
چون در این نقطه که بودند اغلب در خراسان غارت و دزدی میکردند لهذا نواب
عباس میرزا آنها را تاخت کرده شکست بزرگی بآنها داده و آنها از آنجا فرار کرده
بمرغاب رفته ساکن شدند چندی در آنجا ساکن بودند تا آنکه تکه‌ها
بمرغاب رفته بواسطه تعدیات و صدماتیکه از تکه‌ها بآنها وارد آمده از آنجا
گریزان شده باجازه دولت ایران بزور آباد آمدند و تا سنه در آنجا
ساکن بودند چون این محل پسند طبع آنها نبوده بنا بر آن بار بمحل قدیم
خود در اطراف سرخس کوچ نمودند چند ماهی که در آنجا ماندند شبی تکه‌ها
بر سر آنها ریخته بکلی تمام حیوانات آنها را بردند اغلب آنها که صاحبان
حیوانات بودند بعقب حیوانات خود بمرو رفتند از آن تاریخ به بعد در جزو

ساکنین مرو شوند و لهذا از این طایفه پیش از دو هزار و پانصد یا سه هزار باقی
نمانده

طایفه چهارم

ترکمانهای ترکمانیه ساریکها میباشند که در ساحل مرغاب که از پنجده تا یولتان
و در کنار رود کاییر که داخل مرغاب میشود عدد شمار آنها سیزده هزار الاچیق است چون
ساریکها زراعت بسیار دارند لهذا اندی بسیار بلند در مرغاب بسته‌اند که
بواسطه آن هیجده نهر بزرگ از مرغاب جدا نموده‌اند و هر یک از این نهرها سی نهر کوچکتر
و از هر یک از آن نهرهای کوچک دوازده جوی و هر یک از اینجویها متعلق است
بیک خانوار بسیار کم اتفاق می‌افتد که متعلق باشد بدو خانوار پس
از این قرار جمعیت آنها همین است ۱۸×۳۰×۱۲=۱۲۹۶۰ در تسخیر تکه‌ها مرو را ذکر
کرده‌ایم که قبل از تسخیر ساریکها در مرو ساکن بودند
همینکه تکه‌ها بانجا آمدند و
تعدیات بسیار بر آنها وارد آوردند مجبور شده از انجا ببالای رود مرغاب بنزدیک
یولتان رفتند در انجا سالها منزل داشتند ساریکها همینکه بانجا رفتند صدمات
و تعدی بسیار بر سالارها کردند و مجبور کردند آنها را که از انجا کوچ کرده

بپنجده

چنانچه ذکر شد بوراباد رفتند ساریکها چندی که در انجا زیست کردند باباد
سمت بالا را بکلی صاحب شدند از پل قریب پنجده و محل کوچ نشین طایفه
جمشیدی و تیمور را اگر چه ساریکها بصورت ظاهر با تکه‌ها از در صلح بر
آمده‌اند لیکن عداوت باطنی مابین این دو فرقه بسیار است چنانچه
پطروسویچ می‌نگارد که ساریکها در کمال میل مطیع میشوند با طایفه قوی
دیگری که بخواهند صدمه بر تکه‌ها وارد بیاورند و در محل خود تفصیل عریضه
که ساریکها و سالارها بخدمت اسکوبلف نوشته بودند که اجازه از خان بخارا
جهت آنها حاصل نماید که آنها در قراباقلی و اوچ اوجاق منزل نمایند
در آن صورت آنها تابع و رعیت دولت روس خواهند گردید
مفصلاً مذکور خواهیم داشت ساریکها بسیار دولتمند و با
بضاعت میباشند بی حد و گله‌های بزرگ و شتر فراوان دارند با وجود
این بضاعت بسیار که بوضع خوشی میتوانند زندگی کنند باز هم مانند
سایر ترکمانها دست از دزدی و غارت نمیکشند چنانچه از روی
مثل معروف معلوم میشود در انجائیکه درخت است شتر چرانیدن نیست

ودر آنجائیکه ترکمان هست صلح نیست مثلاً در اوایل عهد ناصری در سنه ۱۲۷۷

سارقین به بلوک تربت و شیخ جم حمله برده بقدر سی هزار نفر و جمعیتی بسیار

اسیر بردند در این دفعه ایرانیان تلافی خوبی نمودند بدین قسم که بر حسب

امر تلگرافی اعلیحضرت شاهنشاه ایران فوراً دسته قشونی مرکب از دو فوج پیاده

و دو هزار سوار در پستهائی از همه کس جمع آوری شد و قبل از آنکه

وقت به تلگرافچی ها اعلان شده بود که اگر احدی بخبر سرکردگان

قشون از این تلگراف اطلاع بهم رساند سر او را جدا خواهند نمود

این قشون در پستهائی حرکت نمود سواران از رود هریرود

گذشته رسیدند بمحل چراگاه مالان آنها و شبانه روز تمام

گله های آنها حمله برده صد نفر چوپان را اسیر کرده و صد هزار

بر آنها را پیش کرده بخاک ایران آوردند تا یک مدت مدیدی

که بگذرد دیگر هرگز بحال نخواهند آمد و از صدمه این تلافی ایرانیان

بیرون نخواهند شد طایفه آخر ترکمانها آلیلی میباشند که در

مشرق او آنزیس مرغاب بادیه گردی میکنند حدود و شمار

ادنی

جمعیتی از این طایفه در سمت راست آمو دریا ساکنند شماره این طایفه تقریباً

به هشتاد هزار نفر میرسد لیکن بیوکه حد وسط آنچه را که چندین نفر مختلف تعیین

کرده شده است گویا تخمیناً دو هزار و دویست پنجاه آلاچیق است بعد از آنکه

آشنائی و معرفت در حق این طوایف پیدا کرده و از تاریخ صحیح آنها آگاهی

حاصل کردیم میتوانیم بطور صحیح شماره جمله تمام ترکمانهای ترکمانیه را

معین نمائیم از این قرار تمام ترکمان ترکمانیه مرکب از صد و چهل هزار آلاچیق

که دارای هفتصد هزار نفوس ذکور و اناث میباشد از این قرار یموت قره چاده هزار آلاچیق

تکه شصت هزار آلاچیق سارق یک سیزده هزار سالار دو هزار و پانصد آلیلی پنجاه هزار

و سایر طوایف کوچک هزار آلاچیق و آن گوکلانها هشتاد و سه هزار آلاچیق ترکمانهای

بخارا و خیوه را یازده هزار آلاچیق گوکلان و یموتهای ایران را از اینقرار هم

تمام ترکمان میرسد به دویست و سی و چهار هزار آلاچیق که مرکب از دو کرور و صد

هشتاد هزار کس است میباشد این عدد و شماره حد وسط شماره هائی است

که اشخاص مختلفه بطور اختلاف تعیین نموده اند اکنون ذکری

از عادت و رسوم ترکمانها میکنیم طایفه ترکمان اصلاً

ترکست چنانچه ترجمه لفظی ترکمان یعنی ترک من و مذهبشان محمدی شیعه و سنی
تمام ترکمان بدو قسمت میشوند بادیه‌گرد و شهرنشین ولی شهرنشین را چمور
و بادیه‌گرد را چاروا میگویند مقصود از شهرنشین آنست که در مکانهای معین
و اسباب مختلف موجود است که وضع آنها تغییر میکند شهرنشین بادیه‌گرد میشود
و بادیه‌گرد شهرنشین میشود مثلاً کسی که حیواناتش زیاد میشود خواه بواسطه چپاول از همسایه‌ها
خواه بطرز دیگر از شهرنشینی به بادیه‌گردی برمیگردد و همچنین برعکس اگر [illegible]
زنیکه قوم و خویشهای آن زن بادیه‌گرد باشند از چموری بچاروائی
برمیگردد و بواسطه مردن اقوام شهرنشین که بضاعتی باقی گذارده‌اند و بواسطه
محروم شدن از شتران خود بهر وسیله که باشد بواسطه گرفتن زنی که شهرنشین
باشد از چاروائی بچموری برمیگردد در وضع زندگی داخله چمور و چاروا
چندان اختلافی مشاهده نمیشود هر دو آنها در آلاچیق مسکن دارند چمورها هم وضع جای
آلاچیق‌ها خود را از جائیکه کثیف شده بجائی تازه و تمیز ولی در همان محل و صحرای
خود تغییر میدهند عموماً ترکمان چاروا بیش از چمور میباشند ممکن است در یک
بلکه در یک خانوار هم چاروا هم چمور باشد و تقریباً هر خانوار چموری چند خانوار

اقوام

اقوام چاروا داشته باشد یا برخلاف و غالب ممکن است پدر چمور و پسران چاروا و چند
برادر چمور و چند برادر چاروا باشند
چمورهای
اخال تکه در قریه و دهات مسکن داشتند و شغلشان زراعت و الامان بوده است
ولی چارواهای آنها در شن‌زارها در حول و حوش صد و بیست و هشت چاه آب منزل
داشتند و خوراک آنها بواسطه گله‌های شتران و گوسفندان است بعضی از چاروا
هم در بعضی دهات در نزدیکی چمورها منزل داشتند در قزل ارواط و آق‌تپه و یاراجه و گرجو
طایفه‌های جعفربای و آتاباک
و تیوکلی چاروا بیشتر میباشند
بدون استثنا چمور بوده‌اند ولی در تمام سه طایفه دیگر هم چمور است و هم چاروا
بادیه‌گردها با بضاعت‌تر از شهرنشینها میباشند
و لهذا جسارت و جنگجوئی آنها کمتر است و تقریباً میتوان گفت که الامان هیچ نمیکنند
و باین سبب اسب کمتر دارند در هنگام جنگ روس با ترکمانها بادیه‌گردها
بسیار کم مداخله در جنگ نمودند و با آنچه ضرر و خسارت آنها بسیار کم بود و تمام
سختیهای جنگ و ضرر و خسارت کلی بچمورها وارد آمد
چمورها
گله‌های گوسفند و حیوانات شاخدار و شتر کمی دارند ولی اسب بیش از [illegible] دارند

هر ترکمانی نشها خود را خود رای و خود سر و تمام امورات خود میداند و از هیچ احدی
حسابی نبرد مگر در صورتیکه مجبور شده چنانچه میگویند ترکمان اصلی آنست که احتیاج به حیاط
نداشته باشد نه به سایه درخت نه بر کاهی تسلط و زندگی کردن بطور آزادی
و با خطر را ترجیح میدهند بر زندگی کردن با امنیت در شهر

کسب و شغل آنها علاوه

بر گله داری و زراعت غارت و دزدی میباشد که از سرحدات مملکت ایران و حکومت
بخارا و خیوه میکنند و در صورتیکه جهت آنها ممکن نشود از ایران و خیوه و بخارا
غارتی بکنند در آنصورت باز ترک غارت خود را کرده و یکدیگر را غارت
می‌کنند از اینجهت است که تکه و یموت میگویند که ترکمانها مابین خود عداوت
مخصوص همیشگی دارند مثلاً یموتها دشمن تکه‌ها میباشند و تکه‌ها دشمن ساریقها
و سالارها و گوکلانها هستند حتی آنکه مابین تیره‌های مختلفه از یک طایفه عداوت
میباشد چنانکه یموتهای آتابای با یموتهای جعفربای دشمنند و دزدی
و غارتهای بزرگ را الامان میگویند ولی دزدیهای یک نفره را تک‌الامان مینامند
و این شغل نه چنانست که قبحی در میان آنها داشته باشد بلکه تعریف بسیار دارد

که رشادت و مردانگی آنها از آن معلوم میشود

بارون بده و [illegible] علی خان مصنف خوش کلام ترین مصنفین میباشند
که از ترکمانها تصنیفها کرده اند بارون بده بکلی کار دارد در جمیع لیاقت و قابلیت ترکمانها
و میگوید که آنها هم رشید هستند و هم زرنگ و میگوید که بهیچوجه ترکمانها جوانمردی ندارند
علاوه بر این آنها را لاابالی و کینه جو مینویسند

علیخان نیز میگوید که ترکمانها

مهمان نوازی و رشادت هیچ صفات و خواص نیکی ندارند و آنها قدری سخت
دل میباشند که از درجه انسانیت خارج است و ظالم نیز میباشند و هیچ اعتقادی
بقولی که داده اند یا قسمی که خورده اند ندارند و در هیچ کاری ملاحظه دوستی و خویش را
نمی نمایند و بسیار هم دروغگو و پرخور هستند و از حد بیرون حسد دارند شرم و حیا
هیچ ندارند ولی بعضی اوقات از روی تدبیر خود را شکسته نفس و [illegible]
نمود را میکنند از این قبیل مثلها بسیار دارند

هر کس که قصه شیر را گرفت دیگر باید در فکر هیچ چیز نباشد
ترکمان در روی اسب نه مادر میشناسد نه پدر — انجا شیکه

شهر است که گرگ نیست و در جائیکه ترکمانست صلح نیست

آنست کشمکش و یاغیگری و دزدی و غارتگری ترکمنها سؤال میکنم که آیا ممکن است

با وجود همه اسبابیکه جهة زندگی آنها فراهم آمده است ترکمان سخت و وحشی باشند جهة

جواب اینسوال ما گواهی و شهادت میدهد آب و هوای مملکت و حاصلخیزی اراضی

زمینهای آنها و تواریخ جنگهای خونریز که متصل بوده است ما بین ترکمنها و همسایهها

همه ترتیب شد آنها ایران دور یکه اگر بدقت ملاحظه و رسیدگی کنیم مشاهده میشود که ایشان

بسیار سخت‌تر از ترکمنها هستند در این باب

شکی نیست ترکمانیه خشک بیحاصل قابل نیست که تمام ساکنین خود را خوراک دهد

چنانکه در تفصیل جنگ مرغاب ملاحظه کردیم که چون عدد و جمعیت آنها زیاد شد

لابد شدند که جهة خود جا و مسکنی دیگر پیدا کنند مجبور شده با طایفه ساریک که هم‌سرحد

و طایفه بودند نزاع کرده و آنها را از آنجا راندند

زمینهای آنها کلیتاً نه تنها نان آنها را کفاف

نمیدهد بلکه آب آنها نیز کم است و همین فقره آنها را بسختی پرورش میدهد و مجبور میکند

که نسبت بیکدیگر سخت باشند و دیگر آنکه چرا آنها جوانمردی و مروت ندارند

آیا از کجا جوانمردی و مروت را تحصیل و اخذ نمایند آیا از ایرانیان یا آنکه از خیوه؟

یا از بخارائیها که اسرای خود را در میدان میفروشند در هر صورت اسباب بدبختی از همه اطراف

ترکمانها را احاطه کرده است اگر چنانچه سختی ترکمانها را با سختی طوایف همه ترتیب شده

که از اطراف همسایه ترکمانها باشند موازنه کنیم مشاهده میشود که چقدر آنها

سخت‌تر از ترکمانها باشند و انصاف میدهیم که تقصیرات ترکمانها را باید بکلی

عفو و چشم پوشی نمود

در هنگام سفر چنگیز خان بخوارزم که امروز خیوه معروفست حکم بسپاه خود نمود

که قتل عام نمایند و در پای تخت نزدیک چهار صد هزار نفر بقتل رسانیدند عموماً

بطرز و سویح تمام طوایف آسیای مرکزی را در تمام اوقات در تمام تواریخ متعلق

باحوال آنها سخت طبیعت می نویسند چنانکه او مینویسد در این عهد از هر جنگی که ترکمانها

که بر آنها غلبه میکردند آنچه از آنها اسیر میکردند تمام را بقتل میرسانیدند در محمد

تماشای عموم ناس مثلاً بعد از جنگ مرو که ایرانیان شکست خوردند بغض

و عداوت آنها نسبت بمرو بسیار شد و لهذا وقتیکه یکدسته آلامانی

آنها گرفتار ایرانیان شدند برحسب امر قدر قدر اعلیحضرت اقدس همایونی تمام

اسرا که قریب صد نفر بودند بطهران آورده و تمام آنها را در تکیه تیرباران نمودند
و آنها را بدیوارهای شهر نشان گذارده و سربازان با نهایت ایذای
میکردند و بدون ملاحظه از حضور داشتن سفرای دول اروپ تا روز دیگر
بهمین وضع گذرانیدند

و در ۱۸۷۶ که برادر اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه بحکومت ولایت خراسان معین گردیده
بود در هنگام ورود او بشهر خراسان بنا باحترام و تشریفات ورود او بیست
نفر از تقصیرکاران را بترتیب و نوبه با سر نیزه‌های سربازان سوراخ سوراخ نمودند این علاج
و سیاست بنوعی سخت بود که چون نوبه بشخص آخری رسید که او را خواستند هدف
سر نیزه‌ها نمایند خود او از ترس و بیم که مبادا بسر قفای او چه آورند خود بخود مرده بود
و بآن نرسید که او را بکشند

در تاریخ بخارا ملاحظه میکنیم که در قرن هجدهم
هارون الرشید بخارا امامقلی خان که معروف است بواسطه نیکوکاری و عدالت خود
چه قسم تلافی نمود از اهل تاشقند عوض آنکه پسر او را کشته بودند چون خبر باو رسید
که پسر او را در تاشقند کشته اند فوراً از حالت طبیعی خارج شده بآنجانب حرکت نمود

بعد از

بعد از چند روز محاصره شهر را مسخر نمود و قسم یاد کرده بود که بقدری از اهالی آنجا بعوض خون
پسر خود بکشد تا آنکه تا رکاب اسب او خون برسد چون وارد شهر شد حکم نمود
که همه را بجز اطفال و پیران بقتل رسانند بعد از آنکه همه را بقتل رسانیدند خون هنوز
بساق پای اسب او هم نرسیده بود چون میخواست قسم خود را که یاد کرده بود
درست از خونریزی بکشد تا خون برکاب اسب او برسد حکم داد که باقی مانده
یعنی اطفال و پیران را هم بکشند آنوقت علما دلشان باحوال اطفال و پیران سوخت
و نمیخواستند که آنها را بقتل رسانند تدبیری بخاطرشان رسیده که امیر را از این حکم
باز دارند گودالی کنده و آن گودال را از خون ساکنین پر کردند امیر را سواره داخل
آن گودال کردند تا آنکه خون برکاب اسب او آمد آنوقت قسم امیر درست شده
حکم نمود دست از قتل بکشند میگوئیم این اتفاق در قرن هجدهم مسیحی واقع شد
که هنوز اهل اروپ هم درست بحد تکلیف و تربیت نرسیده بودند لیکن
امیر نصرالله از ۱۸۲۶ الی ۱۸۶۰ در بخارا سلطنت داشت سی و چهار سال سلطنت
نمود در این مدت همه را مشغول صدمات مخلوق و خونریزیهای سخت بود از آنجمله
دو نفر صاحبمنصب انگلیس را [illegible] و گویا کشته است معلوم میشود که

دویست سال تمام هم که گذشته است هیچگونه تغییری در درجهٔ تربیت آنها پیدا نشده است

این امیر نصرالله در سال

چهلم ترکمانهای کوکوسار را خواسته و باتفاق آنها رفته قوقان را غارت و ویران

نماید متصرف قوقان که هیچگونه تهیه و تدارکی نداشته چون از ورود امیر نصرالله

باخبر گردید مجبور شده از پای تخت خود فرار نماید لیکن در نزدیکی عقب گرفتار

شده و بعد از ده روز او را با برادر و پسر و زن جامه بقتل رسانیدند مخصوصاً

وامبری این فقره را بوضع اهل مشرق زمین شرح میدهد در شناعت

در هنگامیکه این امیر در حالت نزع بوده با برادر زن خود و بغض شدید با او جنگ داشته

خبر تسخیر و فتح برادر زن خود باو رسید در نفسهای آخر بود که بغض او

با نجابتش زد و آوردند فوراً حکم بقتل او و تمام اطفالش داد چون چشمهای او

از خونریزی سیر نمیشد حکم نمود زن خود را که خواهر و بغض بود و دو اولاد او را در دشت

بقتل رسانند فوراً حسب الحکم او سر زن بیچاره را در بالای بالشش که سر خود او بود

از تن جدا نمودند

آنچه در خصوص ایران

و بخارا ذکر کردیم میتوان در باب خیوه هم با آن تعیین داشت چنانکه حالت اسرای ایران

در هنگام تسخیر نمودن قشون ژنرال گاوفمان پایتخت خیوه را ملاحظه کردیم مختصر آنست

که تمام طوائف آسیای مرکزی هیچکدام از یکدیگر در سختی طبیعت و فطرت کم

نمیشدند پس در اینصورت البته معلوم است که ما هیچ خبر از ترکمانها در سختی

آنها نکاتی نباید داشته باشیم

ایرانیان و خیوه و بخارائیها که اغلب با ترکمانها عوض

و تلافی غارت آنها را با آنها میکنند اغلب چنین اتفاق می افتاد که در صورت

جنگهای داخله و اغتشاشات دیگر از یکدیگر معاونت میخواستند

مثلاً در جنگ مابین خیوه و بخارا که مدتی مدید طول کشید از سارها مداخله تامی

داشتند که گاهی بخارائیها معاونت میکردند و گاهی در طرف خیوئیها بودند

و قبیح تر از آن آنست که حکومت خراسان و استرآباد هم مداخله در جنگهای آنها

مینمودند در سنه ۱۸۶۷ اتفاقاً دهات بسیاری را

در کنار رود کورگان غارت کردند بریاست و سرکردگی عبدالبخش خان حاکم

قوچان همچنین اتفاقات چندانست که بشماره نمیگنجد و حرکات قبیح آنها تجدید

بوده است که عبدالصمد خان استرآبادی که پسر و برادر و برادرزاده و عموی او

تمام در جنگ با ترکان کشته شده بودند نتیجه اندک عشاشی که در سرحد قلعه
کرده ملکی مخصوص او بوده است اتفاق افتاده بود و همان ترکها نهار خواسته و اتفاق
آنها غارت و خرابی و تنبیه ده خود رفته تمام حکام ایالات سرحدی
اغلب همین کارها را میکنند و بلکه اغلب اوقات میکنند به ترکمانها محل غارت
و وقت آزاد در صورتیکه جهت آنها نیز بصورت ظاهر تقصیر داشته باشند

در صورت طغیان و یاغی گری

مانند طغیان سالاری که در سنه اتفاق افتاد یا غیبا از قوت شجاعت ترکمانها
مستشعر میشوند و پشت گرم بحمایت آنها میباشند همین قسم در اطراف خیوه و بخارا
نیز چنین است
با وجود این قسم حرکات از ایشان و دور نگهداشتن آنها محل تعجب نیست که در شمال مملکت ایران
یکوقتی آبادیهای الی غیر النهایه بوده و بالفعل آثاری موجود نیست
در تمام سرحدات شمالی خراسان و سرحدات شرقی آنست الی هرات بکلی
تماماً شان غارت و ویران شده اند بنوعیکه در یک ملوک پشت کوه
که در ساحل چپ هری رود است از چهار صد و شصت پارچه دهات آباد

شش از بیست پارچه از آنها باقی نمانده است و تمام آنها مبدل شده اند بخرابه و معروفند
به پس کوه خرابه و بعینه همین است حالت تمام ملوکات شمالی حکومت
هرات و در کرکوچان و بجنورد که در آنجاها آبادیها باقی مانده اند که یا واقع اند
ما بین تخته سنگهای بزرگ که ابداً نمود نمیشد یا آنکه محلی واقع اند که نزدیکی
و دست رس بآن ممکن نیست باقی دیگر بکلی خراب و ویران شده اند مخصوصاً
تمام ساحل شمالی رود اترک که در سمت مغرب پیش قلعه بجنورد است که
یکوقتی یموتها و گکلانها و بخصوصه گکها ساکن بودند

مملکت ایران قدیم

الایام کشمکش و جنگها با توران داشته اند موافق روایاتیکه میباشد ابتدای
حصول عداوت تمام نشدنی ایران و توران از عهد بسیار قدیم است و چنانکه
در شاهنامه فردوسی میگوید مردمان پیش از راه درستی و دانائی جمشید
و دیوان را قتل نمودند بهمین نوعها روزگار آنها بوده است تا هنگام سلطنت
جمشید بعد از آنکه جمشید مدتی بطور فخار و درستی سلطنت نمود در اواخر
بکلی اقتدار و توانائی خداوند یکانه را فراموش کرده بنا نمود بمباحث بیجائی که شبیه

نجوش بودند و مردم را تکلیف نموده بعبادت آنها تا آنکه از آنحد نیز تجاوز
کرده خود را خدا خوانده بهمین واسطه بسیاری از مردمان حق پرست از او روگردان شده
و خداوند برگماریدضحاک خارجی را که بجوی راه خود را جانب ایران باز کرد
و بآن مملکت آمده ضحاک ظالم مدت هزار سال تمام در آنجا سلطنت نموده و بواسطه
ده صفات عمده بد و زشتی که داشت در تمام این ایام سلطنت خود مردمان
ایران را بزحمات و صدمات بزرگ مبتلا گردانیده در این ایام دیوان نیز مانند اینها
بودند و صلح نیز مابین ایشان برقرار بود
در اواخر قرن دهم سلطنت او فریدون که از اولاد
سلاطین قدیم ایران بود طغیان کرده بر ضحاک چیره شد و او را در کمند و زنجیر اسیر نمود
فریدون همینکه بر تخت سلطنت ایران برآمد مردم را راه راست
کرد تا آنوقت منحصر بود خواند و چندی نگذشت که فریدون نیکوکار از بدبختی حبس
دختر ضحاک را بزنی گرفت و از این زن دو پسر [illegible] بوجود آمده [illegible]
این دو پسر سیم او که کوچکتر از آنها و از این دخت بسیار خوش طینت
و خوش رفتار و شکسته نفس و خوش روی و زیبا بود فریدون

تمام مملکت خود را مابین این سه پسر تقسیم نمود مغرب زمین یعنی اروپا و آسیای
جلو را بسلم داده و مشرق زمین یعنی توران را به تور تفویض کرده و اصل
مملکت ایران را با تمام خزائن و سپاه و تخت و تاج سلطنتی را با یرج داده بعد از آنکه
فریدون مملکت خود را از قرار تفصیل مابین پسران خود قسمت نمود خود او از تخت
سلطنت کناره جسته و منزوی گردید نوادهای ضحاک سلم و تور برادر
کوچک حسد برده سپاهی فراوان گرد آورده سپاه ایرج را شکست داده خود او را نیز
بقتل رسانیدند و سر او را نزد فریدون بردند فریدون که از داغ قتل ایرج
بسیار دلخسته گردیده و مدام در ملال و اندوه بسر می برد دختر ایرج را بیکی
از اقوام خود داده از او پسری بعرصه وجود آمده که منوچهرش نامیدند
یعنی بهشتی رو منوچهر همینکه بحد رشد رسید تلافی خون پدر خود را از سلم و تور
خواست این است سبب عداوت و دشمنی ایران و توران که از همان عهد تا کنون
همیشه بدون آنکه در اندک مدتی موقوف و ترک شود برقرار و مستدام بوده سرحدات
خیوه و بخارا قدری بهتر و امن تر از سرحدات ایرانست چونکه در هنگام حمله ترکمانهای
خود سر و خود رای باینجانب ترکمانهائیکه تابع ایند و بالتبع میباشند نگاهداری

از آن سرحدات میآیند ولی با وجود آن همیشه این سرحدات بدرجهٔ عالی مغشوش
بوده است   بخارائیها در هنگام حملهٔ ترکمانها اغلب بجاهائی
را که در راه واقع است و بر دشمنان مکشوفست پر میکنند و بعضی چاههای چند
که اطلاع از آن ندارند حفر میکنند بدون ملاحظه با حکایات در
سنه ۱۸۶۷ شهر چتنیاک را در خیوه غارت کردند و در سنه ۱۸۷۶ در مشهد و درستی از
کهنه ارگنج تکهها کاروانرا غارت کردند و در سنه ۱۸۷۶ ترکمانها حمله بردند بحوالی
قلعه بخارا آقا باقیلی و در سنه ۱۸۸۷ طایفه ارساریها را در نزدیکی قریه پاتاق غارت
نمودند   با وجود آنکه ترکمانها در ایام صلح یعنی در اوقاتیکه مشغول غارت
نیستند ابداً تسلط وزرگ را نمیدانند و نمیشناسند و هر شخصی خودسر و خودرای
و میل خود حرکت و رفتار میکنند   اما در اوقات الامان میدانند که اتفاق
لازم است در آنوقت یکنفر را که از بابت تجربه شجاعت و آگاهی از الامان معروفست
و بر سایرین زیادتی و رجحان دارد در میان خود انتخاب میکنند و او را سردار
میگویند در وقت تقسیم غنایم نیز باو باید پیش از خود بدهند ولی بعد از آنکه
از غارت و الامان فارغ گردیدند باز بهمان حالت خودسری باقی میشود

و هیچکس

و هیچکس او را سردار نمیشناسد
وقت جمع شدن بالامان بعلاوه از جمع آوری حاصل
صحرائی چاپ شد که تقریباً در مدت همه مشغول الامان هستند   و نوع جمع شدن
آنها از این قرار است   اجتماعی را از آن سر بیرون قبه
در خارج منزل میکنند و یکنفر سرداری انتخاب مینمایند آنگاه سردار بتمام
آلاچیقها اعلان میدهند که ما میخواهیم بالامان برویم هر کس میل دارد و داو
طلب است بیاید ما می‌نیت بدین قسم اجتماعی میشوند که عدد آنها از صد الی
هشتصد نفر میشود و هنوز حرکت نکرده قسم میخورند و مکفول میشوند که یکدل باشند
و در تمام موارد بدون اجازه سردار حرکت نکنند و بعد حرکت میکنند
ترکمانها که بغارت خیوه و بخارا میروند اغلب میرفتند هم از پیاده و از
سواره و هر دو نفر پیاده یک شتر میبرند جهة حمل اسباب لازمه و بعضی اوقات
سوار آن میشوند ولی سواران شتر نمیبرند   در اوقاتیکه بالامان بسیار دور
میروند شتر جهة حمل علیق میبرند
اسباب اسلحه ترکمانها یکسان نیست و آن شکوه و پیاپی

جنگی را ندارند و تفنگهای آنها از همه قسم از فتیله قدیم و قره‌بینای نو و تفنگهای

دولول شکاری وغیره می‌باشد و شمشیرهاشان کج و بسیار بدجنس است و باروط

هم اغلب از خیوه میخرند بسیار باروط بدیست و بالعکس نرم میشود اگرچه بدنیست

که ترکمنها و خیوه‌ها خودشان میتوانند باروط بسازند ولی این باروط بدتر از باروط

خیوه است در قریه باقر که در آخال است هنوز بعضی از تنورهای بزرگ که در آن

باروط میساختند موجود است آخالیها گوگرد را از شنزارهای مابین خیوه

و آخال مخصوصاً از مکانی که معروفست به کیرک چو لبا بدست می‌آورند و شوره را

از خرابه‌های نسی و شنزارهای آتک تحصیل میکردند   ترکمانها فشنگ

و جای فشنگ ندارند باروط را در باروط‌دان و گلوله را در کیسه که آنها را کمر نگاه

میدارند و بنابراین در پر کردن تفنگ بسیار کند هستند و اغلب طپانچه هم

دارند که بقاچ زین اسب می‌بندند

وضع الامان بردن ترکمه‌ها به دهکدهای خیوه و بخارا

از شهر است اول ترکمها در مقام تیراندازی با آنها که نوکر معروفند بر

میآیند اگر عدد خود را بیش از نوکرها ملاحظه کنند یکدفعه بمعاونت شمشیر آنها حمله میکنند

والا

مقصود خود را صورت میدهند والا اگر عدد خود را کمتر از نوکرها ببینند اول سوار ایشان

شروع به تیراندازی میکنند و کم کم عقب میروند تا بجائیکه نوکرها برسند بجائیکه

پیاده‌های ترکمها در پشت تپه یا گودالی پنهان شده‌اند آنوقت پیاده‌ها

یکدفعه آتش میکنند بطوریکه چند نفر از نوکرها میافتادند   چنانچه رسم مسلمانانست

که در اوقات جنگ باید مرده و زخمی خود را جمع کنند تا میکنند بجمع کردن

زخمی و مرده‌های خود و در این فاصله هم تیراندازی میکنند چون پیاده‌ها نزدیک شدند

نوکرها مجبور میشوند بگریزند در آنوقت سواران دست بشمشیر یکدفعه حمله میزنند میکشند و بعضی را

گرفته اسیر میکنند   وضع الامان بردن بدهات ایران چون اینها

اغلب اطراف محصورند بدیوارهای ضخیم و بلند لهذا ترکمانها در این الامان نردبانها

بلند با خود دارند چون نزدیکی قریه که خیال غارت آنرا دارند رسیدند

در جائی پنهان از اهالی قریه مخفی میشوند تا آنکه تاریک شود در آنوقت یکدفعه

بالای دیوارها رفته سرازیر میگردند اول کاریکه میکنند سعی میکنند که حیوانات

آنها را پیش کنند در این بین که بعضی مشغول پیش کردن حیوانات

میباشند دیگران یکدفعه شروع بقتل کردن اشخاصیکه در مقام مدافعه برمی

آیند میشوند و آن اشخاصی را که بدون اسلحه و در مقام مدافعه نیستند بسته اسیر می‌کنند
چون از کار فارغ شدند جمع میشوند در آن نقطه که حیوانات را برده‌اند یعنی
محلی که پیش از وقت برای جمع شدن معین کرده‌اند و دهاتیکه در تنگه‌ها
و مابین تخته سنگهای بزرگ واقع باشند و سوار نتوانند بخوبی در آنجا حرکت کند
بدین قسم الامان میکنند که تا آنجائیکه سوار بخوبی ممکن است بروند مردم
و بعد پیاده میشوند با منتهای بی‌صدائی و آرامی در نزدیکی ده در گودال یا پشت تنگی
پنهان میشوند اول طلوع فجر که اهالی ده با منتهای خاطرجمعی دروازه را
باز میکنند یکدفعه میریزند در ده و بنای غارت را میگذارند بهمین قسم دهات
زوخالو اچشمه را در قوچان غارت کردند و در سنه ۱۸۷ قریه بالا ایرمان و بسیاری
دیگر را غارت و ویران کردند

فتح الامان مخصوصاً بسته است از آنکه طرف
مقابل خبر از الامان آنها نشود و یکی از عادات و رسوم آنها اینست که اگر کسی پیش
از وقت خبری در باب الامان بطرف مقابل برساند هر نفر از ترکمانها حق دارد که بدون
هیچ گفتگوئی آن شخص را بکشد و خانواده و اقوام او را باید از میان ترکمانها

بیرون

بیرون کنند و اموال او را یغما برند و میان خودشان هیچ تقصیری بزرگتر از تقصیر
عهدشکنی نیست و بنابراین تا نوبت ما از آنها عهدشکنی نمیکنند و هیچکس هم از میان
محل شک دیگران نمیشود که او عهدشکنی کرده باشد و در واقع هم همین بود
در اوقات جنگ ما با ترکمانها یکنفر جاسوس از میان خود آنها نداشتیم

در هنگام
جنگ ما با اخال ترکمانها مدتیکه سردار در اردوی ما بود همیشه یکی از ایل بتبعیت
ما گردید با بعضی دستورالعملها و بشارات مراجعت کرد اگرچه پست گردید شان
عهدشکنی کرده بود لیکن از آنجائیکه عقیده ترکمانها این بود که از میان
خود هیچکس عهدشکن نمیشود با چنین کسانی بر سر او نزدند لیکن
او را در غیاب میان خود مقصر کردند که میان ما ند رد با روسها جنگ نماید
و مایل اطاعت آنها نباشد و در این مدت که او اطلاعات و خبرات بما
میرسانید هیچکس چنین گمانی باو نبرد

در هنگام جنگ
سنه ۱۸۸۷ و سنه ۱۸۸۸ ترکمانها هیچ جاسوسی نداشتند و آنچه که در اردوی ما

درخصوص آنها گشته وکرده می شد فوراً مطلع میشدند واین بواسطه سواران چچیت ما که
از یموت وگکلان بودند بآنها میرسید واغلب میدانستند درچه محل وچه
وقت ممکن است ترکمنها را پیدا کرده اخبارات بآنها رسانند اغلب ترکمنها
بفاصله زیادی متقابل آنها آمده ودرک اخبارات مینمودند
جاسوسان ما که از یموت بودند بسیار درست کار وازروی حقیقت خدمات
مرجوعه خود را بانجام میرسانیدند ولی آنهائیکه از گکلان
بودند خودشان را معروض نوروزخان میدانستند بواسطه امدادیکه بآنها کرده بود
وبنابراین متصل نسبت بما عهدشکن بوده واخبارات اردوی ما را بآنها
میرسانیدند عموماً اخبارات واطلاعات صحیح ازحالات دشمن بتوسط
نوخاریها وقاری قلعه ما درک میکردیم

جنس اعلای اسبان پرورش ترکمنها

آنست که مرکب هستند از ترکمانی وجنس عربی ترکیب کردن این اسبها از قراریکه
از روایات خود ترکمنها معلوم میشود از عهد قدیم بوده است ولی بسیار
بندرت بعد از آنکه اعراب ایران را فتح کردند جنس عربی در این

صفحات بسیار شد ولهذا عمل ترکیب کردن اسبها در آن عصر چند دفعه تجدید
کردند لیکن در ایام سلطنت تامرلان (اعنی
امیر تیمور گورکان) جنس اسب ترکمنها بسیار ترقی کرد چونکه پیش از پنجهزار
مادیان عربی اصیل اعلی مابین طوایف ترکمنها قسمت کرد در این اواخر
توسط اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران السلطان ابن السلطان ابن السلطان
ناصرالدین شاه که ششصد مادیان عربی بطایفه تکه انعام مرحمت فرمودند جنس عراقی
و ترکمانی تجدید شد

اسبان ترکمانی پاهای باریکی دارند وگلوی ایشان بسته
به بلندی قدشان سینه آنها تنگ گردن باریک ودراز وپشت ودمشان بسیار
باریک آن خوشگلی ونیکوئی که اسبان عربی دارند آنها ندارند ودمشان
باریک ویالشان بسیار کم است وعلاوه بر آن اغلب یالشان را می برند
ترکمنها
الطی اسبان ندارند واسبان آنها اغلب مانند عرب درجلو الاچیق



نگاه میدارند و چون دائم میان مردم می باشند بواسطه بسیار و با علی درجه
مطیع و باکفایت و دانا می باشند

ترکمانها اسبان خود را از

هرچه در عالم یافت میشود زیادتر دوست دارند و نیکوتر از خود و عیال خود
او را توجه و محافظت میکنند   چنانکه گفته میشود که خودش با عیال خود
در آلاچیقهای پاره کهنه دارند ولی اسبان خود را در آلاچیق نو که نمدی
پوشیده است با نمد بسیار خوب و پاکیزه نگاه میدارند

از اخبارات

و تحقیقات تازه که در خصوص احوالات ترکمانها داده شده این است که ترکمانهای
اخال علاوه بر خانهاشان که با انتخاب میکردند و یا آنکه موروثی بوده اند
مجلس شورائی نیز داشته اند که نزد خودشان معروف بجمهوریه است
این مجلس در واقع پارلمنت کلی تمام تکه ها است
این پارلمنت تکه ها مرکب است از مردمان اکابر و محترم آنها

که بتوسط خانان محض انتخاب معین شده اند   این اشخاص هم هرکدام یک یا دو نفر
آدم متقلب با خود می آورند   و علاوه بر آنها در این جمهوریه علمای مذهبی
که ایشان را ملا می نامند مداخله تامی دارند   این مجلس
منعقد میگردد محض گفتگوها در باب الامانهای بزرگ   و یا محض مدافعه کردن
و یا حمله بردن و همچنین در باب بعضی امورات داخله و بعضی رسومات و عادات
آنها و اعمال مذهبی در این مجلس منتهای سعی را میکنند که تمام آنها متفق القول
و یکصدا شوند   در مطلبی که در آنجاست   و اگر احیاناً در جزئی مطلبی
رای مختلف شود در آنوقت باید سه روز تمام در آن باب گفتگو نمایند بامید آنکه
شاید تمام متفق و یکرای شوند   اگر احیاناً بعد از سه روز تمام عاجز گشته
متفق نشدند مطلب را بهمان قسم مبهم میگذارند   تا آنکه در وقت غیر معینی
دیگر در آن باب گفتگو کنند   ولی اگر انکار امری باشد بسیار لازم که در باب
زندگانی میان خودشان است   و رای جزو اعظم بر طرفی قرار گرفته باشد
و جزو اصغر در انکار آن بطور سختی ایستادگی داشته باشند در آنوقت
آن امر را که میل و خواهش تمام ملت است قبول میکنند

تکه‌ها میگویند خان خادم عمده تمام آخال ایلها چه باشد و او در تمام مردم خود شان
واجب الاحترام است و کلیتاً احکامات او باید بدون هیچگونه مانعی انجام رسد
در صورتیکه عادت و رسوم آنها را برخلاف نکند بر هم نزند
ولی اگر آنوقت خان یکی از اشخاص دیگر آنها یکی از عادات آنها را برعکس امر کند
از اعتمادیکه تا آنوقت باو داشتند او را محروم کرده عوضش میکنند
اما تغییر دادن عادات آنها چنان دشوار است که اگر چنانچه کسی از روی اشخاص تغییر عادتی از آنها
قرار دهد یا او را بکلی از مجلس شور خارج میکنند یا آنکه او را مجبور میکنند
که همان عادت پیش را مجری دارد

در هر ده کدخدایی برای ریاست خودشان برقرار
میکنند و با او در اوقات جنگ بعوض خدمات جنگی لقب خانی میدهند و بواسطه
همین لقب در تمام آخال سرافراز است

در هر قریه
مجلسی را هم میاورند از آق سقالهای آنده و آنرا مجلس مصلحت مینامند

برای اجرای
احکامات قطعی که از مجلس جمهوریه در میآید خان چهل فراش داشته است

که همه وقت

که همه وقت با او بوده‌اند اگر چنانچه کسی رد و انکار احکامات عموم جمهوریه را نماید
عموم مردم او را از میان خود دور میکنند و اغلب اینگونه اشخاص یا به بخارا و یا بخیوه
میروند زیرا که هیچ جایی از آخال الحاق نداشتند که او را میان خود راه
دهند لیکن در اوقات ساختن قلعه و تکمیل تپه و کوشش حالیه خان
جهت تنبیه اشخاصیکه تبعیت حکم او نمیکردند چوب فراهم آورده و آنها را تنبیه
میکرد

علاوه بر خان و مجلس مصلحت تکه‌ها مانند سایر ملت اسلام قاضی میدارند که از روی شریعت
احکامات جاری میکنند لیکن چون تکه در قواعد مذهبی ثابت
نمی‌نمایند لهذا قاضی‌ها هم چندان عظم و تسلطی ندارند احکامات آنها مجری میشود
اگر چه موافق شریعت باشد مگر توسط مجلس مصلحت و اغلب عمل و کار قاضی‌ها
رفع دعواهای جزئی مابین آنها و نزاع در باب ارث میت و شکایت زن از شوهر خود
و طلاق و عقد آنها است

در اوقات جنگ تکه‌ها با روس در تمام آخال دو نفر ملای معروف بوده است اول
قریم بردی ایشان که در تقدس و تقوی معروف بوده است و در هنگام محاصره

گگ تپه کشته شد و دیگر قربان مرادیشان که بواسطه رشادت جنگی خود معروف
بوده‌اند آنها زیاد محترم و مقرب بوده‌اند نزد خان و در مصلحت‌ها مداخله تامی بسایر
داشتند

خان و بزرگان ایل بوده‌اند مواجب معینی از ملت داشتند و علاوه بر آن جهة
مواجب چهل نفر فراش و یک سردار که در حضور خان میبوده از میان آنها
بتفاوت مبلغ هزار تومان اخذ میشد

تکه‌هائیکه امروز معاصرند با ما سردارهای ذیل را خاطر دارند که در عصر آنها بوده‌اند
اول قرچه سردار آچاپی که بعد از فوت او پسر او صالح سردار را برگزیدند
و بعد از او قربی قلان اون تقی خان بوده است که دو روز امتحر نموده بعد از فوت
او دوباره رجوع بخانوادهٔ قرچه سردار نمودند آقا محمد سردار را معین
کردند ولی بزودی او را معزول کرده و برادر او را عوض صالح سردار برقرار کردند
بعد از او نوبت ریاست و سرداری بنوروردی خان رسید

تکه‌ها خدمات دو نفر از این سردارها را تعریف میکنند یکی قربی قلان
اون تقی دیگر نوروردی خان که در واقع بسیار شخصیت بزرگی داشته و از

اندازه

اندازه بیرون معروفست نوروردی خان در میان طایفه وکیل در سنه ۱۲۱۸ مسیحی تولد شد
پسر ترکمانی دولتمند که معروف بدولت بای بوده است از سن جوانی
محل محبت اون تقی واقع گردید بنوعیکه این خان بدون ملاحظهٔ در تمام امورات
با او شور میکرد و از او صلاح میخواست

بعضی سن او

اول کار نمایانیکه نوروردی خان کرده است فتحی است که بر جعفرقلیخان ایلخانی بجنورد
توسط ملحق کردن قوه تکه‌ها با گگلانها کرده است و در جنگ دفعتاً قلعه از
جعفرقلیخان توپ گرفته بعد از این فتح تکه‌ها نوروردی خان را بخانی تمام
آخال برگزیدند اگرچه قبل از این مکرر از جعفرقلیخان ذکری کرده‌ایم لیکن
در اینجا نیز قدری مفصل‌تر بعضی از جنگها و حرکات اینشخص مبادی را
بیان میکنیم

در سنه در هنگام شورش سالار داماد جعفرقلیخان بجنوردی بخیال اینکه ایلخانیهای تمام
ایالات شمالی از شاهنشاه مغفور محمد شاه بشورانند در کردستان علم
فتنه و فساد را برافراشته لیکن بمطلب و مقصود خود نرسید لشکری
بریاست نواب فریدون میرزا بآنجانب رفته فتنهٔ سالاری را مبدل بامنیت نمود

و سالار را گرفته برای خود رسانیدند در این بین جعفرقلیخان مجال نموده از بجنورد
با حال گریخت

تکه همینکه دیدند ایلخانی بجنورد بجانب آنها آمده و از آنها امداد و استعانت میخواهد بکمال
احترام او را پذیرائی کرده و احترامات زیاد درباره او قرار دادند و با او گفتند
که تمام ما آماده‌ایم که شما امداد کنیم که به هر کجا میل داشته باشید برویم با شما
بیائیم

سه سال تمام جعفرقلیخان در میان تکه‌ها بکمال احترام بسر برده و از معیت متصل آن
بی انصاف تکه‌ها را برداشته مشغول الامان و چپاول ولایات وطن خود بود
وحتی آنکه مکرر تا نزدیک مشهد تاخت و تاز کرده

بعد از آنکه شاهنشاه مغفور محمدشاه از این جهان بهشت جاودان خرامید اعلیحضرت
اقدس همایون شاهنشاه کل ممالک ایران السلطان ناصرالدین شاه و لازالت ایام
عمره و دولته بر تخت سلطنت و کامرانی جلوس کرد از تقصیرات جعفرقلیخان
گذشته او را طلب خواستند جعفرقلیخان با چهل نفر از معتبرین تکه
چنانچه رسم است با هدایا و تعارف بخاکپای آن شاهنشاه جمجاه وارد شدند

جعفرقلیخان بعد از آنکه با تمام همراهانش مورد نوازشات و عنایات
خدیویگانه گردیدند همراهان خود را مرخص کرده بوطن خود مراجعت نمودند و خود او
در طهران ماند تا آنکه در سنه ۱۲۸۳ دوباره بایلخانیگری بجنورد معین گردیده مرخصی گرفته
به بجنورد عازم شد

تکه‌ها چونکه مطلع شدند شخصیکه سرکرده آنها بوده حاکم شده است از آن ولایاتی
که با اتفاق و سرکردگی او بولایات در کمال فتح و فیروزی تاخت و تاراج کرده
بودند بسیار خوشحال شده شصت نفر از نجبای خود را منتخب کرده باستقبال او
فرستادند چون فرستاده‌ها بدو رسیدند فرمود تمام آنها را گرفته در کند
و زنجیر کنند و بهمان حالت آنها را داخل بجنورد نمود این شخص منافق بهمین مطلب
قناعت و اکتفا نکرده بعد از ورود به بجنورد فوراً بآن جماعت حمله برده آنجا را
بکلّی خراب کرده و با پانصد خانوار از آنها بولایت خود کوچ داده و منزل
متصلی بانها داده

تکه‌ها عمل جعفرقلیخان را درباره خودشان بد و قبیح شمرده و نورخان آقا محمد
سردار را معزول کرده و بجای او برادرش عوض صالح مرد را برقرار نمود

و با سکین قاری قلعه گکلانها بر هدایت شده شروع نمودند بغارت کردن
سرحدات ایالات شمالی ایران اعلیحضرت شاهنشاه ایران از حرکات ترکمانها
متغیر گردیده فرمودند بجعفرقلیخان که قاری قلعه را مسخر کرده از آنها خالی نماید
جعفرقلیخان سپاه بسیاری گرد آورده بجانب قاری قلعه روان
گردید ترکمانها که از این واقعه مطلع گردیدند چهار هزار سوار بسرداری نوروردیخان
به امداد قاری قلعه فرستادند در ماخوق تپه نزدیکی قاری قلعه نوروردیخان
بگکلانها ملحق شده و یکدفعه حمله بردند بسپاه جعفرقلیخان بعد از جنگ و زد و خورد
بسیاری آخر الامر جعفرقلیخان شکست خورده مجبور بفرار گردید در این جنگ ترکمانها
یک عراده توپ از ایرانیان گرفته شد و این توپ در هنگام جنگها در سنه ١٢٨٨ و سنه ١٢٨٩
در دنگل تپه بود
این جنگ ماخوق تپه نوروردیخان را در نظر ترکمانها بسیار عظمت داده بعد از مراجعت او در این جنگ
فوراً تمام مردم یکصدا او را بجای تمام [illegible] انتخاب نمودند
از حرکات و جنگهای معروف نوروردیخان جنگهای ذیل است
حمله که بقلعه درگز آتابای برده از جمله که در سنه ١٢٨٦ واقع گردیده دویست نفر

اسیر آورده
دیگر گرفتن قلعه دیگر در درگز که محاصره کرده است و در سنه ١٢٨٧ بوده است چهارصد نفر
از این قلعه برده است
دیگر گرفتن قلعه دیگر در درگز سعادت که در سنه ١٢٨٨ بوده است و دویست و هشتاد نفر از
این قلعه اسیر برده است
دیگر بکلّی ویران و خراب کردن قلعه کلات قره محمد که در سنه ١٢٩٠ بوده و تقریباً
این قلعه را با خاک یکسان کرده و هشتصد و شصت نفر اسیر بردند
دیگر بطرح ریزی نوروردیخان و ریاست پاشا سردار در سنه ١٢٩٢ تمام
اکراد و یکه نگاهبان محل و رود درکلات بودند معدوم الاثر گردیدند
و دویست سوار با امیر گرفته شد و بعد از آن بقلعه نفت که در خود کلات است
حمله برده چهارصد و پنجاه اسیر گرفته شد
سفر آخر نوروردیخان که در سنه ١٢٩٣ اتفاق افتاد حمله بقریه درگز جانشلی برده است
در این حمله ترکمانهای مرو نیز هزار و دویست سوار مدد خیل کردند
اما در این حمله در جاپیشلی خشتی بر روی خشتی و سنگی بر روی سنگی باقی نگذاردند

و تمام را خراب و ویران کرده هزار و چهار صد اسیر بردند

نوروردیخان بعد از آنکه یکسال تمام زیر قراری بخارائی تمام آخال گذشت
از آخال بمرو آمد

تکه هائیکه در آنجا ساکن بودند چون خیال جنگ و نزاع با ساریکها داشتند
در باب زمینهای حاصل خیز ساحل مرغاب با تکه خدمت نوروردیخان آمده و عرض
کردند که با آنها در این باب امدادی نماید مسئول آنها اجابت مقرون کردید
نوروردیخان دو هزار سوار برداشته بجانب ساریکها رفته و مدت شش ماه با
آنها زد و خورد کرده و آخر الامر چنان آنها را شکست داده که بعضی آنها از
اوزبس فرار کرده و باقی آنها را کوچ داده مابین تکه ها هر ده پانزده خانوار را
میان یک آبادی تکه ها منزل داد

بعوض این امداد و همراهی که نوروردیخان با آنها نمود جماعت مرو بها آب و زمین بسیاری
با او دادند و دختر جمیله عاقله از طایفه وکیل موسوم بگل جمال باو دادند
مدت دو سال در آنجا بسر برده بعد از آن بخارا مراجعت به آخال کرده و در این اواخر
اغلب محل زیست خود را تغییر میداد گاهی دو سال سه سال در مرو میماند باز مراجعت به آخال میکرد

و در هر دفعه بعد از معاودت او از مرو فوراً او را بخانی برقرار میکردند و خان قسم
سابق مشغول تاخت و تاز میشدند و در هنگام غیبت او از آخال پسر بزرگ او وردی
مراد خان بخانی برقرار بود

برای وزارت و کارفرمائی بردی مراد خان تکه ها ارازمحمد خان را که بسیار محترم
بود تعیین کرده بودند و مرو بها هم بعد از فوت خان کوشوت خان نوروردیخان را
بخانی برقرار کردند

در اوقات خانی نوروردیخان از ایشان ابداً هیچ حمله و غارتی از تکه ها جرئت
نکردند بکنند علاوه بر خدمات و حرکات جنگی نوروردیخان اسم او بواسطه عمل
خیری که برای تکه ها کرده است بیادگار میان تکه ها خواهد ماند چونکه
بخرج و توجه کامل خود کاریز را که قبل از صد و پنجاه سال پر شده بود
درست کرد

کاریز (قنات) عبارتست از نهر آب زیر زمینی و آنرا بدین قسم جاری
میکنند چاههای بسیاری بفاصله پنجاه ذرع در امتداد یکدیگر
حفر میکنند و این چاهها هر چه بالا میرود گودتر میشود و بعد آنها را

بیکدیگر متصل میگردانند واین نهر همیشه دارای آب شیرین خوشگوار است
و تقریباً مهندسین اروپ از شنیدن چیزی نمی فهمند و اهالی هیچ
ملک نمیتوانند مگر ایرانیان و نور وردیخان هم برای درست کردن همین کاریز
مزدوران کلیتهٔ آنها را از ایرانیان آورده

نور وردیخان در تمام عمر خود معروف بود بواسطهٔ عدالت و درستی و نان بکر
دادن و دارای قد بلند و جمال خوب و قوهٔ بدنی و هیکل و اندام خوش بود
بنوعیکه محبت او بر تمام دلها حتی به حیوه‌ها وارد بود

نور وردیخان سه زن داشته دو تا از آنها در آخال و یکی در مرو زنهای آخال
او اول آپی گوزل که بردی مراد که در هنگام محاصرهٔ گگ تپه بدست قشون روس
کشته شد از او متولد شده بود و دیگر ماره که مختوم قلیخان از او بوجود آمده بود
زنی که در مرو داشته گل جمال است و یوسف خان از او متولد شده بود که
زیاد رشید بود

تمام پسران نور وردیخان در هنگام جنگ روس حرکات بزرگ و رشادتهای
بسیار کردند بخصوص دو نفر که اسامی آنها ذکر شده اند

نور وردیخان در هنگام جنگ ما در سنهٔ ۱۲۹۸ در سن پنجاه سالگی وفات کرد و چون بردی
مراد خان هم کشته شده بود مختوم قلیخان را بجای او تعیین نمودند و چون بعضی
تخطیها در کارهای آخال پیدا شده بود لهذا مختوم قلیخان نتوانسته بخوبی نگاهداری
کند لهذا تمام امورات با چهار نفر وکلای طوایف و کیل و بک و بیچر
و باخشی و اشاک بوده است و مختوم قلیخان هم مانند یکی از آن وکلا بوده است
این مطلب در جای خود ذکر خواهد شد

در آخال از پس آخال داشتن زمین حاصلی عمومیت چنانکه هر نفر ترکمه‌ها حق
دارد که هر قطعه زمینی را که میل داشته باشد بهر قدر فاصله تخم افشانی نماید
لیکن چون لازمهٔ عمل زراعت عمده آبست پس بنا برین زیاد و کمی زراعت
و زمین هرکس بسته بمقدار آبی که او دارد و قانون ملکیت آب و تقسیم آن بسیار سهل
و مختصر است چشمه‌های آب یا متعلق است بآنکسیکه او در آنجا مسخر کرده است
و یا آنکه از روی خرید و فروش رودخانه‌های طبیعی یعنی آنهائیکه از کوه
جاری میشوند متعلق بآبادیهائیست که از وسط آنها میگذرند و اهالی آنجا میان خود
بطور تساوی قسمت می‌کنند هر الاچیقی حق مخصوصی دارد از آن آب بموجب

معینی که در آن مدت زمینهای متعلق به آن الاحق مشروب میشوند مثلا نیم روز آب
یا دو ساعت آب یا چهار ساعت آب وغیره و آب را میتوانند بفروشند لیکن
ساکنین هر قریه در همه جا یکی اگر ادعا ملکیت آب حق آن اشخاصی میباشد که
آب را از آن استخراج کرده اند و بطور مساوی مابین خود قسمت میکنند ولی سردار هم
اضافه بر سایرین دارد در اوزنیس بعضی از تکهها مالک آب و زمین
هستند و سایرین هیچ مالک نمیشوند باوسیله که آنها آن انهار را استخراج کرده اند
و حق خود را از آب و زمین بسیار طوایفیکه در آن اوزنیس ساکنند اجاره میدهند
و بارث و خریده هم ممکن است مالک آن آب و زمین گردند اگر در قریه
آب متعلق باشد بطایفه که آن را استخراج کرده اند و طوایف بسیار دیگری در آنجا باشد
که حق ملکیت نداشته باشند در آن صورت حق از آن اشخاص معلوم دارند که از آنکس
بخرند

آب کاریزها متعلق است به آن اشخاصیکه آن را حفر کرده اند یا بشخص واحد یا جماعی
که متفق شده و آن را کنده اند و یا آنکه بارث به آنها رسیده است و بطور مساوی
مابین خود قسمت میکنند

بسیاری

بسیاری هستند که از ملکیات آب محروم شده اند و آن بواسطه آنست که دارای قمار
که با استخوان بازی میکنند (قاپ) باخته است و یا آنکه حق خود را
فروخته است که یکی از بستگان خود را که در ایران اسیر شده است بخرد و یا آنکه زن
بخرد که مانند خریدن است

عموما طوایفیکه در یک نقطه ساکنند آب دارند و با دیگر جاها اندر بندی
هستند بعضی طوایف با دیگر که آب را خریده اند از ساکنین قریه
و زمین او قات آب حاصل کاری دو دوره با آنها اجاره میدهند

در تمام اخال دولتمند تر از همه نور و رنگان بوده است که صاحب دو کار زر دو
زمین در اخال بربع و همان محبوب میشود ولی تخم فشانی و اندر تکمیل آنها با تمامت
که تقریبا شش من تبریز است و میگویند که یک من دو من چهار من تخم
افشان و حاصل آنها در سال خوب هر تخم پنج میدهد و ممکن است که در سالها
باران کی بسیار شود از یک باتمان سی باتمان حاصل بردارند

گندمیکه در تمام
اخال بدست می آید بمقدار کفایت از جوی ها میکنند چاروا ها گندم خود را

از خاک ایران و بخارا و خیوه میخرند

بهترین حاصل در اینجا پنبه است که یکدفعه میکارند در مدت شش سال سالی چند دفعه
درو میکنند

سالهای قحطی در آنجا بسیار بوده است چنانکه در همین اواخر در سنه ۱۸۷۱
و سنه ۱۸۷۲ بوده است

در سنه ۱۸۷۱ از شدت حرارت و بی آبی تمام حاصل آنجا خشک شد

در سنه ۱۸۷۲ بواسطه سرمای بسیار سختی که فوق العاده از بارندگی و گرما پیدا شد تنها
حاصل آنها را خشک کرد بلکه تمام باغهای آنجا را و درختهای
انگور و میوه و تمام قسام درختهای آنها را در مدت دو سال بکلی خشک گردانید

یکی از کارهای تمام طوایف ترکمانها فروش اسرا بوده که آنها را توسط الامانها
بدست می آوردند و آنها را از همه طرف آورده بمیدان بنده فروشی در خیوه و بخارا
همینکه در سنه ۱۸۷۳ این میدانها در خیوه و بخارا توسط روسها موقوف شد
یکمرتبه که متصل از اینکار مداخلات کلی میبردند و اینک بی پیشه و حالی

بدارند که اسرا را ده فروشند لهذا شروع کردند باذیت و آزار آنها و مجبور
میکردند آنها را که بولایات خود بنویسند تا قوامشان که پول فرستاده
آنها را بخرند چنانکه کیبه یابوروسی که اسیر ترکمه ها شده بود صاحب او که
ترکمانی بود موسوم به تاناتار متصل او را اذیت کرده صدمه میرسانید میخهای
چوبی که مابینشان از ابریشم بسته بود مابین انگشتهای دو دست او میگذارد
و میفشارد و آهن سرخ کرده را ببدن او می چسبانید و او را از سر پا
تخت میکرد و در سرمای بسیار سخت او را بستون می بست تا مدت چند
ساعت باین حالت بود تا آنکه از حس رفته بعد از آنکه این صدمات را
باو میرسانید او را مجبور میکرد که بنویسد برئیس محال حیحون که او را بمبلغ [illegible]
هزار تومان بخرد کیبه یابو خواهش او را بانجام میرسانید چون
جواب اینکاغذ می آمد که رئیس محال حیحون نوشته است که باین مبلغ
شما را میخرم ولی پولش را بعد از آنکه شما را تسلیم کردند میدهم آنوقت
تاناتار را اذیت و آزار زیاد میکرد چون ناخوش میشد یکی [illegible] که معروف بود
به آتاکلدی از تاناتار خواهش میکرد که کیبه یابو را باو بسپارد تا او را

[illegible]

پرستاری نماید تا تاتار خواهش او را بشرایط چند قبول میکرد ولی آنکه
چهار نفر از ترکمانها ضامن میگرفت و بعد قرار دیگر آن بود که در صورتیکه فرار
نماید یا بمیرد فلان مبلغ پول را بدهد

تمام اسرا با دست و گردنشان را با زنجیرهای قطور می بندند و اینگونه
زنجیرها و قیدها در هر آلاچیقی مانند یکی از اسباب لازمهٔ خانه البته موجود است

عادت عمومی تمام ترکمنها آن است که اسرا را مجبور
میکنند بخدمات از قبیل جمع کردن سوخت و آب آوردن و رخت شستن
وغیره عموماً تمام آنها را بقسمی خوراک میدهند که مدام گرسنه باشند

طایفه یموت قره چوخا که دولت ایران آنها را تابع و رعیت خود میدانند
همیشه از ایرانیان اسیر دارند و مثلهای چندی هم میان آنها میباشد مثلاً هیچ
ایرانی نمیتواند از ترک بگذرد مگر آنکه طناب بگردنش و در طایفه در
هنگام ورود ما بجانب ما میگفتند که ما چگونه رعیت دولت ایران
هستیم در صورتیکه از ایرانیان اسیر داریم آیا ممکن است روسی از روس بنده داشته
باشد ولی در بعضی از مواقع که لازم میشود خود را بنحوی رعیت ایران میشمارند و محبوب

میگردند

میگردند

قوهٔ ترس و واهمه ترکمنها در قلب تمام مردم بخصوص ایرانیان بسیار است چنانکه
حکایت می کنند که شخص ایرانی که بشجاعت معروف بوده روزی اتفاقاً مقابل
شده با یکی از ترکمنها ایرانی او را بزمین انداخته و کارد خود را درآورده
خواست سر او را جدا نماید در این بین آن ترکمان که بر روی زمین افتاده
بود فریاد زده که چه میخواهی بکنی مگر نمیدانی که من ترکمن هستم ایرانی بمحض شنیدن این
چاقو را از دست انداخته و از هوش رفته ترکمن برخاسته با همان کارد
سر او را برید

در هنگام لشکرکشی روسیها گوک تپه را بسیاری از ترکمنها از آنجا کوچ کرده بطرف
ایران رفته در کردهای ایران با نان و نمک آنها را استقبال کردند

در اوقات صلح ترکمنها که بخراسان می آمدند همه وقت ایرانیان آنها را مهمان میکردند
و بلکه هر کس که از آمدن آن ترکمن مطلع میشد سعی میکرد که با نوازش
و احترام نماید

عقیده امیر بخارا آن بود که برای مقابله با خیال کم قلا صد هزار قشون

روس لازم نیست و طلبهای بخصوص داشته باشد مثلاً بمحمدجان کوز میگفت که بیست هزار سپاه روس مقابل یک تنه زیاد کمست

بعد از تسخیر آبادیهای حال که بتوسط مارکیزف روی داد در سنه ۱۸۷۲ این خبر بیکشلر رسید ترکمانی در سپاه روس بود باور نمیکرد و میگفت راوی این خبر باید دیوث باشد که تمام عمرشان را صرف نشر خبرهای دروغ میکنند دیوهای کهنه شدید که راوی این خبر را بشوه خوانیده اند چونکه اعتقادشان این بود که هیچکس حتی قشون روس نمیتواند تکه ها را شکست داده بگیرند

عمل تجارت در میان تکه چندان شیوع ندارد و تاجر حقیقی در خود آنها ابداً نیست اگرچه بعضی از آنها سر حد آت رفته شتر و اسب و اسیر میفروشند و بعوض پول آن قند و چای و کشمش و قماش و بعضی پارچهای پشمی و ابریشمی ایرانی گرفته مراجعت میکنند و در بین راه از آنهائیکه میگذرند هر کس مطلع میشود هرچه که لازم دارد میخرد

تجارت عمومی فعال در دست تجار ایرانی و تجار اتی می باشد که در تمام اوریس میروند و رسم تکه ها آن شده است که این تجار را در میان خود چه وقت آمدن

کاروان و چه وقت رفتن آنها و کمال خوبی محافظت نمایند ولی اغلب آن اشیائی را که بطور حتم لازم دارند در میان خودشان درست میکنند مثلاً تکه ها فرد فرد تفنگ سازند اگرچه کارشان زیاد بد و خراست ولی ما بالفعل بعضی تفنگ ساز ها در تکه هستند که تفنگهای خیلی بد میسازند و اسباب چخماق تفنگ بدان درست میکنند و همچنین زیاد قابلیت جهة ساختن تفنگ و تنگهای بدان زنهای تکه ها نسج کرباس و قالی و قالیچه در زندگی خانگی تکه ها ــ شوهر همه قسم حقوقات و تحکمات بر زن خود دارد چنانکه میتواند در همه وقت بدون آنکه او را طلاق دهد او را کتک زده برود ولی اگر زن مطلقاً مقصر نباشد میتواند بمجلس شورا یا بزرگ آن طایفه شکایت از شوهر خود کند در آنصورت حکم جاری میشود که شوهر نزد زن برود یا آنکه خرج که اسباب زندگی و معیشت آن زن و اطفالش شود باو بدهد ولی در صورتیکه زن مقصر باشد شوهر میتواند هم زن و هم محبوب او را بکشد ولی اگر زن مقصر نبوده باشد در آنصورت قوام و اقوام شوهر میکنند پس از آن شخص باید یا از او پس قرار نماید یا خونبها بدهد

[illegible]

ТЕКИНСКІЙ АУЛЪ ВЪ ПУСТЫНѢ.

ترکمانها عموماً شان بادیه گردند ولی چه آنهائیکه بادیه گردند و چه آنهائیکه در
یکنقطه ساکنند در الاچیق بسر می برند و تمام الاچیق های شان یکقسم می باشد
از اینطور عبارتست از پنجره و شبکه چوبی از اطراف با سقف و گنبد
مانندی که پوشیده است از پارچه ضخیم پشمی و شبکه اطراف به بلندی
دو ارشین است و تمام دور آن هفت ارشین است و مرکب از شش پارچه
است که آنها را با التمام با تسمه ها بهم وصل میکنند و سقف آن عبارتست
از دایره چوبی کوچک که در نقطه های فوقانی اوست و چوبهای باریک نازک
خم کرده از اطراف از مقابل تحتانی قائم میشوند با دیوار و شبکه گرد
شد و از سمت فوقانی قائم میشوند در سوراخهای کوچکی که در اطراف دایره چوبی
مذکور است و بهمه جهة شکل گنبدی میباشد و این گنبد را می پوشند از
پارچه ضخیم پشمی و کمر آنرا با طنابهای محکم می بندند و برای محافظت
الاچیق ها از بادهای سخت که در آنجا اغلب می وزد از اطراف طنابها
می بندند و بواسطه میخها بزمین محکم می کنند ولی چونکه میخ ندارند طنابها را
زمین گذارده روی آنها خاک می ریزند و الاچیق ها درب ندارند بعوض درب سوراخی

دارند که پارچه‌ای آن اویزان کرده‌اند

اسباب فرش و زینت داخله آلاچق‌ها عبارتست از قالی و متکّاء و نازبالش
و توشک که در نزد تمام اهل مشرق زمین بابست و اغلب از اطراف قالی
اویزان میکنند و در آلاچق‌های اشخاص دولتمند تخته به پهنای نیم درع از آخر
سقف که اول دیوار می‌باشد دور تا دور آلاچق از داخل نصب است و آن
تخته را با الوان مختلفه رنگ و نقش نموده‌اند در واقع بسیار خوش گل و زیبا
میکنند

علاوه از این آلاچق کُلهای گلی بر میارند که ساقلی میگویند در اینجاها مخصوصا
اشخاصیکه استطاعت آلاچق ندارند و فقرا زندگی میکنند ولی زندگی در آن
ترجیح بر آلاچق‌های معتبرین دارد اغنیاشان اینگونه کلبه را برای انبار کاه و آذوقه
و مکان چارپایان درست میکنند

خوراک و غذای ترکمنها بعینه خوراک تمام اهالی مشرق زمین که عبارت از پلو و گوشت
است ولی بار و غن کنجد و دیگر گوشت بچه قرارد گندم نانهای بزرگ
که آنرا با دیوارهای تنور گلی میچسبانند درست میکنند عموم ترکمانها زیاد



СЕЛЕНІЕ БАГИРЪ ВЪ АХАЛЬ-ТЕКИНСКОМЪ ОАЗИСѢ.

پرخورند و غذاهاشان زیاد بدبست و کم ولی در صورتیکه در سفر باشند
در الامان و غیره مدت مدیدی چیز نمیخورند و هیچگونه مشروبات تند و تریاک
استعمال نمیکنند بسیار میل دارند بچای و شیرینی و هیچگونه اعتنا بخوبی و بدی آب
ندارند مثلا در تابستان سنه ۱۸۸۷ در چاه توزتقا که در نزدیکی خلیج بالکان واقع است
آب تلخ و شوری پیدا کردند که بر روی آن حشرات الارض کوچک بطور
پرده ضخیمی بود بطوریکه اسبان قزاقی از خوردن آن آب انکار داشتند
ولی اینها هم خودشان و هم اسبهاشان بخوبی میخوردند چنانکه گذشته آب صاف شده اسبان
ما هم میخوردند

لباس مردهای ترکمان عبارتست از قباهای بلند که در اوقات بسیار سرد میپوشند
این قباها از پارچه پنبه آجری رنگ است ولی قباهای اشخاص دولتمندشان از
پارچه ماهوتی خوب اعلی است و روی این قباها شال ابریشمی یا پنبه
می بندند و کارد کوچکی بکمر می زنند در زیر قبا پیراهن بلند ابریشمی یا چیتی
می پوشند و شلوارشان هم از پنبه یا ابریشمی میباشد در وقت سواری چکمه نوک تیز
دارند که عبارتست از یک پارچه و کفش خانه اینها با ریسمان به پا کشیده میشود

زنهای تکه‌ها پیراهن پشمی یا ابریشمی بسیار بلند می‌پوشند و شلوار و قبا بعینه
همان مردانه و دستمالی الوان بر سر می‌اندازند و دستکهای تیماج ال اکثر میزنند
وقتیکه از منزل قبائی که با ابریشمهای الوان قشنگ منقش معروف است ببورنجک بر سر می‌اندازند
و اغلب دستبندهای نقره که دارای فیروزه یا مهره‌های دیگر است در دست میکنند
و گردن بندهای نقره بسیار سنگین که با زنجیرهای کوچک اسبابهای طلا و نقره بآن آویزان
کرده تا روی شکم می‌آید کفشهای زنها بعینه همان مردانه است در اوقات زمستان
که سرد است چه مرد و چه زن بر روی قبا پوستین می‌پوشند
تکه‌ها در اوقاتیکه از سواری و الامان فارغ میشوند هیچ کاری نمی‌پردازند مگر تنبلی و
شغل محبوب آنها گفتگو از حکایات و اخبارات تازه است و اما شب مشغول بازی
شطرنج میشوند و بسیار خوب میدانند و به شدت بازی میکنند و بقدری طالب خبر تازه
هستند که مثلا از پنج فرسخی می‌آیند به آبه دیگری که تفصیل تازه را که دیده است و شنیده
است نقل نماید
دزدی در میان خودشان بسیار امر قبیحی میباشد و اغلب این جنس مقصرین را حکم
قتل میدهند تکه‌ها سیر را دوست دارند ولی نه بجهة امر معاش و زندگانی

بیرون میروند

مهمان نواز زیرا یکی از کارهای عمده و نیک میدانند هر مهمانیکه وارد آنها شود از
هر ملت و مذهبی که باشد می تواند بطور حتم و یقین آسوده از جان و مال خود باشد
همینکه وارد گله ناشد چنین بداند که با آنها از یک نسل و خونند

زبان ترکمانها ترکی جغتائیست ولی بعضی خصوصیتها دارد چنانچه لهجه و صدای ش
از آنها بسیار شنیده میشود و حال آنکه در هیچ قسم از زبانهای تاتار شنیده نمیشود
و این مینماید که هنوز بکلی اثر مغولی از آنها برطرف نشده است

خواندن و نوشتن را (سواد) هیچکس بجز از ملاهاشان نمیدانند و آنها هم
در خیوه و بخارا تحصیل میکنند

باب دویم

تدابیر و حرکاتیکه تا اول سنه ۱۸۷۹ روسیها نمودند برای
تسخیر ماوراء الخزر

از زمان پطر کبیر دولت روس در مقام مراوده با ترکمانها برآمده در زمان سفر بکوویچ
چرکس به خیوه روسها دو قلعه در ساحل شرقی بحر خزر ساختند یعنی در نزدیکی
خلیج تیوب قرقان و خلیج کراسنا وودسک در هنگام ساختن این قلعه ها ترکمن
کمک بسیار نمودند و بعضی اسباب لازمه جهت بکوویچ می آوردند بعد از سفر بی اقبالانه
روسیها در سنه ۱۷۱۷ هر دوی این قلعه ها را بحالت خود گذارده و چشم پوشیدند
در سنه ۱۷۲۳ و سنه ۱۷۲۷ و سنه ۱۷۱۹ ترکمن قشلاق مایل تبعیت دولت روس گردیده
و استدعای آن نمودند که در میان آنها قلعه روسی بنا کنند در سنه ۱۸۵۵ این ترکمنها
که از اقتدار و تسلط و دوستی خان خیوه رنجیده استدعای خود را از دولت روس تجدید
و خواهش نمودند که آنها را دولت روس بتبعیت خود قبول نماید رؤسای ترکمن
آمدند به اورنبورگ و در آنجا قسم یاد کرده و تعهد نمودند که در قول خود پایدار و باوفا باشند
و در سنه ۱۸۵۲ رؤسای ترکمن استدعا نمودند که اجازه دهند تجار روس در ساحل
شرقی بحر خزر با آنها باب تجارت مفتوح دارند. محل را پطر کبیر جهت این کار در ساحل
شرقی بحر خزر تعیین نموده و این سه نقطه نیز جهت ترکمانها مسجد بنا نمود در سنه ۱۸۰۵
مهندسی بامور شهر رسیدگی و ملاحظات در دماغه تیوب قرقان و دهنه امبا

و ابتدا در این دو نقطه قلعه بسازند این مقصود و خیال بانجام نرسید چونکه رئیس
قشون قفقاز گراف گودویچ بواسطه بعضی اسباب ناقصة العهد صلاح ندیده که
داخل در کار ترکمه شوند زیراکه علاوه بر مخارج بزرگ پولی و ساختن قلاع قشون بسیاری
لازم بود که از قفقاز بانجانب فرستاده شود

جنگ روسی با دولت ایران که در ابتدای قرن حالیه بود دولت روس را
ملتفت ترکمه یموتی که در جنوب شرقی ساحل خزر ساکنند نمود این ترکمن با متصل گرفتار
تعدیات متصرفین ایران بودند چون در این اوقات عمده قوت جنگی دولت ایران
با دولت روس دیدند غنیمت شمرده مشغول تاخت و تاز ولایات سرحدی ایران شدند
در سنه ۱۸۱۳ رئیس قشون گرجستان ژنرال رتیشچف فرستاد بجانب یموت ایوان مطرف
ارمنی را که اطلاع کامل بهم رساند با حقیقت حال آنها از جهت [illegible] دولت ایران خارج شده
که دولت با آنها اظهار کند که دولت روس از جهت کمک نمودن آنها حاضر است طرفداری
خوشی بطوری که مایل بودند هفته کار خود را بانجام رسانیده مراجعت نمود با کاغذی از خانی
ترکمه و با سه نفر وکیل از جانب خان این کاغذ و وکلا در وقتی به رتیشچف رسیدند که وزیر مختار
دولت علیه ایران جهت گفتگوی صلح آمده بود و در اردو حضور داشت لهذا رتیشچف [illegible]

بسیار خوش کلام نموده و امیدواری بیشمار در حمایت دولت روس نسبت با آنها داده و در این
ضمن اظهار نموده در صورتیکه عهد و صلح مابین دولت ایران و روس برقرار شود دولت
روس نمیتواند با آنها حمایت نماید در مقابل دولت ایران
خبر آمدن وکلای ترکمه باردوی [illegible] و خیال رتیشچف که
در صورت عدم مصالحه با دولت ایران از ترکمه حمایت خواهد کرد وزیر مختار دولت
ایران را مجبور در تاکید انجام مصالحه نمود و آن مصالحه [illegible] در گلستان [illegible] ترکمه که از این
عمل بسیار مایوس و افسرده بودند مجبور شدند که چندی با دولت ایران ترک عداوت نمایند
و بسیاری از آنها جهت تعدیات ایران نسبت با آنها از آنجا کوچ کرده بسمت شمال
در اطراف خلیج بالخان رفتند ترکمن های بی قشلاق که بمقصود خود در باب ساختن
قلاع [illegible] رسیدند بجهت حفظ خود از تعدیات و صدمات قرقیز کم کم تابع
خود شده در مقام عداوت با روسی برآمدند
در سنه ۱۸۱۹ رئیس بارهٔ قفقاز ژنرال یرمولوف بسیار مفید دانست که مراوده با ترکمه را تجدید
نماید بخیال اینکه از خاک آنها رابطه تجارت را با خیوه و بخارا و بلکه با هندوستان برقرار
نماید و در این ضمن خیالش این بود که در جنوب شرقی ساحل خزر بندری و کارخانه

و انباری جهة متاع تجارتی بنا کنند و دولت هم که در این هنگام تدارکات
و تدابیر پولتیک در باب مراوده تجارتی با آسیای وسطی و اعلی بود
حکم نمود به یرملوف که تهیه دو سفر نماید یکی ازبرای ساحل شرقی بحر خزر و برقرار کردن
مراوده با ترکمان ها و دیگری جهة راضی کردن خان خیوه را در اینکه کاروان
هشترخان از منقشلاق نرود چونکه در آنجا دچار غارت قرقیزی می شد بلکه
بلکه نقطه دیگر که خوبی تر از منقشلاق باشد که نزدیک تر و امن تر است جهة
عبور کاروان معین کنند سفر اول بعهده و ریاست ماژور پونومارف قرار
گرفت و سفارت بخیوه را بعهده کاپتان موراویوف گذاردند این هر دو
صاحبمنصب باتفاق هم بجانب سواحل ترکستان حرکت نمودند و در سنه ۱۸۱۹
تمام ممالک مابین رود گرگان و خلیج بالخان را بدقت رسیدگی نمودند و بعضی
از نقاط و مکان را جهة ساختن قلعه و کارخانه تجارتی ساحل خلیج کراسنودسک را
تعیین نمودند و مراوده با ترکمه را هم برضایت به تصدیق شورای ریش سفیدهای
یموت که در اترک و گرگان و نزدیکی خلیج بالخان بادیه گردی میکنند برقرار نماید

و ترکمن ها اظهار نمودند هر قسمی که مقصود دولت روس است اقدام نمایند که از
جانب ما ابدا مانعی نیست و از میان خود وکلا برای فرستادن خدمت یرملوف
جهة دادن اطمینان تعیین و روانه نمودند موراویوف بخیوه رفته میل و خواهش دولت
روس را بخان تکلیف نموده لیکن خان قبول ننموده و در جواب گفته که کاروان
خیوه که بجانب هشترخان میروند از منقشلاق که راه دورتر و مشکل تر است میروند باین
سبب است که ترکمانهای منقشلاق در تبعیت خیوه میباشند و صدمه شان
بکاروانیکه از خیوه یا بخیوه میروند کمتر است و بلکه هیچ نیست ولی اگر از چرنوودسک که جنوبتر
و نزدیک تر است بروند گرفتار و دچار غارت یموتهائیکه تابع دولت
ایران میشوند بنابراین یرملف شتاب نمود در ساختن قلاع در ساحل خلیج بالخان
چنین ذکر نموده بود که این قلاع نه تنها جهة رابطه تجارت با آسیای
مرکزی مفید است بلکه منافع کلی خواهند داشت در صورت جنگ روسی
با دولت ایران و علاوه بر آن جهة تسخیر خیوه و بخارا دخالت کلی خواهند داشت
در سنه ۱۸۲۰ از جانب دولت به یرمولف حکم شد که بوکلای ترکمانها اظهار نماید
دولت روس حاضر است جهة رابطه همسایگی و رابطه دوستی تجارتی و در این ضمن

نیز حکم شد که تهیه سفر دیگری بساحل شرقی بحر خزر نماید که بهترین نقطه را جهة ساختن قلعه محل
تجارت تعیین نمایند این سفر را بعهده پالکونیک موراولیف نهاده و او را
روانه نموده و موراولیف در سنه ۱۸۲۱ تمام اطراف خلیج بالخان را با جزایر آن و اطراف
و اطراف خلیج کراسنوودسک و جبال بالخان را بتحقیق رسیدگی نمودند موراولیف
نیز مانند مامورین سابق همان نقطه کراسنوودسک را تعیین نمود ولی چون این
نقطه را بسیار بد و ناگوار دیدند لهذا جهة ساختن قلعه که قشون ساخلو در آن قلعه
باید همیشگی باشند صلاح ندیدند و باین سبب عمل ساختن قلعه بتعویق افتاد
و اقدام بآن نشد

چون در ساحل شمال شرقی بحر خزر تبعه دولت روس مشغول ماهی گیری بوده
و اغلب گرفتار غارت و صدمات قرقزها بودند لهذا بخیال آسوده گی آنها چندین
دفعه از جانب دولت حکم شده بود که بنای قلعه در آنجا گذارند لیکن بانجام نرسیده بود و آخر
الامر در سنه ۱۸۳۳ در ساحل خلیج قایداق قلعه نواسکندریه را ساختند ولی بعد از آن معلوم گردید
که این نقطه مقصود آنها را بخوبی بانجام نخواهد رسانید که مواظب دزدهای بحری بوده و تجارت را
از غارت و صدمات آنها محافظت نماید

دولت روس جهة آنکه تجارت بحری خود در بحر خزر از غارت ترکمانها ایمن نماید چنین
صلاح دیده که رابطه تجارت را با تمام ترکمانهائیکه در ساحل این بحر یعنی از شمال
شرقی الی استراباد منزل دارند برقرار نماید و لهذا جهة انجام این خیال
در سنه ۱۸۳۶ مامورین بآنجانب فرستادند یموتهای مابین خلیج بالخان و سرحد ایران
میل و رغبت تمام قبول نموده و علاوه بر آن عریضه نمودند که دولت روسیه آنها را
تابع و رعیت خود شمارد این مامورین بهترین نقاط را جهة ساختن قلعه بندر تجارتی
جزیره آشوراده را معین نمودند و در همان اوقات ترکمانهای اوستیورت و منقشلاق
هم عریضه دادند که آنها را نیز به تبعیت قبول نماید لیکن دولت روس بچندین سبب
اقدام بآن نکرده و بهمان قسم مانده

تجارت بحری دولت روس با ایران و همچنین رعایای روس که در خلیج حسن قلی
مشغول ماهی گیری بودند مکرر گرفتار غارت و تعدیات ترکمانها بودند لهذا در سنه ۱۸۴۰
دولت روس مجبور شده که تدبیری جهة رفع این کار نماید بنا بر این کشتیهای جنگی
مامور شده که در سرحدات ایران مواظب دزدان بحری شوند در سنه ۱۸۴۲ که دولت
ایران خواسته قلعه در جزیره چیکیشلر بسازد و گزیری (کشتی جنگی بسیار شدت در حرکت

در سواحل استراباد و ترکمان فرستادند که رفع دزدیهای ترکمان را بنمایند
از این تاریخ به بعد تجارت بحری روس خالی از خطر شده در جنوب
شرقی بحر خزر عداوت ترکمانها زیاد شد چون راه دزدی آنها
بکلّی بسته گردید و کار معاش ایشان بتنگی کشید و دست آنها را کوتاه کردند

چه لازم بود هم از برای دولت علیّه ایران و هم برای دولت روس که
نقطه برای لنگرگاه کرجیها که نقطه بندر تجارتی هم باشد لهذا در سنه ۱۸۴۱
جزیره آشوراده را برای اینکار مشخص و معیّن نمودند

معین کننده

از متداول و برقرار کردن کرجیها در جنوب شرقی بحر خزر منافع بسیار
حاصل گردید از انتشار غارت و دزدی ترکمانها که از قدیم الایام
موجود بود از این تاریخ به بعد بکلّی موقوف گردید و دولت ایران منقطع
گردید از خلاص کردن رعیتهای او که در قید و بند ترکمانها اسیر و گرفتار
بودند چه در بحر و چه در خشکی
در سنه [illegible] خان یموتهای خیوه تا مرد افغان بنای جنگ را با خان خیوه گذاشته بامید اینکه

از دولت

از دولت روس کمک خواهد گرفت با وجود آنکه از جانب روس کمکی باو نرسید
تمام ممالک شمالی ایالت خیوه را تصرف نمود ولی چون میدانست که
نگهداری از کنگراد نمیتواند بکند لهذا در مقام اضطرار بدولت روس تکلیف
نموده که کنگراد و دهنه رود آمو را در تصرف درآورد دولت روس از اینکار
انکار کرد چندی نگذشت که کنگراد را از او پس گرفتند و آن نامرد چون
خیال تصرف تمام خیوه را در سر داشت از جانب دیگر نقشهای عداوت
طایفه تکه با او داشتند باین وسیله مقیدهای امیدواری از دولت
روس داشته که باو حمایت نماید و در سنه ۱۸۴۸ عریضه باسم شخص امپراطور نوشته
برئیس ولایت ارنبورک فرستاده باین مضامین
ما طایفه هستیم بدبخت و همه اوقات گرفتار اسیر دول مختلفه که در اطراف ما می باشند
و در میان طایفه با دیگر قانون و نظامی نیست و در میان ترکمان سلطان زنجیر را
چنانکه از چوب آهن مشکل و محالست در آید امروز تمام خیالات ما آن است که
زودی شود زمانیکه از جانب خداوند عالمیان که ما در حکم و اطاعت پادشاهی
بزرگ درآئیم و عقیده ما آن است که از جانب شاه قدم سلطانی ظرف ما می آید و بنای

و تجارت میگذارد و انشهر محل اجتماع تمام ترکمانها که رعیت یافو و سکواه هستند
خواهد بود (شا قدم اسم جائیست در محل شهر کراسنوودسک که از زمان قدیم
ترکمانها آنرا باین اسم میخواندند و بالفعل هم شهر کراسنوودسک را
شا قدم میگویند)

فرستادهائیکه این نامه را آورده بودند با اعزاز و احترام تمام آنهارا پذیرائی کرده
نوازشات بسیار نمودند ولی دولت روس جواب صریح بانها نداده همینقدر
اظهار کرد که دولت محال است از حمایت رابطه تجارتی ترکمانها

در سنه بحکم خان خیوه آب لاودان را که از میان ترکمنهای آتامرد جاری بود
برگردانیدند بنابراین زمینهای ترکمان بی آب ماند بعضی از آنها مجبور شده
اطاعت خان خیوه را کرده تابع گردیدند آتامردها با سایرین خیال آنشدند که
خودشان سدی در لاودان درست نمایند و مشغول آن شدند هنوز باتمام نرسیده بودند
که سپاه خان خیوه آمده آنها را از آنجا بیرون کردند آتامردها از آنجا کوچ کرده
نزدیک خلیج بالخان آمده در سنه که قشون بکراسنوودسک آمدند اول آتامراد
کسی است که خدمات بسیار بقشون روس نمود

در سنه بواسطه بعضی گفتگوهای مشکله که فیمابین دولت ایران و روس فراهم آمده
اقداماتیکه برای گرفتن کراسنوودسک خیال داشتند موقوف شده و بحالت
باقی مانده و چندی بعد از آن مجلس فراهم آورده مجلس گفتگو و مذاکره درباب
آنکه در ساحل شرقی بحر خزر نقطه را که مفیدتر و نیکوتر از جمیع نقاط باشد
انتخاب نمایند که از آن نقطه بکار اقدام نمایند دیگر درباب آنکه مراوده تجارتی
با تمام ترکمانهای ساحل شرقی خزر بگذارند

در سنه احکامات ذیل صادر گردید اولاً خلیج کراسنوودسک را تصاحب
نمایند موقتاً تا آنکه معلوم شود منافع آن نقطه ثانیاً تمام قرارها و کارها
در گرفتن کراسنوودسک بعهده ریاست قفقاز است ثالثاً بعد از گرفتن کراسنوودسک
تمام رتق و فتق و متداول کردن قواعد و قوانین تازه در تحت ریاست ولایت
ارنبورگ است چنانکه تمام کارها و مراوده پلتیکی دولت روس با آسیای مرکزی
در تحت ریاست حکومت همان ولایت

فتوحات نمایانیکه پشت سر هم روی داد در سنه ولی سنه را یادداشت داد
وضع حالت ممالک جیحون و سیحون را تغییر داده کوکان بکلی از کار افتاده شد و

نیز از دست خان بخارا بیرون رفته تنها ایالت خیوه باقی ماند که ابداً تا آن وقت دست
نخورده و بواسطه سفرهای جنگی روس که در سنه ۱۷۱۷ و سنه ۱۸۳۹ باینجانب کردند و شکست
خورده بدون تحصیل نتیجه مراجعت کرده بودند از آن تاریخ به بعد
ایالت خیوه زیاد مغرور شده و آنچه میتوانست سعی و کوشش زیاد نمود که
آنها را بطرف خود در آورده نه ترکمانهای تنها را بلکه قرقیزهای ارنبورک را هم
در سنه بطور فاش و آشکار در مقام عداوت و دشمنی با دولت روس آورد
در آن اوقات امیر افغانستان شیرعلیخان بتحریک ایالت هندوستان عزم
از آن کرده که تمام دول آسیای مرکزی را متفق کرده در مقابل دولت روس
بجنگند خان خیوه سپاهی عظیم بسرحدات روس فرستاده در این بین تمام ایالت
ارنبورک اغتشاش و بی نظمی کلی رو داده و لهذا وضع حالت کار در آسیای
مرکزی برای دولت روس بسیار مشکل و سخت گردیده واجب و لازم دیده که اتفاق
مسلمانان را حتی المقدور ضعف بدهد و ترکمانها را از خیوه برگردانیده بجانب
خود بیاورد   بنابراینجهات از دولت روس حکم قطعی صادر شد
که در پاییز سنه بواسطه قشون قفقاز خلیج کراسنوودسک را متصرف نمایند و در بهار

سنه را مشغول تدارک و ترتیب سفر جنگی شوند و در این اوقات که مشغول تدارک
می باشند مفصلاً وزیر مختارهای دولت روس که مقیم لندن و اطراف اند
آگاه نمایند که دولت روس هیچ مقصود ندارد   از گرفتن کراسنوودسک
و غیره

رئیس قشون قفقاز در شانزدهم اوگوست سنه خدمت اعلیحضرت امپراطور الکساندر
دوم عرض نموده و مدلل ساخت که لازم است کراسنوودسک را در پاییز امسال گرفت
و گذاردن او به بهار آینده خطرناکست

چون دلایل رئیس مزبور مقبول اعلیحضرت امپراطور افتاده حکم گردید که در سپتامبر
سنه اقدام بسفر نمایند و اطلاع بدولت ایران بدهند که مقصود از گرفتن خلیج کراسنوودسک
چه می باشد

بموجب این حکم در ساحل غربی بحر خزر در پطروفسکی یکدسته قشونیکه مرکب از هزار نفر
یعنی یک باطالیان پیاده و نیم سکادران قزاق و دو عراده توپ بسته و چهار عراده [illegible]
بریاست پالکونیک استولیتف ترتیب داده شد در هنگام حرکت استولیتف دستورالعمل
ذیل با او داده شد

تعیین بنادر ساحل خلیج کراسنوودسک نیکوتر و راحت‌ترین مکانی برای برقرار کردن

محل تجارت

اطلاعات صحیح و کامل چهار سال تاکی که واقعند در ساحل مشرق یعنی در امتداد راه

بجانب آسیای مرکزی و بعضی از حرکات و عمل تجارتی در این راه

دیگر آنکه بنای اردو ده و بردگی از ترکمانهائیکه در آن نقطه ساکنند بخشند از آخر

دستورالعمل نوشته شده بود هر یک از طوایفیکه دست باسلحه کرده مقابل بنا

خروج یاغیان او را دانسته در مقام مدافعه برآیند

برای استحکام و برقرار نمودن صلح به بالکوبنیک استولتف مبلغی داده شد از کرایه

گرفتن شترانیکه از ترکمانها میگیرند و همچنین برای پذیرائی و ضیافت رؤسای ترکمانها و رساندن

مأمور بوسطه ملک ازبرای طغیان دادن به ترکمانها

این دسته قشون مأمور در بیست و سیم آگست بطور تکمیل در پطروفسکی حاضر شده در پنجم

ورود هشترخان گردیده بواسطه طوفان هوا چند روزی در آنجا ایستاده در بیست و نهم

تمام قشون در چهار کشتی نشسته روانه بجانب خلیج کراسنوودسک شدند در پنجم و ششم

نا یار واکو دماغهٔ مورلوف گردیدند

در تهیهٔ نقشهٔ استولتف بنا نمود جمع کردن اطلاعات از ایلخانان بزرگ و چنین معلوم

گردید که نیکوترین نقاط برای زیست جزو اعظم قشون خود در قریهٔ تاش آروات است

چونکه این نقطه در موقع مکانیست که میوه‌ها در فصل تابستان از اطراف بآنجا حمل میشوند

و باعتقاد استولتف بودن قشون روس در آن مکان تمام خلیج بلخان و کراسنوودسک

و حرکت کاروان ایلخانان به کراسنوودسک از ترس و دست اندازی یموتها خلاص خواهد

شد و علاوه بر فواید مذکور این عمل فواید ذیل را هم خواهد داشت

چون واهمه و خطر بزرگ در خیوه انداخته و تجارت کاروان را از ایلام راه واقعه ما بین بحر خزر

و رود آمو خالی از خطر و غارت نموده نماید و لهذا برای انجام مقاصد خود کمک و دو نیم

مرکب از دو گروهان پیاده و یک اسکادران و نیم قزاق و چهار عراده توپ باشد

خواسته در این بین هم عقبه از قشون نزدیک اطراف پطروفسکی بادکوبه ترتیب داد

که مرکب از شش باطالیان پیاده و چهار اسکادران قزاق بود که اگر برای قشونیکه

در سفرند اتفاق بد صورت دهد و لازم گردد که بآنها قوت برسانند زودی

ممکن شود

بعد از تمام جمع‌آوری اطلاعات از ایلخانان بزرگ قشون کراسنوودسک مشغول

اعمال مهندسی شدند یعنی در بندر مولیف بنای اردوئی نهادند که در صورتیکه
جزو اعظم این قشون بجانب بالخان روند قواعد خودداری و مدافعه ازین جا هم
موجود باشد

اغتشاشاتیکه در قشلاق بواسطهٔ اقدامات تازهٔ روس پیدا شده و در رفع آن نمودن
بقشلاق تکه اسکادران قزاقی که در دفعهٔ اول مأمور کراسنوودسک بوده و رسیدن آذوقه
بسیار از جانب قفقاز واداشتند استولتف را در آخر ماه اپریل قشون بجانب
تاش آروات حرکت دهد

نصف قشون از راه آب یعنی از خلیج میخایلوفسکی و نصف دیگر از راه خشکی یعنی از سمت
شمالی بالخان با شترانیکه از یموتها اجاره کرده بودند حرکت نمودند

در ابتدای ماه اوگوست تاش آروات را تصاحب نمودند و همچنین چاتلا قاری
و دهنهای خلیج میخایلوفسکی را هم تصرف نمودند

برای رسانیدن آذوقه به بلاقاری و تاش آروات قلعه بارخانهای دیوانی
که بر شتران حمل میکردند برقرار شد

زیست قشون در تاش آروات قلعه که از همه جهات بنظر نیک آمده بود چندی

نگذشت که مصیبت بگیر شده تمام قشون گرفتار امراض صحرائی شده و حمل آذوقه
هم در عرادهائیکه بعقب کشتی تجار و دولتی می‌بستند زیاد مشکل شده بود چونکه
متصل دگمهای ماشینها می‌گسیختند و لهذا آذوقه موقع نرسید در آخر سنه ۱۸۷۰
زیست قشون در آن نقطه بسیار مشکل و غیر ممکن گردید

بعد از گرفتن قشون روس تاش آروات قلعه را حالت ترکمانهای نزدیک و اطراف
آن نقطه از اینقرار است

طایفهٔ جعفربای که با کمال شوق و میل مایل مراوده و دوستی با روسیان بودند
از آمدن آنها بسیار شاد و خوشوقت گردیدند بخلاف طایفهٔ آق آتابای که تهیهای
نفرت را از مراوده با روسیان داشتند متصل میفرستادند نزد تکه‌ها که
با مراوده با روسیها چه می‌باشد و با آنها چه باید بکنیم و آخر الامر بتحریک و فساد خان خیوه
تکه‌ها بنای طغیان را در مقابل روس گذاردند

پالکونیک استولتف برضایت وزیر مختار مقیم طهران عزم حرکت از تاش آروات
به پستی‌های رود اترک نمود ولی در این حینیکه مشغول اترک حرکت بود در بیستم
ماه اکتبار در هنگام طلوع فجر تکه‌ها بغفلت حمله به میخایلوفسکی برده

جماعت روسیان حملهٔ آنها را رد کرده شکست دادند در این حمله از روسی سه نفر مقتول
و چهار نفر زخم دار شدند این حمله که اول مقابلی روس با تکه ها بود پالکوینک
استولتف را که از خیال اول خود که حرکت بجانب ارک باشد بگذرد و
بعوض آنجانب اوزبس تکه ها یعنی تا قزل آروات رفته و کوشش لی
از تکه ها کرده و اخبارات از کیفیت آنها تحقیق کرده مراجعت نماید
در سلخ ماه نویابر قشونیکه مرکب بود از دویست و نود پیاده و دو اسکادران قزاق
و سه عراده توپ و ششصد و هشتاد شتر از قلاقاری حرکت کرده در دهم نویابر
به قزل آروات رسیدند ساکنین قزل آروات چون از ورود اینها
آگاه شده قلعه را خالی نموده فرار نموده بودند در تمام این راه یکنفر ترکمان ندیدند
مگر نزدیکی قزل آروات دو نفر تکه با قشون روس مقابل شده یکی از آنها کشته
و دیگری را زنده در قید و بند کردند در دوازدهم دکابر از قزل آروات معاودت
کرده در سیم وارد تکان شدند
بواسطه حرکت پالکوینک استولتف دانست راه از خلیج میخایلوفسکی را به اوزبس
آخال تکه که نزدیکترین راه است هم به ولایت خراسان با انگه

و همچنین با افغانستان
در ابتدای ۱۸۷۳ عداوت خیوه با دولت روس بکلی فاش و آشکار گردید
بنابراین مجلس از وزرا برای گفتگوی تهیهٔ عمل جنگ نمودن در مقابل خیوه
منعقد گردید رای و مصلحت مجلس این قرار گرفت که باید قدری صبر کرد
و بشروع بعمل نمود در این مدت که قشون روس در ترکستان بیکار و بی‌شغل
هستند باید مشغول آگاهی از راههای ذیل شوند
اولاً از کراسنوودسک تا سارا کامیش را بدقت رسیدگی نمایند که در صورت
لزوم ممکن است از آن راه حرکت قشون به خیوه
ثانیاً از آنجانب بسمتهای ارک و اطلاع و آگاهی از ارک که پیش از همه لازم است
چونکه این راه بکلی ما را آسوده خواهد کرد از بابت حمل و نقل آذوقه برای سفرهای
بسیار دور بعد از دقت و رسیدگی کامل در راه مذکور تمام قشونیکه در ترکستان
هستند آنها را جمع آوری نمایند در کراسنوودسک
در ابتدای ۱۸۷۰ ترکمانها تمام در مقام عداوت و دشمنی سخت با قشون کراسنوودسک
برآمده مگر بعضی از آنها یعنی عدد بسیار کمی به معاونت و خدمت قشون روسی اقدام

نمودند

در ابتدای ماه فورال یموتهای خیوه بفرموده خان بر ایشان حمله بردند با بعضی
ترکمانهائیکه با شتران خود مشغول حمل آذوقه برای سپاه روسی بودند و تمام
گلهای گوسفند و ششصد و شصت شتر ماده از آنها بغارت بردند و سرگردان
ایندر دهها به ترکمانها اعلان کردند که خان خیوه فرموده است که هر کس از
ترکمانهائیکه بقشون روس خدمت میکنند سر بیاورد همان قدر انعام و جایزه
خواهد گرفت که قبلاً بآوردن سر روس میگرفتند بنا بر این اعلان در اخر
ماه فورال ملاحظه شد که تمام ترکمانها از قشون روس بقدر چیت و تخم سنگ دور شدند از
و از ترس آنکه مبادا بار آنها را بحکم خان خیوه غارت و اسیر کنند تمام مردوهای خود را
از قشون روس بریده و لهذا قشون روس از بابت نبودن شتر که برای حمل آذوقه
لازم بود به تنگهای سختی در زحمت افتاده
پالکوینک استولتف برای رسیدگی و تحقیقات راه از رباط آق اوت قلعه بالماسار اکا
که در نزدیکی اورنیس خیوه واقع است فرمانده گروهان اسکوبلف را مأمور نمود
اسکوبلف با سه نفر سوار قزاق و سه ترکمان تا اورنون کویو رفته و آنچه

لازمه

و آنچه لازمه رسیدگی بود بعمل آورده مسافت هر دو راه صد و نه ورسنگ
تعیین نمودند از این تحقیقات چنین معلوم گردید که یکدسته قشون کوچک
میتوانند از این راه با اورنیس خیوه روند در ماه مه در سنه ۱۸۷۳ اینچنین مفهوم شد که بعد از
مقابل کردن خان خیوه ترتیب دادن راه کاروان از ساحل شرقی بحر خزر
بخیوه که منتظم و خالی از خطر بوده باشد امکان نخواهد داشت
نور وردی خان یموت نزد خان خیوه رفته خان با او وعده نمود که به یموتها کمک
نماید در صورتیکه آنها در مقابل روسی بجنگند و همچنین وعده نمود شتران
ترکمانها را اگر بروسی خدمت میکردند پس بدهد در صورتیکه آنها از نزدیکی روسها
کوچ کرده نزدیک چاه بقیدی نزول نمایند بنا بر این وعده گوکلنها و تکه ها و ایلیغ
جعفربای اعلان نمودند که تمام اهالی شان بدون هیچگونه ملاحظه و تأملی
غارت خواهند نمود اگر بخواهند در اطراف و نزدیکی اردوی قشون روس
باشند مقارن این اوقات از رئیس کل قشون قفقاز چنین حکم رسیده
که لازم است تمام نقاطیرا که قشون روس در آنجاها می باشند
خالی نموده و تمام آنها در کراسنوودسک جمع شوند چونکه جزیره و موجب

قشون در خلیج مخایلوفسکی و نقاطیکه لشکری از او دارند تا تقاری و تماش
آرولت قلعه بسیار گران تمام می شد و لوازمات و آذوقه از
دریا بخوبی بآنها می رسید و در این بین نیز حکم شد که در کراسنوودسک
یکدسته قشون کوچکی که مرکب از دو گروهان پیاده و یک اسکادران
سوار قزاق و دو عراده توپ بسته و شش عراده نیز بسته بیش لازم نیست
لیکن عقیده پالکونیک استولتفا آن بود که باین اقدامات قبل از پاییز
سنه ۱۸۷۰ نباید شروع شود

در شانزدهم ژول پالکونیک استولتیف را از فرماندهی و ریاست قشون کراسنوودسک
معزول نموده و بعوض او پالکونیک مارکوزوف را تعیین نمودند
و باو چنین دستورالعمل داده شد که در وسط گرمای تابستان دو جاسوسی بزرگ یعنی تحقیقات
از ساراکامیش و ترک بعمل بیاورد

در ابتدای ماه ستنیابر قشونیکه معین شده بود برای اطلاع و جاسوسی بجانب
ساراکامیش در تقاری جمع آوری شدند چون ترکمانها راضی
نمیشدند که شتران خود را کرایه دهند لهذا پالکونیک مارکوزوف مجبور شده

پانصد

پانصد شتر از آنها جبراً گرفته چون اینها کم بودند کفایت باین قشون
نمیکردند پالکونیک مارکوزوف حکم نمود که صد شتران دولتی را که
مشغول حمل آذوقه و لوازمات بتماش آرولت قلعه بودند نیز بآنها افزوده
کنند ولی این حرکت آخر کار را بجائی رسانیده که دست از تماش آرولت
قلعه کشیده و انجا را خالی نمایند

قشون مأمور بجاسوسی مرکب بود از چهار گروهان و نیم پیاده و شش عراده توپ
و یکدسته قزاق

در چهارم ستنیابر حرکت بله از تقاری بجانب چاه قزلی آتا و چاکیل و قوم سبیش و اوروین قویو
حرکت نمودند در این حرکت بله جبلوئی یعنی التیمتیکه پیشاپیش قشون حرکت میکردند
در نزدیکی بعضی از چاهها قلاع بنا ساختند در هر یک از این قلاع یکدسته
پیاده و یکعراده توپ و جزئی از آذوقه خود را گذارده به پیش حرکت مینمودند
مقصود از این قلاع آن بود که این دسته قشون بدون انفصال لشکری تقاری
قلعه داشته باشند و علاوه بر آن این دسته قشون نیز کم کم سنگر کرده
که از بعضی تحقیقات آسوده باشند و قلاع مذکور در چاهها ذیل بنا شده اند

در قزل آتا و چاکیل و قوم سبشین و اوزون قویو و لهذا از جمله آخر قشونیکه بجانب ساری
کامیش حرکت نمود مرکب بود از دو گروهان و نیم پیاده و دو عراده توپ و دو اسب قزاق
با دویست شتر الاشش اسب توپخانه دیگر اسبی نبود صاحب منصبان از اوزون
قویو تا سارالکامیش بعضی پیاده و بعضی بر شتران سوار رفته ولی قزاقان
بفاصله به ساعت بعد از آنکه پیاده از اوزون قویو حرکت کردند از آنجا بیرون آمدند
زیرا که غرض و مقصود آن بود که تمام یکدفعه این بیابان بی آب را طی کرده
به قاق هم بسارالکامیش رسند مهید و ریکه آنها را بود که در سارالکامیش آب
فراوان رسند عاقبت امیدشان مبدل به ناامیدی شد و ابداً در آنجا
آب ندیدند

ششم ماه اکتبر بجانب اورناجر حرکت نمودند در تمام عرض راه چاههای آب را که آب
دیده چنانکه در ساعتی بیست پا است و پنج دلو آب زیاد ممکن نبود کشید و
شبانه روز تمام گذشت که شتران ابداً آب نخوردند همینکه قزاقان رسیدند
بعد گوسفند پناه پیمانه آب پیدا کرده و آن را با آب شوریکه در بعضی چاهها
موجود بود مخلوط کرده میخوردند

در هشتم ماه اکتبر اول طلوع فجر قزاقان به سارالکامیش رسیدند بعد از آنکه در آنجا قدری
آرمیدند مارکوزوف آنها را از آنجا بیرون حرکت داده بجانب چاه دقپه حرکت
نمودند نفر بایش مارکوزوف یکعراده توپ و چهل و پنج نفر پیاده و تمام
شتران و تمام ظروفیکه در تمام قشون بود برای آوردن آب با قزاقان
برده بشد در دو منزل چاه به آب رسیده و تمام حیوانات را مشروب کرده و بعد
امکان آب برداشته هنگام عصر بجانب سارالکامیش حرکت کرد

هشتم ماه اکتبر تمام قشون مراجعت نمودند لیکن از اوزون قویو بعضی از آ
دیگر بنزدیکی چاه داجلی رفته در آنجا مقابل شدند با طایفه نساخلوئیکه
خودشان در قوم سبشین گذارده بودند از داجلی بجانب چاه بور حرکت کرده و از
چاکیل عبور نمودند و در آنجا دو قسمت شده یمی از راه مورا و تیره نیم و دیگر از قزل آتا
روانه شدند رسیدگی و تحقیقات در راه عمل از کراسنوودسک به سارالکامیش
در هنگام مراجعت قدری گنار راه رجاده بخیال آنکه نقاطی را که قبل از
این وقایع توسط اروپا معلوم شده بود مربوط نمایند با نقاط و راهیکه
در سفر سابق معین شده بود همچنین بخیال آنکه مربوط نمایند با نقاطیکه

کرده شد

در سفر مورا ویف معیّن شده بود و حرکت مورا ویف از چاه توشن داده است بجانب چاه دردین

چاه دجلی واقع است در جنوب غربی چاه ایان و در جنوب شرقی چاریشلی

راه و معبری نیز از امتداد این چاه بوده است دیگر مقصود و استحضار از دقت و رسیدگی

از نوآربه تولموکیر آن بود که ممکن است آیا در ساحل قره بوغاز قلعه محکم باید ساخت

برای بنا نمودن بجنگ مقابل خیوه

مارکوزوف از قزل آتا با سه گروهان پیاده و چهار عرّاده توپ و یک دسته

قزاق برای تحقیقات از اوزبار روانه گردید در اثنای راه نزدیکی توبی آتان مقابل

شد با کاروانی که از خیوه به ترک روانه بوده‌اند و مشتمل از ۳۰۰ شتر بود

مارکوزوف چونکه بچاه بورجی رسید قشون خود را به دو قسمت نمود قسمت اول

روانه نمود که جبال بال خان را از جانب شمال دور زنند و نیم دیگر را مأمور نمود که

از جانب جنوب همان رشته جبال را دور زنند چهار قسم جاسوسی اوزبار را از

توبی آتان الی نهر اوزبا بجونی تحقیقات بعمل آورده هشتم نویابر تمام و قسمت

بملاقات معاودت نمودند

مارکوزوف در روز دوازدهم نویابر با سه گروهان پیاده و دو عرّاده توپ کوهی

و پانزده سوار قزاق بسمت ارک حرکت کرد و از راه تاگیر و گیوگنسلی و چوچوق

در بیست و چهارم نویابر وارد چکشلر گردید

در آن نقطه یک کشتی بادی موسوم به آئیبت ملاحظه کردند که تازه بساحل آمده

بود و اردو ولی با آذوقه و خوراکی بسیار با خود داشته در همان شب چهار تیر

تفنگ از انجانب بجانب قشون روس انداخته شد که یکی از آنها یکنفر تابین را

مجروح و زخمی نمود ولی بعد از آن ابداً از طرفین تیر اندازی تکرار

نشد بعد از آن مارکوزوف با اهالی و روسای ترکمانهائیکه در آن نقاط

ساکن بودند گفتگوی بسیار نموده خانهائیرا از حرکت آینده آنان که از

کلّیّه متغیّر شده بودند و میگفتند اینچنین حرکات نسبت به روسیان

تمام جادو افراد ترکمانهای نیکخواه و نجیب صادق الاسلام بدنام

خواهد کرد

چون مطلب و مقصود مارکوزوف آن بود که ترکمانها را چنان معتقد نماید که

روسها هرگز با ترک نخواهند آمد بنا براین مقصود و خیال

در بیست و هفتم ماه از چکشلر دو ساعت بغروب مانده بیرون آمده و در نصف شب

بساحل رود خوارزم رسیدند چون چندی راحتی کردند مارکوزوف قشون را بطرف
جریان رود خوارزم تا محل ریزش آن در بحر حرکت داده در آنجا باطراف
خلیج حسنقلی و به حسنقلی ساکنین این اراضی بانهایت میل و خوشحالی از آنها
پذیرائی کرده و ماهی بسیار برای آنها فرستادند

مارکوزوف با قشون خود شب را در حسنقلی بسر برده در بیست و نهم نوامبر معاودت
بچکشلر نمودند این حرکت و استکشاف آخر سنه ۱۸۷۱ بوده و تمام راهی که در این سفر
دیده شد در نقشه نموده گشت تخمیناً دویست و نود فرسنگ است که موافق
(دو هزار و هفت ورست)

مارکوزوف دو گروهان پیاده و دو عراده توپ در آنجا گذاشته و یک گروهان دیگر را
بکراسنوودسک معاودت داده چنین دانسته که دو گروهان برای کراسنوودسک
کفایت میکند لهذا سه گروهان دیگر را با تمام قزاق و اسبان بچکشلر روانه
قفقاز نمود بنابراین در اول ماه ژانویه سنه ۱۸۷۲ با چهار گروهان پیاده و شش
عراده توپ کراسنوودسک را متصرف بودند و چکشلر را در تصرف داشته
نتایج جاسوسی مارکوزوف آن بود اولاً تخلیه نمودن پوزیسیون نزدیک

جبال

جبال بالخان را از قشون روس و ساختن قلعه در دهنه رود اترک ثانیاً غارت
و فرستادن خان خیوه بقفقاز

اگر چه قبل از این ذکر نمودیم که پالکونیک استولیتف بچگونه مطلب و مقصود در جبال
بالخان پوزیسیون قرار داده و در آنجا قشون بسا خلو گذارده در اینموقع نیز
ذکری میکنیم

استولیتف چنین گمان کرده بود که امکان محتمل است که تمام طوایف یموت در هنگام
تابستان در این نقطه جمع میشوند ولی چنین نبود لهذا تاش اروات
قلعه مکانیتی نداشت که بتوان در آنجا تمام یموتها را دست رس و حکم
داشت و علاوه از آن جبال آنجا در هیچیک از راههائیکه بخیوه
میرود واقع نیست لهذا اهمیتی چگونه خواص و منفعتی در امور تجارت و در مقاصد خشکی
ندارد

از اطلاعات جاسوسی سنه ۱۸۷۱ چنین آشکار و معلوم گردید که در ولایت واقعه مابین
اترک و گرگان اراضی میباشد که در آنجا تخمهای جو و رسماله تدارک
و تهیه گندم میکنند چه برای خود و چه برای رمهای چاروا و چون چاروها از علف

بستگی دارند با جمهورها لهذا روسها بجمهور تسلط و حکمرانی کلی دارند بخصوص طایفه
چاروا‌ها

دیگر آنکه تجارت بحری و ساحل بحری موتها بستگی کلی دارد بمنزل بحری
روس و استراباد که آشوراده می باشد و حکومت آشوراده میتوانند بهمه قسم
تحکم بآنها نماید حتی آنکه میتوانند بکلی تجارت و حرکات آنها را موقوف نماید
و بنابراین اگر قشون خشکی روس که به اترک مامور بودند با حکومت آشوراده
دست بدست داده و یکخیال حرکت میکردند در آن صورت تحکم روس بیموتها بیا
زیاد و محکم تر گردید

علاوه بر آن از طرف اترک نیکوترین راه جانب قول دولت دوس (؟)
آن حال موجود است و چنین معلوم شد که تسلط بر اترک کلید فتح تمام ممالک خوبی (؟)
ترکستان است و بآنچه بود که نقطه عمل را که اول در سمت شمال و بعد جنوب اورده
و در آنجا بنا نمودند

قبل از آنکه مطالب سفر جاسوسی ۱۸۷۰ را تمام ختم نمائیم لازم است
ذکری کنیم از آنکه بعد از گرفتن قشون روس نقطه را نزدیک رود اترک چالی

برای

برای ترکمانها دست داده و در باب گفتگوهائیکه مابین دولت ایران و دولت
روس شد

قبل از ورود قشون روس بچگشلر رئیس بحریه روس در استراباد
(آشوراده) بترکمانهای سواحل بحر و اترک اعلان نموده که قشون روس خواهد
نقطه را در نزدیکی اترک برای زیست خود خواهد گرفت و بآنها تکلیف نمود که
بدون آنکه از آمدن آنها اضطراب و واهمه نمایند در یورتهای خود آسوده باشند
و در آن اوقات جزو اعظم ترکمانهای چاروا مابین اترک و گرگان ساکن
بودند

طایفه آتابای چونکه از کاروان طایفه خود که در اوزبار گرفتار بلاء مارکوزوف شده
بودند مطلع شدند چنین دانستند که رئیس این قشون بواسطه رسانیدن
شتر بآنها از آنها رضایت و خوشوقتی ندارد لهذا بکلی از مکان اصلی خود
کوچ کرده بوسط بیابانها نقل و مکان کرده و بعضی از ترکمانهائیکه در ساحل آ
در نزدیکی چگشلر ساکن بودند نیز خواستند خود را راضی نمایند که
از محل خود حرکت نکنند در نزدیکی گوشه تپه تماما نقل و مکان در آنجا

کردند

از گرفتن قشون چکیشلر را و حرکت آنها بسمت رود اترک برای تنبیه و گوشمال آن اردو که
بجانب قشون روس تیراندازی کرده بودند حاکم ولایت استرآباد زیاد مضطرب
شده مخصوصاً در آنوقتیکه اخبارات دروغ منتشر شده بود که قشون روس
میرود بجانب گومش تپه و در آنجا میخواهد قلعه بسازد دیگر از کوچ کردن ترکمانهای
چاروا از خاک متعلق باسترآباد بسیار ناراضی شده و سبب رفتن آنها را
از آمدن قشون روس دانسته و سبب تجدید ناراضی بودن حاکم استرآباد این بود که گرفتن مالیات از آنها
چون بسیاری از مالیات بده‌ها بخصوص آتابای کوچ کرده بودند

ترکمانها در ابتدا چنین اعتقاد و گمان داشتند که قشون روس در گرفتن مالیات
از آنها بحاکم استرآباد امداد و معاونت خواهد نمود لیکن بعد از آنکه از رئیس قشون
روس مطلع شده که در گرفتن مالیات از آنها او مداخله نخواهد کرد آنها کلی
انکار از دادن مالیات بدولت ایران کرده ولی بعوض آن از آمدن قشون روس شر
با مکان غارت و دزدی ترکمانها در آنجا بسیار کم و بلکه بالمره تا آخر
معدوم گردید

برای تحکم

برای تحکیم و استحکام آگاهی دولت روس در ترکستان حکومت ولایت قفقاز حکم
نمود که در تابستان و پائیز سنه ۱۸۷۱ ایضاً یک سفر جاسوسی مفصلی بعمل بیاورند
این اراده باید در ابتدا در رود اترک شروع شده تا راه بجنورد بخوجه و از
جبال قپتداق عبور نمایند تا زرغش آباد در رفته از آنجا بجانب چیچون حرکت
نمایند

برای انجام این مأموریت دو دسته قشون ترتیب داده شد دسته اعظم آن
در چکیشلر و دسته دیگر در کراسنوودسک معین گردید تمام دو دسته مرکب بود
از چهار گروهان پیاده و دو اسکادران قزاق و بیست عراده توپ

برای حرکت این دسته قشونها آذوقه چهار ماهه و سه هزار و پانصد شتر لازم بود
و تمام آنها را باید در اترک [illegible] نمایند

مارکوزوف که بتفلیس رفته بود برای عرض کردن انجام سفر جاسوسی سنه ۱۸۷۱
خود در اول اول سنه ۱۸۷۲ معاودت بقشون خود نموده مشغول تدارک اسباب سفر
تازه گردید چون در هنگام تابستان ترکمانهای اترک کوچ کرده بیابانها رفته بودند
لهذا مارکوزوف مجبور شده که شتر برای حمل و نقل آذوقه از آنهائیکه

در جبال ایلخان بادیه گردی میکنند بدست بیاورد

بنابر فراهم بودن این اسباب و ممنوعات طرح امپراطور تغیر دادند و حکم شد که
قشون عمده که در چکشلر جمع آوری شده بود بکراسنوودسک کوچ دهند و هر دو
دسته را از کراسنوودسک بجانب اوزنادا از یک راه یعنی از راهیکه نزدیک
ترین راه است از کراسنوودسک باوزنادا حرکت دهند

ترکمانهای جبال ایلخان راضی نشده که بمیل خود بقشون روس شتر برای حمل
و نقل آذوقه دهند لهذا مارکوزوف مجبور شده که بزور و جبر از آنها
بگیرد لیکن اینقدر آنیکه از آنها گرفت برای حرکت این قشونیکه در کراسنوودسک
جمع شده بودند کفاف نداده بنابراین برای آنکه حتی المقدور حرکت کردن آنها را
سهل و مختصر نمایند تمام اسباب و آذوقه قشون از کراسنوودسک حرکت داده
در هشتاد و پنج ورستی مشرق نزدیک چاه بلک برده چونکه تا بآن مکان تمام آذوقه
و اسبابیکه برای حمل آنها شتر لازم بود امکان داشت که با کشتی بیاورند و امید ایشان
این بود که در آنجا نیز شاید شتر بدست بیاورند

اول دفعه مارز ماد چپاوا ریان را چهار کرون پیاده و چهار عراده توپ در بیست و هشتم

ایول

ایول مامور بود که بجانب چاه بلک برود و باو حکم شد که چون بآنجا رسید امداد
کند تا آنکه تمام آذوقه و غیره را از کشتی ها بساحل کشند و بعد از انجام و اتمام
از آنجا حرکت کرده از راه توبطاتان بجانب اوزنادا برود در بین راه هر چند شتر به بیند
نیز باجبر از صاحبانش گرفته باتفاق سوار روانه بلک نماید تا آنکه باقی قشون را
نیز از آنجا حرکت دهند

پالکونیک مارکوزوف ریاست قشون کراسنوودسک را به پالکونیک کلوگن داده باو
فرمان داد و به پیش حرکت نماید و خود او بچکشلر رفته که باطالیان نیز را که در آنجا بود
برداشته بقشون کراسنوودسک ملحق شود این باطالیان مدتی بود که در
این مکان معتصم بود لیکن برای عدم شتر در آنجا مانده بودند

چنانکه سابق ذکر شد ترکمانهای چپار و اتکلی نقل مکان کرده در ساحل چپ
رود خانه اترک رفته و برای قشون روس دسترسی بممالک واقعه ما بین
گورگان و اترک امکان نداشت و علاوه بر آن از ایشان آنچه ممکن بود اسباب
کارشکنی و ممانعت برای حرکت قشون روس فراهم می آوردند چنانکه
وعده و نویدهای بسیار زیادی بترکمانها میدادند و گزاف خرجی بسیار

برای آنها میکردند که آنها را مجبور کنند که ممانعت از قشون روس نمایند و قشون سپاهی
در استرآباد جمع کرده و چنین شهرت دادند که اگر ترکمانها خانواده و عیال خود
در پشت اترک گذارده خودشان روند بخدمت کردن روس فوراً بدون هیچگونه تأخیر
و تعلل طایفه اکراد و گوگلان منازل و عیال آنها را غارت خواهند کرد

بالکونیک مارکوزوف از چقشلار کوچ داده نزدیک اردوی خود مجبور کرده
اهل آن آبه را تا آنکه صد و پنجاه شتر و چهل راس اسب بروسیان دادند اما
این عدد بسیار کم بود و خلاف از مقصود آنها نمیداد در این بین مارکوزوف مطلع شد که
در قزل توماخ طایفه چاروای بسیاری دیده گردیده میشوند یک گروهان از راه آب
فرستاد بساحل خلیجی که کوفتی معروف بوده بخلیج خیوه و یک گروهان نیز
بجانب چاههای ماکان قلیچ و چوخور قویو و بوقد ایلی فرستاد که آنها این طایفه
را گرفته و شتر اینرا که گروهان اول از سمت شمال بانجانب پیش کرده بگیرند
حرکت این گروهانها بسیار بد و بیجا بوده بانجام رسید از هزار در گرمای سخت ماه
اوگوست با آذوقه پنج روزه حرکت و بنای جستجو و تفحص نمودند و هیچ زیاده از آنچه
در قبضه سواران بودند بدست نشد

گروهانیکه از جانب جنوب فرستاده شده بود از شدت تشنگی و حرارت بکلی از پا افتادند
و تشنگی آنها باندازه رسید که بول خود را نوشیدند در این بین چند نفر خود را
به تپه ایض رسانده آب بسیاری بدست آورده معاودت به نزد رفقای خود نمودند
و آنها را از هلاکت نجات دادند بنا بر این صدمات این گروهان بدون آنکه بمقصود
خود رسند بچکشلر معاودت کردند

گروهان ثانی که از جانب شمال فرستاده شده بود آنها هم گرفتار تشنگی و حرارت گردیدند
بنوعیکه کم مانده بود که احدی از آنها باقی نماند که اتفاقاً چاه آبی پیدا شده
تمام آنها از هلاکت نجات یافتند این گروهان بعد از آنکه از صدمات تشنگی خلاص
شدند دویست شتر بدست آورده بچکشلر روانه نمودند

در چکشلر بنا بر تهیدات مارکوزوف سیصد و پنجاه شتر و چهل راس اسب موجود شد
با این شتر و اسب ممکن بود که دو گروهان پیاده و چهار عراده توپ کوهی حرکت دهند
ولی در این هنگام از مازرما و چاپاریان راپورت رسید که پانصد شتر دزدها
بدست آورده است لهذا مارکوزوف یک گروهان دیگر نیز توانست با خود درآورد
ولی این گروهان را از راه آب بجانب کراسنوودسک روانه کردند که از آنطرف حرکت

کنند و بنابراین تمام قشونیکه در اینسفر جاسوسی توانست حرکت کنند مرکب بود
از دوازده گروهان پیاده و ده عراده توپ و دو اسکادران قزاق

پالکوینک مارکوزوف بعد از انکه تمام کارها را منظم نموده در سیزدهم
سپتامبر پالکوینک مارکوزوف با دو گروهان پیاده و چهار عراده توپ از
چکشلر بیرون آمده در بیست و هشتم وارد توپ‌آتان گردیدند در بین راه کاروانی را که دویست و
بیست شتر داشتند از خیوه بان طرف اترک روانه بودند گرفته و بعلاوه چند گله بزرگ گوسفند
بدست آورده در توپ‌آتان کاروانی را که دارای پنجاه شتر بود گرفته اموالش را
غارت کردند

در این اوقات متصل اذوقه بیک می‌آوردند از آنجا باما لهائیکه در تحت ریاست پالکوینک
کلوکن بود بعقب بارها چاپاریان میفرستادند ولی چون بازهم شتر بقدر کفایت نبود
لهذا باین تدبیر اذوقه را حمل میکردند انچه شتر داشتند بار کرده نزدیک چاهائی
که در پیش بود می‌بردند در آنجا بارها را گذاشته و شتران را خالی برگردانده دو مرتبه
بار میکردند باین قاعده منزل بمنزل پیش میرفتند معلوم است در این صورت مدت
سفر انها بسیار طول میکشید مثلا دسته قشونیکه با پالکوینک کلوکن بوده مرکب از

سه گروهان پیاده و چهار عراده توپ کوهی و صد شتر بود فاصله ما بین چاه
کاریز و قزل اقتری که ده ورست و نیم بوده است (یک فرسنگ و نیم) در
مدت هشت روز طی کردند پالکوینک مارکوزوف بتوپ‌آتان که رسید بنای جدیدی
خیال کرد که بسفر خیوه بسیار منتظم انجام رساند ازینقرار اولا راهی را که از اورنبر
بخیوه میرود
ثانیا یکی از راههائیکه باوزیس تخته میرسد و همچنین بعضی از جاده‌های اوزنیق
را یعنی آن قطعه را که در جنوب قزل آروات در دامنه جبال قیوزندق واقع است
ثالثا راهی را که از قزل آروات بچکشلر و اترک میرود

در دوم ماه اکتبار در توپ‌آتان سه گروهان پیاده و توپخانه و سواره قزاق جمع شد
پالکوینک مارکوزوف انتظار عقبه تیم را که سپرده پالکوینک کلوکن بود نکشید
با تمام قشون مذکور حرکت کرد بجانب چاه چهال چونکه بچاه چهال رسید از پالکوینک
کلوکن که در عقب بود اطلاع و خبر رسید که در هشتم اکتبار یکدسته از خیویها
در چراگاه شتران او مهمی شده بغتتا حمله کرده صد و پنجاه شتر برده‌اند
پالکوینک مارکوزوف ملاحظه کرده که قوه و استطاعت آنرا ندارد که یکدفعه تمام

قشون نیز اگر لازم [همراه] دارد با تمام ذوق آن بجانب اوزباک حرکت دهد

حکم نمود زودی در جبال قلعه بنا نمایند و تمام ناخوش و ضعیف را که قریب

دویست نفر بودند با دویست شتر بی مصرف در آن قلعه گذارده و برای

پاسبانی آنها یک گروهان پیاده و دو عراده توپ نیز در آن قلعه نهاد خود با آذوقه

چهل روزه بقیه قشون را برداشته بجانب اوزباک حرکت کرد

دران اوقاتیکه مشغول ساختن قلعه و تدارک حرکت بودند بدون اطلاع احدی

در هشتم اپریل یکدسته از تکه ها شتران قشون حمله نموده لیکن کل آنها را بخوبی رد کرد

وجمعی بسیار از تکه ها هلاک شدند از تمام قشون روس یکنفر قزاق و دو نفر ترکمان

کشته شده یک صاحب منصب و یک تابین و یکنفر ترکمان در میان آن یورش زخمی

شده

در سیزدهم اپریل از جم حرکت کرده در شانزدهم بچاه ایغدی رسیدند نعش و رود هیئه از

پانصد شتر و گوسفند که متعلق به تکه ها بود بدست آورده در ایغدی راه قسمت میشود

یک راه میرود بجانب خیوه و یک راه بطرف اوزنی آخال

چونکه قشون روس بایغدی رسیدند فرستاده با کاغذی از جانب تکه ها بخدمت

مارکوزوف

آمده و استدعا نمودند که اسرا و زخمی آنها را پس بدهند و استدعای عفو بخشایش

میکردند و میگفتند که ما چنین گمان کرده بودیم که قشون روس هم آمده قشون

ایرانست

این اتفاقات مارکوزوف را از حالت خستگی و کسالت بیرون آورده راضی شد باینکه

اسرا و زخمی آنها را پس بدهد بشرطی که بعد از سه روز دیگر سیصد شتر باو بدهند اگر

هر آینه عفران نمایند قشون روس داخل آوزیس آنها شده و تمام

آنها را تخته پته خواهد نمود اگر هر آینه در واقع تکه ها شتران را بقشون روس داده

بودند معلوم میشد که تکه ها در مقابل آنها ایستادگی نخواهند کرد و علاوه

بران اسباب آسودگی سفر آنها فراهم آمده بزودی حرکت میکردند ولی

در صورت خلاف آن مجبورا قشون روس داخل تکه شده که از آنها تنبیه کامل

بعمل بیاورد

هیجدهم اپریل که روز موعود بود گذشته تکه ها شتر نیاوردند روز نوزدهم

در اول طلوع فجر قشون بجانب قزل اروات حرکت نمود

عبور از ایغدی تا قزل اروات چهار بابت بی آبی و چهار بابت عبور از تپه های

شتی اشکال و زحمات بجهت برای مردم و شتران بود بخصوصه اسبهائی که
توپهای کوهی را آنها بار بود بکلی از شدت صدمات ضعیف و لاغر گردیده
و اغلب آنها را با بار در سر بار از تپه های شن میکشانیدند در چند نقطه گرفتار
تشنگی سخت گردیدند و شتر بسیاری تلف شدند از تلف شدن شتران
کار بجائی رسید که آذوقه بعضی از آن چند روزه سرباز را بخودش میدادند
در اینجا هشتصد گوسفند بدست آمد

در بیست و پنجم اکتیابر بقزل اروات رسیدند بارکوزوف ساخلوئی در این
نقطه گذارده و خود با قسمتی از قشون سبک بار بقصبه هزار [illegible]
آوزنیس حرکت کرد تمام آبادیهای [illegible] و رالو قزل چشمه و جنگلی باهی
که ساکنین آنجا را خالی کرده و فرار نموده بودند گذشته عصر بیست و ششم
رسیدند به بورمه در آنجا هزار و دویست آلاچیق را با اسباب و اموال
آتش زده و آنچه شتر و حیوانات دیگر در آنجا بوده بقزل اروات
آوردند

در سلخ اکتیابر بارکوزوف که گروهان پیاده را در این نقطه نگاهداشته و [illegible]

را با تمام

را با تمام شتران بریاست پالکونیک گلوکن از راه چپ بکجا اور ماموریجمال نمود که باقی قشون که
در بنجامی باشد حرکت دهد
پالکونیک گلوکن بجمال رفته تمام باقی قشون و آذوقه را حرکت داد ولی پیش از
سی بار را که بواسطه کمی شتر زمین مانده بود آتش زده در بین راه بسیاری
از شتران تلف شده و بایستی بواسطه چهل و شش بار نان خشک را که نتوانستند بردارند
(پس بکجا چ سزاری) در راه آتش زده بعد از آنکه گلوکن با بارکوزوف
ملحق گردید تمام قشون از قیورندق و از دره آجی و بعد از منددر و دارک
و سو بهار بجانب چگشلر روانه شدند در بیست و هشتم دکابر وارد چگشلر گردیدند
در این راه بسیار سخت گذشت شتران یکروز در میان زیر بار میکشیدند در مدت
چهار روز در راه گاهی بواسطه بحور [illegible] گاهی بی آب چنان آنها را ضعیف و لاغر
کرده بود که بارهای آنها را نصف کرده باز هم نمیتوانستند حرکت کنند با وجود
آن بدون ملاحظه لاغری آنها حمل بار و آذوقه مانند سابق میشد یعنی از منزل
بمنزل دیگر لازم بود که شتران را چندین دفعه برگردانیده بار بیاورند
و بار شتران را که در این حرکت تلف میشدند قسمت کرده بروی بارهای دیگر

میگذاردند در آخر حرکت باران نیز باریدن گرفت و زمینهای خاکی
بطوری گِل شده بود که قشون با زحمات و صدمات الی غیر النهایه از آنها
میگذشتند

صدمه و زحمات سفر سنه ۱۸۷۳ زیاد بود چنانکه ذکر شد چون شتر برای حمل آذوقه
کم بود لازم میشد که نفری سه دفعه آذوقه را منزل برده برگردد باین واسطه زیادی از آنها ناخوش
و مریض می شدند تا هنگام ورود بچکشلر زیادی از قشون تلف شده بودند
لیکن با وجود تمام این زحمات و اشکالات محل تعجب است که چگونه همت و مردانگی
فوق العاده داشت رئیس این قشون که با وجود فراهم بودن اسباب نهضت موقع
هزار و ششصد ورست راه را طی کرده تحقیقات کلی و لازمه دقت را بعمل آورده
است

بعد از آنکه این قشون سفر خود را انجام رسانید بچکشلر معاودت نمود مجدداً
بقشون حکم شد که زمستان را در همانجا مانده در اول سنه ۱۸۷۴ این دسته قشونیکه
اندک آشنائی و انس با آب و هوای آنجا پیدا کرده بودند نیز در جزو
قشونیکه بجانب خیوه خواهد حرکت کرد مامور شوند

در سنه ۱۸۷۳ قشون کراسنوودسک خدمات کلّی و نمایانی در سفر خیوه نمود که تفصیل
مفصّل آنرا در اینجا می نگاریم

در اول سنه ۱۸۷۳ قشون روس جنگ و زد و خوردهای بسیار با ترکمانهای ایرانی نمود زیرا
که زیاد متقلب و پریشان کرده بودند قشون روس بدرجهٔ ترکمن را مجبور
نمودند که برای تنبیه آنها خراب کنند غلات حاصل داران را که ابداً امکان نداشت و جایز
نبود که دست بان زنند

در ماه دکابر یعنی در ماه آخر سنه ۱۸۷۲ در وقتیکه قشون کراسنوودسک از استراد
رود اترک معاودت بچکشلر مینمودند در نزدیکی تنگه و معبر بیات حاجی
سه خط ترکی مؤثری که با نوک شمشیر بر زمین کشیده بود ملاحظه نمودند این خطوط را
چنان توضیح نموده بودند که ترکمانهائیکه در اطراف این محل مسکن دارند
اعلان جنگ با روسیان نمودند دیگر این خطوط علامت آن است
که قسم یاد کرده اند که زنهای آنها بخانهٔ آنها حرام باشد اگر خواسته باشند
روسی را اجازه دهند که داخل ملک آنها شوند و در مقابل آنها جنگ
نمایند

مارکوروف برای رسانیدن آذوقه قشون مامور بجانب جنیوه قشون خود را در اچکشلر
گذارده و در زینه یانورسنهٔ در امتداد در رود اترک بجهة قراول برای اجرای
مقصود ذیل قرار داده

در نزدیکی بهار در هنگامیکه تمام علوفه زمینهای چمن اترک و گرگان تمام میشود
یموتها می آیند بساحل راست اترک که از آنجا بزم گوچکرده به ییلاقات
تابستانی خود که در اوزبا و نزدیکی بالخان و در تمام فاصله واقعه در سمت شمال از قره
توقاز تا بالقدی واقع است بروند در اینوقت بجهة قشون روس از آنها ممانعت کرد
نگذاشت از آنجا عبور نمایند چون از بابت علوفه کار بر آنها تنگ شد خواهی
نخواهی مجبور از نصف شتران خود را تسلیم قشون روس کرده از آنجا عبور نمایند
و بروند

از ابتدای سنهٔ گوکترپه تمام آنها دسته بدسته پیدا شده و اغلب بجانب چکشلر
می آمدند که شتران قشون روس را پیش کرده ببرند در این اوقات حیوانات زیاد
از ترکمانها که در حول و حوش روسیان منزل داشتند و بکار مشغول گذاری
قشون روس اشتغال میورزیدند دزدیده بردند

بر

رئیس بجهة قراول مازرها و چاپاوریان قطعه در نزدیکی قریهٔ بیات حاجی که در
مقابل جاده که محل عبور و گذرگاه واقع است بنا نمود و از سواران قزاق
در ساحل راست اترک دستهٔ جاسوس معین نمود که همه اوقات مواظب
باشند

در دهم ماه فورال یکدسته از جاسوسان که مرکب بود از پانزده نفر پیاده
با یکدسته از دزدان مقابل شده آنها را تعاقب نمودند اما با آنها نرسیدند
چونکه ترکمانها به رودخانه رسیدند از تیراندازی قزاقان فوراً خود را
به آب زده بسمت چپ رودخانه رفتند در بین تیراندازی یکنفر قزاق زخمدار
گردید در این اوقات یکدسته بسیار بزرگی از ترکمانها در چند ورستی قلعهٔ بیات حاجی
نمودار شده مازرها و چاپاوریان فوراً عازم شدند که حمله بجانب آنها برده با
جمعی پیاده و قزاق از اترک گذشته بسرحد ایران رفته در هنگام عصری حملهٔ
بسیار سختی با آنها برده و چهارصد و سی شتر آنها را پیش کرده معاودت نمود
در طلوع فجر روز دیگر یکنفر روسی در آنجا تمام بود

در بیستم ماه فورال یکدسته از قزاقان مقابل شده با صد نفر ترکمانهائیکه

تمام ترکمانان خوب سوار بودند بطوریکه آنها نمودار شدند قزاقان کم کم بطرف قلعه
بیات حاجی عقب نشسته شدند قریب چهل نفر از ترکمانها آنها را تعاقب کرده
دو نفر قزاق را از زدن بخنجر هلاک کرده در این وقت پیاده گان مطلع گردیده
آمده ترکمان و یاغیان را فرار دادند

در بیست و یکم جماعت بسیاری از یاغیان سه ساعت بظهر مانده نزدیکی اردو پیدا شدند
و بنای تیر اندازی را گذاردند اگرچه جمعیت آنها فوراً بواسطه تیر اندازی
پیاده روس پاشیده شد اما با وجود تا آخر روز از طرفین اردو
رد تفنگ شده اردو را پریشان خاطر میکردند

در بیست و هشتم ماه ژنرال فوسلار کوفمان بخیال آنکه یکدفعه در مقام دفع و رفع
حملات متصلی ترکمانها برآید آنها را از رفتن شمال ارک باز دارد و قصد
بسفر جنگی بزرگی بآنطرف رود ارک نمود دسته قشون را هم که آماده برای
این سفر نمود مرکب بود از هشت دسته گروهان پیاده و نه عراده توپ و دو ایلکا دران
قزاق و آنها را چهار قسمت نموده در بیست و هشتم حرکت کرد در یکوقت آن
چهار قسمت از نقاط مختلفه از رود ارک گذشته داخل زمین قوقعه مابین ارک

و گرگان شدند مدت ده روز در این مین حرکت میکردند و همه
اوقات بجنگ و تیر اندازی مشغول با ترکمانها بوده اند چونکه به نیم منزلی
استرآباد رسیدند سه هزار شتر و سه هزار گوسفند ترکمانها را دیده غارت
کردند

برای کمی آذوقه و شدت بارندگی و نبودن بالاپوش تمام قشون حتی المقدور چابک
و تند حرکت میکردند چنانکه در مدت ده روز بیش از سیصد ورست
راه طی کرده بودند

قشون کراسنوودسک چون از ارک معاودت نمود اقدام سفر بجانب خیوه نمود
ولی در اثناء راه بواسطه کمی و عدم آب و نیامدن آذوقه از جاهای تقیدی که
گذشته مجبور شده که تا اینجا سفر خود را ختم کرده معاودت بکراسنوودسک نماید و سفر
جاسوسی ایشان در اینجا ختم گردید

قشون دیگری که بریاست پالکوونیک لوماکین از خلیج کیندرلی مأمور بجانب خیوه شد
در کمال امنیت و راحت بدون هیچگونه گرفتاری و صدمه تا اموددریا رفته و مداخله کلی
در جنگ و تابع نمودن خیوه کرده

از رفتن قشون بخیوه انقلاب بزرگی در تمام ترکمان پیدا شده طایفه اتابای
و جعفربای در سنه ۱۸۷۳ در وقتیکه جانشین قفقاز به بادکوبه آمده بود عریضه
دادند که آنها را دولت روس رعیت و تبعیت خود قبول نماید مرویها بسیار
ترسان و مضطرب شدند از اینکه قشون روس بجانب آنها خواهد آمد
لهذا ابتدا بساختن قلعه کوشوت خان نمودند و متصل قلعه را مهیا میشدند
تا اوقتیکه در تمام ترکمان چنین شهرت نمود که جماعت قشون روس از خیوه
دستکشیده رفتند
بعد از اتمام و انجام سفر بجانب خیوه لازم دانسته شد که تشکیل اداره حکومتی نظامی
در ممالک ماوراء الخزر دهند برای این مطلب و مقصود تمام ایالت من قبل
ممالک واقعه در سمت مشرق
و تمام ولایات واقعه در جنوب تا رود ارک و تا اول ملک خیوه را ملحق باداره حکومتی
و نظامی ماوراء الخزر نمودند و لهذا در نهم مارت سنه ۱۸۷۴ دستخطهای مبارک
مفصله ذیل برای برقرار بودن نظام و امنیت صادر گردید
اولاً تمام اداره ماوراء الخزر در تحت ریاست اداره نظام قفقاز است
ثانیاً رتق و فتق اداره بکلی بعهده شخص رئیس نظام ماوراء الخزر است و محل توقف

رئیس در کراسنوودسک باید باشد
ثالثاً اداره بدو قسمت منقسم میشود یکی منقشلاق و دیگر کراسنوودسک بحکومت و ریاست
قسم اول مأمور میشود شخصیکه در تحت ریاست رئیس اداره است ولی در قسم دوم
بلاواسطه رئیس اداره خود حکومت میکند
رابعاً در امورات نظام رئیس اداره دارای القاب فرمانده قشون را دارد
و حقوقاتشان مساوی منزله و حقوقات رئیس یک دویز است
دستور العمل کار او همانست که برای روسای نظام معین شده است
خامساً نظام منقشلاق سپرده است بشخص حاکم دستور العمل کار او همانست
که در فصول کتابچه قانون برای روسای ملوکات معین شده است
بنا بر صدور دستخط مبارک در سی و یکم ماه مارت سنه ۱۸۷۴ اداره ماوراء الخزر
معین شده و ریاست اداره ژنرال ماژر لوماکین را معین و برقرار نمودند
باشخص و معاونم باید
در باب ترکمانهائیکه مابین کراسنوودسک سرحدات خیوه و ارک بادیه گردی میکنند
شاهزاده اعظم کنستانتین نیکلایویچ در مجلس شورای کبرا عقد

و قوانین ذیل را نوشت

برای بادیه‌گردی ترکمانهائیکه از خاک دولت ایران برای بادیه‌گردی باین طرف
می‌آیند باید یکنفر عاقل خان از میان خود انتخاب نمایند که بر تمام ایشان مسلط باشد
و علاوه از آن هر ایل باید یک مجلس شورا داشته باشند

این شخص خان که بتصدیق و رضایت تمام اجزاء خود انتخاب کردیده است همه اوقات
باید در خدمت رئیس بوده و حکمیات او را من البدو الی الختم به ترکمانهای
خود برساند دیگر تکلیف و صلاح او آنست که در عرض سال چند دفعه ایلهای
خود را سرکشی نماید

در وقت داخل شدن بخاک روس خان باید بهر ایل بلیطی که بامضاء و مهر رئیس
اداره است بدهد هر ایلی که دارای این بلیط باشد حق و اجازه بادیه‌گردی
در خاک روس دارد در این بلیط باید عدد آلاچیق های ایل و اسامی جاهائی
که در حول و حوش آنها بادیه‌گردی خواهند کرد و اسم بزرگان ایل باید نوشته شود
تکلیف بزرگ ایل آنست که نظام داخله ایل را بعهده خود بداند و حتی الامکان مردمان
شرور و غارت کنندگان را جلوگیری نماید و در صورت تعدی و خیانتکه

از ایل با ایل همسایه باید بگیری وارد آید تمام اهل آن ایل مقصر و پس از همه بزرگ ایل
مورد مواخذه می‌باشد اشخاص و ایلاتیکه قواعد مذکوره را قبول نمیکنند
ابدا اجازه ندارند که بخاک روس داخل شوند

تمام اشخاصیکه در مجلس شورا بودند تمام ملتفت از آن شدند که اگر مالیاتی را باهالی
ترکستان قرار دهند و یا اگر باینها معلوم شود که رعیتی هستند و خواهند
بود اشکالات و ممانعات بزرگ برای دولت روس پدید خواهد آمد

در این اوقات نیز حکم شد که جلگه مرو را مجددا ضبط نمایند چونکه نیکوتر
و نزدیکترین نقطه است برای مواظبت و امنیت در تمام سواحل ترکستان و همچنین
حکم شد که در پائیز سنه ۱۸۷۴ جاسوسی کاملی در امتداد رود اترک بعمل آورند
و بدقت و ملاحظه رسیدگی شود که در این امتداد اگر نقطه باشد که
گرفتن او برای قشون روس لازم است در سنه ۱۸۷۵ یکدسته قشون به نگاهداری آن
نقطه بفرستند

ژنرال لوماکین اول کاریکه در مأموریت خود نمود آن بود که ترکمانها را دعوت نمود
که بدون جنگ و هیچگونه زد و خوردی با روسیان از در دوستی و صلح

بوده باشند

اول قدم کار لوماکین اسباب آن شد که دولت علیه ایران تحصیل شکایت داشته باشند زیرا که بعقیده آن دولت افکار لوماکین قدرت و تسلط شاهنشاه ایران را در ممالک واقعه مابین ارک و گرگان کم خواهد نمود

برای توضیح این شک و شبهه که دست داده بود سواد مکاتبات مابین وزیر مختار مقیم طهران و اداره وزارت خارجه که دیده و بعضی از آنها که لازم است بعد از این مفصلا ذکر خواهیم نمود

در هنگام ورود ژنرال لوماکین از بنگاه در ساحل شهر مارت شته اشخاص معتبر و وکیل از جانب یموتهای پشت ارک بخدمت او آمده و عرض نمودند که در کمال میل خوشوقت و شایق آن هستند که تمام خواهش و تکالیف او را بجای آورده رعیت دولت روس شوند و نیز استدعا نمودند که پانصد نفر از ترکمان آنها که در دست کردها و گلانها اسیرند از ایرانیان مستخلص نماید

دوم ماه آپریل لوماکین کاغذی به تکه ها نوشته که عبارت بود از مقاصد نیکخواهی دولت روس و جمع آنها چند نفر وکیل معتبر و محترم از آنها به کراسنوودسک دعوت نمود

بعد از یکماه دیگر دو نفر تکه بخدمت ژنرال لوماکین آمده کاغذی از نفس خان و روسای دیگر آورده بودند که اصل مطلب او این است

آنچه که توسط شخص بزرگ شما فرموده شده بود در باب صلح و مراوده با تمام آن انجام خواهد گرفت اینک مابین ما و شما جدائی نمی باشد و ما همه طور ایستاده ایم که شما خدمت کنیم

در آن اوقات تکه ها چندان امان از ایذاهای خود نمودند در آخر ماه آپریل یک دسته از آنها کاروانی را که از استرآباد بخیوه میرفت در هفده فرسنگی کراسنوودسک نزدیک چاه قبلائی غارت نمودند در ماه مای بولایت بجنورد و قوچان و درگز حمله بردند و بعد از آن در ساحل چپ آمو دریا دسته کوچک دزدان پیدا شده دزدیهای جزئی میکردند این فقره آخر نهایت بی قدری خان خیوه را ظاهر و آشکار مینماید که او نمیتواند نگاهداری و جلوگیری از ترکمانان خود رای خیوه نماید

رئیس اداره آمو دریا اخبارات مفصل از آخال و مرو تحصیل کرده که منتها [illegible] عداوت و دشمنی مابین طوائف مختلفه تکه پیدا شده است که بهانه [illegible]

در میان آن بیابانها برای کاروان فراهم است و همچنین مرده چاپاری
در ماوراء الخزر آمودریا از آن مکان بگذرد

در مقارن این اوقات عرایض مفصلی از لوماکین رسید در باب آنکه
امنیت و آسایش در تمام آنجاها که متعلق با دره و چاپشد فراهم است و مراوده
و مکاتبات دوستی مابین او و سفی خان برقرار است و کاغذیکه در این اواخر
سفی خان نوشته است مضمونش از این قرار است

بدون بودن شما این انتظامی نخواهد بود برای تمام تجارت و رفتن کاروان
از خال به کراسنوودسک و بر خلاف بسیار لازم است و در این ضمن ژنرال لوماکین پیش از همه اواخر
و استدعا نموده بود که قوه عسکریه را زیاد نمایند و دیگر در باب آنکه قلعه سنگی در خود
کراسنوودسک بنا نمایند

در ابتدای این اوقاتیکه ژنرال لوماکین حسب الحکم با عمل جات ابتدا در رود اترک نموده
که در آن ابتدا نقطه را انتخاب و تعیین نماید برای قلعه ساختن و ساخلو گذاردن
در نهم ماه اکتبر یکه ها حمله بردند به خالی سردار که مشغول علف گذاری و بجا
رساندن خواهش روسیان بودند و در سی و هشت ورستی چهار سنگ و نیم

از کراسنوودسک در مابین چاه واشتقاق یل بادیه گردی میکنند و اطفال
ایشان را بقتل رسانده اغلب آنها را اسیر کرده تمام گله و اموال ایشان را بغارت برده
از آنجا حرکت کرده بجانب زیارای برای غارت و تنبیه سایر ایلاتیکه با روس خدمت میکنند
روانه شدند

به عقیده ژنرال لوماکین این حرکت جسورانه و حمله یکه ها را نمیتوان بدلیلی
برای او معین نمود مگر آنکه بطور حتم و یقین دانسته اند که ژنرال لوماکین پیش از پنجاه
نفر سوار با خود ندارد و با پیاده تنها هم نمیتواند رفع و دفع حمله آنها را
نماید

ژنرال لوماکین برای آنکه سایر ایلات را از غارت آنها آسوده کرده نجات دهد بعجله
تمام دو گروهان پیاده و پنجاه نفر قزاق بجانب چاه قاپلی و بورناق
روانه نمود در واقع آمدند و گروهان بخوبی مطلب و مقصود خود رسیدند زیرا همینکه قشون
روس بآنجا رسیدند یموتها از بیمان آمده یکه ها را تعاقب کرده مجبور نمودند
آنها را که اغلب غارت خود را گذارده و جان را غنیمت شمرده به بیابانها فرار
و بدر روند

در این اوقات ژنرال لوماکین اطلاعات متواتر رسید که دسته زیادی از دزدان طایفه
تکه در مشهد الجزایر و زبا باد یکردی میکنند

در عرایضیکه لوماکین در این اوقات در باب اتفاقات مذکوره داده نوشته است
که هم من و هم پالکونیک ایوانوف (رئیس اداره آتمودریا) مکرر عرض نموده
و راپورت کرده ایم که حتی المقدور لازم است که در باب عمل تکه ها جلبه جو حکم
قطعی شود زیرا که بواسطه آنها وضع احوال ما ضایع و خراب میشود چه در پنجا
و چه در خیوه هرچه رود تنکوتر و اگر حالا تاخیر اشود چنان است که خود
ما اشکالات و موانعات زیاد برای خود ایجاد نموده باشیم و علاوه بر آن در آتیه
مخارج بیحد بیمد خواهد آمد چه زود و چه دیر در هر صورت این کاریست که بطور یقین باید
کرد و گریز از او امکان ندارد

نهم ماه اکتیابر اقدام بسفر در مشهد از رود اترک شد و تمام قشونیکه
بانیفر حرکت نمودند مرکب بود از سه گروهان پیاده و دو عراده توپ
و پانزده سوار قزاق و پانزده سوار ترکمان تمام این اجزاء از
کراسنوودسک در کشتی نشسته در سیم اکتیابر وارد چکشلر شدند بعض ورود

قشون

*

با انجا یموتها عرض کردند مدتیست که گوسفند و شتر که برای شما از انیفر
لازم است آماده کرده ایم و تمام رؤسای طوایف مختلفه یموت جدا
رئیس قشون آمده و اظهار تبعیت و رعیتی خود را نمودند و عرض کردند که
برای فرمایش و خدمات تمام آنها حاضرند در اوقاتیکه شب یا روز
اردو بمکانی توقف میکرد یموتها ماکولات و اسب و شتر برای مصارف فروش
انجا می آوردند

در دویم ماه نویابر فرستادها کاغذ از جانب نفس خان وارد قشون روس کردند
و مضمون کاغذ از این قرار است در مجلس شوری که تکه سردار حضور
داشته است حکم شد که طایفه تکه بخواهش و میل روس عمل نمایند یعنی
از در صلح با یموتها آمده و اسرای آنها را که در سیم اکتیابر از اتابای خالی سردار
برده اند پس بدهند و تکلیف ماست که بشما عرض نمائیم تکه ها چون پرنده
صحرائی میباشند و از برای آنها یک دار بار رحم لازم است و صنعت صید کردن
آنها را جرئت نمیکنم بشما یاد دهم و بعلت اینکه شما اینکار را نیکوتر از من میدانید
و مطلع هستید

قشون روس تا اول کار در ارک مانده در دویم معاودت کرده و در کراسنوودسک شدند

در انوقتیکه قشون حرکت باترک کرد یکدسته توپچیکی هم که مرکب از صد نفر بود بجانب اسمال کپه حرکت کردند

برای دست آوردن معادن نفت چروزد معادن کار کرده معاودت نمودند

نتایج سفر جاسوسی سنه [illegible] در ارک این بود که نقطهٔ وورالوم را که واقع است در هشتاد و دو ورستی در ساحل بحر در هفت ورستی در شکه بیات حاجی اولوم برای ساختن و بنا کردن قلعه انتخاب شد

رئیس ادارهٔ قشون قفقاز گفته که لازم است همه وقت خاک ارک را متصرف باشیم و برای اینکار باید ترتیب داد یک باطالیان و یکدسته توپخانه که همیشه در آنجا بوده باشند

مخارج برقراری قشون مزبور در مدت یکسال خاک ارک سیصد و بیست و سه هزار و پانزده منات یکدفعه و سیصد و پانزده هزار روسی و هشت منات همه ساله بازدید نموده

اعلیحضرت امپراطور برای زیادی این مصارف فرمود که ضبط نقطه در ارک را اینک موقوف نمایند تا موقعی نیک بدست آید لهذا از ژنرال لوماکین

حکم شد

حکم شد که در هزار و هشتصد و هفتاد و چهار اقدام نماید سفر جاسوسی تازه و بهند احرو علامی اوزبای یعنی آن اجزائی را که تاکنون دقت نشده جاسوسی نماید و از آنجا بجانب ارک یعنی از آدین و دریاچه بشار از روی عبور نمایند و از آنجا گذشته از پهلوی خرابهای شهر مشهد مسریان بسمت چات و از آنجا پائین رود اترک روند و ضمنا باو دستور العمل داده شده بود که ابدا داخل سرحدات مملکت ایران نگردد و منتهای احتیاط را بعمل آورد که مورد گفتگوهای دیپلوماتیکی با دولت ایران نشود

در باب بادیه گردان قدغن اکید شد که حتی المقدور دقت نماید که دست باسلحه مقابل آنها نزنند

قشونیکه برای اینجاسوسی معین شده بود مرکب از نه گروهان پیاده و یک اسکادران سوار و چهار عراده توپ بود تمام اجزاء هزار و شصت و شش نفر و دویست اسب بوده

تمام قشون بتاریخ بیست و هشتم ماه مای در تاقاری جمعیت کرده و از آنجا بجانب بوزراجی قرتساکان واتقدی حرکت نمودند از نقطه آخر بیک دسته کوچکی

از راه چارشیلی بجانب باریکامیش رفتند

دهم ماه ایول در چاه بقدری چند نفر تکه بخدمت ژنرال لوماکین آمدند و اظهار تبعیت و رعیتی خود نمودند و همچنین همین تکه ها در هنگام معاودت قشون در وقتیکه در نزدیکی چاه ارولت دور و اطراف را گرفته بودند بخدمت ژنرال آمدند

باید دقت و ملاحظه نمود که بعد از سفر روسی بخیوه طایفه تکه اقرار کرده معلوم بود وضع احوال آنها باید معین و معلوم نمود و نمیدانستند که با اهل روس چگونه حرکت نمایند قرار مراوده را با آنها بگذارند یا خیر

اگر جزو اصغر آنها یعنی مردمان دولتمندشان میدانستند که حال آنها اگر تبعیت دولت روس را نمایند چاره دیگر نخواهند داشت آنوقت جزو اعظم آنها نیز تبعیت آنها را کرده از راه صلح و مراوده با دولت روس بر میآمدند که از برای طرفین نافع باشد

تمام اظهارات و نامجات و حرکات طایفه تکه بطور واضح معلوم میکند که از روی خدعه و تذویر است

رئیس

رئیس اداره آمودریا در آخر سنه ۱۸۷۶ عرض مینماید که زرگران تکه های مرو و خال مکرر بخیوه می آیند در هنگام معاودت اغنام و تعارفات گرفته مراجعت میکنند

در ابتدای همین سنه بیست نفر از تکه ها بکراسنوودسک آمده و چهل و دو نفر از اسرای اشخاص سرحدی را آورده ولی سی نفر از آنها را نگاه داشته که سی نفر که از آنها در نزد موتها اسیر است گرفته آنها را رد نمایند در اینوقت تکه ها قسم یاد مینمودند که ما ها و بعضی اشخاص دیگر بسیار مایل هستند که تابع دولت روس شوند

یکی از آنها که پیش از همه میل تبعیت دولت روس را مینمود سفی خان است و این سفی خان رئیس همان دسته دزدانیست که در ایام سفر جاسوسی مارکوزوف حمله ها بقشون روس نموده اند می باشد اینگونه حرکات سفی خان محض آنست که اوبه او نزدیک قزل ارولت واقع است و بجهت حفظ ایست که قبل از همه مورد حملات قشون روس شود

در بیستم اپریل سفی خان به لوماکین نوشت که تکه ها بطور حتم اعلان نموده اند بتمام مردم که هیچ کسی نباید مراوده و دوستی با هیچیک از طوایفیکه در اطراف آنها هستند و هرکس بخلاف رفتار نماید بطور یقین مورد قتل میشود که با

با دیار روسها و ... ظاهر شده اند

در مقام عداوت و دشمنی آیند در آخر نوشته بود که بر خود فرض واجبی میدانم
که شمار احضار نمایم تا بیرق سلطان سفید (سلطان روس) داخل
زمین تکه ها شود از آنها امید اطاعت و چشم داشت نظام و آسایش نباید داشت
ولی از قراری که در کراسنوودسکی میگفتند این بود در مجلس مصلحت گوگ تپه جزو
اعظم طالب صلح شده اند و طایفه بختیامش جزو آنها بوده لیکن تیره
اوتامیش و کلاه عدمت تکه های مرو فرستاده و شکایت زیادی از
طایفه اول کرده که مایل صلح و تبعیت دولت روس گردیده اند
بنا بر این از جانب کشوتخانی نمودی چند نفر وکیل بآخال تکه فرستاده و به اهالی آنجا اعلان نمود
که جدی نباید نموده و دوستی با روس نمایند و الا قشون انبوه برای تنبیه و تادیب آنها
از مرو بآخال تکه میفرستم که کلی آنها را معدوم الاثر نماید نوروزکان از مرو به اخال معاودت
نمود بمحض ورود اهل اخال او را انجانی برگزیده برقرار نمودند با این ملاحظه وضع حالت
اهل اخال تغییر کرده اندکی مایل بصلح و تبعیت روس شدند اول کسیکه وارد
اردوی روس شد بخیال صلح تقی خان وفادار بود با خود متاع زیادی از قبیل قالی
و پلاس و جو و غیره برای فروش آورده بود

تکه

تکه ها بطور حتم معتقد آن شده که با چار قشون روس حمله و یورش بخاک آنها
خواهد آورد لهذا بعضی از طوایف محض اینکه قبل از وقت جلوگیری نمایند
بخیال آن شدند که فرستاده باردوی روس بفرستند جهه این ماموریت محمد علی
قاضی را منتخب کرده باردوی روس داور از جانب چهار طایفه تکه های
اخال وکیل کرده خدمت ژنرال لوماکین فرستادند محمد علی قاضی در منزل
چات باردو رسیده از جانب روسای آن چهار طایفه گفتگو کرده در
ابتدای سخن منافع بسیاری جهه تکه ها از تابع شدن آنها بسلطان روس که مقتدر
ترین سلاطین روی زمین است بیان نموده و باین جهت است که تمام آسیا ادعای
آن دارند که آنها را در تبعیت خود قبول نماید و بعد بیان نمود که چون در ایام
اجداد ما یعنی در صد سال قبل از این تکه ها تابع خان خیوه بودند و اینک خان
خیوه نیز تابع سلطان سفید (سلطان روس) شده است و طایفه
تکه که مایل هستند نوکرهای باوفای آن سلطان گردند استدعای آنها این است
که آنها را بحالت قدیم بگذارند یعنی آنها را تابع خان خیوه نمایند و آخر
عرایض را باین ختم نمود که تمام دزدی و غارت را ترک خواهند نمود

کاروان و تردد اموال تجارت از هر گونه گرفتاری و صدمه آسوده خواهد بود شرط اینکه
روسیها نیز در تنبیه و تادیب یموتهائیکه از آنجاها دزدی و غارت می‌کنند کوتاهی ننمایند
و این است عارا دارند که بالفعل فرمان زینهائیکه چنگیزخان بطایفه ترکمه
داده بود امضا و مُهر شود

ژنرال لوماکین جواب گفت در صورتیکه جزو ایالت خیوه باشید و اطاعت خان خیوه را
ننمائید یا اندکی از تحکمات و تکلف ورزید همان است که اطاعت
روس را نکرده اید ابدا نباید صدمه از آنها بانهائیکه تابع دولت روس
هستند یا به کاروانیکه از کراسنوودسک بخیوه یا جاهای دیگر که بخلاف آن
میرود برسد

در اواخر سنه چند نفر از وکلاء از اهال خیوه آمده بخان عرض نمودند که
تمام اهال تکه را در جزو ریاست خود قبول نماید رئیس اداره آموددریا
پالکونیک ایوانوف اظهار بان داشته که یک آدم امینی را از جانب خود با اهال تکانی
بفرستد که مواظب امنیت و نظام آنجا باشد ژنرال لوماکین از استماع این
مطلب متغیر شده بنای شکایت از رئیس اداره آموددریا بدولت نمود

زیراکه

زیرا که عقیده ژنرال لوماکین این بود که حتی الامکان باید نگاهداری نمود از نوروزخان
که سر کرده جماعت تکه هاست و نهایت دوستی را با خان خیوه و کمال اطاعت را
با کوشوت خان مروی که دشمن روس است دارد و علاوه بر آن تمام اهال تکه
او را معزز و محترم دارند و از تحکمات و تکلف نمی ورزند با وجود آن
خان خیوه قول رئیس آمورا قبول نموده آدم خود موسی متولی را بمیان
تکه ها فرستاد

در بیست و نهم ماه یون قشون را از اوزباما معاودت نموده در سیم اپریل وارد تماری
گردیدند

بعد از معاودت رئیس اداره آموردریا در خبر در عرایض خود مینویسد که تاکنون در این
بیابانهای این ملک هرگز چنین نظم و امنیتی که امروز وجود دارد دیده نشده است

برای جاسوسی از ترکمه قشونیکه مرکب از هفتصد و چهل و هشت نفر بود
از کراسنوودسک بسمت چکشلر حرکت نمود
چهار گروهان پیاده از راه دریا و چهار گروهان پیاده و یک سکادران قزاق

و چهار عرّاده توپ از راه خشکی در دو اردو هم و کوست بر دو وارد
چکشلر شدند زن و مرد حتّی اطفال طایفه آتابای و جعفربای بنهایت خوشحالی
باستقبال قشون آمده و در هرجا که شب قشون منزل میکرد الاچیق
برای قشون برپا مینمودند و همه نوع ماکولات که انها دارا بودند از قبیل خربزه و شیر
و دوغ و مرغ و گوسفند و پشم قالی برای فروش بخامی آوردند و قشون نیز
از انها دلجوئی میکرد و بسیار خوشحالی از قبیل زدن موزیک و اقسام
و تیر اندازی از توپ و اتش زدن موشک برای انها فراهم می آوردند
و تمام راه را تا چکشلر باین قسم رفتند

اخبارات رسیده در امتداد اترک در نزدیکی بیات حاجی لوم چند طایفه چاروا
که بکلّی وحشی بودند با انها مقابل شده و تمام آنها نیز در کمال امنیّت و آسودگی
قشون را استقبال کرده مختصراً در امیر بسیار دیده می شد که گیمر سالدات
روسی با ترکمان دست بدست داده صحبت کنان با هم خندان
میرفتند

امیر دوئم بسیار طول کشید و بعد شش ورست بالاتر از انجا حرکت نمود در

معاودت امیر دوم رتبه قشون برود اترک وارد شده از راه اب
بکراسنوودسک رفتند

بعد از انکه موسی متولی فرستاده خان خیوه باخال وارد شد از قرار
عرایض ژنرال لوماکین اسباب درماندگی و اضطراب آخال تکه زیادتر از
پیش شده زیرا که گروهی طالب نوروردیخان و گروه دیگر طالب فرستاده
خان خیوه شده بودند چندی نگذشت که موسی متولی بمقصود نرسیده
بخیوه معاودت کرد

ژنرال لوماکین بتمام تکه ها اعلان نمود که تمام مراوده آنها با اداره ماوراء الخزر
بدون استثناء باید توسط نوروردیخان شود و کارگزارانیکه دارای نوشته
و امضای نوروردیخان می باشند اموال و خود آنها محروس و محفوظ
خواهند بود

برئیس اداره قفقاز بعد از انکه بخوبی معلوم شد امکان ندارد آخال تکه را
تابع خان خیوه نمود خیال ان شده که دسته قشونیکه مرکب بود از سه
باطالیان پیاده و چند اسکادران قزاق و توپخانه از راه قزل رباط

بعشق آباد نفرستند و اگر ملاحظه شود در اواریس اداره و ریاست دولت
روس برقرار نخواهد شد آن وقت پیش اداره نظام ماوراء الخزر باید
روشهای تکیه‌ها را طلبد و در انجا پس جهة حکومت آخال انتخاب نمایند
و بعد این قشون بجانب جنوب کوپه‌تداق و شمال شرقی سرحدات
ایران رفته و از انجا در امتداد اترک ساحل رود اترک مراجعت نماید
لیکن این باب تکلیفهای دولت بران بود که ممکن نیست یکدفعه
وضع حالت و کار مملکت آسیائی را بمیل و خواهش خودمان
در آورد و بلکه لازم است منتظر موقع تنگی شویم و هیچ چه لزومی ندارد که فورا
طایفه‌های سرحدی را در تحت نظام و حکومت موافق قاعده در آوریم
و دیگر معین نمودن سرحد ما در مملکت ماوراء الخزر باید ما را مشوش داشته باشد
در هر وقت ممکن است کار را بطور دلخواه بعمل آورد و ممکن است که اینک
اگر ما اقدام بچاره و تدابیر حتمی نمائیم بدون ملاحظه بمخارج پولی زیاد و زحمات
بیهوده بسیار نیز خواهیم کشید و زمان اقدام بحرکت جنگی بجانب عشق آباد
بسیار است با ملاحظات اعلیحضرت امپراطور قدغن فرمود هیچ بهانه قشون

روس بالا تر از اترک دور زمینهای آخال تکه و بجانب عشق آباد بروند بعوض آن وجود
که منتهای سعی و مواظبت را از انگلیسها بنا بگیرد و مصروف نمایند بنحوی که مراود
تجارتی را از انگلیسها و از تمام سواحل بحر خزر به دریاچه آرال خاطر از هر گونه خوف
و خطر گردد و از زمینهائیکه واقعند در جنوب زمین اوزبا و قتیکه قشون روس
حرکت می کند مانند تماشاچی بوده باشند یعنی هیچ عملی مداخله ننمایند بدین قسم در ۱۸۷
حکم ژنرال لوماکین داده شد که راه از انگلیسها بنحو منظم باید که همه جا جادات آب فراهم
آورد و از صدمات حملاتی که در اطراف آن صحرا هست ایمن نماید و در جنوب
شرقی ایزاد یعنی نزدیک قریه اوشاق بند که نزدیک کهنه ارگنج است کارخانه
تجارتی ساخته شود در آن بقدر کفایت ساخلو بگذارد قشونیکه جهة این سفر معین شد
مرکب بود از شش گردون پیاده و چهار عراده توپ و یک اسکادران سوار که تماما مشتمل
نهصد نفر آدم و دویست سیزده راس اسب و نهصد شتر بوده است در بیست و سیم
آوگوست این قشون بدو قسمت شده پشت سر یکدیگر از بورناک و گتوبا
و قرل آتاو بولمورزر بجانب چاکیسل حرکت نمودند در بیست و نهم اوگوست
وارد دقچاه که اول سرحد خیوه است شده و در هفتم سپتامبر او شاق بند رسیده

تا چهاردهم آگستماه در آنجا مانده در بین راه در بعضی از مواضع قلیلی از قشون را
بجهة کندن چاه‌های تازه و قدیم میگذارند

و پاک کردن چاه‌های کهنه

بعد از اتمام کار در چهاردهم آگست با بر روبمراجعت حرکت نمود و در بین
راه تمام آن اشخاصی را که بجهة کار گذاشته بودند برداشته در نهم سپتامبر
وارد کراسنوودسک شدند باعتقاد ژنرال لوماکین نزدیکترین راه از اموی
بحر خزر راهی است که از کراسنوودسک بقوم بسشن میرود و بهترین نقطه جهة ساختن
کارخانه تجارتی اوشاق بند است که آب جاری و سوخت و چمن در آنجا
وفور دارد
اتفاقاتیکه در آخر سنه ۱۸۷۷ در آخال تکه واقع شده اند مجبور کرده اند مارا که صرف نظر
از راه کراسنوودسک بخیوه کرده و تمام مواظبتمان را مصروف داوانیس تکه ها
نمائیم
اول بهار سنه ۱۸۷۷ حکم قطعی صادر شد که قزل اروات را ضبط نمایند که [illegible]
قزل اروات را ضبط نموده تا بعد از این تدابیر دیگر جهة تابع نمودن و برقراری امنیت
و تابع نمودن طوایف آخال تکه شود لزوم اینکار مدتی قبل از این

معلوم شده بود گفتگوهای تکه ها در آخر سنه ۱۸۷۶ درباب آنکه ما تابع و رعیت شاه
ایران هستیم مجبور کرده اند مارا که بهمه قسم تدابیر چه جنگی و چه غیر جنگی در مقابل
آنها عمل نمائیم چون تکه ها در ساحل راست رود اترک بادیه گردی می کنند
لهذا داخل و در جزو اداره نظامی مملکت ماوراء البحر روس میباشند
قبل از وقت بژنرال لوماکین نوشته شده بود که بقیسی اقدام بحرکت جنگی خود نماید که
~~قبل از وقت بلوماکین نوشته شده که حرکت جنگی خود را از قرار این تفصیل نماید~~
دهات و آبادیهای قزل اروات و اجراو حول و حوش آن در
هنگام نزدیکی قشون روس بآنجا نباید از جای خود حرکت نکنند
و فرار نمایند و محض اینکه ورود قشون بقزل اروات اثری به تکه ها
ننماید حتی الامکان قشون دست با تکه نشود جهة سنه ۱۸۷۷ قشونی تعیین شد
که مرکب بود از سه گروهان پیاده و دو اسکادران قزاق و هشت
عراده توپ و دو هزار و پانصد شتر که تمام هزار و هشتصد و بیست نفر
بودند [illegible] و کیم مارت بنای حرکت قشون از کراسنوودسک شد
در ابتدای حرکت چنین اخبارات رسید که تکه های قرای نزدیک

در کمال آسوده خاطری بحالت خود هستند ولی برخلاف تکه های دور
مهیای آن میشوند که در کمال سختی در مقابل قشون روس جنگ نمایند و
بعضی دسته های دزدان از تکه های آخر در نزدیکیهای چاه نو آمده از سایر بیابانها
میکردند و در واقع نیز اثر حرکت آنها که بجانب شمال قره بوقاز رفته بودند معلوم بود
در بیست و دویم آپریل تمام قشون در ملاقاری جمع شده و در بیست و پنجم از آنجا
حرکت کرده و در دو روز تقریبا بقدر تا اول ها دیول یعنی جائیکه چیزی زیادی در دست نداشتند
این قشون از آیدین آقچه و تیاو و شیلاک و کاپلان و کوتوق و تیماوا عبور کرده به تقسیم های
قزل اروات را متصرف نمودند
ساکنین این آبه بجانب قجه فرار نمودند و تمام اسباب زندگانی خود را
در زیر زمین پنهان کرده ولی بعضی از آنها بقشون ژنرال لوماکین می هند
همان اظهارات سابق خود را در باب صلح مینمودند در این بین از اوراس اطلاع
رسید که تمام مردم بحکم مذهب جمع آوری میشوند جهت حمله و جنگ در
در مقابل قشون روس تا دوازدهم مای هیچ خبری بجز امنیت نبود و لی
در دوازدهم در هنگام طلوع فجر وقتی که قشون بریاست یاالکو نیک

ناورنکی تخته جاسوسی کو بهار حرکت کرده بود صدای تیر دشمن بلند شد و یکدفعه
یک اجماع زیادی از پیاده و سواره ترکمان مقابل آنها نمودار شد سرکرده این دسته
نوروردی خان بود که از قرار عرایض ژنرال لوماکین دولت روس
تمام خانها و ایشانها و آق سقلهای تمام قلاع دو روز دیگر تجه قسم خورده
بودند که نه دهند با قطعه از زمین خودشان را از قراری که ژنرال لوماکین
نوشته است مقصود آنها از آمدن باین مکان آن بوده که تمام شتران را پیش
کرده ببرند و سوارها را شکست داده و آب را از دو بریده یعنی از دره قزل اروات
نگذارند جاری شود و به کلی مراوده مارا با کراسنوودسک مقطوع نمایند
جنگ و زد و خورد این دسته عظیم با قشون روس مدت چهار ساعت
طول کشید همین که آتش تفنگ و توپ از جانب قشون روس اشتداد
پیدا کرد تکه ها یکدفعه رو بفرار گذاردند و شصت نفر از کشته های آنها در آن
صحرا ماند که نتوانستند آنها را بردارند ولی تمام آنچه از آنها بقتل رسید قریب
دویست نفر بود و از قشون روس یکنفر باین کشته شد و یازده نفر باین
زخمی گردید فراری تا بابورمی فرار کردند و در سیزدهم شهرهای از هم پاشیده

شده هرکدام بمنزل خود رفتند در پانزدهم ماه جمعیت بسیاری از دهات
و آبادیهای اطراف قزل اروات تا قریه بورمی بوکالت خدمت
ژنرال لوماکین آمده و عرض نمودند که قلاع و دهات ما را از خود بدانید
و تمام ما بدون استثناء حاضر تبعیت شما هستیم و تمام تعلیمات و
قرارداد(ات) شما را فورا اطاعت میکنیم از نوزدهم شهر
فوق ساکنین آبادیهائی که بتصرف ما آمده بود آنجاها را خالی کرده فرار
نموده بودند بنای مراجعت را گذارده از نو در منازل خود قرار گرفتند
در بیست و یکم چند نفر خان و آق سقل از قلعه‌ها و آبادیهای دووار وارد گردیده
و اظهار تبعیت نمودند تا بیست و هشتم همان ماه بهمین منوال گذشت یعنی
وکلا حاضر شده و تابع میشدند در همین اوقات دوباره شهرت نمود که آخال
تکه‌ها باز اجتماع عظیم کرده آمده و مرویها هم با توپخانه بکمک آنها میآیند
در اواخر ماه قشون روس حرکت کرده از دامنه کوه قیورنداق عبور کرده
بجانب چلیچ میخائیلوفسکی مراجعت نمودند و سبب عقب نشستن و مراجعت
کردن قشون از قراریکه از عرایض ژنرال لوماکین معلوم شده

این است

این است اولا بواسطه نداشتن آذوقه و بواسطه کم بودن عده قشون و ممکن هم
نبود از قشون قسمتی بجانب بحر خزر جهة آوردن آذوقه فرستاد و بواسطه
امکان نداشتن تحصیل آذوقه در همان نقطه و دیگر بواسطه ناخوشی عظیمی که
در قشون افتاده بود بعد از اینکه ژنرال لوماکین بلاقاری
به بلاقاری که رسیده و یکماه تمام قشون را در آنجا نگاهداشته که جواب عریضه
او از رئیس قفقاز برسد در باب اینکه دو مرتبه لازم است جهة تنبیه تکه‌ها باتکه
قشون با حمله آورده اند قزل اروات برود لیکن رئیس قفقاز حرکت او را
دوباره بآنجانب صلاح ندیده لهذا ژنرال لوماکین بکراسنوودسک
آمد در ابتدای سنه بنابر گفتگوهای سیمی که با دولت انگلیس شده اعلیحضرت
امپراطور حکم نموده که بر قوه عسکریه اداره نظام ماوراء الخزر افزوده و قشون عظیم
و با قوتی بجانب داخل ملک آخال تکه حرکت کند و از آنجا بخط مستقیم
بطرف مرو جهت جاسوسی و آشنائی با آن زمینهائیکه هنوز درباره آنها
تحقیقات و جاسوسی بعمل نیامده و ایضا جهة استحکام و توانائی و اقتدار
ما در آن ولایت و ایضا جهة حفظ و حراست تمام ممالک واقعه ما بین بحر خزر

و امور حملات دزدان ترکمان و یکدسته قشون دیگر را اداره امور را مامور نمایند
در مرو با قشون هفتاد ملحق شوند لیکن بعد از صلح با دولت انگلیس اعلیحضرت
امپراطور فرموده بود که حرکات مذکور را موقوف نمایند و قشونی که در کراسنو
ودسک جمع آوری شده تمام خیالات عمالشان را صرف امنیت و آسودگی مملکت
خود نمایند لهذا بژنرال لوماکین نوشته شد که در اترک محکم برقرار شود و چات را
هم در کنار آن ضبط نماید و او را متصل باید با چکشلر و در کمال امنیت و استحکام
مراوده مابین دو نقطه مذکوره برقرار باشد و از چکشلر تا خلیج میخایلو
فسکی قراول همیشگی داشته باشد و بعد از برقرار شدن در اترک کار قشون
را [illegible] آنست که جاسوسی کاملی در امتداد رود سومبار و رود
چاندیر تا اول اطراف قزل اروات بعمل آورند و در نزدیکیهای خاک
قزل اروات تعیین نقطه شود جهة ساختن پوزیسیون برای تجمع اول
تمام قشونیکه جهة این کار در تحت ریاست ژنرال لوماکین بود
مرکب بود از هیجده گروهان پیاده و دو اسکادران قزاق و هشت
عراده توپ و سه هزار شتری که خریده شده بود از ترکمانها تمام قشون

در چکشلر

در چکشلر جمع شده و از آنجا بچال کرمش جات با دو قسمت چهار پایه حرکت
نمودند چون اطراف اترک بدون هیچگونه زحمتی گرفته شد لهذا لوماکین
اقدام نمود بجاسوسی در سومبار و چاندیر که در امتداد این رودخانه‌ها
سیر کرده در بیست و یکم اوگوست وارد قلعه شدند از آنجا
دو گروهان پیاده را بجانب خلیج میخایلوفسکی مامور نمودند جهة آوردن
آذوقه و تمام باقی قشون از آنجا نیز حرکت نموده بطرف بندسن در چهل
سپتامبر یکدسته که مرکب بود از دو گروهان پیاده و دو اسکادران
قزاق مامور بودند که مشغول درو و جمع آوری جوقاری که از
ساکنین آن زمین خریده بودند نمایند که ناگاه غفلتاً دچار تفنگ
تکه ها که در بالای برجی پنهان شده بودند شدند یکنفر سالدات
زخمی شده تا یازدهم آنها را محاصره نمودند روز یازدهم سه نفر
از آنها فرصت کرده فرار نمودند مابقی کشته و زخمی و اسیر شدند
از هفتم تا هشتم سپتامبر یکدسته سوار ترکمان با صداهای قیه از
طرف اردو حمله آورده قشون فوراً نظام بندی کرده و دفع

حمله های آنها را نموده شکست بزرگی بر آنها وارد آورده چند ساعت
بعد از اتمام عمل قشون از انجا بجانب ترساکان حرکت نموده ولی تکه ها
تا عصر هشتم عقب قشون آمده او را مضطرب میکردند کار بجائی کشید که
مجبور شده از توپها نیز تیر اندازی نمودند لیکن درین عمل ابدا ضرری باردو
وارد نیامده در چهاردهم بچات مراجعت نمودند در روز شانزدهم بعد از نهار
شروع بساختن قلعه چات نمودند و ساخلوئی که جهة آن تعیین
نمودند مرکب بود از هشت گروهان پیاده و دو اسکادران قزاق
و چهار عراده توپ و موقتا هنگامی که مشغول ساختن قلعه بودند
دو گروهان پیاده دیگر نیز به کمک آنها از چلیخ سنجابلو فیلکی که با
بارخانه اذوقه بودند فرستاده شد ژنرال لوماکین باسایر
قشون به چکشلر آمده و در آنجا نیز بنای قلعه نهاده و جهة ساخلوی
آنجا هشت گروهان پیاده و چهار عراده توپ تعیین کرده
و از آنجا خودش با یک گروهان به کراسنوودسک آمده و در
آنجا بنای قلعه سنگی محکمی نهاده قشونیکه در چات و چکشلر بودند بابت

آذوقه ها تا اول ژانوار سنه ۱۸۶۹ آسوده خاطر بودند
در هشتم اکتبار بیست و شش نفر توپچی غیر مسلح که مامور بودند
در اطراف چات جمع آوری علیق نمایند تکه ها حمله کرده یکنفر از
آنها را کشته و پنج نفر دیگر را اسیر نمودند رئیس اداره ماوراء الخزر محض آزادی
آنها یک کاروان از تکه ها را که دارای بیست نفر آدم و هفتاد
نفر شتر بوده گرفته و به تکه ها اعلان نموده که اگر فورا اسیرها را
خلاص نمایند تمام این همطایفه های آنها را که گرفتارند بقتل
خواهیم رسانید این تهدید بیثمر بوده نداشت و بلکه برخلاف بر
عداوت آنها افزوده در نوزدهم اکتبار حمله بردند
بگروهانیکه در صحرا مشغول جمع کردن علیق بودند و بدسته
که مشغول شکستن و آوردن سنگ بودند و برای شترانی که
در چراگاه بودند یک نفر را کشته و یکنفر را زخمی کرده و سی و
دو شتر را بردند و انقدر جسور شده که در بیست و چهارم
و کار تا قراول چکشلر رفته و در آنجا نیز زد و خوردی کرده اند

بنابراین چاپارها در سنه حکم شد که اقدام بسفر تازه بوسط آخال
تکه نمایند برای چه و کدام دسته های وزراء قبل از گزارش
تفصیل اینسفر جهة روشن و واضح نمودن حالت پلیتیکی
ما در ترکستان بسیار مفید است ذکری نمائیم که دولت ایران
در نیمه تیکه ما بمرو و اینملک را متصرف شدیم چه مداخلات و گفتگوها
نموده است
وزیر دول خارجه دولت علیه ایران همینکه مطلع شده که دولت
روس تهیه سفری نموده است جهة گرفتن کراسنوودسک
در بیست و نهم اکتبار سنه بوزیر مختار مقیم طهران اظهار
نمود که اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران بسیار افسرده است
از اینکه چرا بدون اجازه و رضایت اعلیحضرت ایشان دولت
روس اقدام بتسخیر خاکی مینماید که همیشه جزو دولت ایران شمرده
شده است وزیر مختار جهة وزیر دول خارجه مبرهن نمود که ادن
قشون روس بساحل ترکستان هیچگونه اسباب عداوت و خصومتی

نه جهة ایران و نه جهة ترکمانها خواهد بود و از قراریکه از گفتگوهای بعد
آنها معلوم گردید دولت ایران ادعا بر تمام ممالکی که ترکمان در
آنجا سکنا دارند داشت وزیر مختار بعد از گفتگوهای چندی که دولت
ایران چگونه جزو متصرفی خود میداند مملکتی را که بقول
خود ترکمانها هیچ ایرانی نتوانسته و نمیتواند داخل این ملک
شود مگر اینکه طناب بگردن او باشد و اظهار کرده که اینک
ادعای شما در متصرف بودن ملکی در صورتیکه نه مبانی
در قرارنامه و نه استحکامی در بودن یک واقعه حقیقی ندارد
هیچ حقوقی جهة دولت ایران نمی نماید در تصرف داشتن
ملک ترکمان و ترکمانها خود را تابع هیچ دولتی نه ایران و
نه روس میدانند لهذا مسئله در ان باب متعلق است باینکه
اتفاق افتد و در آخر گفتگو گفته که این اقدام سفر ما بانجانب
حق هیچ احدی را خراب و برهم نخواهد زد و این مسئله
همانقسمی که تاکنون بوده است خواهد بود

و از روی تعجب گفته

اعلیحضرت شاهنشاه ایران همینکه مطلع شدند از تسخیر نمودن قشون
روس کراسنوودسک را با دستخط مبارک بوزیر مختار مقیم
طهران اعلان فرمودند که دولت روس تصدیق نموده است
در محق بودن دولت ایران بر تمام یموتهائیکه مابین اترک
و گرگان بادکیر میکنند و همچنین شرط کرده است که در کنار
این رودخانه هیچ قلعه بنا نماید جواب این مسئله بواسطه تلگراف
ذیل بوزیر مختار طهران از پطرزبورغ رسید صورت تلگراف
بوزیر مختار این است شما میتوانید مکتوب جواب اعلیحضرت شاهنشاه
را بدهید که ما اترک را تصدیق میکنیم جزو متصرفی دولت
ایران است و ما در آن نقطه چنانچه معلوم و آشکار است هیچ
قلعه نداریم

در ایام سفر جاسوسی پالکونیک استولتف در سنه
گذشته از جانب دولت ایران ابدا اظهار شکایت و گفتگوئی
نشد ولی از ابتدای سفر مارکزف و حرکت قشون او چکشلر

نبا

نباشد چونکه از آمدن قشون روس باترک جزو اعظم چارواها
از اترک دور شده بجانب شمال رفتند چونکه از آمدن روس
ولهذا اسباب شکایت و نارضامندی حکومت استراباد فراهم آمد
زیراکه دیگر امکان نداشت جمع آوری مالیات از آنها
نماید

بیاید زیرا ترکمانها از حکومت استراباد عهد گرفته بودند که هرچه میخواهند
با قشون روس نمایند از جانب دولت ایران قشون تنبیه آنها
فرستاده نشود چنانچه سابقا ذکر شده مگر دسته های دزدان
بامید آنکه تنبیه نخواهند شد قشون روس را مضطرب میکردند ولی
مارکزوف از دولت ایران مطالبه نمود که قراولان ایران
حرکت کرده پیش آیند تا اترک و دولت ایران در صدد
تنبیه مقصرین برآید

درین گفتگوهای طرفین وزیر دول خارجه ایران از نیکی قلبی که
داشته بوزیر مختار روس اظهار نمود که بدون هیچ شک و شبهه

حالت دولت ایران درباب ترکمانها بشما واضح و معین است
که این بادیه گردها یک اسباب وحشت بزرگی هستند جهة دولت
ایران زیرا که در مقابل آنها هیچ اسباب محافظت و نگاهداری
تهیه ندارد و دیگر عبور قشون روس از اترک و گرگان اسباب
شکایتی از جانب دولت ایران شد چونکه اظهاری را که دولت
روس در سنه درباب مسئله سرحد بودن اترک مابین دو دولت
کرده بود حرکت این قشون آنرا برهم زده بود وزیر اول اعلیحضرت
همایونی بوزیر مختار اظهار فرمود که دولت روس که مقتدرترین
دول است میتواند بزور تمام ادعاهای خود را برقرار نماید لیکن
درین مسئله حق بجانب دولت ایران است

در سنه بعد از مراجعت اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه کل ایران
از سفر فرنگستان اظهار میل فرمودند که با قشون روس در جنگ
مقابل ترکمن مشارکت نمایند اعلیحضرت امپراطور الکساندر دوم
راضی باین امر نشد زیرا که در صورت مداخله و شراکت دولت

ایران در اعمال بعد از این باتولید کارهای مضر خواهد نمود و متصل
مداخلات در اعمال پشت ماوراء خزر خواهند نمود ولهذا وزیر
مختار مقیم طهران اعلان نمود که رفع این اظهار دولت ایران را
نماید باین قسم که بگوید هنوز از جانب دولت روس قصد نشده است
که اقدام بسفر جنگی مقابل ترکمانها نماید و در صورت حمله دسته‌های
دزدان ترکمانها به کاروان یا دسته‌های بسیار کوچک قشون ما
که در آن صفحات جهة جاسوسی و جمع آوری اطلاعات مأمورند
باهمه یکدسته بسیار کوچک قشون حاضر جنگ جهة تنبیه و تلافی آنها
آماده داریم و چون حرکت این قشون جزئی بیک طرف معین نیست
و حرکت آن بسته است باتفاق مکانی یعنی در هر نقطه که هرزگی
و شرارتی از دزدان بظهور برسد بآن طرف باید فوراً حرکت کنند
لهذا حرکت جنگی دو دولت باتفاق هم بسرحدات ترکمان
از سمت شمال و جنوب امکان نخواهد داشت
ایضاً در همین سال اعلانی که ژنرال لوماکین بطوایف ترکمان نمود

در باب آنکه به منصب ریاست اداره قشون جنگی مملکت داغستان برقرار شده است
اسباب آن شد که بنای گفتگوهای دیپلوماتیکی بسیار با دولت
ایران شود چونکه از قراریکه این اعلان را در طهران ترجمه نموده
بیانات ذیل در آن نوشته شده بود و صورت ترجمه این است
شاهزاده اعظم میخائیل برادر اعلیحضرت امپراطور و رئیس
تمام قشون مملکت قفقاز و داغستان بموجب حکم اعلیحضرت امپراطور
به من حکم داده و مرا رئیس بالاستقلال تمام ترکمانهای اترک
و گرگان و ترکمانهای اطراف این رودخانها نموده است
بعد از آنکه در طهران این بیانات که شنیده شد کاغذ
کاغذ دیپلوماتیکی به جناب وزیر مختار روس مقیم طهران در باب
نوشته شد وزیر مختار لازم دیده که تمام اینفقرات را بصدر اعظم
دولت شاهزاده گرچاکوف عرضه دارد گرچاکوف نیز
از جانب خود فقرات ذیل را در جواب گفته اگر اطلاعاتیکه
بمن اعلان شده است در نامه های دیپلوماتیکی از وزارت خارجه

دولت علیه

دولت علیه ایران صحیح است و حقیقت دارد این اعلان
ژنرال لوماکین که در ایران ترجمه شده است نیز حقیقت دارد
و در آن صورت من جرئت نمینمایم بگویم که در واقع ژنرال
لوماکین هیچوجه حق نداشته است خود را رئیس طوایفی که آن
طرف اترک و مخصوصا در استراباد و گرگان بادیه گردی میکنند
بخواند و این فقره بکلی خلاف قول و اظهاریست که ما کرده
ایم و علاوه بر آن میگوئیم که این حرکت ژنرال لوماکین
با ترکمانهای آنطرف اترک اسباب آن میشود که نمیدانند اینها
باید رعیت کی و کدام دولت باشند و حال آنکه اینمسئله را وزارت
امپراطوری مفید دانسته که اظهار نشود تا موقع نیکی بوزیر مختار
ضمنا سفارش شده بود که بعد از اظهار این بیانات اطمینان
دهد در باب استحکام عهدی که دولت روس با دولت ایران
بسته است در فقره سرحدات اترک و دیگر اظهار نماید که دولت
روس قلبا میل دارد که در این سرحدات مراوده طرفین

و همسایگی را بطور خوبی نگاهداری نماید
در سنه ۱۲۹۱ قبل از تسلط روس چنین شهرت افتاد که ایلات
آخال تکه با توسط پسر حاکم قوچان عبد محمد خان بنای گفتگو را با
دولت ایران نهاده اند در باب آنکه ایشان را در تحت خود نگاه
دارند و در واقع عبد محمد خان با چندین نفر از تکه یعنی با وکلای تمام
طوایف آخال تکه بطهران رفتند و متعهد شده بودند که ابدا
غارتی از کردها و از خراسان ننمایند و شاهنشاه ایران را صاحب
خود بدانند و سالی شش هزار تومان از دولت ایران جهت
مواجب قراولهای خود خواهش کردند بنا براین گفتگوها
وزارت خارجه دولت روس بوزیر مختار خود مقیم طهران نوشت
که بدولت ایران اظهار نماید که این عزم ایران که میخواهد تکه را
تابع خود گرداند مجبور می کند ما را که بهمه قسم تدابیری که ممکن است
مقابل با انکار نمائیم چنانچه سابقا ذکر شد یکی از این تدابیر
است که قشون فرستاده شود جهت گرفتن قزل اروات

در آن اوقاتیکه رئیس قشون اداره ماوراء بحر خزر در باب زد و خورد تکه
با تکه در نزدیکی بندسن و تپه قلعه و عقب نشستن خود بطرف ترساکان
عرض نموده بود که همه مردمان محترم و خانها و مردمان بزرگ بهیچوجه
مداخله در امورات مردمان بی عقل و بیهوده گرد خود نکرده اند
و حتی آنکه خیالات آنها را قبل از وقت بما اعلان مینمودند وزیر مختار
روس مقیم طهران زینوویف بوضع دیگری این عمل را فهمیده
بود از این قرار بیان می کند که سفر سنه ۱۲۹۶ یا سفر سنه ۱۲۹۷ بمقصود عمده
نرسید تکه هائی که مطیع شده بودند و تمام غارت و دزدیهای خود را موقوف
نموده بودند چه باعث شد که اینگونه جسورانه قشون ما را تعاقب نمایند
در هنگام مراجعت کردن او از تپه قلعه بچات زد و خوردهای
بعد از آن از اینها ناشی شود تمام اینوقایع در مملکت ایران جهت
ما اثرهای بسیار بد حاصل نموده اند و تمام اینها بی اقبالی ما
محسوب می شوند و ممکن نیست که اینگونه عقاید مردم را گذارد
که بماند و ریشه بندی نماید و جهت رفع آن و استحکام و برقرار نمودن
شهرت قوه ما لازم است که تنبیه سختی از تکه نمود و جلوگیری از تجدید

اینگونه کارهای ایشان کرد و از قراری که تجارب این سنوات اخیر
ثابت نموده است معلوم می‌شود که ممکن نیست به نتایج رسید
مگر اینکه بکلی تمام تکه را مطیع کرده و ممالک آنها را در تصرف و حیطه
در آورد بدو قسم ممکن است که اوآزیس آخال را تسخیر نمود قسم
اول آنست که بمرور با یکدسته قشون کوچکی پیش رفت وجه
دیگر آن است که بزودی و یکدفعه یعنی با قوه زیادی تمام ممالک
آنها را تسخیر نمود و زینویف در بیان خود معتقد باقدام وجه اخیر است
و میگوید دولت ایران از روی حقیقت تصدیق دارد در اینکه
که خواهد بود از گرفتن ما ممالک تکه را پس بنابراین از گرفتن
ما اوآزیس آخال تکه را ابدا اثری در مراوده با دولت ایران
نخواهد داشت و از طرف دیگر ترقیات انگلیس در جنگ مقابل
افغانستان در مملکت ایران اثرهای کلی حاصل کرده و قوه و اثر دولت انگلیس را
در ایران عظیم نموده گرفتن اوآزیس تکه نزدیک می‌کند ما را با سرحد

خراسان و همین فقره اسباب آن است که اثر ما را با اثر انگلیس در
این سرحدات یک سنگ و مقابل می‌کند و مطلب آخر آنکه
هرچه ما زودتر بگیریم آخال تکه را زودتر تصرف خواهیم
نمود آن نقطه هائی را که برای رفتن باسیای مرکزی لازم داریم
اظهارات زینویف را اقرار شد که درست و کم شنفته در مجلس شورای
پطرزبورغ گفتگو نمایند رئیس شور از رئیس قشون قفقاز بود و
در این مجلس بیان شد که تا بآن وقتیکه در ترکستان طوایف بیهوده
گردی که بادیه گردی میکنند و مطیع هیچکس نیستند و هیچ تسلطی بر خود
قبول ندارند میباشند در آن مملکت بهیچوجه امکان نخواهد
داشت که امنیت و آسایش داخل و متداول شود و دیگر
سرحد جنوبی مملکت ماوراء خزر وقتی میتواند محکم و معین شود
که برسد به ممالک طوایفی که عهدنامه متداولی مابین ملل را بدانند
و تجارب ده ساله که در تسخیر ماوراء خزر بکار برده ایم ثابت نمود
که علی الاتصال مسلح نمودن دسته قشونهای کوچک جهة

مأموریت بآنجانب مخارجش بسیار گران است زیرا مأمور نمودن یکدفعه یکدسته
قشون بزرگ می شود و نتیجه هم نمیدهد و داشتن آن نقاطیکه در آنجا قلعه
بنا کرده ایم یعنی چات و چکشلر نیز فایده ندارد اولا در چات که با قوه زیادی
میتوانند مقصود خود را بانجام رسانند و در چکشلر چنانچه دیدیم روز روشن
حمله بانجا نمودند و عموما آنکه در تمام قطعه اترک بطور آزادی میتوانند
داخل شده و کاری صورت دهند جهة اینکه بکلی اینچنین حالت اترک را
موقوف نمود لازم است که بدون تعویق آخال تکه را مطیع
روس گردانید تا آنکه ایمن از جمیع حملات آنها گردید

بعد از آن بعد از آنکه در مجلس شور بدقت تمام اینمطالب رسیدگی
شد تصدیق بوجوب قرار ذیل نمودند

اولا اول بهار سنه ترتیب و جمع آوری یکدسته قشونی در چات نمایند
که کافی باشد جهة باطاعت در آوردن تمام تکه و جهة آن باید یک نقطه را
برای جنگ تصرف نمود که هم نیک و راحت بوده باشد جهة
تسخیر آخال و هم جهة برقرار بودن امنیت در مراوده و آمد

و شد با نقطه عمل عقبه
ثانیا در هنگام تسخیر آخال تکه ضمنا اقدام به تسخیر خط در امتداد
اوزبای نمایند و جهة امنیت راه کاروان از کراسنوودسک بخوه قلعه
یا در نقطه ایقدی یا در نقطه دیگری در مجرای قدیم آمو دریا بسازند
در بیست و دوم ماه ژانوار اینمطالب بامضا و صحه اعلیحضرت امپراطوری رسید
وزارت جنگ جهة تکمیل مطالب مجلس شور دستورالعملهای ذیل را
نیز بریاست مملکت قفقاز داده اگرچه تسخیر مرو را بعد از گرفتن آخال
تکه در مجلس شور بسیار سهل الوقوع شمرده اند لیکن در ملاحظات
پلتیکی و مخصوصا ملاحظه صرفه جوئی ابدا فایده جهة ما نخواهد داشت
ولهذا علاوه بر آنکه حرکت بجانب مرو بکلی قدغن است عمده تکلیف
رئیس این قشون مأمور آن است که حتی الامکان با تدابیر خود سعی کند
که رفع اسباب و بهانه هائیکه پیدا می شود جهة داخل شدن در
خاک مرو و غیر مرو دفع نماید یعنی از آن حدی که معین شده است ابدا
تجاوز ننمایند و حد عمل این سفر جنگی گوگ تپه است لیکن رئیس

قشون مختار است در انتخاب نمودن حد نزدیکتر دیگری که
تعیین داشته باشد بعد از گرفتن آن حد و نقطه به مقصود این سفر جنگی
رسیده است و دیگر راه و خط عمل ما بهیچوجه نباید از آن حد
و خطی که معین شده است تجاوز نموده داخل خاک ایران شود
حتی در صورت لزوم و در صورت رضایت آن دولت زیرا که ممکن است
بعضی تکالیف از این کار جهة ما بهم رسد که انجام رسانیدن
آنها اشکالات بزرگ برای ما داشته باشد بهمین جهة بود تکلیفی را
که دولت ایران کرده بود در اینکه یکدسته قشون از درگز بجنگ ما
بفرستد قبول نشد ولی حتی الامکان بقدریکه میل داشته باشید
از بابت بدست آوردن آذوقه و شتر و قاطر و غیره از آن دولت
منتفع شوید جهة این سفر ریاست قشون قفقاز قشون ذیل را معین نمودند شد
نه باطالیان و ربعیه پیاده که هر باطالیان مرکب از چهار هزار
صد و پنجاه نفر بوده است که تمامش هفتهزار و سیصد نفر میشود و چهل و
سه عراده توپ که دارای چهارصد نفر توپچی بوده و بیست [illegible]

و دو هزار نهصد نفر بعضی از این قشون چهار هزار پیاده و دو هزار سوار و شانزده
عراده توپ باید مشغول عمل جنگ باشند و ما بقی آنها باید بمواظبت خط مراوده
یعنی آن خطیکه واقع است مابین نقطه جنگ و نقطه عقبه و آذوقه باشند
جهة مخارج این سفر ده کرور و هشتصد و هشتاد و دو هزار و پانصد و چهل
منات بار دیده شد آذوقه مردم و علیق اسبها و کرایه شتران و اجرت
ساربان و مهتر و کرایه و مخارج بحری و مواجب ششصد سوار که
از آنجا گرفته شده بود و سایر مخارج فوق العاده درجزو همین پول است
منظور شده است بریاست تمام این قشون ژنرال آدیوتانت
لازارف فرمانده قسمت اول قشون قفقاز تعیین گردید و لقب رئیس
موقتی اداره نظام ماوراء الخزر را نیز باو دادند
اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه مملکت ایران اظهار فرمودند
که بکلی هم قسم حاضرند که از جانب خود هم عملی و کمک درباره

آذوقه و حمل آن نمایند جهت سفر جنگی با خال تکه و قبل از اظهار این
فقره اجازه داده بودند که خط تلگراف را از چکشلر با استرآباد امتداد دهند
در همین فوراً حکم قطعی شده تلگراف بحریه را از بادکوبه به کراسنوودسک
بکشند ولی این عمل چون زمان بسیاری لازم داشت لهذا از پیش نظام
قفقاز حکم نمود بر حسب لزوم از چکشلر با استرآباد بکشند و از استرآباد
بتوسط تلگرافهای دولت ایران اطلاعات را به تفلیس برسانند

در بیست و هشتم شهر [illegible] ما بین دولت
ایران و روس عهدنامه در باب کشیدن خط تلگراف در خاک ایران
بسته شد و دولت ایران نیز قبول نمود که محافظت و نگاهداری این خط را
نماید و دیگر دولت ایران راضی شد که در تمام فاصله از جلفا تا استرآباد
تلگراف شخصی دولت روس کشیده شود و در بعضی از تلگرافخانه‌های
ایرانی که جهت دولت روس لازم است وکیلی معین نمایند

بعد از انجام گفتگوهای تلگراف اجازه
دولت روس وکلا فرستاده شد بولایات شمالی مملکت ایران جهت خریدن
آذوقه و از جانب دولت ایران خانلرخان از طهران به قوچان و بجنورد
مأمور نمودند جهت پیشرفت کار مأمورین روس

مسئله در باب اجیر نمودن قشون جنگی از ترکما
نهای پشت اترک که لازارف خیال داشت ترتیب دهد
اسباب نارضامندی و رنجیدن خاطر مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی
گردید ولی چون نگاهداری دوستی و مراوده و رفاقت دولت ایران
بسیار عمده و واجب بود لهذا از جانب دولت روس حکم شد به
به لازارف که در کمال مواظبت احتیاطاً کناره نماید
از هر عمل و کاری که ممکن است محل رنجش دولت ایران بشود ارما
و مخصوص سفارش اکید شد که ابداً از بابت تعیین شدن خط سرحدها

با دولت ایران گفتگوئی نماید و بسیار اجتناب نماید از عبور دادن قشون را
از آن زمین ها شاید که ممکن است بعد از این درباب آن ما بین این دو دولت
گفتگو شود دیگر جهة پیش رفت کار و بیشتر شدن فتح و کمی مخارج
سفر ما نباید دیگر از بابت آذوقه و اسباب حمل آن کمک دیگری از
ازجانب دولت ایران بخواهیم
در هنگام تحقیقات از جهات مختلفه سفر جنگی دولت ممکن دانسته
که آخال تکه از حیثیت آذوقه و اسلحه و توپ بتوسط مرو بها مکمل شود
بنابراین در ابتدای سنه بتوسط تلگراف از ژنرال حاکم ترکستان
سؤال شد که بچه قسم حرکت جنگی دروغی تذویری ممکن است
اقدام نمود بجانب مرو بخیال آنکه هوش و حواس ترکمانهای
مرو را بوده و آنهارا از کمک و همعلی با آخال تکه باز داریم ژنرال
کافمان در جواب گفته که بعقیده من ممکن است حرکت داد از

از پطرو الکساندروفسکی و کاتی کورگان بجانب چارجوی
یا بوروالیق قشونی را که مرکب باشد از ده گروهان پیاده و
دو اسکادران سوار و چهار عراده توپ کوهی و این قشون را باید
بقسمی مکمل و مسلح نمود که در صورتیکه لازم شود بتواند پیاده
به ساحل چپ رود آمو و مخارج اینکار ششصد هزار منات تخمین شد
این مخارج گزاف مجبور کرده که چشم از مامور نمودن اینچنین قشون بپوشاند و تحمیل را
منحصر نمایند بمامور نمودن باطالیان هشتم خط ترکستان از طرف کاتی کورگان بجانب آمو دریا
برای عوض نمودن باطالیان پنجم بخیال آنکه حرکت آن در امتداد جریان رود آمو تولید
چندی در باز داشتن ترکمانهای مروی از کمک نمودن با آخال تکه خواهد
داشت
بعد از آنکه قدری از مطلب دور افتادیم باز رجوع میکنیم بنگارش اعمال جنگی ماوراء البحر
ژنرال لازارف چونکه نفر ماندگی موقتی تشکیل ماوراء البحر برقرار گردید قبل
از آنکه قشون مامور بسفر جنگی به چکشلر جمع آوری شود فوراً رفته تمام سرحدات شرقی

بحر خزر را بدقت تمام دور زده و کراسنوودسک و چکیشلار را گردش نموده و قشون ساحل جلوی
این نقاط را رسیدگی کرده در شهر مارت معاودت نمود بتفلیس با عرایض در باب
حالت نیکشون و پیش رفت و کار و مهمات اداره قزل اریک و در عرایض خود بیانات نمود
از بی نتایجی سفرها و در این باب لازارف مقصر قلم داده اصل طریقه قانونی را که بر آن
اساس عمل شده چه در حمله بردن و چه در عقب نشستن و مجهول بودن حالت مراوده
ما را با سایر ترکمانها که خود را نه رعیت روس و نه رعیت ایران و نه پلیسکی
میدانند

بعد از آنکه بنحوی آشنا شده لازارف با وضع حالت مراوده قشون روس با ترکمانهای
که در اطراف چکیشلر بادیه گردی میکنند فوراً دو نفر رئیس (کدخدا) در چکیشلر
و چات معین نموده و تمام موتهائی را که در حول و حوش تقلاع سکنی داشتند مطیع آنها
گردانید

ترکمانها اظهار نمودند که حاضرند تمام تکالیف آنها را اطاعت نمایند ژنرال لازارف با آنها
اظهار نمود که چون در خاک دولت روس میباشند لهذا باید رعایای باوفای
اعلیحضرت امپراطور باشند و اطاعت از جمیع قوانین نظام و داشته باشند

در چات

در چات چند نفر از اخال که خدمت او رسیدند و با آنها فرمود که من با قشون
مأمورم به تسخیر تمام خاک و مملکت آخال که برای داخل نمودن در آن نقطه
تسلط دولت روس را و اینک من خود منتظر میمانم شما را که یا مقابلی
کنند و یا آنکه مطیع شوند چونکه در هر صورت میل و رأی اعلیحضرت امپراطور بانجام
خواهد رسید

لازارف چنین گمان کرده که از یازدهم شهر مای بعد حرکت نمودن از چات بجانب
آخال که امکان دارد در صورتیکه بعضی احتیاطها را داشته باشد اعمال جنگی
در اواریس آخال که بسیار سهل الامکان خواهد بود حتی در فصل تابستان لهذا
استدعا نمود که حکم قطعی شود در باب جمع شدن تمام قشونیکه برای این سفر تعیین
شده بود و در آن جزو نفر چهار باطالیانی را که برای عقبه تعیین کرده بودند و قرار
شده بود که در همان ساحل غربی بحر خزر بوده باشند تا هنگام لزوم استدعا
نمود که با اتفاق سایر قشون بساحل شرقی فرستاده شوند

در باب آذوقه و سوار ابدا اهمال غفلت مخصوصی که ممکن بود در روی دهد پیش بینی
نموده و در آن خصوص تهیه تدارکی کرده بود بنابر آنکه قشون مأمور سفر جمع آوری در

حاضر خواهد شد رئیس آن قشون ژنرال لازارف

رئیس آن قشون ژنرال دستورالعمل و قرارمدارهای ذیل را داده اولا

به لماکین سپرده که پنج اتکا دران سوار جنگی از یموتها و خیوه ترتیب دهد

ثانیا سفارش داد که چهارصد راس اسب ترکمانی بخرد برای تکمیل اسبان توپخانه و
باری

ثالثا در راه ارخنگر بجهت چاههای آب خبر نماید برای آسایش حرکت قشون از
به
راه

رابعا در چکشلر بندری ترتیب نماید که طول و عرض آن بقدر چهار فوت عمق
داشته باشد

خامسا شترانی را که لماکین از خیوه و منقشلاق جاره نموده بود و عمل حمل آذوقه را سپرده به کارکا
نوف که حاضر شده بود و به او سفارش شد که در نظر گرفته هزار و پانصد عرابه که از هر حیث حاضر اسباب
و چه از هر تکمیل بوده باشد فراهم و موجود نماید

در هشتم آپریل یکدسته سواران که حمله بردند به ترکمانهای بی آزاری که در اطراف و حول و حوش
کراسنوودسک ساکن بودند و زیاد ترگلهای آنها و چند نفر از زنهای آنها را بردند ترکمانها که

از این فقره زیاد پریشان گردیده حمله بردند به شترانیکه برای حرکت قشون
از منقشلاق آورده بودند و دویست شتر بردند

دو گروهان از باطالیان مکانی کراسنوودسک عقب دشمن حرکت کرده در عصر چهار روز رسیدند به
سواران ترکمن تلاقی کرده چند دفعه با تیغ بر آنها یورش بردند از قشون روس چهار نفر
مقتول و دوازده نفر زخمی شدند اخر الامر چندین هزار گوسفند از آنها پس گرفته ولی
شتران را بدر بردند

در این اوقات قشون مأمور ساحل شرقی خزر بتدریج وارد چکشلر میشدند در این ضمن
هم آذوقه در نهایت تعویق بچکشلر می آمد و باعث تعویق همین بندر چکشلر بود
حالا که کشتی های بخار در پنج ورستی از ساحل می ایستادند و بیشتر نمیتوانستند بیایند
و کشتی های بادی هم از آنجا نمی آمده و می ایستادند که چشم آنها را از ساحل بزحمت
میدید و برای حمل بارها از آنجا باساحل زورقهای ترکمانی حرکت کرده پیش
میرفتند و بارها را از کشتی گرفته بساحل میآوردند ولی در اوقاتیکه بادهای
شمال غربی میوزیدند این زورقها مدت پنج شش ساعت در روی آب
با اختصار میگردیدند تا آنکه برسند بآن کشتی که برای حمل بارهای آن مأمور شده

بودند و معلوم است در این صورت لازم است که این زورقها را ببندند به کشتی
کوچک بخاری که برای این کار می‌باشد و معروف است به بارکاز و در چکشلر پیش از یک بار
کاز که سه یا چهار زورقها را بسته می‌کشید بود

و در آخر ماه کشتی بخار کوچکی که بسیار کم در آب فرو می‌نشست و موسوم بود به آراکس
بچکشلر فرستاده شد و بنا بر مقصود بود که با پنج و شش زورق بسته شود ولی از
بدبختی این اوقات متصل طوفان بود بنوعیکه اغلب چنین اتفاق می‌افتاد
در مدت چند روز ممکن نشد حمل آذوقه تسهیل شود

قشون روسی وارد چکشلر گردیدند لیکن آذوقه بسیار بتعویق می‌آید بالجمله حکم شد که نان
پس کماج را از قرار معمولی که بقشون می‌دهند بنا را که اول قشون را آورده و بعد شتر و
به آوردن آذوقه نمودند لازم شد که مدتی بگذرد تا آنکه مقدار آذوقه که حمل می‌شد با آنچه که
بمصرف می‌رسید مساوی باشد در چکشلر کار بحدی تنگ شد که در مدت چند روز از بابت نبودن
هیزم ابداً طبخ نشد

عمل حمل آذوقه بخوبی صورت نگرفت و میوه‌ها شترها کمتر از آنچه بنا بود بدهند آوردند
و بنا بر امکان برداشتن تحصیل جبه و ذخیره علیق در راه از چکشلر تا چات کارگانوف مجبور شد

عراده‌هائی که بر روی او حمل آذوقه می‌نمودند کم نماید زیرا که مجبور بودند بر روی
این عراده‌ها علیق اسبان عراده‌ها را برای معاودت و رفتن از چات تا چکشلر بار نمایند
و علاوه بر همه اینها وقتیکه در چات لازم شد که بار بار الحرکت دهند برای تعقیب یار
آذوقه نقطه جلوتر طناب کم آمده بود و پول هم در صندوق قشون موجود نبود و آماده
کردن آن بزودی امکان نداشت

در اول اپریل قشون مأمور بغیر از قرار تفصیل ذیل حاضر بودند

اولاً در چات سه باطالیان و دو اسکادران قزاق و هشت عراده توپ
صحرائی

ثانیاً در اق تپه برای نگاهداری شترهائیکه در چراگاه بودند دو گروهان پیاده و
دو اسکادران قزاق

ثالثاً در چکشلر هشت باطالیان پیاده و یک دویزیان دراگون و شش دسته سوار غیر نظام
(هر دسته صد و پنجاه نفر) و چهارده عراده توپ از تمام سواران مذکور شش دسته مأمور
به اترک شدند برای ممانعت کردن یموت‌ها که با شتر بدهند و نداده بودند از رفتن سمت
ساحل چپ رود اترک

در هشتم اون یکدسته پیش قراول از چلپشد بسمت دوزالوم فرستاده شد که مرکب
بود از سه باطالیان پیاده و نیم کروماش سر و چهار دسته سوار و چهار عراده توپ
که تمام دو هزار و دویست و شصت نفر آدم و هشتصد و چهل راس اسب بودند و
ساختن راه و چاههای آب نیز بعهده همین پیش قراول داده شد در هفدهم اون
وارد دوزالوم شدند

در آن اوقات بادره قشون اطلاع رسید که ترکمانها مهیای نخت شده اند و کنون
آمده اند بقاری قلعه که آب رود سومبار را برگردانند بنابراین خبر برای امداد در پیش
قراول شاهزاده پالکونیک دالکوروکوف یک باطالیان دیگر نیز فرستاده شد و حکم شد
باو که تا ممکن است ترکمانها را شکست داده از قاری قلعه برانند اگر هنوز این خیال انشده اند که در آنجا نقطه محکم
درست نمایند ترکمانها را ضبط کنند و راه از آنجا تا دوزالوم که مکان معین است
درست کنند

در هفتم اون جاسوسان پیش قراول خبر آوردند که یکدسته از سواران ترکمان بریاست
تکمه سردار و سعی خان و دیگران از قاری قلعه بجانب بادیه گردهای طایفه اق
آتابای برای غارت کردن آنها حرکت نمودند لهذا شاهزاده پالکونیک دالکوروکوف با یکدسته

قشون

قشون سبک بار که مرکب بود از سه کروهان پیاده و سه بکادران قزاق و دو عراده
توپ کوهی بطرف بالا در مهتاب در رود چاندیر حرکت نمود که سر راه بر آلامان
کنندگان بگیرد لشکر سواران ترکمان قریب نه هزار گوسفند از اق آتابای را پیش کرده
حرکت کرده از آمدن قشون روس مطلع شدند بعجله تمام بجانب اوزنبی خود فرار
نمودند

در بین راه بعضی از حیوانات را گذاشته طایفه اق آتابای که در تعاقب آنها بودند
آن حیوانات را جمع کرده برگردانیدند

شاهزاده دالکوروکوف از آنجا بقاری قلعه رفت که ملاحظه نماید شهرتیکه در باب مقصود ترکمانها
از برگردانیدن آب سومبار است صحت دارد یا خیر

در قاری قلعه کوکلانها با نهایت خوشحالی باستقبال قشون آمده با نان و نمک
مقدار فراوان آذوقه و علیق برای آنها مهیا کردند و ملاحظه شد که در واقع جزئی
از آب سومبار را برگردانیده اند

در آخر اون قشون اونگارد (پیش قراول) وارد دهکله ترساکان
شدند

در عرض مدت تمام ماه اول اردو چکشلر میشدند شترهائیکه یا خریده شده بودند
یا آنکه از صاحبهایشان اجاره کرده بودند از آنجا آنهارا آذوقه بار کرده بچاپات و نقاط
کرسش قراول بود میفرستادند

از زیاد بار کردن شتران جابجا که قریب شش هزار و هفتصد شتر بود بعضا نارضایتی بزرگ مابین
صاحبانشان و انام آمده و بسیار با آنان هم که از صاحب شتران بودند کم کم فرار کرده فرار
کردن و شتران خود را بردن و طایفه آتابای که از ناشایردی تا داشبوردی
با دیگر دیگری میکردند ترسیده جبر و تعدی دیگری از آنها اوردند بیایند از آنجا کوچ کرده
سمت جبال قیورنداق رفتند و از رفتن آنها راه حمل و نقل خطر ... و قشون روس
پیدا شد و از زوال الفراف ترسیده که مبادا آنها از راه یکدفعه یورش نمایند
یک باطالیان پیاده در دیگ چاه داشبوردی برقرار نمود

تا بیست و ششم اول از قرار و مدار و تنظیمات رئیس قشون مالهای ذیل برای حمل آذوقه
و بارخانه موجود شد

شش هزار و هفتصد شتر خوب با مصرف ترکمانی و صد و پنجاه شتر ضعیف و لاغر شده و قرقری
و سیصد و سی و هفت رأس قاطر و هزار و پانصد عراده یک اسبی

از قرار که در روزنامه جنگی ماه اول نوشته شده بود معلوم شد که دیگر بااین
زودیها ممکن نیست که پیش از این شتر بدست بیاورند زیرا که باید نوشته شود
از ایران و از طرف قفقاز جمع کرده بیاورند آنکار مدتی طول خواهد کشید و ممکن است
در این مدت شترهای موجودی از شدت زحمات و صدمات متصل در رسانیدن آذوقه
بانبارهای جلوی از کار افتاده بمصرف نشوند

بعد از فراهم شدن مالهای مذکور مشغول جمع کردن آذوقه در انبارهای قشون
شدند و بعد از فراوانی تخصیص درجات موجود شد و همینکه وقتی برای سفر
جنگی در آن بیابان رسید و بنا گشتن گرمای شب و روز و بلندی شبها
در بیست و ششم اول حکم قطعی شد که بدون هیچگونه تعویق و تعللی با حرکت حمله جبال
تکه نمایند

حکم شد که شش هزار و هفتصد شتر آن با مصرف ترکمانی از برای حمل اسباب مایلزم قشون که
در جنگ می باشند بکار برند و بقیه مالها یعنی قاطرها با محل نمودن آذوقه
از خالیشبکیات و دوز الوم و در زند ... بر ملاحظه شد ... شش هزار و هفتصد شتری را
که برای مشغول بودن عمل جنگ معین نموده اند از این قرار بوده است باطالیان ...

و شتران قرقری و عراده ها را

سواره و دو اسکادران قزاق و پانزده عراده توپ با اسباب قورخانه هر تفنگی
هشتاد فشنگ و هر توپی نیم دسته گلوله و در قورخانه متحرک جنگی متعلق باو و قات
جنگ از همین عدد پیش قراولی معین نمودند که عبارت بود از چهار باطالیان
نیم پیاده و چهار اسکادران قزاق و ۶ عراده توپ با قورخانه متحرک جنگی به توپ
وصد وبیست هزار فشنگ

دسته اول اکاره حکم شد که تا انجام او گوست در تساکان آماده باشند در هشتم
بانمایند بحرکت طرف قلعه و فورا مشغول ساختن راه جعده شدند از همه راه جاهای
آب خرف نمایند و باقی قشون جنگی در دهم او گوست باید در دوز الوم باشند
و در آنجا منتظر احکامات شوند   خیالات ولفه ماتیک ژنرال لازارف
در نظر داشته بعد از این که بند از اهتمام بوده است در بندسن و توجه قلعه رتب انباری
بدیدن با اذوقه تفحه و به طلب بد در بندسن بزرگان گمره را حتی الامکان سعی کنند که
آنها را با عیال حبس کرده برسم گروکان نگه دارند تنقضار و از آنجا با اذوقه
بیست روزه حرکت کرده داخل اورنیس شود و اذوقه تمامی دیگر را در بند
سن بگذارد   ژنرال لازارف

چنین

چنین گمان کرده بود که آنجا را بگیرد بدون آنکه تیری خالی کند برای
آوردن اذوقه در بندسن از اهتمام طرح ریزی کرده بود از جانشد تا چاپات هزار و
پانصد عراده حمل کند و از چاپات تا دوز الوم چهل فورگن (کاری)
های قشون و پانصد شتر حمل کند و از دوز الوم تا بندسن دو هزار و هشتصد شتر مخصوص قشون
و در آخر بعضی گرانلد که از دوز الوم کمپنی صاحب منصب مامور نمایند تحجبور در ای
خریدن اذوقه

از سلح اول قشون از ملیتو بنا بر بیرون آمدن نمودند از آنجا آذوقه
ده روزه با خود برداشتند و از چاپات اذوقه تمامه و از برای هر تفنگی صد و بیست
فشنگ برداشته و تمام اسبابهای زیادی و سنگین را در عقب گذاشته
با خود نیاوردند

در بیستم او گوست سه اسکادران قزاق از تساکان به قلعه فرستاده شدند تا
با پالکونیک و اسپیلیکوف در آن مکان یک گله گوسفند بدست آورده ضبط کردند
ولی بزودی یک دسته ترکمان سوار از بندسن بعقب گله آمدند بعد از تیراندازی
چندی شکست خورده فرار نمودند و اسپیلیکوف با قشون خود در قلعه

ماند در هشتم از رساکان دو باطالیان پیاده و یک بکادران قزاق
و چهار عراده توپ باور سید بعض در رود این قشون فوراً شروع بساختن راه
عبور نموده و بلاد ساکنین قاری قلعه که حسب الحکم آمده بودند با گرفتن
جاهای آب در نزدیکی بارکیتا نمودند

در هشتم شاهزاده دالگوروکوف با یک بکادران قزاق و دو عراده توپ بطرف
بندس حرکت نمود بخیال آنکه باقی آمده را که در همین شب در مقابل قشون
واسیلچکوف ایستاده و زد و خورد نموده بودند تنبیه نماید و همچنین بدوکروان که
به قاری قلعه مأمور بودند که بگذارند اسب سوم بار را برگردانند حکم شد
که از قاری قلعه بطرف بندس بروند

شاهزاده چونکه به بندس آمد دشمن را ندید از قراری که مطلع شد دسته کی بسیار زیاد
از آنها در آنجا جمع شده بودند چونکه از آمدن قشون خبردار گردیدند از طرف
کوهسار زیر شده قسمی از آنها در ریگزارها و قسمت دیگر بجانب گک تپه رفتند
وقتی که ترکمانها معلوم شد که تزال از طرف اوردو جلو شده مقصودشان
گرفتن گک تپه است در عشق آباد مجلس جمهوریه جمع شده برای تحقیقات و تدبیر خود داری

نمودن

نمودن
در این اوقات نوروردی خان در مرو بوده و پسر بزرگ او بردی مراد خان جانشین
پدر بود آن ماتوبط صغر سن بدستور العمل دو نفر از نزدیکان نوروردی خان ارض محمد خان
و قربان مراد ایشان عمل مینمود

در مجلس جمهوریه چنین حکم شد که بگذارند اندا روس داخل آخال شود لهذا چنین
قرار دادند شش هزار سوار و پیاده به تنگه بندس بفرستند وقتی که قشون جلودار
روس بقره قلعه رسید سواران ترکمن مقابل آنها در آمده و از طرفین [illegible]
تیراندازی شد بعد از چندی زد و خورد ترکمن فرار نموده از قره قلعه گذشته
بلکه از دره‌های بندس نیز گذشته نزدیکی بورمه رفتند بعد از این شکست از مجلس
جمهوریه حکم شد که تمام ساکنین آخال تکه در گک تپه جمع شوند لهذا تمام اهالی اعلان
نمودند و نوروردی خان نیز در مرو اخبار دادند

ساکنین قزل اروات و بورمه که از طایفه بنی جان و تکه بودند به گک تپه
رفتند از آنجا کوچ کرده بشن زارها رفتند و دیگر قصه ای
ساکنین ارچمان که تا شصت خانوار رسید بسبب عدم آذوقه [illegible] شدند

حرکت تند در جا و مکان خود ماندند

ساکنین تمام دهات از قول آروات تا گک‌تپه جمع شدند در کهنه گک‌تپه

و ساکنین دهات از گک‌تپه تا کیا و ارس مکان خود ماندند ولی تمام جنس و گوسفند آنها

که میتوانستند دست یاب سلطه شوند در گک‌تپه جمع شدند و در کهنه گک‌تپه

مجدداً مجلس جمهوریه برپا نمودند در مجلس تمام متفقاً طالب جنگ شدند

و حکم قطعی آخر را نشد که در نزدیکی تپه دنگیل تپه متحصن شوند و تا قطره آخر

خون خود ایستادگی نمایند کهنه گک‌تپه را که واقع بود در شش [illegible]

آب را از آنجا قطع نمایند بحالت خودش گذاشته و بکلی چشم از آنجا پوشیدند

کاری نکردند

فوراً در دنگیل تپه بنا نمودند ساختن قلعه و تقدیری آن از ریگ نمودند که محکم بود

تمام ساکنین که در آنجا جمع شده بودند در آن قلعه جاگیر شوند و اسم آنرا باقی

شهر نام نهادند (یعنی شهر تازه) دستور العمل و احکامات ساکنین

از آزادی مرادخان و از امر محمد خان و حضرت قلیجان میدادند برای هر

خانوار یک قسمتی معین نمودند از دیوار که بسازند زن و مرد و پیر و جوان

کار میکردند

در هنگام نزدیک شدن قشون روس در بیست و هشتم اگوست ۱۸۷۹

قسمت جنوبی قلعه بکلی ساخته شده بود و قسمت شرقی نیمه تمام بود ولی اطراف

دیگرش ساخته شده بود و تا بحدیکه باید برسد رسانیده بودند بعضی جاها تمام

آلاچیق‌ها را بیرون قلعه نموده بودند

برای تنبیه مجدد و متلاشی نمودن باقی‌مانده که در مقابل لشکر روس زد و خورد

نموده بودند و برای استخلاص یکنفر سرباز که اسیر شده بود و ایضاً برای تلافی

بردن شتران و گوسفندان رئیس پیش قراول حکم نمود که حمله به آن زمین آخال

برند لهذا با جنرال در دهم اگوست عصری چهار اسکادران قزاق

از قلعه و بندر حسن بجانب جاده قره سنگیر و دمیرجان و دولت [illegible]

فرستاده شد برای عقبه و نگاهداری آنها سه گروهان پیاده و یک عراده توپ کوهی

بجانب قریه بامی و قیج فرستاده شد

این جمله در جاهای خوبی و دلخواه بعمل آمد قزاقان چون به بامی رسیدند

جمعی از ساکنین را دیدند که هنوز مجال و فرصت نموده بودند رو بدشت صحرا

و شش هزار گوسفند ایشان را که قشون سه بار راهم که به نجات داده رسید مستخلص
کردند

در بیست و دوم اگوست تمام قشونیکه برای حمله و غارت رفته بودند به بندپس معاودت نمودند
و باقی قشون پیش قراول در آنجا جمع شدند در همان روز تیکه سردار و بعضی خان
خدمت شاهزاده والاگوهر و لیگنفنت رسیدند

در اوقاتیکه قشون پیش قراول بعمل مشغول بودند سایر تمامی قشون
جنگی حرکت کرده بدور الوم و از آنجا نیز حرکت کرده به پیش رئیس قشون که مریض
شده بود و بعد از اتمام عمل بجانب قشون آمد همینکه به بیت رسید در چهاردهم
اگوست این دنیا را بدرود گفت ریاست قشون را جنرال الکین که از دیگران برتر
بود بعهده خود گرفت

در پنجم اگوست قشون ذیل در قریه قلعه و بندپس جمع شدند هشت باطالیان
در بعضی پیاده و دو بکادران دراگون و هشت بکادران قزاق و
دوازده عراده توپ صحرائی و چهار عراده توپ کوهی و هشت دستگاه
موشک جنگی از بابت نقصان مال برای حمل آذوقه و بارخانه چنین حکم نمود

که در

که در قریه قلعه و بندپس ده گروهان پیاده و چهار عراده توپ و دو بکادران
قزاق و دو دستگاه موشک جنگی را بگذارند برای حمله و گردش [?] آتابای
(چون گفته شده و گوشمال اخطالفه را لازم دانسته بودند توسط اینکه چنانکه
در قبل ذکر شد من خود و بدون تحصیل اجازه از سرحدات خاک روس کوچ کرده
دور شدند و شتربانان قشون روس که از اخطالفه بودند بنای فرار
گذارده علاوه بر شتران خود شتران دیوانی قشون را نیز بردند و مقصود دیگر
از اینجمله این بود که برای حمل آذوقه و بارخانه مال بدست بیاورند زیرا که
بقدر کفایت مال با خود نداشتند در بیست و سیم محل با دیگری
آتابای رسیدند در نزدیکی چاه داناتت و کهنه کریم هزار و دویست و پنجاه
شتر از آنها بدست آورده در بیست و نهم به قریه قلعه معاودت نمودند) باقی قشون
بجانب گک تپه حرکت نماید

در بیست و یکم اگوست قشونیکه برای گک تپه معین شده بود در بندپس جمع شده
از آنجا به بامی از دره و تنگهای قپتداق عبور کردند و اغلب از اوقات
قشون پیش قراول درست میکردند در هنگام رسیدن قشون بسر زیری در

او ازیس راه درست نشده بود لهذا تمام عراده‌ها که با قشون بود در بندش گذ
و بقشونی که در بندش ماندند کشیدند اخطارش شد که حمات و چکمها باید بکار اندرست نمایند
و حتی الامکان راه آنرا آمد و شد با قاعده با چن دورالوم و بندش درست نمایند که
عبور از آن راه آسان باشد

دسته قشون جنگی از قرار پانزده روزه و هر قشون جنگی صد و پنجاه فشنگ و هر توپی
یکدست گلوله با خود داشته و علاوه بر آن قورخانه که دارای صد و پنج هزار فشنگ و پنج
عراده دو چرخه بود معین کردید از عقب بیاید
تمام بارخانه قشون مرکب بود از دو هزار و پانصد و پنجاه شتر

برای آسایش و سهولت حرکت قشون را بدو قسمت نمودند یک دسته پیش قراول
که در تحت ریاست والکوروکف بود مرکب بود از سه باطالیان پیاده و نیم کروهان شاسپور
و دو بلکا از سلدات کوی و چهار بلکا از سواره غیرمنظم با هر دو نکاه موشک جنگی و چهار
عراده توپ کوهی و قسمت دویم که عمده بود در تحت ریاست ژنرال ژخ بود مرکب بود
از سه باطالیان پیاده و دو بلکا از قزاق و هشت عراده توپ و دو چرخ
که ساق دار شده در عقب آن حرکت میکرد

بیست و دوم

بیست و دوم اوگوست دسته پیش قراول حرکت نمود روز دیگر قشون عمده بعقب قشون
پیش قراول روانه گردید از بامی و بورمه و سونجو عبور کرده از دوورونگ گردیدند
پیش قراول بان نقطه اخر چون رسید مکث نمود تا آنکه قشون عمده رسید چونکه
حکم شده بود از آن نقطه به بعد تمام قشون هم ملحق شده باتفاق حرکت نمایند
از تمام آبادیها که میگذشتند جدیدا در آنجا ماندند چونکه تمام ساکنین همه
آبادیها را خالی کرده به گگ تپه رفته بودند مگر آنکه در آن جاها تقدر چند نفر بودند که
هنوز مجال ننموده بودند بروند که قشون رسید
از شب بیست و ششم تا بیست و هفتم که قشون در دورون منزل کرده بعضی تیراندازی از جانب
ترکمن طرف خط زنجیر قراول شد و این تیراندازی یکنفر سرباز قزاق زخمی و سه راس اسب
از پا درآمدند

در روز بیست و هفتم قشون بارا جی رفتند در این وقت تقشون تعریف شد که تمام
ساکنین اوازیس جمع شده‌اند در گگ تپه و خوش باد که بنحوی در آن نقطه حمله
آنها را مدافعه نمایند

در بیست و هشتم از یارا جی بسمت گگ تپه حرکت نمودند و چون بسیار نزدیک شده بودند

بدشمن لهذا تمام قشون به سه قسمت شد قسمت اول که در تحت ریاست شاهزاده دالگوروکف
بود و مرکب بود از سه باطالیان پیاده و دو اسکادران قزاق و سه اسکادران سوار اولگن
و چهار عراده توپ و سه موشک جنگی سه ساعت به دسته صبح مانده حرکت کرد قسمت
دوم که در تحت ریاست ژنرال گراف برخ بود مرکب بود از سه باطالیان پیاده و یک اسکادران
قزاق و چهار عراده توپ دو ساعت به دسته صبح مانده حرکت نمود و قسمت سیم
که ریاست کاپیتان کلکافوف بود عبارت بود از شتران بنه و آذوقه و برای حفظ آنها شتر
گروهان پیاده و یک اسکادران قزاق و دو عراده توپ معین شده بود این قسمت در
یکساعت به دسته صبح مانده حرکت نموده دو دسته اول شتر با خود نداشتند الا
شترهائیکه آب و فشنگ بارشان بود و بهر یک از افراد دو روزه را با یک پارچه گوشت
پخته داده که با خود برداشتند و برای هر اسبی هم قدری جو برداشته
وقتیکه قسمت اول هشت و ربع ساعت (کم از نیم و ربعی) دنگیل تپه رسیدند یکدسته
از ترکی سوار از قلعه بیرون آمده قسمتی از آنها راه را کج کرده به پشت سر قشون رفته قسمت
دیگر از طرف مقابل قشون آمدند ژنرال لاماکین چنین گمان نمود که دشمن خیال
حمله بقسمت سیم قشون که در عقب است نموده لهذا فوراً حکم فرستاد در پشت قسمت

دوم ژنرال برخ که حرکت نکند و جای خود مکث کرده منتظر رسیدن کاپیتان کلکافوف شود
تا بیاید
در دو ساعتی ظهر مانده قسمت سیم رسید قسمت دوم بمحض رسیدن آن یکدفعه هشتصد سوار
از پشت یاکیان باتیر قلعه بیرون تاخته بجانب قشون رفت و قشون هم یکدفعه
بنا نمود باتش کردن از توپ و تفنگ بطرف آنها بعد از اینکه مدتی چند سواران
تماماً شکست خورده بطرف یاکیان باتیر قلعه برگشتند و از آنجا بطرف دنگیل تپه
رفتند در این زد و خورد اسکادران فوج ولگسکی چهار نفر قزاق مقتول و یازده
اسب از پا درآمدند بعد از آن هنگامه ژنرال برخ بنای حرکت نمود بجانب
دنگیل تپه در سه ساعتی بعد از ظهر به نزدیکی قلعه رسید وقسمت اول ساعت
قبل یعنی در اول ظهر بانجا رسیده بود و در این وقت قسمت اول بطرف قلعه رفت
در هزار و ششصد ذرعی از قلعه ایستاده و بنا نمود به تیر اندازی از توپخانه
و بعد از یکساعت باز به پیش حرکت نموده در ششصد ذرعی از قلعه و آماده حمله
به پوزیسیون اول دشمن شدند
نقل است که استحکامات روسها تدبیر کار را ندانستند چنانکه قسمت شاهزاده دالگوروکف

دالگوروکوف از یاراجی که حرکت نموده مستقیماً در سمت شمال غربی قلعه و در آنجا
در یک پوزیسیون محکمی که عبارت بود از آسیابی که از تمام اطراف آن دیوارهای گلی
و شعبهای خیابار رودخانه واقع بود قائم و برقرار شد پیاده از این نقطه قدری
تیراندازی نمود یکدفعه حمله بردند به رو نگه آن نقطه که دشمن در آنجا مقابلی مینمود
شکی نیست که اگر در همان نقطه ایستاده بودند که آن را شکست داده بودند ولی
افسوس که پیاده این نقطه را گذارده و از جوبها گذشت که یکدفعه گرفتار گلوله که
شدند که مانند باران میبارید در آنجا مجبور از عکس کرده در پشت دیوارهائیکه
از اطراف آسیا حافظه کرده بودند دراز کشیدند و گاهی هم آتش میکردند
و منتظر ورود قشون گراف بریخ شدند

از قرار که از راپورت و عرایض ژنرال لوماکین در خصوص اعمال جنگی بیست و هشتم
اوگوست نوشته است معلوم میشود که در این دقیقه حالت اعمال جنگی ما که اداره
توکلی بود معلوم گردید از قرار که آنهائیکه در آسیا سپرده بودند و پیاده برد
میکشیدند ترکمانها در فضاهای باغی مقابلی میکردند و از بیم و واهمه مرگ
ترک مدافعه را نمودند

در همان

در همان وقتیکه پیاده حمله بجانب پوزیسیون اول دشمن نمود سوار طرف شمال آسیای دوم
رفته و بعد از زد و خورد بسیار که با دشمن نمودند سواران دشمن شکست خورده بداخل
قلعه فرار نمودند وضع جنگ بهمان حالت بود تا ورود قشون گراف بریخ که در سه
ساعت و نیم بعد از ظهر وارد شدند بعد از مدتیکه راحت باش کردند بعزم محاصره
دنگیل تپه پیش حرکت نمودند

برای یورش بردن بقلعه قشون از این قرار جابجا شدند دو باطالیون و شش
عراده توپ مقابل دیوار شمالی قلعه سه باطالیان پیاده و دو عراده توپ مقابل
مقابل دیوار غربی مستعد یورش ایستاده و تمام شتران بنه و آذوقه در نیم ورستی
از دیوار غربی قلعه در حمایت یک باطالیان و شش گروهان پیاده و دو عراده
توپ ایستاده در جاده عشق آباد دو سکادران سوار و دو عراده توپ ایستاده که مواظب
اعمال و حرکات دشمن باشند

ابتدای محاصره شروع بانداختن گلوله توپ بداخل قلعه نمودند اول از شش
عراده و بعد از هشت عراده گلولههای توپ مانند باران بداخل قلعه ریخته
خرابی کلی و صدمات بسیار وارد آورده بنوعیکه مدتی نگذشت که

از سمت شرقی دیوار قلعه بنای فرار را نهادند ولی در آنجا دوچار سواران انگلیس که
در این نقطه مواظب بودند شدند استدعا نمودند که تیراندازی را موقوف کرده
بنای گفتگو را گذارند ژنرال لاکین شتاب کاپیتان یعقوب را فرستاد و با آنها اعلان
نماید که برای گفتگو باید خانها و شانها (ملایان) واق قتل
بیرون بیایند

از قراریکه ژنرال لاکین در راپورت خود نوشته میگوید که بطور یقین معلوم بود که
خیال آنها بود که در هنگام شب کلی از قلعه فرار نمایند و چند دسته کاروانهم از
قلعه بیرون آمده بودند که فرار بروند سواران ملتفت شده آنها را برگردانیدند
ژنرال لاکین که خیالش آن بود از صدمه و واهمه که توپخانه در قلعه انداخته و از جمعیت نمودن
تمام ساکنین خیال در یک نقطه نفعی ببرد و علاوه بر آن طول توقف قشون را
در صورت کمی آذوقه جایز ندانسته و خیر ممکن دید که خود حکم نمود که یکدفعه حمله نموده و کار را
تمام نماید لهذا در نیم ساعتی بعد از ظهر بنای جنگ نمود در حالتیکه از چهار عراده
توپ تیراندازی میکردند

تمام قشون یکدفعه یورش برده با شتاب دیوار قلعه رسیده که شکست خورده و عقب نشسته شدند

بنوعیکه بکلی نظام را از دست داده و متفرق شده عقب نشستند که یکدفعه از
قلعه بیرون آمده قشون انگلیس را تعاقب نمودند لیکن در این وقت یک باطالیان
بارگی که متوجه بنه بود رسیده نیم باطری از باطری چهارم بریگاد هشتم توپخانه بسیار
بسیار خوب و بقدری ممتاز حرکت و تیراندازی کرده که دشمن شکست خورده
معاودت کرده داخل قلعه شد

در این جنگ از سه هزار و پنجصد و چهار نفر که داخل عمل جنگ بودند چهارصد و پنجاه و سه نفر کشته
مقتول شده و بیست نفر صاحب منصب و دویست و چهل و هشت نفر تابین زخمی
گردید و هشت نفر تابین بکلی نابود شده بنوعیکه ابداً از آنها اثری معلوم
و ظاهر نگردید

هنگام شب تمام قشون در نقطه که بنه بود جمع شدند و قرار بر آن شد که صبح
بسیار زود که روز بیست و نهم بود بجانب کاریکاریز معاودت نموده در آنجا
اندکی استراحت بقشون داده و از آنجا نیز حرکت نمایند

اول طلوع فجر تمام قشون حرکت نمود در این وقت جمعیت انبوهی از قلعه
بیرون آمده قشون را تعاقب نمودند و قشون مجبور شده بنای تیراندازی

بعد از معاودت قشون از گک تپه در وقتیکه ژنرال ترگوکایف به ساحل شرقی
بحر خزر آمد حالت قشون روس که در ماوراء الخزر بود از اینقرار
است

ساخلوی چکشلر عبارت بود از سه باطالیان پیاده و سه بکادران سوار و دو عراده
توپ بسته از قرار عرایض ژنرال ترگوکایف هر دو عراده توپ بی‌مصرف و خراب
بوده است بوغشک علاوه از آنکه تیر جنگی یعنی تیر با گلوله از آنها ممکن
نبود انداخت بلکه تیر پیشتر نیز زیاد مشکل بود چنانکه این قشره در وقتیکه جنازه
ژنرال آجودانت لازارف بانجا رسید و برای احترام و سلام جنازه خواستند
تیر خالی کنند معلوم گردید فشنگیکه در انبار داشتند فشنگ تفنگ بردان
پیاده هفتصد و پنجاه هزار و فشنگ بردان سوار چهارصد و پنجاه هزار فشنگ تفنگ
کرینک صد و چهل هزار و گلوله توپ غیر از آنچه در دست و صندوقهای توپ بود
پیش بینی شد آذوقه که در انبار بود تقریباً ده هزار نفر بود مریضخانه عبارت
بود از الاچیقهایی که دارای روپوش بسیار بد بودند لهذا در اوقات باران
مریضها و اشخاص طبیب بسیار بد و تلخ میگذشت اسباب لازمه مریضخانه هیچ نبود

از توپخانه نموده و بحالت حرکت کنند

سیم تیپ عامر قشون وارد بورمه گردید و همه وقت دسته‌های کوچک سوار ترکمن
در همه جا عقب قشون می‌آمدند ولی جرئت نمیکردند که نزدیک شوند همینقدر از دور
مواظب قشون بودند

در بورمه دو روز قشون محض راحت مانده در روز ششم ژنرال لماکین با سایر رؤسای قشون
مجلس شوری فراهم آورده بعد از گفتگوهای بسیار معلوم شد که برای
نقصان شتر و نداشتن آذوقه معتدل و رحمت در آورپیس ماند لهذا در روز
ششم بجانب بندیسن حرکت نمودند و بابت نداشتن آذوقه در آنجا بر عکس کرده
حرکت نمودند در شانزدهم وارد ترساکاکان شدند ولی جزو اعظم سوار بدو زالو
رسیده بودند

همینکه وارد ترساکال شدند حکم آمد که ریاست موقتی تمام قشون مملکت ماوراء
الخزر ژنرال ترگوکایف که سابق نیز دارای این شغل بود برقرار است و در هر نقطه که
این حکم به قشون برسد در آنجا مکث کرده منتظر احکامات از جانب او شوند و اطاعت
او را بکنند

طبیب بهمه جهته بر رئیس آنها نفر بود و شخصیکه خبر شده باشد برای تحصیل
و جمع ادویه که برای مریضخانه لازم بود نبود لهذا بدست آوردن ادویه لازمه
باشکال بعمل آمد و ساخلوی چکنسر برای خود اداره مریضخانه مخصوص داشت و رئیس
اطبا و ناظر کل و ناظم مریضخانه درجات بودند و برای هر اعمال جزئی
لازم بود که منتظر حکم از هرات شوند

عیب کار در آن بود که از هرات اداره برای قشون مریضخانه مخصوص قرار داده بودند که دارای
ششصد نیم تخت خواب بود و قرار چنین داده شد که در صورت حرکت قشون این
مریضخانه را نیز تقسیم کرده حرکت دهند ولی بعد از تقسیم و حرکت این
مریضخانه هر اداره یعنی برای هر مکانیکه قشون در آنجا ساخلو می باشد ترتیب مریضخانهٔ
مخصوصی بدهند ولی حاصل نشد

ولیکه در صندوق قشون در چکنسر موجود بود از قرار تفصیل است صد و سیزده هزار
منات پول طلا و بیست و چهار هزار منات پول نقره و صد و نود و چهار هزار منات پول
کاغذ و چون مدت وقتی گذشته بود قشونیکه در چنگ بودند ابدا هیچ مواجب
وغیره نگرفته بودند لهذا پیشتر این پول را برای آنها فرستادند در چکنسر

بهمه جهت نه هزار و دویست و پنج و شش منات پول کاغذی و چهل و دو هزار و صد و چهل منات
پول نقره باقی مانده و بطایفه هزاره های تعویض هزار و سیصد و سی و هشت شتر که از
آنها خریده بودند مبلغ هشتاد و دو هزار و دویست و هشتاد منات مقروض بودند
چون پول نبود ادای قرض آنها را نمایند لهذا حمل آذوقه از چکنسر بخاطرپش
یعنی بچات و دو دو را الوم که توسط شتران کرایه گیر آنها صورت میگرفت بکلی
موقوف شده بود

تلغراف بهرات با دیر هنوز تمام نشده بود

ساخلوی چاپ از اینقرار بوده یک باطالیان پیاده و یک بکادران سوار و چهار
عراده توپ و دو عراده آنها معیوب بوده و ششصد و هشتاد و هشت هزار و
ششصد فشنگ تفنگ برای پیاده و صد و چهل و پنج هزار و دویست عدد فشنگ
سوار و دو هزار و هشتاد گلوله توپ و سیصد و چهل موشک جنگی آذوقه که در انبار موجود
بود نان پس گاج و برنج و آرد بقدر چهار روزه روزه ده هزار نفر جو
بقدر یکماه برای اسب بعضی آذوقه های دیگر از قبیل قند و چای و روغن وغیره
بقدر یکماه و نیم یا دو ماه و نیم و گاه ابدا هیچ نبضه

مریضخانه در آلاچیقها بود و آلاچیقها بسیار بد و کلّی بی‌مصرف بودند اگر در چگونگی
پوشش آلاچیقها بد بود در اینجا تمام آلاچیقها هر چه تصور میکنیم بدتر بود لیکن بدون ملاحظه
به بدی آلاچیق این مریضخانه مریضها را بسیار خوب نگاهداری کرده بود و اغلب
مرضای اینجا از فوج انگلیس اندرنوپول و افواج آنجا بیست که در هنگام جنگ با دولت
عثمانی در جزء قشون ریون بودند و از اول بهار ۱۸۲۸ با این نقطه مأمور
شدند

ساخلوی دوزلوم شش گروهان پیاده و هشت اسکادران و نیم سوار و دو اسکادران
دراگون و چهار عرّاده توپ پیاده

مریضخانه ابداً وجود نداشته و انبار آذوقه را نیز نتوان گفت که هیچ نبود زیرا که تمام
آذوقه که در اینجا بود عبارت بود از هفت هزار و هشتصد پود نان پس گنج و صد و چهل
پود برنج و بعضی از مأکولات دیگر هزار و پانصد پود نواله ولی جو و
کاه هیچ نبود

قشون ترتکان مرکب بود از نه باطالیان و سه ربع و سه اسکادران نیم سوار

دوازده

و شانزده عرّاده توپ وقتیکه ژنرال ترکوکاف با این قشون رسید زیاد کسر دیده علاوه بر
از بابت آنکه کشته و زخمی گردیده بودند از ناخوشی تلف شده ژنرال چند دفعه
از دو در او ورزده از جانب رئیس قشون قفقاز آفرین و مرحبا عوض جنگی
انها گفت و بهر گروهان و اسکادران و نیم باطری دو قطعه نشان صلیب
علامت امتیاز جنگی داده

در ترتکان انبار آذوقه هیچ نبود بعضی از قشون آذوقه تا بیست و پنجم و بعضی تا
بیست و هشتم سپتامبر را با خود داشتند مریضخانه نبود مریضها کلیتاً در فوج هرکدام در
دسته خودشان بودند

در تمام خاطه مذکور قشون در چادرها منزل داشتند ولی این چادرها بجز آنکه اسباب زیاد
شدن مرض و ناخوشی بودند ابداً هیچ خاصیتی نداشتند از گرما و سرما
و از باد مردم را حفظ نمیکردند

لباس گرم و نیم تنه پوستی نداشتند این فقره در بودن شبهای
سرد و منزلهای بد پیش از همه چیز اسباب ناخوشی و خرابی سلامتی تا این ها
شده بود از دوازده هزار و دویست و هشتاد و سه نفر که بود سه هزار و هشتصد و

نود و شش از آنها باقی مانده بود که هزار و هفتصد و شصت و یک از آنها کرایه
و دو هزار و صد و سی و پنج از آنها دولتی بود نصف از این شترانیکه باقی مانده بود
در دوزالوم چراگاه فرستاده بودند که اندکی بحال بیایند چونکه زیاد لاغر
و ضعیف شده بودند و نصف دیگر در تکاکال در زیر بارهای بنه قشون بودند
نصف از آنها جا بازنداشتند و علفشان از کار افتاده و بی مصرف شده بودند
چنانکه از دو هزار و صد و سی و پنج شتر دولتی سیصد عدد آنها حالت بارکشی داشته و باقی
آنها سقاط بودند

شترانیکه در دوزالوم بودند هر روزی چند دانه از آنها سقط میشدند زیرا که تمام علفهای
حول و حوش دوزالوم مسموم شده بودند در اوقاتیکه آنها را بکنار رودخانه
برای آب دادن میبردند وقت برگشتن نمی توانستند از سراشیبی رودخانه بالا
بیایند و حال آنکه راه را درست کرده بودند بطوریکه عراده میتوانست حرکت کند
در نیمه راه می افتادند و نمی توانستند بلند شوند

در اداره جمل بی نظامی کلی بود رئیس این اداره در دوزالوم بود و برای نگاه داشتن
مستحفظین نمیتوانست شتران را بفرستد در پنج ورستی دوزالوم که علوفه فراوان

موجود

موجود بود از بابت همه قسم بی نظمی هائیکه موجود بود ساربانها هم از کارهای خود دست کشیدند
فرار میکردند و کار بجائی رسید که ساربانان از سربازان بودند
مختصر آنست که اداره جمل آذوقه با شتران در نهایت بی نظمی بود
هر آن اسبهای بارکش که از جمع کارگانوف بود نصف شده بود آن نصف هم که باقی بود
اسبان بقدری ضعیف و لاغر شده که نمی توانستند کار کنند

در سوار اسبهائیکه از ترکمانها اخذ کرده بودند بهایت بی انتظامی موجود بود اغلب آنها
در قشون مشغول کسب و کارهای مختلفه بودند چنانکه از قرار فهرست که تا پنجشنبه نگاه داران از آنها
گرفته شده بود ولی بیش از ربع اسکادران حاضر نبود

در قشون بیش از هشت نفر تاتار نبودند که اغلب آنها تنبل بودند و مواجبشان
هر ماه بیش از چهل هزار منات بوده و علاوه بر آن قریب سیصد و چهل شتر در زیر
بار اداره تاتار بود و علاوه بر آنها یک بنگاه در آن تمام قزاق باسم اردو نامی
برای رساندن اخبارات و انجام خدمات در نزد جنرال تاتار متفرق بودند
هیچ مراوده همیشگی و با قاعده ما بین چکیشلر و سایر نقاط جلولی نبوده چنانکه تمام
سفارشاتیکه باداره پست چکیشلر در اول اگوست داده شده بود مانده بود تا آخر هم سپتامبر

رواج نکرده بودند

کیش در قشون بسیار کم بود چنانکه کمتر کیش با خویش و پیرو در چکمند بوده و آنهم
ابتدا اسباب معدودی کتاب با خود نداشت بنوعیکه از بابت فراهم نبودن
کتاب و بهار نماز رسمی و ساده را انجام میرساندند

تمام قشونیکه پیش حرکت کرده بودند برای جنگ چند ماه بود که مواجب دریافت
نکرده بودند گرایشان و مواجب سربازان را هم از سور که آنها را اجیر کرده بودند
هیچ داده نشده بود گرانکه مواجب سربازانهائیکه از طایفه فقیر قزاق بودند تا پت
هشتم شهر اول داده شده بود دیگر برای نزدن پول مبلغ هشتاد هزار منات پول
شترهائیکه از طایفه خفقه های خریده بودند داده نشده بود

در وقتیکه ژنرال ترگوکاسف بکمک ما وراء الخزر وارد گردید حالت قشون و اسباب
ولوازم جنگی ساحل شرقی بحر خزر را از قراریکه شرح داده شد ملاحظه نمود و
علاوه براینکه در چنین حالت خیال تجدید و مرتب نوشته شروع کردن
باعمال جنگی غیر ممکن و محال بود بلکه نگاهداشتن قشون را نیز هیچ امکان نداشت
زیرا که در آنجا آذوقه موجود نباشد و اسباب حمل آذوقه به ترساکان یعنی

یعنی شتر و قاطر و عراده پیدا نشد و در دو گمترین انبار آذوقه قابل ترساکان
آنبود که در چادر داشته و از آنجا به ترساکان هشتاد و هفت ورست و نیم
فاصله بود

ژنرال ترگوکاسف موانعات بسیار در بودن قشون ترساکان ملاحظه نمود مثلاً بیابانی
راکه قشون در آنجا اردو زده بودند از اطراف تپه های بسیار مرتفع احاطه نموده بود
باین واسطه بخوبی ممکن نمیشد اردو را محافظت نمود از تیر اندازی دشمن دیگر
در اوقاتیکه در جزو فوقانی رودخانه تومبار بارندگی شدید و سخت میشد
آب رودخانه زیادتی کرده تمام بیابانهای اطراف را میگرفت لهذا نقطه
پیدا نمیشد جهة اردو که هم از آب و هم از تیراندازی دشمن محفوظ باشد
دیگر در اطراف ترساکان جنازه شترهائیکه تلف شده بودند ریخته شده بود و هوای
آنجا را متعفن کرده بودند

ژنرال ترگوکاسف باین ملاحظات لازم دانسته که ترساکان را از قشون خالی نماید لهذا
از هفت و سیم تا پت و هشتم سپتامبر تمام قشون را از آنجا کوچ داده قسمتی را به دوز الوم
و قسمتی را بچات و قسمتی را فرستاد و خیالش آنبود که بعضی از قشون را به ساحل غربی

بجز خبر معاودت دهد زیرا که بطور یقین میدانست با بن زود بنا نشود شروع

بجنگ نماید و از نگاهداشتن در آن نقطه تمام قشونیکه در آنجا می باشند

ممکن است همان سوء حالتهائیکه در دفعه گذشته روی داد در دفعه آینده

نیز روی خواهد داد زیرا که قشون لازم میشد چند دقیقه که جمع شده و خواهد شد قشون را بمصرف

برسانند و عقیده ژنرال این بود که وقتی میتوانیم شروع بجنگ و حرکت

بجانب اتریش نمائیم که در دورالوم مقدار کشتی ذخیره آماده و مهیا کرده باشیم

که اقلا کفایت شش ماه را داشته قشون بزرگی بنماید و اما دهکر دن چنین

ذخیره مدت مدیدی طول خواهد کشید

قشون در نمسه در اینجا شغلی نخواهد داشت که حفظ نگاهداری نقاطیکه در

تصرف داریم یعنی دورالوم و چاتم و چکشلر برای اینکار جزئی از

قشونیکه در اینجاست کفایت میکند بنا بر این شصت باطالیان پیاده و کم

دو زبان سوار دراگون و دو سکادران سوار و نیم باطری توپخانه [?]

قزاق زیادی داشته بساحل غربی وستا از دهم [?] بیار

شروع بروانه نمودن آنها کرده در دهم دکابر ازاین کار فارغ شده

ژنرال محض اینکه باقی مانده قشون را در تحت نظم کلی درآورد بطور حتم و البته دیگر مشغول کارهای

بزرگ شده

اول دفعه صاحب منصبان بزرگ و کوچک را که بدون شغل معینی بودند خارج و مرخص کرده

تنظیمات و تصرفاتیکه در عموم کارها یعنی در ادارات مختلفه و در خوراک دادن قشون و غیر تبدیل

کرده استقرارات

توپهای بی مصرفیکه در چاتم و چکشلر بودند عوض نموده بعوض آنها توپهای بی عیب و کاری داده

برای منزل قشون جاها در [?] ولی خواسته و چهار صد الاچیق هم از برای قشون

قشون خرید

شخصی اختیار کرده که دو دست بود کلم بیاورد زیرا که جلوگیری در زیاد شدن مرض

و ناخوشی حکم نمود که مقدار وافر از کلم بقشون بدهند چنانکه بنظری هر روزه یک گیروانکه

بدهند بهمین قاعده تا اول ماه آپریل [?] ولی ضعف [?] انجمنه و نصف دیگر از بچه

و غذای همیشگی قشون یکی باشد

در چاتم و چکشلر مریضخانه های مخصوص قرار کرده که در هر یک دویست نفر مریض میتوان

نگاهداشت و در هر کدام اسباب و لوازم آماده کرده و برای مریضخانه چکشلر چند نفر

طلب خواست

در دوورالوم نیز مریضخانه ترتیب داده که سی و شش نیم تخت داشت

مواجب تمام قشون را آنچه مانده بود پرداخت

دو نفر کشیش برای قشون خواست

قشون غیر منظمی را که از اهالی آنجا گرفته بودند کم کرده تا دو بکارداران آنها را در قرار اول

خانهای دوورالوم و چات و بانبی الوم و چکشنر منزل داده

خط مرا داده و آمد و شد چکشنر را با چاپار و قرچه با تیر قرار داده و در این راه پستخانه با قاعده

متداول کرده

کرایه شتران و مواجب ساربانان و قیمت شتران قیرقیزی که تلف شده بودند و مواجب ساربانان

شترهای دیوانی را دویست و پنجاه و دو هزار منات داده

قیمت شترهاییکه از طایفه خفنری خریده شده بود هشتاد هزار منات داده

هفتصد و پنجاه شتران دولتی را عوض شتران تلف شده به ترکمانها داده پنجاه منات نیز برای کرایه آن

داده دویست و هشتاد شتران دولتی را عوض انعام و خدمات شترهاییکه مشغول حمل

شتران دولتی بودند نفری بیست و هفت شتر ده نفر کردها و بکلانتران شتر بخشیده که کمک

اسبان

اسباب بارکشی آنها باشند باقی شتران دولتی را با امیر ابه های ترکمانها تقسیم کرده اگر نی

قفقاز و مرکور قرارنامه گرفت در بردن مریض ها از چکشنر به بادکوبه بشرط اینکه از

دادن چای و شام و نهار ابدا مضایقه نداشته باشند و مریضخانه بادکوبه هشتاد و نیم تخت

با لوازم آن افزوده برای مریضهاییکه از چکشنر بطرفی که فرستاده میشوند موقتا

قلیل مدتی در آنجا میمانند

بندر چکشنر را وسیع کرده شخصی را برای رسانیدن کاه به چکشنر اجیر کرده از او

قرارنامه در این باب گرفته شد و تمام قشون را نیم تنه پوستی داده از چکشنر بجانب چات بفاصله

صد و سی و پنج ورست تلغراف کشیده شده

ماهی دو دفعه حرکت از چکشنر به بادکوبه قرار داده برای کشتیهای جنگی که در تحت

ریاست رئیس قشون بوده و کشتیهای پستی کمپانی قفقاز و مرکور اطلاعات از بادکوبه را

در هر هفته رسانند

دیگر اینکه کشتیهاییکه از چکشنر میروند و بخلاف از بادکوبه می آیند البته بکراسنوودسک

نیز بروند

قشونیکه در ماوراء الخزر باقی مانده بود از اینقرار جابجا شدند در دوورالوم سه باطالیان

سواره و بیگلاوران سوار و نیم باطری توپ صحرائی در چات سه باطالیان پیاده
و یک گروهان ساپر و دو بیگلاوران سوار و نیم باطری توپ صحرائی و چهار عراده
توپ پربسته

در تیکشد دو باطالیان پیاده چهار بیگلاوران سوار و دو عراده توپ تمام شان مرکب از
چهار و پانصد نفر آدم و یک هزار و ششصد راس اسب بوده

شغل و خیال عمده رئیس قشون این بوده که از بابت آذوقه قشون از چات و دورالوم
آسوده خاطر نماید و تا نیمه شهر سپتامبر متصل حمل آذوقه بچات میشد ولی کمی
بواسطه نبودن پول در صندوق قشون بزرگ گردید

پادپالکونیک ترکمن بعهده گرفته بود که با شتران کرایه ترکمانها در هر ماهی شصت و چهار هزار
پود حمل نماید از قرار هر پودی یکمنات کرایه در چات تعمینی پیدا شد که گاه از قرار پودی
یکمنات و بیست کپک بیاورد ترکمانهائیکه بعهده گرفته بودند حمل آذوقه نمایند
گفتند که در صورت بودن شرط دل مشغول عمل خواهیم بود و آن شرط اینست
که برای سراهی بارها سوار معین نکنند که در بین راه بعضی اقسام جبر و تعدی بر آنها
وارد آورند در بعضی منازل شبانه غفلتاً افتادن برای احتیاط بمیل خود بوده

باشند

باشند شرط مذکور قبول شد اما یک دسته سوار برای پاس و محافظت کاروان از
چکیشلر بچات برخلاف آن فرستاده شد

در دورالوم اول ماه اکتبر آذوقه چنان تمام شد که نشد قشون ساخلوئی را در آنجا
نگاهدارند تمام ساخلوی دورالوم مرکب بود از دو هزار آدم و چهارصد و پنجاه
اسب برای این جمعیت هر ماهی پانزده هزار و دویست و نود و شش پود آذوقه لازم بود
عقیده ژنرال لوماکین این بود که ساخلوی دورالوم را اقلاً از بابت آذوقه
شش ماه آسوده نماید

قبل از همه کارهای قشون را برای حمل آذوقه لازم دار از انبار چات به دورالوم معین
نمود و بعد از آن سیصد شتر با مصرف را برای اینکار منتخب کرد چون از ترکمانها دیگر فرار
ممکن نشد برای آنها ساربان بدست آورند لهذا از تابین های قشون ساربان
تعیین نمودند

این شتران در هر دفعه یکهزار و ششصد و بیست پود حمل میکردند در هر ماه چهار دفعه حرکت
مینمودند پس در هر ماهی چهار هزار و ششصد و بیست پود آذوقه حمل میکردند
و بمقدار از قراری که ذکر شد در هر ماهی ده هزار و چهارصد و سی و شش پود را هم لازم

گذاشت

در مدت ربعه بود و دشمن از تیران سقاط شد کار بیماهم تمیون نشد امداد و آسودگی

برای عمل دوزالوم فراهم بیاورند چونکه چرخهای بسیار از آنها شکسته بودند

لهذا چنین صلاح دانستند که حمل ادوقه بدوزالوم را نیز به پاد با لکو [illegible]

مقاطعه دهند از قرار هر پودی یک منات و پنج و چهار کپک کرایه

از آمدن ترکمانها رجب عادت آنها با حمل است رود ترک شتر زیاد شده و هر

طایفه از ترکمانها که او را دیده‌اند می‌گفتند حاضر بودن خود را بخدمات قشون

با این عمل حمل ادوقه را و لوازم دیگر بسیار ترقی و پیشرفت نموده لیکن از

عدم مواظبت چاروادارهائیکه با اسبابهای دولتی بودند بسیاری از اسبابها

تلف و خراب شدند

آلاچیق هائیرا که از جنگ‌شده بدوزالوم چاپت آورده همه را خراب نموده بودند و نمدهای سقف

آلاچیق‌ها را یا تلف یا مستعمل کردند و همچنین بعضی اسبابهای دیگر را

یورش بردن قشون روس در سپیده‌دم و گوسپند مات کلی ترکمانها را در ورود

دو هزار نفر از آنها مقتول و از صدمه گلوله توپ زخمی شدند از جمله زخمیان اردی

مرادخان رئیس عمده آنها بود که بعد از دو روز دیگر فوت شده بود بعد از

فوت او اراضی محمدخان ازنجانی انتخاب نمودند

در عصر بمباردمان جنگ که ابدا چنین گمان نمیکردند که آنها فتح کرده

و روسها عقب خواهند نشست چنانکه در روز دیگر منتظر تجدید و اقدام بجنگ

از جانب قشون روس بودند در همان شب وقتیکه کشته و زخمیان خود را

جمع میکردند بسیاری از آنها مشغول شده که رعیت و مطیع روس شوند در آخر

شب روز یک تپه دنگیل تپه مجلس شورای از خوانین و بزرگان ایشان و آنها منعقد

کردند بعد از گفتگوهای زیاد که در مجلس شد با وجود اینکه اراضی محمدخان

و قربان مراد ایشان راضی شده بودند ولی خان دولتمام که سید ارشد

که بدون تاخیر و تعویق در همان وقت شب فرستاده روانه نمایند بقشون

که از جانب فولاد خان و دلاور خان استدعا نمایند که قشون را از اطراف دکمیل تپه
دور شده روند تا یاکیسان با تیر قلعه آنوقت آنچه از کار تمام نخواهند فوراً بکوبند
تا بانجام برسانند

و فرستادها هرچند اهتمام کردند که شاید بتوانند از زیر قراول قشون رد شده داخل
اردو شوند نتوانستند لهذا برگشتند اول طلوع فور روند چون طلوع صبح شد
ملاحظه کردند که قشون از جای خود حرکت کرده در خیال عقب رفتن می باشند
و فرستادها نیامدند وقتیکه قشون بطرف یامی حرکت کردند آنوقت ترکمه
دانستند که رفع کردانه و روسیها فرار میکنند

بعد از آن بنای تعاقب کردن را نهادند انچه که از قشون روس بدستشان گرفتار
شدند در قلعه برده تمام را بند از بند شان جدا کرده روغنشان را گرفتند
زیرا که اعتقادشان بر آنست که روغن آدمی نیکوترین دواها میباشد برای زخم
و از زدن روغن بان زخم خیلی زود معالجه میشود

کشتهای روس را در مکانی خارج از قبرستان خودشان دفن
نمودند

بعد از

بعد از آنکه روسیها از یامی حرکت کرده بجانب جنوب جبال قپتداق
رفتند از ارض محمد خان مجلس شورای منعقد ساخته در آن مجلس تمام
تصدیق نمودند که روسیها دو مرتبه در سر رود یا معاودت خواهند نمود
اما عموم مردمان عقیدشان بر این بود که معاودت نخواهند کرد و اجماع کرده که
از جانب مجلس حکم شود که بدهات و منازل خود روند و حرالامر آنچه حکم مجرا شد
ساکنین اوگنگ تپه تا یامی هر کدام بمنازل خود رفتند ولی اغلب مردمان
با ضاعت در آنجا ماندند

نور وردیخان در وقت آنحمله و یورش قشون روس در مروپای خود را
عمدا درکرده در با بیستم معالجه شده با جبال آلدنجش در رود و در آنجا برقرار
نمودند

اول کاری که بعد از آنجا خود نمود آنکه بعد تمام در این باب به یار محمد خان افغانی
بجنورد اطلاع داده با و نوشت که تمام جمهوری آخال از ابتداء تا انتهاء آن
مع و مطیع شده بصدق تمام اتباع تمت ریاست و حکمرانی بر تمام آن
مملکت را بعهده من نهادند من هم بر خود واجب دانسته که میل و خواهش

عمومی را قبول نمائیم

نور ورد یخان در ارگ مجلس شوری فراهم آورده از مجلس

احکامات ذیل صادر شده

چون روسیها بطور یقین خواهند آمد تلافی شکست خوردن خود را نمایند لهذا لازم

است که قلعه دنگیس تپه را استحکام نمود دیگر هزار خانوار از طایفه تختامیش و

اوتامیش در اطراف مرغاب ساکن باشند دیگر برای نگاهداری اخال

برای خدمات جهادی وقت ولی یکهزار فراش بطوره ترتیب دهند و تنخواه

مفصله ذیل باید خرج شود در ترتیب و جمع آوری آذوقه و فراش بطوره نمایند

عایدیشان عوض دو ورد یخان از طایفه بیک ارامش محمد خان از طایفه وکیل مراد خان

از طایفه باخشی ایشان حضرت قلیخان و مواجب اینها را باید بالسویه هرکس

بقدر قوه خود بدهد

تیکمه سردار و سفی خان را با وجود آنکه مدتی در قشون روس و با آنها دوست

بودند منافق و عهد شکن نشمرده و تیکمه سردار گفتند که متصل و لاینقطع

حمله به بنه و بارهای آذوقه قشون روس برد و با آنها ضرر وارد آورد

دیگر

و تکه جاسوسان آنها را گیر آورده و تحصیل اخبارات تازه نماید

بعد از صدور احکامات مذکور نور ورد یخان به یار محمد خان ایلخانی بجنورد محض

اطلاع نوشت

حکم قطعی بر این شد که اگر دشمنان مذهب باد و مرتبه بجانب ما بیایند تا قطره

آخر خون خود مدافعه نمائیم تمام ساکنین آخال نخواهند حتی اگر شنیده شود

لفظ صلح با روسیها از زندگی و آشتی کردن با این طایفه

امریست محال

در ابتدای شتاء در تمام آخال چنین شهرت نمود که بواسطه اغتشاشات داخلی

که در ملک روس اتفاق افتاده است از خیال گرفتن اوزنیس آخال تکه

افتاده اند و بکلی این کار را انکار کرده

از این خبر نهایت خوشوقتی و خوشنودی برای آنها رو داده ولی چندی

نگذشت که شهرت نمود که در چکیشلر جهت تهیه تدارک سفر جنگی بسیار زرگی بجانب آخال تکه

میشود و مات مراد دیوان بیگی خیوه که از ایام تسخیر خیوه تاکنون از خیوه

اخراج بلد شده بود و در روسیه بوده مرخص شد که بخیوه معاودت نماید

این کار را دولت روس با این خیال کرد که چون حال کوفی بستگی از خیوه داشته و مادامت مرادهم کی از بزرگان و رؤسای خیوه است احدی نمیتواند او را و تمو … تابع نماید

بعد از آن اضطراب کلی در میان ترکمان افتاده و در ساختن قلعه دنگیل تپه که در زمستان نهایت کوتاهی را داشته اند عجله در تمام کردن و با تمام رسانیدن آن نمودند

نور وردی خان سعی و کوشش زیاد نمود که از خارج برای خود کمک و هم عهد پیدا کند

بنای مراوده و مکاتبه را با کارپرداز دولت انگلیس در مشهد عباسقلی خان نهاد و در مقام آشنائیت و دوستی کامل با اهالی تجنورد برآمده و با او نوشت که تکه ها و بستگی های آنها کی خوب و محبت های قدیم میمانند که حال بستگی از تجنورد دارد و بعضی از حرکات بد و عداوت آمیز که فوراً بعد از مدت قلیلی رفع میشدند و آثاری از آنها باقی نمیماند بعد آن دوستی و مراوده های خوب را در بعضی اوقات برهم میزدند ولی با وجود آن باز سعی میکردند که او را

و عداوت آمیز که فوراً بعد از مدت قلیلی رفع میشدند اثری از آنها باقی نمیماند آن دوستی و مراوده را در بعضی اوقات برهم میزدند ولی با وجود آن سعی میکردند که از نکات سابق برقرار دارند و اعاده کنند

شما در همه اوقات تعلق نماد داشته اید بنا بر این با نهایت اظهار بندگی استدعا میکنیم که در زمانت اگر بعضی را بیهوده کرده اید در ذل با بعضی صدمات بخاک شما وارد می ورند بر من تغییر نفرمائید و به کینه آنها را وطور تعیین بدانید که بعد از فراغت از ساختن قلعه و بود کی از بعضی کارهای دیگر تمام مردمان بد و در وجود رابطه و حس محکم و نظام و امنیت را بطور استحکام برقرار خواهند کرد حتی آنکه در این کاغذ اظهار مقصود خود را نیز کرده که چند نفر وکیل به تجنورد بفرستند برای گفتگوی دولتی با من جمهوری حال که وا یالت تجنورد و غیره

در همین اوقات نور وردی خان بر وفق نوشته از آنها معاونت خواسته در اخر سنه ۱۸۷۰ دولت ایران کنفرانس صاحب منصبان وزارت امور خارجه که موسوم بود به سید میرزا رضا امیر و مامور کرده که با آنها تبعیت دولت ایران را تکلیف نماید

و توپهائی را که در سنه ۱۸.. از قشون ایران گرفته اند پس بدهند مرویها از تکلیف های
چنین دانستند که این کار تحریک روسها است که میخواهند توپها را از چنگ آنها
در آورند لهذا سفارت ایران بمقصود خود نرسیده از آنجا معاودت
نمود

مرویها از آن مکفول شدند که بمعاونت نوروردیخان روند

در اواخر ماه آپریل سنه ۱۸.. چهار هزار سوار از مرو بجانب تجن گرده از آنجا نیز گذشته در سرحد
خاک ترک مقابل قشون روس در آیند

ساریکها اظهار نمودند که بمعاونت آنها خواهند آمد

نوروردیخان ناخوش شده تمام مدت زمستان ناتوان بود و اول بهار
از ایلگنت بدو کمیل تپه آمد و در آخر آپریل در آنجا وفات نموده بسرای
آخرت شتافت

بخیال بانجام رسانیدن حکمیه که در سنه ۱۸.. شورای مجلس تلی شده بود دیگرها
اقدام بد و حرکت که در واقع از روی فاجعه نمودند

از یکطرف دسته های کوچک ترتیب داده فرستادند مخصوصاً در آن روزهائیکه

در راهی که قشون روس آورده و آمد و شد داشتند یعنی مابین دورالوم
و چات و چکشلر که متصل حمله نمایند بسر آن قشون و آنچه شتر که از قشون در بعضی از
نقاط پراکنده هستند ببرند از سمت دیگر دسته های بزرگ مامور نمودند که حمله کنند
به ترکمانهائیکه پیش خودشان با جبر مشغول خدمت کردن بروسها میباشند
در این سفر جنگی با آنها کمک میکنند در واقع این فقره را بسیار خوب دانسته
بودند که روسها بدون معاونت موبها نمیتوانند اقدام بحرکت جنگ در مقابل
تکه ها نمایند اقدام بحمله در مقابل قلاع روسی کار نقش از آن بهره
نخواهند برد لهذا تمام خیالات شان را مصروف آن نمودند که اهالی بومی آن
ممالک را از کمک کردن بقشون روس باز دارند و باین خیال حملهای بسیار
سخت هم نمودند در اغلب آنها فاتح و منصور شدند

در یازدهم آپریل حمله بردند به ایشیخ که در اطراف کراسنوودسک بوده و تمام آبادیها را
بکلی غارت و خراب نمودند بیست و پنج نفر از آنها را کشته و پنج نفر را زخمی کرده صد نفر
زن و بچه اسیر کرده تمام اموال و گله های آنها را تا دانه آخر بغارت بردند
این صدمات را بآنها وارد آوردند محض خدماتیکه بقشون روس میکردند

در واقع عمده راه قشون از راه شیخ بود

در هفدهم اکتیابر یکدسته قشون از تکه در میت و رستی از چکشلر حمله کرده قسمتی از شتران
قرقری را بردند

در شب دهم و یازدهم نویابر یکدسته از تکه‌ها که مرکب بودند از چهارصد پنجاه نفر حمله بر
بنه بارهای آذوقه که ششصد بود و هفت شتران ترکمانها بودند در نزدیکی دریاچه
آق گل ما بین قرجه باتیر و یاقلی اولوم افتاده بودند و این آذوقه عبارت بود از جو
و روغن و نمک و لاجیق که از چکشلر بار کرده بودند صد و هشتاد و هفت شتر و بعضی
از روغن و جو و لاچیق‌ها را بردند در وقت حمله زد و خورد دو نفر از روسها کشته
و دو نفر مجروح شدند یکدسته قشون بتعاقب آنها فرستاده شد ولی بمقصود
نرسیده معاودت کردند چونکه تمام پا‌های آنها گودالهائیکه از آب باران‌ها پر
پر بودند یافت نشد لهذا ترکمانها مجبور نبودند که از پهلوی چاه‌های آب
بروند خود را به آب راه زده بدر رفتند

این اتفاق نمود که برای برقرار شدن امنیت در آمد و شد ما بین چکشلر و چات و
کرساخلو در قرجه باتیر و یاقلی اولوم داشته باشند و علاوه بر آن در نقاط

مذکور

مذکور قلعه بنا نمایند و از ساخلوی چکشلر یک گروهان بقرجه باتیر و از چات یکی
به یاقلی اولوم فرستاده شد و قلاع را نیز ساختند از آن بعد ترکمانها
در اثنا که مشغول حمل آذوقه بودند آسوده گردیدند ولی همین ترکمانها از
یازدهم نویابر از کارهای خود دست کشیده بودند دیگر اقدام بحمل آذوقه
نکردند

در آن وقت که مشغول ساختن قلعه شدند حکم شد که در حمل آذوقه سعید چهارصد شتر
زیادتر یکدفعه حرکت ندهند تا آنکه قشون ساخلوی چکشلر قوه و استطاعت
بهم رساند که برای محافظت آنها یکنیم اسکادران قزاق همراه آنها
نماید

چونکه در واقع قشون ساخلوی چکشلر آنقدر نبود که بتوانند راه همراهی آن بارها که
لاینقطع پشت سر یکدیگر حرکت میکرد محافظت نمایند از نیمه ماه دوم کار بشدت نمود
در میان ترکمانهای اطراف متصرفات روس که اهالی اخال که عزم آن
نموده‌اند خلق را که بالفعل در تصرف روس است از آنها بگیرند و چون این ترکمانها
ممکن نبود تمام گله‌های خود را در بیابان مخفی کرده خود داری کنند لهذا

تماماً را کوچ کرده بالای تپه ولبدی قرچه باتیر واق گل منزل کردند در این
اوقات ایلچی مخابی بحضور دیار محمدخان تقشون جات اعلان فرستاد که
هفتصد سوار از خال گه با ذوقه یکماهه را آوزیس بطرف خطیکه در تصرف شما
می باشد حرکت نمودند

چونکه عموم حملات تکه جلالرک از راه دشت وردی وقوع میکردند لهذا قشون
بخیال آنکه سر راه را از آنها بگیرد از جات حرکت کرده بدشت وردی آمده
مدتی در آنجا مانده اثری از آنها ندیده معاودت نمودند

بیست و هشتم دکابر اول طلوع از قریه بگجنه اعلان شد که یکدسته بزرگی از تکه
که قریب چهار هزار نفر میشوند بسمت چکشلر می آیند بواسطه دو قافله آذوقه که از
چکشلر فرستاده شده بودند بارها را در بین راه گذارده ساربانان را برداشته
فرار نموده اند بارهای یکی قافله در نزدیکی دریاچه آق گل و بار قافله دیگر رسیند
بقرچه باتیر افتاده است تکه بجانب چکشلر رفتند بطایفه آق اتابای حمله نمودند
که در نزدیکی آق گل و بیات حاجی بادیه گردی میکردند بقدر دو هزار تومان اموال و دویست شتر
و چهار هزار گوسفند آنها را بردند ولی گوسفندها را در آنجا چه در بین راه عقب گذاشته

و بعضی را در بیابان رها کردند و دو نفر از آنها را نیز اسیر بردند ولی اندو نفر از
در دادش وردی مرخص کردند

بارهائیکه در نزدیکی آق گل افتاده بودند عبارت بود از مقدار زیادی جو و
چهارصد و شصت و هشت پود گلم و صد و چهل و هشت چادر یکی به غارت برده شده
که از آن هیچ باقی نماند ولی بارهائیکه در نزدیکی قرچه باتیر افتاده
بودند و تماماً گلم بود عیبی نکرده

در دوم ژوانویه اندور الوم خبر رسید که یکدسته از تکه بریاست تکمه
سردار بانجا آمد و خیال دارند که حمله نمایند هشتصد نفر از تکه اردو ور الوم
معاودت می کنند فرمانده موقتی قشون امر داد که از ایران مور اویف دسته
قشون که مرکب بود از چهار عراده توپ و چهار گروهان پیاده و یک اسکادران دوم
قزاق و یکدسته داوطلب برای بریدن راه از آنها مامور نمود یکدسته از
از آنها که یک اسکادران هم قزاق از فوج پلتافسکی بدون پیاده و بریاست پساول
استانکوفسکی بودند در نزدیکی دوم باتکمه سردار مقابل شده تکمه سردار که با
چهارصد سوار بوده بقزاقان حمله نموده قزاقان آنها را هدف گلوله تفنگ نمودند

آنها بر گشتند قزاقان آنها را تعاقب نمودند بقدر صد و بیست در عقب آنها بودند در
بین راه تمام خورجین های خود را انداختند که بار اسبان کم شود سیزده نفر از آنها کشته
بودند باحدی از قزاقان صدمه وارد نیامد

ششم مارت تکه دسته الامانی از تکه حمله نمودند به موتهائی که در دشت
ورستی ارجات بودند و سیصد شتر آنها را بردند در اترک بالکونیک ورزنبیک
فرمانده ساخلوی چات با یک اسکادران قزاق از فوج یلتانی و یک گروهان
از فوج داغستان از چات به عقب دسته بیرون آمد در چهل ورستی چات
با آنها رسید تمام شتران را از آنها گرفته معاودت نمودند

دوم ماه یک دسته تومانی از تکه صد و چهل و دو شتران کرایه را که از دورالوم
بدون بار معاودت میکردند برده. تمام صاحبان و ساربانان را هم دستگیر نمودند
سه نفر از آنها را مرخص کردند که بروند از برای خریدن اسرا پول بیاورند برای
هر یک شصت تومان

موتهائی که در تصرف روس بودند بعد از هر صدمه که به آنها وارد می آمد اجتماع کرده
میروند بخاک ایران ولی چونکه ملاحظه میکردند که روسیها میل دارند

که محافظت و نگاهداری آنها را نمایند و حتی الامکان در این باب سعی را دارند
دیگر فتح و تحرک روسیها در دوم مورال ملاحظه نموده و خوبی چراگاه آنها را دیده از
آنحال افتاده در نخجامی ماندند ولی بعضی از طایفه آتابای بخاک ایران رفتند
و سایرین در آنجا ماندند کوچ کرده در اطراف قلاعی که قشون در آنجا ساخلو
بود منزل نمودند و نگاهبانان مشغول حمل آذوقه با شتران خود شدند و از قشون
برای محافظت آنها در راه پیاده و سوار قزاق معین شد

در اول مارت یک اوبه از ترکمانها در این طرف خط اترک نماند تمام کوچ کرده بخاک
ایران رفتند و ساکنین قاری قلعه هم که از آسودگی و امنیت خود خاطر
جمع نبودند قاری قلعه را خالی کرده به کورکان رفتند

معارف این اوقات سرحدات بجنورد و قوچان متصل گرفتار حملات تکه
بودند

در ماه یانوار تکه سردار عوض گلدی سردار بعضی آبادیهای سرحد بجنورد را
بکلی خراب و ویران نمودند ولی قشون گردشکست فاحش به آنها داده عوض
گلدی سردار جان عزیز خود را عوض آنها داده قشون کرد بود یک گروه

سر او را با سایر ترکمه که مقتول شده بودند چنانکه قاعده و رسم است به مشهد

فرستادند

حملهٔ دیگر در همان اوقات ترکمه به فیروزه بردند در آنجا نیز ترکمه شکست فاحش خوردند

بسیاری از آنها مقتول و مابقی فرار نمودند

باب سیم

طرحهای مختلفه که برای تسخیر اواریس آخال تکه ریخته شده و حکایات

قطعی که در باب ماه مارت سنه ۱۸۸۰ از جانب دولت روس معین شدن ژنرال

اسکوبلف بریاست مأمور سفر ترکستان و دستورالعملهائیکه باو داده شده

سفر جنگی سنه ۱۸۷۹ که شروع شد با چنین اسباب و تدارک بزرگ در کمال

بی اقبالی ختم گردید از قراری که این اتفاقات نمودند کار را بقدری که لشکر از تهیه

و تدارک عمل دارد از قوه و زیادی قشون ندارد چنانچه بدون تهیه عمل ممکن نیست

قشون قوی و بسیاری ابدا بمقصود نرسد

با وجود آنکه قشون بسیاری در باب اوراء تسخیر عمل نمودند نتوانستند نقطه را

در اواریس عقب خود نگاهدارند چونکه در نزدیکان قشون انبار تهیه نشده

لهذا حرکت قشون شبیه بود بحرکت حمله و یورش که بطور تاخت قرار گردید

از ابتدای گرفتن کراسنودسک تا ابتدای سنه ۱۸۷۳ دولت سعی نمود حدود ارکی
و کناره نماید از هر قسم تحصیل و ضبط ملک و جاهائی در سمت مشرق بحر خزر و لهذا
تمام اعمال قشونهائیکه مامور به آن راه تحریر بودند باستثنای سفری بکار خیوه
صورت سفر و اعمال جاسوسی یعنی تحصیل علم در باب مملکتی داشتند در
سنه ۱۸۷۳ حکم شد که قزل آروات را که نقطه منتهای اوازیس اترک است تصرف
نمایند بنابر نقصان آذوقه و امکان نداشتن بموقع رسانیدن آن
قشون مجبور شده از آنجا لت حرکت کرده از آنجا به کراسنودسک مراجعت
نمایند بنابرین این حرکت هم که مقصود از آن قائم و مقیم شدن در قزل
اروات بود مانند سایر حرکات دیگر بعینه حرکت حمله کردند و بلکه نتایج بسیار بد
حاصل کرده چونکه تکه بدون ملاحظه به شکست دوازدهم بسیار جسور شدند
و دسته های دزدان از آنها تا نزدیک کراسنودسک آمده و بلکه تا شبه
جزیره منقشلاق نیز رفته
اتفاقات سنه ۱۸۷۳ مجبور کردند دولت روس را که در باب مسئله در خصوص
تسخیر اخال تکه گفتگو نماید در اول دفعه چنین دانسته شد که ممکن است که با

نمود

نمود به مقصد بحر گرفتن نقطه چات ولی در این بین بنابر قرارهائیکه پیش از وقت
داده شده بود قشون حرکت کرد بجانب قریه بندسن و فتح احکامات
اول تغییر کرد و قشون از آنجا مراجعت نمود بطرف چات این حرکت مراجعت قشون را
بجانب چات تکه مانند فتحی جهت خود توضیح کرده و بسه روز اظهار اتفاق نمودند
و بهمین جهت در سنه ۱۸۷۳ بقدری جسور شده که در پست و سیم و پست و چهارم دکار
به چکشلر حمله بردند و دفعه هم شهر اپریل سنه ۱۸۷۳ دو پست دفعه دیگر قشون را
از پست و پنج در پستی کراسنودسک بردند بدین قسم حرکات سنه ۱۸۷۷ از
تا سنه ۱۸۷۸ نمودند که وضع اعمال جنگ مقابل اوازیس اخال تکه که تاکنون آن عمل
شده است صورت حمله و لورس را داشتند و بدون توجه و خواطر جمعی از
پشت سر راه مراوده و بدون ساختن بنا از آنها را بمقصود نرسانید و گرفتن اوازیس
اخال تکه و بطور استحکام قائم و برقرار شدن در آن ممکن است در آن وقتی
که عقب سر خود را درست کنیم نه اینکه بطور تاختن برویم
ژنرال ترگوکاسف در نوبار سنه ۱۸۷۹ باتفاق ژنرال لظروسعیچ ترتیب
قاعده در تسخیر اوازیس اخال تکه در باب اسباب و ادوات جنگ

آن لازم است داده شود تفصیل آن از قرار است

از ابتدا باید تمام نقاطیکه در تصرف ما باشند (حکشروجات دودور

الوم) ساخته شده و مراوده با قاعده مابین انهار قرار شود و این نقاط را قوی

میتوان گفت که ساخته شده که در انها جای همیشگی جهة قشون و مریضخانه و

انبار آذوقه بحالت قشون ساخلو و تلگراف و پست موجود باشد

بعد از ساختن آنچه ذکر شد اول کاریکه لازم است آن است که جمع نمود

در دودورالوم ذخیره و آذوقه که اقلا کفایت شش ماهه قشونی را که جهة این

حرکت خط معین شده است بدهد و در اینصورت ممکن است حرکت نمود جهة

گرفتن نقطه دیگر بعد از آن

هر نقطه را که تسخیر میشود فورا باید آن را مربوط نموده با نقطه که پیش از آن

تسخیر شده بود بواسطه تلگراف و مراوده پستی و در آن حمل شود مقدار

بسیاری آذوقه و در فاصله های مابین این نقاط باید قلاع کوچک چند ساخته

شود جهة نگاهداری و حفظ امنیت و حراست سیم تلگراف

همین قدر اینوضع و قانون عمل میتواند ما را به مقصود خود یعنی به تسخیر

اوازیس برساند ترقی و پیشرفت کار بسته است بآسودگی و خاطر جمعی قشون

از بابت تمام لوازم و هم بسته است بحرکت دادن به پیش و جمع آوری آذوقه

که باید از ساحل دریا باینجا برسد

برای بمرور و بتدریج تسخیر نمودن اوازیس آخال تکه از روی قانون عمل

مذکور اسباب ذیل لازم است اولا برای نگاهداری قلاع حکشروجات

دودورالوم و قجه قلعه و بورسنج باطالیانیکه عده شان از قراری که در اوقات

جنگ رسم است باشد یعنی در هر یک گروه ششصد و دوازده نفر ثانیا برای اعمال صحرائی

دو فوج و یک گروهان شاسور ثالثا دوازده اسک در آن سوار جهة اعمال جنگی

و خدمات در عقب سر رابعا یکباطری توپ کوهی و یکباطری توپ چاپاری خامسا

ترکیب و عده اشخاصشان از قراریکه در اوقات جنگ رسم است باید باشد

خامسا دو مریضخانه که در هر کدام جای چهار صد نفر باشد و دو مریضخانه متحرک

که در هر کدام صد و پنجاه مریض بتوان نگاهداشت

اسباب حمل یعنی شتر و اسب و غیره را باید بسیار باحتیاط قسمت نمود چه

از برای همراهی قشون و چه از برای دستگاه نظارت تمام قشون غیر قلعه

و با طالیان هائیکه در قراولند باید کارها داشته باشند از همان قرار که جهة اوقات
جنگ رسم است حمل اداره نظارتی بدو قسمت میشود یکی آنکه همیشه در
دو سه منزل عقب قشون میباشد و آذوقه که همراه دارد بقدر یکماه یا دو ماه
قشون است قسمت دویم آنست که آذوقه را که از دریا بساحل می آید بتدریج
از آنجا بار کرده بقلاعی که در تصرف است میبرد یا آنکه میرساند بان آذوقه که
در عقب قشون است بهتر آن است که حمل قسمت اول را با کاریهای کرایه
داد تا آنکه از زحمات و شکوه‌هائیکه در کرایه نمودن مال از ایرانیان در تجارتها فراهم
خواهد آمد فارغ و آسوده باشیم و حمل قسمت دویم را بهتر آن است که بشخصی مقاطعه
دهند خود آن شخص مقاطعه کننده معلوم است سهلترین وجهی را برای حمل
بکار خواهد برد در باب پول در سال اول تا پنج ملیون منات لازم است
و هرچه حرکت کنیم و پیش رویم مخارج پول بیشتر لازم است چونکه تمام
مایلزم و اسباب تحمیل قشون که باید از ساحل بحر خزر رسد هرچه نقطه عمل دورتر
شود مخارج زیادتر و گرانتر تمام میشود و میتوان گفت که زیادتی مخارج از
دور شدن از ساحل بحر بشکل نسبت تصاعد هندسی میماند تعیین آنکه چه

وقت

وقت اوارنیس را میتوانیم تسخیر نمائیم بسیار مشکلست زیرا که این مسئله بسته است
باتفاقات مختلفه از قبیل بموقع رسیدن آذوقه بچکشلر و همچنین بکات و دروز
اوم و بقیه قلعه دیه بوریسه و همچنین به نقاط بعد از آن ولی اگر تمام اتفاقات بطور
شایسته واقع شوند و تاخیر در رسانیدن بارخانه و آذوقه نرسد در سنه
۱۸۸۱ ممکن است امیدوار شویم که در قجه قلعه خواهیم بود و همچنین بهار
۱۸۸۱ از جبال قیدتاق سرازیر شده در بوریسه خواهیم بود و بعد از آن تمام
۱۸۸۱ را در بردن آذوقه به بوریسه و در برقرار نمودن مراوده از آنجا بکراسنوودسک
بسر خواهیم برد و اول بهار همسال میتوانیم بجانب حرکت و دورون کنیم و در
۱۸۸۲ از دویم به گوک تپه بعد از تسخیر گوک تپه تسخیر سارا را اجرا و اوارنیس اخال
تکه بعد از اخال یعنی در سنه ۱۸۸۳ ممکن است بدین قسم تسخیر نمودن او
اوارنیس و بطور استحکام قائم شدن در آن کمتر از مدت چهار
سال نمیشود

و دیگر ژنرال ترگوکاسف در باب مسئله دیگر نیز می گوید و آن این است
که بندر چکشلر بسیار بد و ناراحت است و بطور لزوم واجب است که نقطه

عمل را از اینجا تغییر داده و در نقطهٔ دیگر که کشتی تواند بخوبی تا ساحل بیاید معمول
و خود را جهة اینکار دو نقطه را نشان میدهد یکی کراسنوودسک و یکی دهنهٔ
رود قره سو لیکن نقطهٔ آخر متعلق است بدولت علیه ایران و اما کراسنوودسک
میتواند معاونی خوب در اینکار جهة ما داشته باشد در صورتیکه بواسطهٔ راه آهن متصل
با قزل ارواط و بسط خط راه آهن درین امتداد یکدفعه مسئلهٔ در باب
تسخیر او ازین اخال تکه را حرکت داده و شروع بآن خواهد شد و دیگر نقطهٔ
عمل ما درین محکمی خواهد شد که از هر گونه اتفاقات ایمن است اینک عمل ما
بکلی بسته است از ترکمانها و از اینان که میتوانند قدغن نمایند ترکمانها
که بما شتر ندهند و در آن صورت ما مجبوریم که یکدفعه تمام اعمال جنگی خود را
زمین بگذاریم و بلکه چشم از آن نقاطیکه تاکنون مسخر کرده ایم نیز بپوشانیم
تا وقتیکه اذوقه از ساحل غربی بحر خزر یعنی از روس بما رسد و اینکار
بسیار گزاف مخارج خواهد داشت ولی در صورت بودن راه آهن گرفتار
هیچگونه ازین اتفاقات نخواهیم شد

ژنرال ترگوکاسف در خاتمه میگوید که چه قدر زنگ می بود اگر حالت

حالیه بی پا و سرازل ما در ماوراء الخزر بکلی تغییر میکرد و ترقی و پیش رفت
اقدامات ما مخصوصاً در دست خود ما میشد و باین فقره وقتی میتوانیم
یقین کنیم که راه آهن درست کرده داشته باشیم اگرچه آهن باریک بوده
باشد از کراسنوودسک به بوربه یا از کراسنوودسک بقزل ارواط
این طرح و نقشه که ریخته شده جهة انجام آن اقلاً مدت چهار سال وقت
لازم داشته و مخارج آن نیز اقلاً مبلغ چهل ملیون منات لازم داشته نتایج بکلی چنانچه
که در بیست و ششم اوگوست سنهٔ ۱۸۷۹ از قشون روس در نزدیکی گک تپه وارد آمد ترگوکاسف
جهة آن کار وضع مسخر بودن کوهستانهای قفقاز را از پیش گرفته لیکن مملکت قفقاز بکلی چنانکه
منتها درجه از هر طرف کوه و دره چیا شد ولی اخال تکه ابداً هیچ سد طبیعی ندارد
و تمام آبادیهای آن در امتداد یک خط مستقیم و این طرح ترگوکاسف از بابت
بدست آوردن اسباب حمل صحیح نیست زیرا که عقیده او بر آن بهم
که اسباب حمل را انجز در ارک در هیچ نقطه دیگر ممکن نیست بدست آوردن و حال
اینکه در صورتیکه لازم شود در قفقاز آسیای مرکزی ممکن است مال بسیاری بدست آورد
تسخیر او ازین اخال تکه از روی قاعده و طرح ترگوکاسف علاوه بر مخارج بسیار

گزاف آن مدت انجام آن بسیار طولانی بُعد و در آن مدت اتفاقات ممکن است
روی دهند مثلاً که اسلحه خود را تکمیل نمایند و در آن نقاطیکه اینک قلعه ایکه
دارند عبارتست از دیوارهای گلی ساده قلعه ها بطرز اهل اروپا بنا نمایند
وعلاوه بر آن در این مدت چهار سال ممکن است ترکمانها قانون جنگ را
بطور تکمیل تحصیل نمایند چنانچه کوهستانیهای قفقاز تحصیل علوم جنگی را
کردند و در مدت چهار سال که حال که قیتو اند مانند قفقازیها مرحمت علم جنگ
دولت روس با آنها دیر ترشوند آنها روسها را بهتر میشناسند و کمتر از آنها
حساب برده و کمتر احترام خواهند کرد چنانچه عقیده قدیم اهالی آسیای مرکزی
بر این بود که وقتیکه روسها با قبه و صداهای او را حمله می کنند آتش مشتعل شده
و الحال رامی بلعند و غیره ولی اکنون هیچیک از اهالی آسیای مرکزی
پای عقیده باقی نشده و روسها را مانند خود یکنفر آدم معارفی میدانند و لهذا از قدری
که در این اوقات بقلیل جمعیتی در اطاعت و امنیت نگاه داشته شده یعنی نه بزور
سرنیزه بلکه بواسطه قوه و اهمیت جنس اهل امور برای نگاهداری و در اطاعت و امنیت
نگاه داشتن همانجا قشون بسیاری لازم است یعنی نه بواسطه زور قوه و اهمیت

بلکه بزور سرنیزه
ژنرال گرگوکف بسبب ناخوشیکه جهة او رخ نموده بود نتوانست طرح خود را بانجام
رساند و در شهر دکابر سنه ۱۸۸۳ استدعا نمود که او را از ریاست قشون مملکت ماوراء الخزر
معاف نمایند استدعای او قبول شده و بساحل غربی خزر مراجعت نمود و
از آن به بعد طرح او بهمان حالت باقی ماند بعد از مراجعت ژنرال گرگوکف موقتاً
ریاست قشون مأمور با خال که سپرده شد بعد از آن بر گانو ویرنیف و حکم باله ژنرال
ژنرال موراویف حکومت قفقاز جهة ریاست این جنگی که از ژنرالهائی
که بسیار ممتاز شده بود در اوقات جنگ روس با دولت عثمانی و انمود کرد
لکن اعلیحضرت امپراطور بسیار لازم دید که ریاست و فرماندهی این سفر را
بشخصیکه کلّی آشنا باشد عملاً با جنگ در آسیای مرکزی و بر بیس قشون قفقاز
فرمودند که جهة این کار ژنرال گرگوکف را معرفی نماید
در همان اوقات در تفلیس تمام تحقیقات در باب اعمال جنگی در ماوراء الخزر
بانجام رسید و چون چندین قاعده و بنا بر یکی و مبنی و قف ملاحظات
پلتیکی در اوائل قشون طرح شده بود و لهذا رئیس قشون قفقاز که حرف در

اسکوبلف نداشته چنین دانسته که تعیین و منتخب نمودن شخص برای این کار باید
موافق باشد با آن طرحیکه منتخب میشود بنابراین دانسته عاقبت که منتخب و معین کردن
شخص را اینک بحالت خود گذارند تا آنکه طرحهای مختلفه که ریخته شده است
بنظر اعلیحضرت امپراطوری برسد

قبل از آنکه در اداره هفت نظر طرحهای مختلفه برای انجام سفر با حال که ریخته شود
درکلاونی اشتاب در ابتدای سنه ۱۸۸۰ در مجلسیکه جمعی از اشخاصیکه با وضع
و حالت آسیای مرکزی آشنائی کامل داشتند حضور داشتند طرحی
طرحی ریخته شده و آن از قرار است

جهة بردن حمله به قشون آخال تکه حمله کنند باید مرکب باشد از پنج تا شش هزار پیاده
و بیست تا بیست و چهار عراده توپ و پانصد سوار و جهة حفظ طرفین
و پشت سر همین قشون حمله کننده لازم است از سه تا چهار باطالیان
که عده ایشان از قراریکه در اوقات جنگ مرسوم است بهمه باشد و از
دوازده عراده توپ و چهار اسکادران قزاق که تماماً مرکب باشد
از شصت باطالیان جنگی و دو اسکادران سواره و دو عراده توپ

جهة آنکه سفر سنه ۱۸۸۰ را بانجام رسانند لازم است آنچه خاطر نمود قشون
حمله کننده را از بابت آذوقه در تمام اوقات سفر مثلاً در چهار ماه ولی
آن قسمت هائیکه در اواترک خواهند ماند تا آخر زمستان باید آذوقه حاضر داشته باشند
شتر جهة حرکت آذوقه چهار ماهه قشون حمله کنند تا سیزده هزار لازم است
و جهة آذوقه کل قشون پشت سر و تهیه آذوقه زمستان و همچنین تکمیل کسر شترانیکه
اینکه مفقود شده اند بقدر ده هزار شتر لازم است و این تعداد شتر را
از مملکت ماوراء البحر نمی توان بدست آورد و لهذا جهة حمل آذوقه باید پناه
بولایت ارنبورگ ببریم و از قرار اظهار ژنرال حاکم آن ولایت ممکن است
جنوبی قرقیز از پنج تا شش هزار شتران خوب بدست آورد و رسانیدن
آنها به مملکت ماوراء البحر احتمال میرود که ممکن نشود چونکه ممکن است از آن
راههائیکه آنها را می آورند که ها پیدا شد و آنها را ببرند و دیگر از قرار
بیان کریژانوفسکی ممکن است از وسط اردو و ایل کوکلیوسکی تا دوازده هزار شتر
بدست آورد و آنها را تا شترخان ممکن است از راه خشکی آورد و از آنجا
با کشتیهای مخصوصیکه جهة این کار ساخته شوند از راه دریا بماوراء البحر رسانید

مهمای اشکال و زحمت در بدست آوردن غذا و شتر که جهة این سفر لازم بود روسیها

بخیال ساختن راه آهن از ساحل شرقی بحر خزر تا اول اوازیس آخال تکه

یعنی تا قزل اروات یا نقطهٔ دیگری امتداد دهند و مسافت این راه

که بفاصلهٔ دویست و بیست ورست است در مدت دو ماه ممکن بود

که سپرهای آهن آن راه را بکلی قرار گذارند اگر چه این اقدامات

و خیالات صورت میگرفت آنوقت مسئله در باب این سفر جنگی بسیار

سهل و مختصر میگردید اما ممکن است چنین اتفاق افتد که این راه آهن

یک عده و مقدار بزرگی قشون برای حفظ و حراست آن لازم شود و یک دسته

سفر جنگی مخصوص هم برای این کار لازم شود

برای پیشرفت اعمال سفر جنگی و میسر شدن فتح لازم دانسته شد که نقطهٔ

عملی ابتدا از ما بین ساحل خزر و اوازیس ترتیب داده مثلاً قزل اروات را

برای این کار گرفت و در آنجا قبلاً ذخیرهٔ چهار ماهه تمام قشون را جمع

بعد از آنکه از گرفتن و عمل قزل اروات بکلی آسوده شدیم خط مراوده دائر شد

تازه بنا نهادیم یعنی از خلیج میخائیلوف تا قزل آروات و نقطهٔ عملی کراسنوودسک را

قرار داد زیرا که نقطهٔ چکیشلر قابل آن نیست که نقطهٔ عمده برای این جنس سفر بزرگ

واقع شود

جهة رسیدن بمقاصد این سفر بسیار مفید دانسته شد که قشون اداره و ولایت ارنبورگ

و ولایت ترکستان نیز مداخله در آن نمایند از این قرار قشون ترکستان

از طرف پطرو الکساندروفسکی در اول بهار سنه ۱۸۸۰ اقدام بسفر جاسوسی بطرف

اوازیس آخال تکه نمایند و در نزدیکی بورد الیک در کنار آمودریا یک دسته قشون

نگه دارند جهة ترسانیدن تکه مرو و نگاهداشتن آنها را در جای خود

و اداره ارنبورگ بایست قشون بسیار قوی تهیه و تدارک نماید که بتواند تا

سارا قامیش و بلکه تا ایگدی حرکت نماید جهة ترتیب بستگی و حفظ مراوده دادن اداره نظام ماورای خزر

با اداره نظام ارنبورگ

معین رئیس اداره نظام ولایت ارنبورگ ژنرال ماژرمینسکی که مدتها در ترکستان

خدمت کرده بود نوشته که عمل تسخیر ترکمانیه بسیار مختصر میشود اگر نقطهٔ عمده حرکت را

ایالت بخارا و خیوه قرار دهند و از آنجا حمله کرده و شکست بدهند مرو را

و از جانب قفقاز نیز فرستاده شود قشونی به قزل اروات جهة مقابل و
رسانیدن آخال تکه باید دانست که بعد از تسخیر مرو و آن زمین آخال تکه
گرفتار و تسلیم قشون قفقاز خواهد شد بدون آنکه تقریباً هیچ معطلی
و سختی از آن طرف بشود و این طرح جنرال بسیار ارزانتر از طرحی که در تسخیر آخال
تکه مخصوص از جانب ساحل بحر خزر باید بشود تمام می شد چنانچه در صورت
اول مخارج تا چهار کرور منات و در صورت ثانی چهل کرور منات تخمین زده
جنرال گلوخوفسکی نیز مانند میسر مینویسد در آنکه یکدفعه حرکت کنند قشون
از ساحل بحر خزر بجانب آخال تکه و از ترکستان از راه چارجوی بجانب
مرو و از خیوه بجانب اندخوی بواسطه شهر اندخوی ما محروم سلیم تکه را از ییلاقات
تابستانی آنها و جمله میبریم به کله های آنها و همچنانکه آنها از کله های خود
محروم شدند مجبور میشوند که بادیه گردی را گذارده در یک نقطه معینی ساکن شوند
و از برای اقتدار و تسلط دولت روس در مملکت پشت ماوراء
الخزر زندگی بادیه گردی بسیار خطر دارد و بعقیده او در صورتیکه جهة تسخیر
اندخوی ولایت ترکستان در فرستادن قشون اندک اشکالی ملاحظه شود

در آن

در آن صورت ممکن است از ولایت ترکستان به مرو یک دسته قشون کم از همه جهة تکمیل
باشد و مرکب از دو باطالیان پیاده و چهار اسکادران قزاق و دوازده
عراده توپ باشد بآنجانب فرستاد
جنرال مارکراف برخلاف چنین دانسته که تسخیر آخال تکه ممکن است بتوسط دو خط
عمل یکی خط ارک و دیگر خط از کراسنوودسک بر پای شتر و قاطر و عراده و راه آهن
از کراسنوودسک تا قزل اروات تسخیر آخال تکه در مدت یکسال یا
دو سال بکلی صورت خواهد گرفت و تدبیر و چاره عمده مخارج پولست
و بدون راه آهن فرستادن قشون به آخال تکه را محال میدانیم و جهة انجام این طرح لازم است
هفت باطالیان پیاده و هفت اسکادران سواره و دوازده عراده
توپ خرج عمومی نفر معین نشد لیکن همان آذوقه ها به قشون در سنه ۱۸۸۰ و خرج
راه آهن از میب تا ... و سه کرور منات لازم داشته
بنا بر تلگراف و خواهش رئیس قشون قفقاز در باب تعیین جنرال اسکوبلف در رأس حرکت
فوری که عجالتاً تحقیقات در باب اعمال جنگی در مملکت پشت ماوراء الخزر از
بحالت خود گذارده تا آنکه برسد بنظر نوع طرحهائیکه از جانب

قفقاز رنجیده شده و چون از سوارهای پیش از این چنین معلوم شده بود

که لازم است قشون اداره ترکستان نیز شراکت و مداخله در این سفر نمایند

لهذا از ژنرال گاوفمان سؤال شد که آیا ممکن است از ترکستان قشونی

فرستاده شود به آمودریا و بوردالیک جهة نمودن حرکت در روغی و تقلیتی بجانب

مرو یا اینکه حرکت داده آن قشون را از ایالت خیوه جهة تسخیر آخال تکه و کار

ثانی این قشون آن است که حفظ و حراست نماید شتران و آذوقه را که از راه دریا

میرود بقرب آخال روات

ژنرال آدیوتانت گاوفمان در جواب گفته که حرکت قشونیکه مرکب باشد

از هیجده گروهان پیاده و شش اسکادران سوار و چهارده عراده

توپ بطرف آمودریا نزدیکی چارجوی یا بوردالیک در هر صورت مفید خواهد بود

و اگر قشون هفتاد رتا اول سنه ۱۸۸۱ شروع بحرکت و اعمال قطعی نخواهد کرد

این قشون در آمو محافظت خواهد نمود آن مملکت را از هر گونه حملات تکه ها

مرو و دیگر در باب فرستادن قشون جهة تسخیر اخالتکه و یا جهة باز نمودن

راه مراوده با قشون مامور باخال تکه هیچوجه بانجام نخواهد رسید بسبب بعضی جهات

و بدی را ابها

در دو وارد و هم با نوازش اعلیحضرت امپراطور الگساندر دوم ژنرال اسکوبلف را

خواسته و با او صحبت های طولانی فرموده از آن جمله میفرمودند که قشون مملکت قفقاز

بسیار خوب و تمام رچا باشند اگر کاری از پیش نبرند معلوم می شود که بواسطه هیچ و تسنیج را

نباید خوار و حقیر شمرد و از و نباید تفر حیثیت عقیده من همیشه بر آن بوده است که دشمنان

آسیای مرکزی آنقدرها خوار و بی عظم نیستند که بعضیها گمان میکنند از قراریکه از احوالات

تحقیق کرده برمن عرض کرده اند چنین میدانم که باید طایفه تکه بسیار جنگی بوده باشند و

از اینکه فرمایشات فرموده که در این سفر باید منتهای ملاحظه را نمود و چه صحبت

پول و چه از بابت قشون و باید دانست که دولت روسیه امروز قوه و استطاعت

آن را ندارد که آنها را یعنی قشون و پول را بی اندازه و بدون حد و حصر

بمصرف رساند ولی قشون باید از جمیع لوازم آسوده خاطر باشد و در

آخر سال فرمایشات فرموده که در سنه ۱۸۷۹ در قشون اشخاص که کار و زیادی

بسیار بود که در این دفعه نباید چنان باشد

در زمانیکه اسکوبلف خدمت وزیر جنگ رسیده گراف میلیوتین باو

تکلیف کرده که معین نماید ترتیب و صورت بندی قشونی را که جهة این سفر لازم است
و معین نماید که آیا ممکن است یکدفعه این سفر را بانجام رسانید و ممکن نیست که آنرا
با عرابه و شتر و غیره یعنی بدون ساختن راه آهن تمام نمود و وزیر جنگ نیز باو
فهمید که در هنگام معین نمودن آنچه که ذکر شد تمامی ملاحظه را چه از ملاحظات پلیتیکی
و چه از ملاحظات پولی نماید و در تمام آنها حد اعتدال را نگهدارد
از نیمه ماه نوامبر سنه ۱۸۸۰ اسکوبلف داخل و در جزو اجزاء مجلس شورای کلاوی ثابت
شده وزیر جنگ قرار نمود که در آن مجلس اول در باب مسئله که آیا راه آهن
تا چه حد میتواند قوه کمک باین سفر نماید گفتگو نمایند جزو اعظم اجزای شورای آن
شده که این سفر در صورت بودن راه آهن بانجام خواهد رسید و بدون
آن ابدا صورت نخواهد گرفت و بر آن شدند که ابتدا باید قزل اروات
را گرفت و بعد شروع بساختن راه آهن نمود ژنرال اسکوبلف اظهار کرد که پیشرفت
و فتح این سفر تنها از ساختن راه آهن میسر نمیشود بلکه بدست آوردن شتر
نیز یکی از کارهای لازمه است و عقیده او بر آن بود که قبل از همه کارها واجب است
که بتحصیل شتر کوشید زیرا که این کار مدت زیادی لازم دارد و تا بادیه

کردهای منقشلاق در یورتهای خود باشند و حرکت نکرده‌اند باید با کار
پرداخت در آخر ماه فورال آنها خواهند رفت به ییلاقات خود در جال
اورال و آنوقت دست رسی بایشان نداریم در اول فورال که شروع بتحصیل
شتر نمائیم امیدی هست که موقع موجود شود ولی اگر اندکی این کار بتعویق افتد
آن بسیار با زحمت و بی موقع خواهد بود و در آن صورت اول پائیز سنه ۱۸۸۱
حمله بردن باو آژنس امکان نخواهد داشت و دیگر از خیوه ممکن است شتر
بدست آورد ولکن مدتی طول خواهد کشید
یکی از مسائلیکه اسکوبلف را مانند تحصیل کردن شتر مضطرب داشته
تحصیل کردن نمد زیرانداز برای قشون و موجود کردن الاچیق برای زمستان
آنها بوده زیرا که واضح و معین است که نمد زیرانداز برای قشون در
چنین سفرها یکی از واجبات است و در اترک نه نمد و نه الاچیق
میتوان تحصیل نمود ولی در منقشلاق بقدر کفایت ممکن است بدست آورد
اما در صورتیکه قبل از رفتن آنها به ییلاقات خود شروع بجمع آوردن
آن شود والا قشون بیچاره نمد زیرانداز و هم بی الاچیق خواهند بود

آنکه ممکن است عراده های بارکش لازم شود اسبهای آنها را نیز باید از مستقلا
خرید و دیگر آنکه ممکن است عراده های بارکشی اگر نقطه عمل خلیج میخائیلوفسکی
شود بدون ماشین های آب شیرین کن که مستقلاً روزی ده هزار دلو آب
شیرین بدهند و بدون تلگراف ممکن نیست شروع بعمل نمود

بعد از آنکه در سن پطربورغ معروف شد که اسکوبلف بریاست سفر اخال
تکه معین و برقرار شده است جمعی از ارباب کسب و صنایع حدث
او رسیده که با آنها کارهائی را که برای این سفر لازم است رجوع شود از ان جمله
برای ساختن راه چونکه فهمیده بودند که عمده کار سفر جنگی آخال تکه جمع کردن
آذوقه است در نزدیکی او آزمیسه و قرار آنها از این قرار است اولاً گراف
دلس و الس مشروع راه آهن کوپیل تا بیاری از اهل امریکا ولی از آنها کار دولس
قبول شده و در آن باب بعد از این ذکری خواهیم نمود

برّی اظهار کرده که بخرج خود راه آهنی بسازد از میخائیلف تا قزل آروات
که دویست و پنج الی دویست و پنجاه ورست میشود اگر قرارنامه او در
هیجدهم فورال امسنه شود تا اول سنتیابر همین سنه بکلّی تمام راه را حاضر نماید

و بیست ورست

و بیست ورست اول یعنی تا ملاقاری را تا اول ژوئن و در اول سنتیابر یعنی بعد
از آنکه راه تمام شد اگر دولت بخواهد راه را با او واگذار نماید والا خود
او با شرایطیکه دولت رای او معین کرده است بعهده خود بگیرد و در صورتیکه
برای دولت لازم شود باید راه آهن را امتداد دهد از سرخس
و هرات بگذراند یعنی مقابل خط راه آهنیکه از هندوستان می آید و از
کویته و قندهار میگذرد

خیال برّی آن بوده که اسبابهای راه آهن از بعضی از اهالی آهن دول نمسه
امریکای شمالی که هنوز براه نیفتاده بودند بیاورد و برای آوردن و حمل آن
اسباب راه آهن که قریب هشت کرور پود بار است چهارده
کشتی تجارتی را اجل تجه خرز نماید باسم که در این تجه اسباب
یعنی کشتی برای حمل کردن اسباب مذکور بسیار کم است
کالیف برّی را دولت بواسطه سبب ذیل قبول ننمود

در سنه ١٨٧٠ اهالی امریکا برای ساختن خط راه آهن جدیدیکه از ان
لندم بار و پا حمل کنند یک تعداد بسیار بزرگی اسباب راه آهن

و دیگ بخار در انگلیس و بلژیک و پروس سفارش داده درست نمودند چون
بواسطه آهن در تمام اروپا ترقی کرده بسیار گران گردید پس اکثر دول
متحده امریکای شمالی که آهن تند اول شد موجود نمودند در همان امریکا بفروش میرسد و مجبور نیستند
که آن را با ساحل شرقی بحر خزر حمل نمایند

در بیست و ششم ماه ژانویه از طرحیکه جهة سفر جنگی و تسخیر اخال تکه توسط مملکت قفقاز ریخته
شده بود و اروس بطرزبورغ گردید بعضی مدارک آن از فقرات است
تجاربیکه از سفرهای جنگی این سه سال آخر جهة ما حاصل شده اند
ثابت میکنند که برای حرکت و حمله بالاوزیس اخال تکه بنحویکه تسخیر آن پیش از وقت
لازم است که تدارکات ذیل را تهیه نمود

اولا در دو روز الوم آذوقه شش ماهه قشون حمله کننده را مهیا کرد و بعد آذوقه را
از انجا به اخل اخال تکه حرکت داد ثانیا قشونی را که در خط مراوده واقع شده
خواهند ماند از بابت آذوقه شش ماهه یعنی از روز اولیکه شروع بعمل جنگ
می شود تا شش ماه بعد آسوده خاطر نمود ثالثا باید یکدسته شتر و کاری و عرابه و غیره
بغیر از ان دسته که مشغول تدارک و حمل آذوقه کلی میباشند ترتیب داد

همه از

جهة همراهی با قشون حمله کننده که همیشه آذوقه هشت روزه قشون را با قشون داشته
باشند و دیگر حمل بعضی لوازم و بنه سنگین قشون را نمایند
جهة تسهیل حمل نمودن و رسانیدن تدارکات و آذوقه لازمه را به عشق آباد که
باید و حرکت دادن قشون بسیار مفید است که از همان لحظه و راه تنها یعنی از چکیشلر
بدو را الوم مشغول نباشند بلکه از خط و راه از کراسنوودسک تقزل اروات
نیز مشغول باشند
از دو زرا الوم که نقطه آخریست که در تصرف قشون روس است تا اول اوازیس
صد و بیست ورست است این فاصله را باید بسیار بتانی و مرور وقت
اول باید قجه قلعه را متصرف شد بعد از تصرف نمودن آن تمام
آذوقه لازمه را بانجا حمل نمود پس از ان از آنجا بنجال تصرف بامی باور
حرکت کرد و همچنین بعد از تصرف نمودن آن تمام آذوقه لازمه را بانجا
حمل نمود پس از ان نقطه آذوقه لازمه یعنی شش ماهه را بانجا حمل کرد
طرحیکه رئیس قفقاز در تسخیر اوازیس اخال تکه ترتیب داده از فقرات
که ذکر گردید و بعضی فقرات دیگر آن از فقره اعتبارات

قشونیکه اینک از چلشلر تا دوزالوم جهة حفظ و نگاهداری خط متصرفی ما هستند و حرکت

چاشند از شش هزار پیاده و دو هزار راس اسب علاوه بر نگاهداری خط مذکور

از تسخیر کردن قجه قلعه نیز نماید

از قجه قلعه تا دوزالوم هشتاد ورست است

در گرفتن قجه قلعه این قشون در صورتی ممکن است که تمام لوازمات و آذوقه قشون

ما به تمام قشون حمله کنند در دوزالوم جمع شده باشد در هنگام حرکت دادن قشون

از قجه قلعه بجانب اوآرنس باید بر قوه آن افواج و از قرار جهة تسخیر

که حرکت می کنند لازم است که باطالیان بر آن افواج و وجهة حرکت

از انجا و تسخیر نقاط بعد از آن باید چهار باطالیان و شش اسکادران قزاق و دو اسکادران

از سوارانیکه از این مملکت گرفته شده و یک باطری توپ کوهی یک باطری

بنابراین در ابتدای حرکت قشون حمله کنند بداخل اوآرنس تمام قشونیکه در مملکت

ماوراء الخزر هست غیر از آنچه در کراسنوودسک و در قلعه الگسندر

مشتمل است از چهار ده باطالیان و نیم پیاده و چهار اسکادران قزاق

و سه اسکادران سوارکه از اهالی مملکت گرفته شده و دو باطری توپخانه و جمعیت

تمامی

تماماً دوازده هزار نفر آدم و چهار هزار و هفتصد اسب چاپار

بملاحظه تدارکاتی که در چلشلر و چاتو دوزالوم جهة حمل آذوقه مهیا شده و بملاحظه آنکه

از ممالک اطراف ارگ ممکن نیست بیش از هشت هزار و از مشقلاق بیش از

شتر بدست آورد ممکن است آذوقه لازمه را از این قرار حاضر نمود در چاتو تا اول ماه

در دوزالوم تا اول نویابر سنه ۱۸۸۰ و در قجه قلعه تا اول ایون سنه ۱۸۸۱

در ماه سنتیابر سنه ۱۸۸۱ قشون حمله کننده از کراسنوودسک وارد بوریمه شود

نفر از دو باطالیانیکه پیش از این آمده است و چهار هزار شتر متعلقی جهة حمل

آذوقه لازمه از بوریمه تا طیکه در اوآرنس متصرف خواهد گردید همراه آن قشون خواهد

عقیده ریاست قشون قبل از اکتیابر سنه ۱۸۸۱ از بوریمه حرکت نخواهند شروع

بعمل جانب نمایند و اظهار نموده بود در این صورت امید داریم که تا اول

سنه ۱۸۸۲ تمام اوآرنس بکلی مسخر شده باشد علاوه بر جمع آذوقه تا آن اندازه که لازم

برای قشون قبل از حرکت کردن آن بسفر حاضر نماید در سنه ۱۸۸۱ یعنی در آن

قشون در سفر است موازی ششصد هزار بود آذوقه و علیقیکه تا اول ماه اپریل ۱۸۸۱

برای قشونیکه در ابتدا و خط مراوده خلو چاشند و هم برای قشون

حمل کنند لازم است از ساحل غربی بحر خزر با کشتی تا چکیشلر و از چکیشلر با
شتران به نقاط لازمه حمل نمود

در هنگام تعیین نمودن مدت جمع کردن و رسانیدن تدارکات به نقاط مختلفه
تا بور رئیس ریاست قفقاز به عهده خود گرفت که همان آذوقه و علیق شتر را برساند
و اظهار نموده که در این مدتیکه معین شده است نمی توان سایر لوازم
و اثقال قشون را با این عده شتران حمل نمود لهذا اخبار داده که از دویست الی
دویست و پنجاه کاری یا هشتصد الی هزار عرابه دو چرخی جهة این کار تعیین نمایند
مخارج این سفر که تا اول سنه ۱۸۸۲ بکلی تمام او آرنیس تخمین کرده پنج کرور
و سیصد هزار منات بازدید شد ۱۲۸۰۰۰۰۰ ولی قیمت آذوقه و نانهای پس
لکن سربازی و قیمت سوخت از قبیل هیزم و ذغال و غیره و در این خرج و محاسبات نشده
ریاست قفقاز سفر جنگی بجانب اخال تکه و تسخیر تمام او آرنیس انکار را محل دانسته
در صورتیکه بدست آوردن شتر میسر شود و در آخر سنه ۱۸۸۱ شروع بجنگ قطعی نمایند
اگر هر آینه لازم شود که سفر را در یکسال تمام کنند واجب است که بر قوه حمل آذوقه
بیفزایند قشلا یا هزار و پانصد کاری یا شش هزار عرابه در صورت ممکن بوده باشد

این اسباب ممکن است که قشون از ابتدای نوبهار سنه ۱۸۸۱ شروع بجنگ نمایند
ولی تحصیل نمودن هزار و پانصد کاری یا شش هزار عرابه علیحده بسیار مشکل و این کار
در عمل تجارت قفقاز خرابی کلی هم خواهد رسید و اگر هم بدست آوردن آن
ممکن شود رسانیدن آن بساحل شرقی بحر خزر تا موعد معین یعنی تا اول ماه آپریل
امکان نخواهد داشت

ریاست قفقاز محض اینکه اعمال جنگی آنچه از جمیع جوانب با تکه رخ خواهد نمود
لازم دانسته که راه آهن از کراسنوودسک تا قزل آروات که یکصد و چهل
ورست است کشیده شود مخارج آن چهار ده کرور و سیصد هزار منات لازم و بازدید شد
۲۳۰۰۰۰۰ در مدت یکسال ها تمام خواهد رسید و همه ساله دو کرور
و دویست هزار منات ۱۲۰۰۰۰۰ مخارج و تعمیرات خواهد داشت
بعد از اتمام راه آهن میتوان فوراً آذوقه و لوازم قشون را حمل نمود و بعد قشون را
نیز از همان راه حرکت داده و در نقاط لازمه جمع نمود و در این صورت تسخیر تمام
اخال تکه در عرض مدت دو یا سه ماه ممکن است

از قرار اینکه ریاست قفقاز دو طرح جهة تسخیر اخال تکه ترتیب داده طرح اول اینکه آنچه

آذوقه و لوازم دیگر بتوسط شتران شود از این قرار تا آخر سنه ۱۸۸۸ تمام لوازم جنگی و آذوقه

در دو ورا الوم جمع شده باشد در اول سنه ۱۸۸۹ همان آذوقه و لوازم جنگی مذکور را بقچه قلعه

حمل کنند و بورسه را تصرف نمایند که تا اول تابستان سنه ۱۸۸۹ تمام لوازم و آذوقه مذکوره با آنجا

جمع شود و اول پائیز همان سال قشون را بحرکت دادن نمایند که در اکتبار همان سال

داخل آخال تکه شوند و تسخیر تمام او آزیس آخال تکه را تا اول سنه ۱۸۹۰ بکلی تمام کنند

طرح ثانی آنکه تا اول ماه مارت سنه ۱۸۸۹ راه آهن از کراسنوودسک تا قزل اروات را

تمام کنند و آذوقه از آن راه حمل کرده اول بهار همان سال شروع بحرکت دادن

قشون کرده تا آخر همان بهار تمام او آزیس آخال تکه را مسخر نمایند

بعد از آنکه هر دو طرح ریاست قفقاز را بدقت رسیدگی بطور ختم آرای تمام برسیدن

راه آهن قرار گرفت چونکه ملاحظه شد که بتوسط کشیدن راه آهن از تمام اتفاقاتیکه

ممکن است در خرابی کارها روی دهد آسوده شده و خلاص باشند

چون فاصله از کراسنوودسک تا قزل اروات بدقت تمام پنجاه فرسخ است

آهن رسیدگی شده بود و همقدر آن را ملاحظه جزئی و تخمین در آن زده بعد از ابتدا

شبهه در میان آمد که آیا ممکن است تا اول سنه ۱۸۸۹ راه آهن را حاضر و در عقب

و اعمالیکه اگوتف ترتیب داده است اسکوبلف بیان نمود که باید

انجام رسیدن این خبر را از ساختن راه آهن بدانیم و اگر هر آینه مشرف

در عمل ساختن آن راه فراهم شود مدت طولانی بتعویق تسخیر او آزیس عقب خواهیم افتاد

و در این مدت دشمن میتواند از هر حیثیت تمکین شود و خوی و طبیعت آن نیز بلند شود در زمان

اسکوبلف را آن بود که فورا بدون تعویق شروع بعملیات نمایند بعد از فتوحات جزوی که حاصل

شده در قزل اروات قائم و برقرار شوند بعد از آن بطور آسودگی مشغول ساختن

راه آهن که لازم است بشوند قبل از اقدام نمودن بساختن راه آهن لازم است

که بتحقیق از تمام خصوصیات و کفایت راه از کراسنوودسک تا قزل اروات کاملا مطلع شود

زیرا که ممکن است شروع بساختن راه نمائیم در پیش عمل اشکالاتیکه رفع آن امکان نخواهد داشت

روی دهد مثلا فراهم آوردن بحد وفور آب را توقف لازم میشود که راه را با تمام رسانیدن

بحالت خود گذارد و چنانچه اگوتف که ترتیب دهنده طرح راه آهن است میگوید که کل

تمام مدت لازم دارم که بتحقیق معلوم نمایم مسئله در باب آنکه چه مقدار آب تحصیل توان

از چاهها بدست بیاورم چنانچه از قرار حساب طرح اگوتف چاههای

منزل چهارم باید روزی چهار فرسخ و نیم مکعب هزار و چهار صد دلو آب بدهد

و این مقدار آب را از چاههای بسیار پر آب نیز ممکن نیست بدست آورد
چون تدابیر که برای جمع کردن آذوقه و لوازم دیگر از ریاست قفقاز اظهار شد چندی
بکلی امیدواری در تحصیل و فراهم آوردن آن نبود و یا آنکه مدت انجام سفر را
بسیار طولانی میکردند لهذا اعتقاد اسکوبلف بر آن شد که برای تحقیق و نزدیکی
مسخر نمودن او آخرین خاک تکه لازم است که تمام تدابیر و چاره هائیکه میتوانیم بکنیم در حمل نمودن
بارها بکار بریم یعنی چه با شتر چه با راه شوسه چه با راه آهن اسبی و دستی و چه با راه آهن
بخار و هر یک از این چار را اگر تنها بکار بریم ممکن امیدواری نخواهد بود پس برای آنکه
بتحقیق امیدوار بر پیشرفت و فتح بوده باشیم لازم است تمام آن چار را بالحاظ
مکان و زمین بکار بریم یعنی در هر جا که راه آهن لازم است راه آهن و در هر جا که شتر
لازم است شتر بکار بریم و غیره

فقرات ذیل عبارت از طرحیست که اسکوبلف جهة عمل ترتیب داده است

شش هزار نفر قشون و یک باطری توپ بسته و دو هزار راس اسب ایاب در ...
رود اترک با این قلاع دوز الوم و چات و چکشلر جا باشند بطور یقین باید دانست
که امروز هیچوجه لازم نیست که در سه نقطه مذکور چنین قشونی بزرگ و قوی نگاهداشت

ساخلوئی که مرکب باشد از یک نفر ژنرال و صاحب منصب خوب و اردو با چهار گروهان
سرباز و چند عراده توپ میتواند خودداری کند در مقابل هر قدر قشون و قوه ایلات
در مدت غیر معینی بنا این اول کار ژنرال اسکوبلف بعد از آنکه کاملا آشنا شد
با وضع و حالت مکانی آن مملکت آن بود که عده و قوه قشون ساخلوی آن دوز الوم و چات
و چکشلر را بنهایت درجه که ممکن بود کمتر نمود از این قرار که دو هزار نفر آدم و پانصد راس
اسب جهة ساخلوی سه نقطه معین کرد و بیشتر از آن حد را هیچوجه جایز ندانست سبب
این کمتر شدن باقی قشونی که در این سه قلعه بساخلو ماندند از بابت آذوقه تا آخر
سنه ۱۸۸۰ آنچه خاطر نشان شد زیرا که اگر قشون ساخلوی این سه نقطه عبارت بود از شش هزار
نفر آدم و دو هزار اسب از این قرار آذوقه داشتند آنچه که در دوز الوم بود تا آخر
آپریل سنه ۱۸۸۰ و آنچه که در چات و چکشلر بود هر کدام تا اول یول و تمامشان عتیق چهار
ماه را داشتند ولی بعد از آنکه کمتر شد این آذوقه کفایت تا آخر سنه ۱۸۸۰ هر سه ساخلو
را داد

قشون مشغول جنگ باید باشند شش باطالیان و ربعی پیاده (هر نیم گروهانی چهار و دو ردیف
که هشتاد و چهار نفر است) یک گروهان شاشر و چهل و شش عراده توپ از این قرار

چهار باطری توپ صحرائی یک باطری توپ کوهی و هشت خمپاره و شش اسکادران
سوار از قرار چهار اسکادران سوار دراگون و دو اسکادران قزاق و یک اسکادران
از ترکمانهای ممالک و سه دستگاه تلگراف و قورخانه و مهندس و دیگر ادوات
مریضخانه با پانصد نیم تخت

قشون عقبه سه باطالیان پیاده که عده شان از قراریکه در اوقات غیر از جنگ
رسم است دو باطالیان و نیم که عده شان بزرگروهانی هشتاد و چهار نفر و شانزده
عراده توپ و چهار اسکادران قزاق و در چکشلر و تاش آروات قلعه در دوزالوم
مریضخانه و در چکشلر و چات و دوزالوم و میخایلوفسکی و آدین و اوشاق و قزل آروات
باید قلعه ساخته شود

تمامشان مرکب خواهد بود از هشت باطالیان و نیم که عده هر نیم گروهانی هشتاد و چهار
نفر است و سه باطالیان که عده شان از قراریکه در اوقات غیر جنگ رسم است شصت و چهار
عراده توپ و یازده اسکادران سوار

و اما از بابت اسباب حمل آذوقه و لوازم دیگر اولاً سه هزار شتر ترکی که باید
چکشلر و دوزالوم کار بکنند از اول اپریل ۱۸۸۱ آذوقه چهار ماه قشون را

که مشغول جنگ هستند و آذوقه تا آخر ۱۸۸۱ قشون ساخلوی خط اترک را در دوزالوم
حمل خواهند نمود ثانیاً دو هزار شتر منقشلاقی و پانصد شتر یموت که در اول ایول از بادکوبه
خواهند رسید به ساحل خلیج میخایلوفسکی تا آخر مارت ۱۸۸۱ مشغول بارکشیدن
از اول ما بین آدین و قزل آروات و بعد از آن ما بین اوشاق و قزل آروات خواهند بود و از اول
مارت ۱۸۸۱ تا اول اوگوست ۱۸۸۱ تمام این شتران بدون استثنا هم از ترکی
و هم منقشلاقی و هم بادکوبه به شهر حمل آذوقه به یورمه خواهد گردید

بعد از آنکه انبار آذوقه دوزالوم بکلی حمل شد چهار صد شتر باید ما بین چاههای آدین و یورمه
بارکشی کنند وقتیکه آذوقه چهار ماه تمام قشون از یورمه جمع شود هزار و
پانصد شتر باید همراه قشون جهت حرکت بجانب گگ تپه باشند

ثالثاً در کشیدن راه آهن دستی از اول سنتیابر تا اول دکابر ما بین خلیج
میخایلوفسکی و آدین که هشتاد و هشت ورست است کار خواهند کرد و از اول
دکابر ۱۸۸۰ و در تمام ۱۸۸۱ این راه را در صورتیکه خیال آن را داشته باشند که آن را
راه آهن بخاری نمایند قسمت ما بین آدین و اوشاق که صد و چهل ورست است
کشیده می شود

رابعاً راه آهن بخاری در اول کار سنه ۱۸۸۰ شروع به ساختن از خلیج میخالو
فسکی تا آیدین هشتاد و هشت ورست تمام خواهد شد

و اما در خصوص حرکت دادن قشون

اولاً در ماه آپریل سنه ۱۸۸۰ زیادتی قشون ساخلوی خط اترک را در چکیشلر خواهند جمع کرد
که از آنجا آنها را به ساحل غربی بحر خزر حرکت دهند و دیگر دسته قشون کوچکی به
میخالوفسکی فرستاده شود جهة حفظ و حراست و برقرار نمودن ماشین های آب شیرین کن
و ساختن بنادر

ثانیاً در ایون سنه ۱۸۸۰ آیدین را تصرف نمایند که در آنجا خط انبار آذوقه و ساختن راه آهن
را تمام نمایند

ثالثاً در سنتیابر سنه ۱۸۸۰ اولاً قول آردات را با جزوی از قشون پیش جنگ یعنی دو باطالیان پیاده
و دوازده عراده توپ و یک اسکادران قزاق متحرک نمایند ثانیاً چاههای اوشاق را ضبط کنند

رابعاً در مارت سنه ۱۸۸۱ باقی قشون پیش جنگ در قول آردات جمع آوری شود که عبارت است
از چهار باطالیان و ربع پیاده و یک اسکادران قزاق و چهار اسکادران سوار غیر قزاق و سی و شش
عراده توپ

خامساً در آپریل سنه ۱۸۸۱ اولاً قشون پیش جنگ حرکت به بورمه نمایند ثانیاً جهة نگاهداری قول آردات
ساخلو برقرار شود

سادساً در سنتیابر سنه ۱۸۸۱ دورون را متصرف کرده مشغول عملیات گوک تپه و عشق آباد شوند در
صورتیکه خواطر جمع شان به قلعه های متصل که پشت سر یکدیگر ساخته شده باشد از آنجمله در نقاط
بورمه و دورون و باگیان با ترقیه و غیره

مخارج پولی در پیشرفت گورنمانت لازم می شود ۵۰۰۰۰۰۰ خرج کشیدن صد ورست
راه آهن عینه بخار که یک گورنمانت است نیز در همین جزو منظور شده

در دهم فوران مسئله در باب انجام سفر و لوازم آن در محضر وزارت جنگ گفتگو شد
جهة تسخیر آخال تکه اسباب و لوازم بسیار لازم دیده شد چند نفر از اهل شورا ذکر نمودند
که آیا لازم است جنگ و عملیات را اعاده نمود بخیال تسخیر آخال تکه یا آنکه ملاحظه نمود مخارج
گزافی را که جهة این تسخیر لازم است و با آن ملاحظه چشم از این تسخیر پوشانید مملکت ماورای اترک را
بحالت خود گذارده و بهمینقدر به کراسنوودسک و چند نقطه دیگر در اترک قناعت نمائیم

و دوازدهم فوران مجلس شوری بریاست گراف میلوتین بهم آمد بعد از تحقیقات و ملاحظات
بسیار مجلس بر آن شد که بطور حتم لازم است اول آخال تکه را مسخر نموده و مملکت

ماوراءالنهر را بدو قسم میتوان ایمن و آسوده کرد اول آنکه یکدفعه با قوه زیاد از روی ترتیب حمله با وارس
اخال تکه نمود بقسمیکه در مدت یکسال بکلی تمام شود ثانیاً آنکه قلاع و نقاط عمده مستحکم تهیه نموده
و بعد از آن بمرو و اوآزیس را در تحت تبعیت در آورد قسم اول فایده اش آن است که بزودی
نشست ... امان اتفاق میکند و اشکالاتش آن است که بعد از شکست دادن و آوردن تکه
بسبب مداخلش و نساختن قلاع و نقاط عمده لازم می شود که او آزیس را بجا نگذارد خود
و عقب نشست و در مملکت آسیا هر عقب نشستن را شکست میدانند و در هر صورت همان
حمله بردن شصت کمتر از ده کرور منات مخارج نخواهد داشت
رای مجلس شورا بر آن قرار گرفت که از روی قسم ثانی حرکت نمایند یعنی که اول
در قزل آروات قشون و لوازم عمده را تهیه کرده و بعد از آن نقطه بتانی و بتدریج
مشغول تسخیر او آزیس شوند و تهیه نمودن قشون و لوازم جنگی در قزل آروات
وضع حالت پلتیک جنگی دولت روس را در مملکت ماوراءالنهر قوت میدهد و در آن صورت
ممکن است که او آزیس آخال تکه را مطیع گردانید بدون آنکه اقدام بسفر جنگی تمام
برای تسخیر آن بعد از آنکه تحقیقات و ملاحظات از تمام جهات شده در خصوص
تهیه کردن قشون و لوازم عمده در شهر شورا عمل آمد در خاتمه آرای مجلس شورا

بر آن

۲

بر آن قرار گرفت که بطور لزوم باید راه حرکت عمل را تغییر داد یعنی راه آهن
که از چکشلر در امتداد رود اترک بجانب او آزیس میرود بحالت خود گذارد و
و راه از کراسنوودسک بقزل آروات را منتخب نموده و ساختن راه آهن در این راه
بسیار لازم است و در صورتیکه بتوان از کراسنوودسک تا منتهای خلیج میخائیلوف
فقط با کشتی آمد این راه بسیار مختصر و نزدیک میشود
مجلس شورا ابداً هیچ گفتگوئی از حرکت و اعمال از قزل آروات بعد نکرد
زیرا که چنین تصور کرده که حرکات و اعمال از قزل آروات به بعد بستگی دارد از اوضاع
و خصوصیات مکانی و لحاظ امتیاز وقت و در آن خصوص نمیتوان گفتگو نمود
رای اسکوبلف بر آن بود که بدون گرفتن قزل آروات و بلکه بدون گرفتن شش قلعه
که عبارتست از پنج قلعه که آخرین قلاع تکه میباشند از قرار قزل آروات
و کجه و زاو و قزل چشمه و بامی ساختن راه آهن امکان نخواهد داشت و گفته
از همه کارهای سفر جنگی لازم است که قزل آروات را گرفت و منتظر ساختن راه آهن
در هیئت ... فوراً بهنگامیکه حضرت اعلیحضرت امپراطور اعمال در خصوص سفر
جنگی را عرضه میدهند اعلیحضرت امپراطور فرمود که برای نگاهداری قوت و قدرت ما

در آسیای مرکزی و لزوم دوام نمودن پایانهای واقعه پس جنگ خیوه رود چه
آرال و رقبه از بودن عزت و احترام سپه قطعاً واجب است که بدون تأخیر اقدام
سفر جنگی آخال تکه شود

در اول مارت با اعلیحضرت امپراطور طرح و مسئله در خصوص سفر بطور قطعی عرض شد و اعلیحضرت
امپراطور احکامات ذیل صادر فرمودند اولاً از خرجیکه برای انجام سفر آخال تکه شده است تخلف
نورزند و ابداً قدمی بعقب نگذارند که برای خاطر داشته باشند از اینکه بطرفهای
اهالی اروپا آن عقب نشستن را ضعف و بی قدرتی ما نموده شود و دشمنان و مدعیان ما
بواسطه آن قدم گذاردن بعقب جسورتر شوند و همان ضرر برای روسیه بسیار گران
از سفریکه در پیش است تمام شود

ثانیاً حد اعمال خود را باید محدود نمود و از آن حد ابداً قدمی بیشتر نگذارد و مقصود ما ممکن است
حاصل شود با زور وارد آوردن حمله و صدمه بزرگی بر تکه یا از ترسانیدن و تشدد
نمودن بر آنها که همان تشدد مجبور کند اشرار آخال را که مطیع شوند

ثالثاً باید از روی قاعده اقدام معین نمود بقسمیکه بهیچوجه در حالت اتحاد توقفی نمود و رأی
انجام آن لازم است که در ابتدا اتمام اسباب و لوازم را برای ساختن نقطه

عمل و برای استحکام حالت ما در مشرق که واقع است ما بین خاک کراسنوودسک
و قزل اروات و چکیشلر و قزل اروات یا در نقطه دیگری جمع آوری و مهیا نمود

رابعاً بدون تأمل و تأخیر شروع نمایند بساختن و تهیه کردن نقطه عمل و مدارک
لازمه را از قبیل آذوقه و غیره و راه با شتر و اسب و با راه آهن دستی دکویل مآل آن
نقطه عمل نمایند و در آن ضمن شروع نمایند به تحقیقات مفصلی که لازم است برای
ساختن راه آهن و واضح و مبرهن نمودن منافع آن

خامساً بریاست قشون مامور سفر ژنرال آدیوتانت اسکوبلف را معین نمایند و با
دستور العمل داده شود که مشغول تشکیل اداره جدید خود شود و بدقت تمام عده قشونی را
که در سنه ۱۸۸۰ برای ساختن نقطه عمل و محافظت و نگاهداری آن لازم است معین نماید
و تمام تنظیمات و تدارکاتی را که برای جمع کردن شتر و اسب و ساختن راه آهن
و عموم اسبابیکه برای حمل مایلزم این سفر لازم است بجهت خود شناخته و بداند

سادساً ریاست قشون از عده نفوس افواج و عده قشون سفری را تحدید نماید یعنی ترکیب
بندی قشون مذکور را از روی قراردادی که در اوقات جنگ معمول است
ترتیب و تشکیل دهد

سابعاً تمام مخارج سفر را معین کنند و هم مخارج ساختن و حاضر کردن نقاط عمده برای
حمله نمودن در سنه ۱۸۸۱ با افغانستان را و هم مواجب تا اول یانوار سنه ۱۸۸۲ تمام
قشون سفری را ولی بدون مخارج ساختن راه آهن میشکی و تمام مخارج
سفر هرچه که معین کرده شد لابد گورنمنت یک سیم آن مبلغ پول نقدی را بدهند
ثامناً در صورتیکه معلوم شود که راه آهن دکویل را بیش از آن فاصله پیش
از وقت معین شده است باید کشید یا آنکه ملاحظه شود که لازم است راه
آهن میشکی در داخل او آزبس کشیده در آن صورت البته مخارج حقیقی و تقریبی
آن را معین کرده بنمایند
تاسعاً ژنرال آدیوتنت گالوفان اطلاع دهند که بنابر طرح عمومی و آخری
که برای حرکت و جنگ در مملکت ماوراء الخزر ریخته شده است در سنه ۱۸۸۰
باید اقدام به هیچ حرکتی بجانب او آزبس افغانستان نموده و حرکت تدبیری
و تعلیمی که دسته قشون بجانب مرو محل است بعمل آورده شود ولی در صورتیکه معلوم
گردد که هم لازم است و هم ممکن میشود دو انجمن به تصور و رای خود ژنرال گا
لوفان ولی چنان مینماید که یک سفر جاسوسی کوچکی از طرف آلکساندروفسکی

بجانب

بجانب ساراکامیش بسیار مفید و لازم باشد بخیال آنکه نگذارند که افغانها از او آزبس
خیوه بعضی اسباب و چیزهائی را که برای تحمیل قشون خود لازم دارند ببرند در همان روز
نیز از جانب اعلیحضرت امپراطوری حکم شد که حقوقاتی را که رئیس قشون سفری در تحکمات
و تعلیمات در رفتار و در اعمال متعلق باداره خود خواهد داشت معین نمایند
چون گزارش اتفاق افتاده بود که ژنرال اسکوبلف را مدتی و علامت میکردند
که او اشکالات جنگی و جنگلی فراهم آورده است بخیال نفع خود بنابر این نخواست
که بعد از این هم مثل این جنس اشتباهات بشود لهذا بسیار اصرار کرده که تمام دستورالعملهای
لازمه را با او بدهند
چون مسئله تسخیر افغانستان عبارت بود از دو فقره و مطلب فقره اول اعمال و حرکات
جنگی فقره دوم کارهای پلیتیکی لهذا ژنرال اسکوبلف اظهار کرده که در فقره اول
شخص او باید مختار بوده باشد و جمیع اعمال متعلق بآن برای وصلاح او کرده شود ولی
در فقره ثانی نخواسته که مختار باشند و اظهار کرده که تمام اشکالات و مسائل
پلیتیکی را که بواسطه این اعمال جنگی روی میدهند اطلاع خواهد داد لهذا استدعا کرده که همراه او
مکاتبی با وزیر جنگ داشته باشد

بنابراین تصورات ژنرال اسکوبلف شرایط ذیل را قرار داده که در صورت
بودن این شرایط ریاست این سفر را قبول خواهد نمود
اولا دستورالعمل و احکامات بزرگ و کلی این سفر با رئیس قشون مملکت قفقاز است
ثانیا انجام رسانیدن این سفر بکلی بعهده و مسئولیت رئیس سفر است که در [illegible]
ثالثا رئیس سفر در تهیه و تدارک کردن سفر مختار است و در تمام اعمال جنگی اختیار
کلی دارد ولی این سفر باید حتی الامکان زودتر بانجام رسد
رابعا آنچه قشون و کشتی و پول که برای انجام رسانیدن این سفر رئیس سفر لازم
میداند و بخواهد باید باو داده شود
خامسا در صورت لزوم وقت رئیس سفر حق دارد که از برای بردن قشون و اثقال
و لوازم جنگی از دریا باکمپانیهای کشتیهای تجاریه در رود ولگا و بحر خزر کار
میکنند کنتراکت یعنی قرارنامه ببندد
سادسا چه اداره حکومتی و چه اداره جنگی ولایت قفقاز و قازان و اورنبورگ
و ترکستان باید منتهای کمک را در بدست آوردن همه قسم آذوقه و اسباب
حمل بحری و بری یعنی کشتی و شتر و قاطر و عرابه و غیره برئیس سفر نمایند

سابعا تمام اشخاص و اداره جنگی مملکت ماوراء الخزر در تحت ریاست
رئیس سفر میباشند
ثامنا رئیس سفر حق دارد که برای صلاح خود بدون اذن و اجازه
از هیچ کس در مقام گفتگو با ممالک سرحدی برآید یعنی با دولت ایران و خیوه و بخارا
تاسعا برقرار کردن تنظیمات و اداره حکومتی در ممالکی که مفتوح میشوند
تکلیف و بعهده مسئولیت رئیس سفر است
بنابر اظهارات فوق که ژنرال اسکوبلف کرده دستورالعمل کلی آتی به
او ترتیب داده شد از قرار این دستورالعمل تمام قشون و اداره
و مناصبی که در مملکت ماوراء الخزر هستند در تحت ریاست ژنرال اسکو
بلف میباشند و خود او در تمام کارها در تحت ریاست رئیس قشون قفقاز است
و رئیس قشون قفقاز حق و درجه فرماندهی کل دارد علاوه بر او
مکاتبی هم که با رئیس قشون قفقاز دارد بواسطه نظامی مملکت ترکستان
نیز باید باو داده و مکاتبه داشته باشد در اتفاقات و کارهای
فوق العاده که روی میدهد مختار است هر قسمیکه صلاح بداند بکند و منتظر

حکمی از جانب بمجلس شود و دیگر باو اجازه داده شده که با خانان خیوه و حکام

رؤسای سرحدی مملکت ایران مراوده و مکاتبه داشته باشد و دیگر آنکه

میتواند هر یک از اشخاصیرا که در اداره و ابواب‌جمعی او هستند از شغلشان

اخراج کرده و از آن مملکت بیرون نماید و دیگر آنکه حق دارد در ممالکی

که مسخر میشوند باسم اعلیحضرت امپراطور روقات (دوائر) حکومتی وغیره ترتیب داده و مالیات

بر آنها بگذارد

باب چهارم

تهیه سفر درسن پطرزبورغ — تدابیری که بکار برده شده برای تحصیل و بدست آوردن شتر — بازدید کردن خلیج مینایلوفسکی زیاد کردن کشتیهای بحر خزر برای حمل اثقال متعلق بسفر — سفارش کردن راه آهن دکوویل — سفارش کردن اسباب آب‌شیرین‌کن — طرح ژنرال اسکوبلف برای انجام رسانیدن سفر — تصرفاتیکه ژنرال ا[یکی] گرانی [?] — مامور نمودن ژنرال پطرزیویچ را بساحل شرقی بحر خزر — معین نمودن مطالب برای منهج در ماوراء [?] [illegible] — رفتن ژنرال اسکوبلف بتفلیس

در باب قبل ذکر نمودیم طرحیرا که ریخته شده بود برای عمال جنگی در ماوراء بحر خزر و بصحه و امضای اعلیحضرت امپراطور رسیده بود مقصود از این طرح و قواعد آن بوده که با قوه آنچه مقدور است [?] مثلثی را که قاعدۀ آن استرابامین [?] تا نقطه کراسنوودسک و قزل‌آروات و چکیشلر تصرف نمایند و راه مرود و آمد و شد را با نقطه اخری که در تصرف است بطور استحکام بر قرار

نماید

یعنی راه از کراسنودسک را به بدین و قزل اروات و دیگر راه از چکشلر به دورالوم و چات و قره قلعه و قزل آروات تا آنکه معدور شود نحوی و پاشش آن ملزومات جنگی از آذوقه و غیره را که لازم خواهد شد برای قشونی که حمله و حرکت به اخل و اتریس خیال کرده خواهد نمود از راه‌ها حرکت داده

مقصود کلی از این مسئله این بود که آن نقطه که در ساحل دریا متصرف بودند تا فاصله سیصد ورست حرکت داده پیش ببرند

به خیال انجام دادن این طرح مذکور حکم شد که قسمتی از قشونی که در ساحل شرقی بحر خزر میباشند به ساحل غربی معاودت کنند و حتی الامکان دقت نمایند تدارک آذوقه که مقدور است به دورالوم که آخرترین نقطه‌ای است که در تصرف دارند و در اترک متصرف بودند حمل نمایند بعد از آنکه حکم قطعی صادر گردید که اقدام به سفر جنگی به اخال تکه نمایند در سن پطرزبورغ مشغول شدند به تدابیر که به جهت کرایه به دست آوردن و آماده کردن اسباب حمل که توسط آنها آذوقه و سایر لوازم جنگی را هم از ساحل بحر خزر به نقاطی که در تصرف بود

و هم از آن نقاط به نقاط بعد از آن حمل نمایند

عقیده ژنرال اسکوبلف مدام این بود که هیچ سفر جنگی را از ساحل شرقی بحر به جانب آسیای مرکزی نمی‌توان نمود بدون مدد و همراهی عملی اولیای ارنبورگ چنانچه سفرهای آخر به ترکستان کرده‌اند دلیل بر صحت همین عقیده است (مقصود از اسباب حمل راه آهن شتر و اسب و کجاوه و غیره است) کم بودن اسباب حمل لوازم جنگی باعث آن شدند که در هنگام حرکت کردن قشون از ساحل دریا به جانب اخال تکه تمام محتاج از قبیل آذوقه و غیره با قشون نباشد بنابراین همین قدر اسباب با بود که عدد و قوه قشون را کمتر از آنچه که باید و لازم بود معین نمایند دیگر اسباب با بود که نتوانند شکستی به دشمن وارد بیاورند در آن نقطه که اثری داشته باشد

برای حرکت دادن نقاط عمل از ساحل بحر تا فاصله سیصد ورست دور تر اسباب حمل بسیاری لازم بود که امکان نداشت آن را از همان جا و راه بحر خزر به دست آورد ولی بعد از آنکه از ولایت ارنبورگ و ترکستان و از نشاریا مالات و خان نشین‌های همسایه جمع‌آوری میکردند کفایت مینمود ژنرال اسکوبلف

امید اوری مخصوصی داشت که بتوان شتر بقدر کفایت از اطراف و بیابانهای
ازبورگ تحصیل نمود

در ارنبورگ مقدور بود بچندین قسم شتر بدست آورد یا بکرایه کردن یا بکرایه کردن بمبلغ ثابت یا بتوسط
اجیر کردن شخصی را که عدد معینی شتر آماده نماید و یا بخریدن

بدست اوردن شتر بقسم اول برای دولت زیاد مشکل است چنانکه مکرر شده است
دولت برای هر مالی هر ماهی ده منات باید بدهد و بعوض هر شتر که اسقاط میشود
چنانکه رسم است از چهل الی پنجاه منات داده میشود و یقین است که
قرقیزها هرگز شتران خوب و باقوت را که برای بارکشی خود لازم دارند نمیدهند
وچون این مبلغی هم که بعوض شتر اسقاط شده میدهند تلافی قیمت آن شتر باقوت
و با مصرف را نمیکند لهذا مجبورند که شتران لاغر و ضعیف را بدهند
دیگر آنکه چون این شتران در تحت محافظت صاحبان خود نمیشند و سپرده
بسارباناهائی اند که از جانب کمپانی معین شده اند لهذا نوعیکه باید
دلسوزی و مواظبت از آنها نکرده چندی نمیگذرد که لاغر و ضعیف
میشوند

در صورتیکه لازم باشد شتر زیادی باینواسطه تحصیل نمود جمع کرایه
ماهانه و مبلغی که بعوض اسقاط داده میشود مبلغ بسیار خواهد شد

باین قاعده آماده و تحصیل شتر با وجود مخارج گزاف که دولت میکند و کرایه
و اسقاطیکه بآنها داده میشود نهایت شکوه در آنها پیدا میشود زیرا که برای بکار
بردن قواعد و تنظیمات در این قسم کرایه کردن لازم میشود که گاهی هم اندکی جبر و تعدی
نمود و الا عمل زودی و خوبی صورت نخواهد گرفت و گاهی میشود که نارضایتی
آنها بقدری بزرگ میشود که همینکه خبر شتر گرفتن شهرت پیدا کرد بعضی ایلهای بسیار
بزرگ با تمام از مکان خود کوچ کرده و فرار از مکان خود بمکان دیگر
میروند

اینگونه طور گزاف کرایه ماهانه و اسقاط دادن برای دولت ازان رو
از کرایه نمودن بمیل و رغبت تمام نمیشود و علاوه بر آنکه اشکالات
و ممنوعات متعدده دارد در هر صورت باید دانست که کرایه کردن بزور اجیر خریدن
چاره و تدبیریست که هیچ راه دیگری نتوان شتر بدست اورد

در سنه ۱۸۳۹ برای سفر جنگی بجانب خیوه خواستند که شتر بقسم بزور کرایه کردن

دست بیاورند باید ملاحظه که برای دولت مخارج ارزانتر تمام خواهد
خواهد شد بنابراین رای انجام این خیال ژنرال گیس رئیس مجلس
سرحدی ازنیورک در بیست و هم ماه می بجانب ابو محمد سلطان حاکم قسمت
غربی قرقیزها از نیورک رفته و قبل از وقت آمدن ژنرال گیس باو اعلان
شده بود باید حتی الامکان روسا و اشخاص محترم اتباع و اهالی از برای
آمدن گیس جمع نماید ژنرال گیس بعد از ورود خود بآن چند اشخاصیکه
جمع شده بودند مقصود آمدن خود را بیان کرده و بآنها سفارش کرده که در میان
اردوها و اتباع اعلان و اشعار دهند آنچه را که دولت از آنها خواسته است
و سلطان حاکم نیز سپرده که بطوایف دور فرستاده آنها را آگهی کنند برای
دعوت و جمع نمودن روسا و بزرگان آنها

اگرچه اشخاصیکه در مجلس اول جمع شده بودند اظهار اطاعت کرده و وعده نمودند
که تکلیفی را که دولت بآنها کرده است در کمال اطاعت بعمل بیاورند ولی
گفتگوهای بسیار مابین مردم دولت بآنها کرده است نسبت باطاعت و تعمیل آن
برپا شده لهذا گیس در مجلس دویم که روسا و بزرگان قرقیزها جمع شده

بودند اظهار نمود که دولت از آنها گفتگو نخواسته بلکه اطاعت میخواهد
و اگر هرآینه جز آن شود میل و خواهش دولت بانجام خواهد رسید بدون
ملاحظه بر رضایت آنها

قرقیزها یازده هزار و پانصد شتر با دو هزار و سیصد شتربان داده‌اند و دولت
بعوض هر شتری سی و شش منات داده و بهریک از ساربانها دو گروانکه نان
و نیم گروانکه گوشت در هر روز داده میشد و در صورتیکه لازم میشد برای ضعیف
نشدن شتران در هر روزی نیم گروانکه آرد میدادند

در هر حال شتران مذکور بسیاری از آنها لاغر و ضعیف بوده بنوعیکه از
منزل اول سقط شدن آنها بنا گردید و ساربانها از مردمان فقیر
معین شده بودند و صاحبان شتران با شتران نبودند و معلوم است
این چنین اشخاص ابدا دلسوزی در مواظبت شتران نمیکردند چون در
هر روزی نیم گروانکه گوشت برای آنها کم بود لهذا عمدا شتران را لاغر
و ضعیف میکردند بخیال آنکه سقط شده گوشت آنرا بخورند و
اغلبی از آنها شکم خود را عزیزتر از شتر میدانستند و لهذا آردی را که برای

شتران معین کرده بودند میدزدیدند از همان روز اولیکه ابتدای سفر شد
شتربانان بنای گریختن را نهادند تا آنکه پرفسکی مجبور شده دو نفر از فراریها را
تیرباران کرده تا آنکه فرار کردن موقوف گردید و میتوان گفت که
تمام قشون پاسبان شتربانان شده بودند

سقط شدن شتران یکی از سببهای عمده شکست و بی اقبالی سفر جنگی خیوه که در سنه ۱۸۳۹
پرفسکی کرده بود میباشد چنانکه پرفسکی در جنگی که در اول سال ۱۸۴۰
برای قشون مامور خیوه نوشته مینماید که تلف شدن شتران باعث بدبختی و بی اقبالی
این سفر گردید

و نیکار دکه بدون ملاحظه زحمات بسیار صعب متحمل شده اند تمام افراد قشون
تازه و زرنگ و با قوت میباشند و همه قسم آذوقه تجدد را فراهم داریم ولی تنها فقره
که احوال ما را دگرگون کرده از بسیاری تلف شدن شتران است که ما را از محروم نموده
از برداشتن آذوقه و لوازم دیگر که تا آخر سفر لازم است چنانکه از قلعه آق
بلاغ تا اول خاک آبادی خیوه ششصد ورست مانده است یعنی یکماه و نیم راه
ولی با این شترانیکه باقی مانده آذوقه و لوازم یکماه هم زیاد نمیتوان برداشت

قسم دوم تحصیل کردن شتران آنست که دولت کرایه نماید بقسمیکه رعایا خرج [illegible]
و این قسم هم بدون ملاحظه بخواصیکه دارد و عمل و آسان نخواهد بود و برای انجام
این کار باید اشخاص بسیار با مروت و با انصافی را مأمور نمود که با مداخله
حکومت کرایه نمایند و در هر صورت کرایه نمودن شتر از قرار قیمت بسیار طول
خواهد کشید و حال آنکه بزودی آنها را لازم خواهیم داشت

قسم دیگر تحصیل کردن شتر خریدن است و عیوبات آن از این قرار است
اولا پیدا کردن و خریدن آن عده شتریکه لازم است ممکن است بسیار
طول بکشد و در صورتیکه منتهای لزوم را داریم و بهر قیمتیکه هست باید بدست
بیاوریم ممکن است قیمت آن بسیار ترقی نماید

ثانیا چون ساربانانی را که برای شتران اجیر میکنیم سعی در نوبت نگاه داری
آنها نخواهند کرد و از بدی پرستاری آنها ممکن است تمام شتران
بدرجه هلاکت برسد ژنرال اسکوبلف بر خود مفتخر نمود که نظر به طبیعت توزیع و اسپیا
یقینیوچ سیاکو فلکین با جرار ینبورگی که از هنگام سفر خیوه شناسائی و حق او دانسته
در سیم مارت با تلگراف او خواستند بدون آنکه با واطف [illegible] رشته که برای چه کار

اورا نیز خواهند. و این محض آن بود که خیالی که در تحصیل کردن شتر دارند صورت
نگیرد که بدان واسطه یکدفعه قیمت و کرایه شتران را بالا برند در دهم ماه مارت
وارد پطربورغ گردید اول با و تکلیف شد که عده شتر لازمه برای قشون که اینجا حاضر نماید
ولی او این کار را انکار کرد. و تعهد نمود که شش هزار شتر برای دولت بخرد بشرط آنکه
تمام آنها را در ترغی امسن تحویل دولت نماید بعد از گفتگوهای بسیار قرار
بر خریدن شتر شد. بشرایط ذیل شش هزار شتر برای خدمت دولت بفروشد. اقرار
شتری صد و ده منات و تمام را در قلعه مذکور تحویل گماشتگان دیوان
نماید در پانزدهم ایون و پانزدهم ایول و اول آوگوست و پانزدهم آوگوست
در دفعه هزار شتر بدهد و دو هزار دیگر را در اول سنتیابر برساند و تعهد
گرفته که میتواند اگر خواسته باشد در هر هزار شتری صد عدد زیادی بدهد
یعنی بهمه جهه ششصد را اضافه و قیمت آنها هم از قرار همان شتری صد و ده
منات تمام پول شتران ششصد و شصت هزار منات میشد در صورتیکه
از شش هزار شتر هر قدر کمتر برساند در زمان روانه کردن دسته آخر
شتران از قرار نود قیمت آن شتران را از قراریکه در کنترات معین شده

از قرار

از پول تاجر مذکور نگاه خواهند داشت
در صورتیکه رئیس سفر لازم بداند هزار از این شتران او دیگری از آن موعدی
مذکوره میاکین کوف یا در گوریف یا در هشترخان باید تحویل دهد و برای
این کار موعد شصت روزه خواسته
میاکین کوف بعد گفت که دویست الاچیق یک هزار و دویست یولامیق برای
قشون در هشترخان حاضر نماید با این قیمت الاچیق با کرایه رسانیدن به هشترخان
یکی دویست منات و یولامیق برای صد منات و اگر خواسته باشند
میتواند عوض هر دو یولامیق یک آلاچیق بدهد بشرط آنکه عدد الاچیق از چهار صد
اضافه نشود
عمل قبول کردن شتران از میاکین کوف و فرستادن آنها بکار آسو
و به سرکار سپرده شد برئیس اشتاب دویست و چهارم پیاده
ایوانوف که مدتی در ارنبورگ و سرحدات ترکستان خدمت کرده
و در بسیاری از سفرهای جنگی مداخله کرده و تجارب بسیار کرده انجام
رسانیدن این کار شغل را بهیچکس ممکن نبود سپرده شود که بهتر از او از عهده برآید

در اول ماه آپریل پالکونیک ایوانوف مامور گردید به ارنبورک که در آنجا عهدنامه را
که ژنرال اسکوبلف با میاکین گف در سن پطرزبورغ گفتگو نموده و شرایطش را با یکدیگر
قرار گذارده بودند بانجام رساند و از آنجا بعد از اتمام عمل عهدنامه برود بقلعه
نیز بدانجا برای تحویل گرفتن شتران و فرستادن آنها به کراسنوودسک
و فرستادن سوار بهمراه شتران جهت آنکه آنها را در راه حفظ و نگاهداری
نمایند بعهده ریاست ارنبورک بود

قرار مداریکه ژنرال اسکوبلف جهت محافظت نمودن شتران داده آن بود که شتران را
بچند دسته گروه پشت سر یکدیگر در تحت الحفظ دو اسکادران قزاق حرکت دهند
هر دسته باید مرکب از هزار شتر و از چهل تا پنجاه نفر قزاق بوده باشند رئیس قشون
و نظام مملکت قفقاز لازم دانست که فرستادن دو اسکادران قزاق از قفقاز بانجا
مخارج گزاف و فوق العاده جهت دولت خواهد داشت و علاوه براین چون
سواحل شمال شرقی بحر خزر یعنی در اطراف رود اتباسیلاد کم آب است جهت
در آن نقاط بیرون آوردن از کشتی بساحل این دو اسکادران قزاقی را
که از قفقاز مامور شوند زحمات الی غیر النهایه خواهد داشت صلاح حال

دید

دید که حکم نماید دو اسکادران سوار از قشون ارنبورک جهت این کار تعیین
نمایند به پالکونیک ایوانوف سپرده شد که حتی الامکان سعی نماید که تهیه
شتر از ارنبورک ترتیب دهد بملاحظه آنکه هم زودتر بکار قشون برسد
و هم جهت حفظ و همراهی آنها سوار کمتر لازم شود

تکالیف ذیل را جهت پالکونیک ایوانوف در فرستادن شتران قرار داد
باشخاصیکه جهت ریاست شتران و سواران معین میشوند دستورالعمل کامل بدهد
که در بین راه نهایت مواظبت را بعمل آورده که شتران ضعیف و لاغر نشوند
و مخصوصا آن روساء پاره که در صورت بی مواظبتی آنها
در حفظ و نگاهداری شتران مورد مواخذه و محاکمه خواهند گردید و تمام
سواران باید با شتربانان نهایت ملاطفت و مهربانی رفتار نمایند و بهیچ وجه
آنها را آزرده خاطر نکنند لیکن با نهایت سختی مواظب باشند که آنها
از تکالیف خود غفلت نورزند و نظم و قانون کلی که جهت این سفر معین
شده است کوتاهی نداشته باشند و دیگر باید همراه شتران
بقدر حاجت شتربانان و کلنگ و دلو جهت در آوردن آب و پاک کردن چاهها

یا کندن چاههای تازه بوده باشد و پالکونیک ایوانوف باید در هنگام حرکت

دادن دسته‌ها از روی احکاماتیکه از اداره به آنجا و همچنین از روی احکاماتیکه

از ژنرال اسکوبلف باو میرسند حرکت نماید احکامات ژنرال اسکوبلف را

باید از اداره منقشلاق که در نیمه ماه مارت توسط تلگراف تا آنجا فرستاده شده است

دریافت نماید و جهة تحقیق و رسیدگی راهها از چاههای سینک تاریک تا [illegible]

سام مردمان با فهم و باهوش روانه نماید که هر شش دسته که هر کدام مرکب

از هزار شتر ندارد از آن راه عبور کنند و تا اول ماه مای باید تمام تحقیقات

از آن راهها بعمل آمده باشد و تمام اسباب و آلاتیکه در این راه جهة

پاک کردن و کندن چاهها لازم می‌شود مهیا نماید اگرچه تمام لوازم

اسکادرانهائیکه جهة همراهی شتران معین میشوند بعهده ریاست ازبورکات

ولی در صورتیکه اتفاق افتد که چیزی لازم شود پالکونیک ایوانوف

مجبور است که از اداره نظام یا حکومت همان مکان مطالبه نماید

ژنرال اسکوبلف به پالکونیک ایوانوف نوشت که مستدعی خاطرم

که از آن روزیکه قزاقان در اداره شما وارد میشوند چنان بدانید که از آن روز

آنها داخل و در جزو قشونیکه در ماوراء النهر مشغول عمل جنگ هستند شده‌اند

لهذا باید منتهای سعی را در نگاهداری و حفظ آنها بنمائید و هم خود آنها و هم

اسبهای آنها کلیة سپرده و در حفظ و اداره شما میباشند

پالکونیک ایوانوف باید خود شخصاً بدون کمک از هیچ اداره ترتیب [illegible]

و به همان نمونه که جهة قشون ارنبورک درست شده است

پالکونیک ایوانوف سیم آپریل و میالکین کوف اول آپریل از پطربورغ بیرون

آمده و در همین اوقات قیرقیزها از قرار معمول بنای کوچ کردن ییلاقی از آنجا که

بوده کوچ نمایند بهمین واسطه میالکین کوف توانست که از آنها شتر بدست

بیاورد علاوه بر شتران ازبورکی از خیوه و منقشلاق و مملکت پایین آترک و [illegible]

و از ولایت بخورد لازم بود شتران خریده یا اجیر نماید

مدتی بود که ژنرال اسکوبلف در نظر داشت که با گورویچ گرنوف تاجر

که در تاشکند بود جهة اجیر نمودن او را برای بدست آوردن شتر گفتگو نماید

مختصر آنکه بعد از گفتگوهای بسیار که با گرنوف نموده شد آخر الامر

در بیست و سیم آپریل قرارنامه ذیل با او بسته شد

کرموف بعهده گرفت که پنج هزار شتر در کراسنوودسک تهیه که آن
حاضر نماید آن چنان شتران با مصرفیکه هر یک از آنها یازده پود بار بکشند
و در زیر همان بار روزی کمتر از بیست و پنج ورست حرکت نکنند و برای هر پنج
شتری یک نفر ساربان بدهد و خوراک شتران و مواجب ساربانان بعهده
خود او باشد و تمام شتران را بعد از انقضای دو ماه از روزیکه
عهدنامه نوشته میشود در کراسنوودسک حاضر نماید و بعد از بیست و
دو روز از همان موعد در چطرو الکساندرفسکی حاضر باشند کرایه
شتران از آن روزی خواهد بود که در کراسنوودسک حاضر باشند
از قرار هر شتری ور ماهی بیست و پنج منات و دیگر کرموف همیشه
باید پنج هزار شتر حاضر داشته باشد و عوض آنچه که اسقاط خواهند
شد دیوان نخواهد داد و آنچه که اسقاط و کسر میشود کرموف باید
بعد از انقضای مدت یک ماه دیگر البته عوض آنها را حاضر کرده
باشد والا عوض هر شتری پنجاه منات از او کسر میشود مبلغ
بیست و پنج هزار منات بضمانت تجار تاشکند پیش از وقت باو

داده

داده شده وقتیکه قرار شد که بعد آنکه سان شتر از او در چطرو الکساندرفسکی
داده شصت هزار منات باو داده شود
در قشلاق بالکوتیک ناور تکلی سپرده شد که تا پانزدهم ماه حتی المقدور
سعی نماید هر قدر شتر ممکن است بدست بیاورد و در اترک نیز سپرده شد به چطرو
سویچ که دو هزار شتر بخرد
تمام شتر اینکه امید بود بدست بیاید از همه جا به پنجهزار که به بیست هزار رسید
امیدواری بدست آوردن این عده شتر نبود که ممکن است در مدت تابستان
و پائیز سنه ۱۸۸۰ تدارک آذوقه لازمه را جمع آوری نمود و در نقاطیکه لازم است
و بعد یکدفعه شروع بحرکت و حمله به اخل جاک اوآزیس آخال تکه نمود
و در این چنین صورت این نفر جنگلی بتکی از ساختن راه آهن زنیخالوفسکی تا
قزل ارواط ندارد
ششم ماه مارت ژنرال اسکوبلف طرح و خیالات خود را در باب انجام سفر باوآزیس آخال
تکه نمود و آن این قسم است
از هشت باطالیانیکه در اترک جا شده باطالیان ناو اگین و باطالیان [illegible]

و با طالسان سیم و غستان باید بروند بساحل غربی بحر خزر هر کدام در سکان اصلی خود

تا آمدن باره‌های باید هرچه قدر ممکن است تدارکات و آذوقه از چکیشلر و دزالوم

حمل نمود و در باره‌های چهار باطالیان پیاده که از ساخلوی چات و دزالوم خواهیم برداشت

با یک باطری توپ که نیم باطری آن از چات و نیم باطری دیگر را از دزالوم خواهیم برداشت

و با یک باطری توپ کوهی باید تا نیمه آپرل از ساحل غربی بحر خزر برسد تجه قلعه و قزل اروات

تصرف خواهیم کرد و همراه این قشون آذوقه دو ماهه را بر شترانیکه از ترکمانهای یشاق بدست می‌آید حمل میشود بعد از آنکه این شتران همین آذوقه دو ماهه را به قزل آروات رسانیدند

مشغول کار و بارکشی مابین دزالوم و قزل آروات خواهند گردید

بعد از تصرف نمودن قزل آروات یک دسته مهندسین از آنجا بخط مستقیم بجانب خلیج

منجایلوفسکی جهة تعیین نمودن خط راه آهن فرستاده میشود و همچنین در این وقت

یک چنین دسته از خلیج منجایلوفسکی بتعاقب دسته مذکور مأمور خواهد شد

بنابراین جهة انجام این کار باید تا آمدن باره‌های یک گروهان از باطالیان یکانی

کراسنوودسک و یک دسته قزاق و دو عراده توپ خلیج منجایلوفسکی را تصرف نمود

بعد از تصرف قزل آروات فوراً لازم است یک دسته قشونی که مرکب

باشند

باشند از یک باطالیان پیاده و دو اسکادران قزاق و چهار عراده توپ

از اوراه آمودریا مأمور شوند بجانب جنوب ایالت خیوه مقصود از مأموریت این

قشون آن است که حمل آذوقه که از خیوه به قزل آروات میشود خالی از خطر حملات تکه

بوده باشد و دیگر آنکه عموماً قشون قفقاز با ولایت و قشون آمودریا متصل و بدون

انفصال آماده باشد

اگر از خیوه و منقشلاق آن عده شتر را که حدس زده و امیدواری داریم برسد

آنوقت جهة برقرار نمودن امنیت در راهها بین کراسنوودسک و آمودریا

یک دسته قشون کوچکی در نزدیکی قوم بشتن معین و برقرار میشود

در اول ماه ایول سه هزار شتران منقشلاقی وارد چاههای قم بشنی میشود و در مدت

تمام این ماه را باید در آنجا در چراگاه باشند در تحت انحفاظ یک اسکادران

قزاق اقلیه از فرت آلکساندروفسکی همراه آنها مأمور شده اند

تا اول ماه ایول در خلیج منجایلوفسکی بندر ساخته خواهد شد و ماشین‌های آب

شیرین کن کار گذارده می‌شود و راه آهن دستی هم در دو راه تا چاه تاگر کشیده

خواهد شد بعد از ساختن راه آهن حمل آذوقه تا چاههای تاگیر با راه آهن

می‌شود و از انجا بقزل آروات باسید شتر حمل خواهد شد تا اول اول
آذوقه یکسال تمام قشون حمله کننده در کراسنوودسک جمع میشود (یعنی آذوقه
یکساله هفت هزار و پانصد نفر آدم و سه هزار راس اسب) و در چکشلر آذوقه
بحری تا اول ژانوار سنه ۱۸۸۱ تمام قشونیکه در اترک چاپار شوند مهیا خواهد گردید یعنی
آذوقه تا اول ژانوار سنه ۱۸۸۱ شش هزار آدم و یک هزار و هشتصد راس اسب (
تا اول ایول یک باطالیان پیاده و دو اسکادران قزاق برای حفظ
راه آهن و حفظ حمل آذوقه با شتران فرستاده میشود و در صورتیکه لازم شود
یک باطری توپ کوهی هم بکراسنوودسک فرستاده خواهد شد
تمام این قشون از جزو و عده همان قشون حمله کننده خواهند بود بنابراین
از اول ایول یکدفعه از هر دو نقطه یعنی از چکشلر و از خلیج میخائیلوفسکی شروع
بحمل آذوقه بقزل اروات میشود
در اول ماه ایول معین و معلوم میشود که آیا میتوان امیدوار براه آهن بشکی گردید
و میتوان آیا منتظر تمام شدن آن شد برای حمله بردن به اوآزیس آخال تکه یا خیر
طرح و خیالات ژنرال اسکوبلف برای انجام سفر جنگی باوآزیس آخال تکه ختم گردید

و علاوه

وعلاوه بر آنچه ذکر شد در فکر و خیال آن بود که چه مقدار آذوقه
و چه عده از قشون و در چه وقت باید بکراسنوودسک و چکشلر
حمل شود و چه مبلغ مخصوصاً برای سنه ۱۸۸۰ لازم است
در مدت آپریل و مای و یون باید بکراسنوودسک حمل شود آذوقه
یکساله قشون حمله کننده که مرکب از هفت هزار و پانصد نفر
آدم باشند و جو یکساله تمام سه هزار و سیصد راس اسب
و کاه نشاسته همان عده اسب را که تماماً ششصد و سه هزار و
پانصد و شانزده پود می‌شود بنابراین تا ماه اول
سنه ۱۸۸۰ آذوقه یکساله تمام قشون حمله کنند یعنی تا آخر
ایول سنه ۱۸۸۱ بنیرا گاه جمع آوری و مهیا خواهد گردید
آذوقه هفتصد نفر ساربان نیز که موازی بیست و پنج هزار و
دویست پود می‌شود تا اول یون و آذوقه هزار نفر عمله
که بار کشتیها را خالی میکنند که موازی پانزده هزار پود است
تا پانزدهم آپریل در کراسنوودسک باید حمل شود

علاوه بر آنچه ذکر شد تا دهم آپریل سنه مزبور ارستون تلگراف و سیم
تلگراف صد و پنجاه ورست راه و تا اول مای ماشین های
آب شیرین کن و آلات کارگذاردن آنها و نفت و پانصد
الاجیق و پنج هزار جهاز شتر و دو هزار و پانصد گاو
شتری و نمد برای زیرانداز قشون و طناب و هیزم و تا پانزدهم
مای مریضخانه و تا آخر ماه مای راه آهن و سنی و تا اول ژون
صد عرابه بارکش و تا پانزدهم آوگوست هشت هزار
نیمتنه بکراسنوودسک باید حمل شود
در چکیشلر و در خط اترک از این قرار آذوقه برای شش هزار
نفر آدم و دو هزار راس اسب که در ابتدای آن خط ساخلو
بودند موجود بود آذوقه از قبیل آرد و سوخاری و غیره تا اول
آپریل سنه ۱۸۸۱ و جو برای تا اول اول سنه ۱۸۸۱ آذوقه همان شش هزار
نفر آدم و دو هزار راس اسب را از قرار تفصیل ذیل حاضر نمود
تا اول ژون باید آذوقه بحری تا اول ژانوار سنه ۱۸۸۱ حاضر شود (سی و پنج

[illegible]

هزار پوط

هزار پوط) و تا اول اکتیابر باید آذوقه سه ماهه از قبیل آرد و سوخاری
و غیره تهیه شود علاوه بر آنچه ذکر شد لازم است که تا آخر
آپریل سنه مزبور زیرانداز و طناب و سوخت و لوازم مریضخانه
و تا اول مای سه هزار آلاجیق و تا پانزدهم آوگوست چهار هزار
نیمتنه در چکیشلر مهیا شود
مخارج عسکر در سنه ۱۸۸۰ تا چهارده کرور و دویست و هفت هزار منات تخمین
شد از این قرار

شرح	مبلغ
آذوقه بحری یکساله قشون حمله کننده	۳۴۰۰۰۰۰ منات
اجرت حمل حمال آذوقه بکراسنوودسک	۴۰۰۰۰ منات
حمل آذوقه یکساله قشون حمله کننده بکراسنوودسک از قبیل آرد و سوخاری و غیره	۴۳۰۰۰ منات
قیمت جو برای اسبان قشون حمله کننده	۲۵۵۰۰۰ منات
اجرت حمل کردن همان جو بکراسنوودسک	۱۷۵۰۰۰ منات
قیمت کاه برای اسبان قشون حمله کننده و حمل آن بکراسنوودسک	۱۰۵۰۰۰ منات
قیمت آذوقه سالیانه هفتصد نفر ساربان و هزار نفر بارگیر	۲۰۱۰۰ منات

اجرت حمل کردن جو از چکشلر بقوت الکساندر فیلکی برای شتران

اسبهائیکه در آنجا برای قشون حمله کننده خریده شده است	۲۰۰۰۰ منات
قیمه آذوقه بحری در چکشلر برای تا اول ماه ینوار ۱۸۸۱	۱۲۰۰۰۰ منات
اجرت حمل کردن آن از دریا	۱۶۰۰۰ منات
حاضر کردن کاه در چکشلر برای تا اول ینوار ۱۸۸۱	۶۰۰۰۰ منات
اجرت حمل آذوقه سه ماهه بچکشلر	۱۱۰۰۰ منات
قیمت آذوقه بحری برای قشون حطارک تا اول اپول ۱۸۸۱	۱۲۰۰۰۰ منات
اجرت حمل کردن آن بچکشلر	۱۴۰۰۰ منات
حاضر کردن کاه در چکشلر برای از اول ینوار تا اول اپول ۱۸۸۱	۶۰۰۰۰ منات
راه آهن اسبی	۵۰۰۰۰۰ منات
اسباب اسب برای راه آهن	۱۵۰۰۰ منات
ماشین آب شیرین کن	۲۱۵۰۰۰ منات
کارگذاردن آنها	۱۵۰۰۰ منات
مواجب پنج ماهه هزار نفر بارگیر	۱۵۰۰۰۰ منات

قیمت پنج هزار شتر	۵۰۰۰۰۰ منات
قیمت هزار رأس اسبهای قرقیزی	۱۰۰۰۰۰ منات
تهیه نمودن سه هزار ستون تلغرافی	۱۵۰۰۰ منات
اجرت رسانیدن آذوقه بخط اترک با شتران کرایه	۶۰۰۰۰ منات
پنج هزار جهاز شتر	۲۵۰۰۰ منات
کاه ده جهة بعضی بارها	۲۰۰۰۰ منات
سیزده هزار نیم تنه	۷۲۰۰۰ منات
هشتصد آلاچیق	۲۴۰۰۰۰ منات
صد عراده جهة مریضخانه متحرک	۳۰۰۰۰ منات
طناب	۱۴۰۰۰ منات
خرج ساختن بنادر	۶۰۰۰۰ منات
نمد زیر انداز	۳۰۰۰۰ منات
اجاره صد زورق ترکمانی در مدت پنج ماه	۲۰۰۰۰ منات
مواجب ادارهٔ پست خانه جهة مراوده با ولایت و ادارهٔ آمودریا	۲۰۰۰۰ منات

مواجب سالیانه صد نفر سوار زبده برای جاسوسی	۵۵۰۰۰ منات
ساختن آب‌انبار برای مریضخانه	۴۰۰۰۰۰ منات
مواجب مریضخانه	۱۳۰۰۰۰ منات
قیمت گوشت سالیانه	۵۰۰۰۰۰ منات
کمک بصاحبمنصبان	۴۰۰۰۰۰ منات
خرج علیق	۱۰۰۰۰۰ منات
خرج چهره	۱۸۰۰۰۰ منات
برئیس سفر دارو و تا اول ینوار ۱۸۸۱	۳۰۰۰۰ منات
مخارج فوق العاده	۲۵۰۰۰۰ منات
مخارج غیر معلومه	۱۵۰۰۰۰ منات
مخارج دفترخانه	۶۰۰۰۰ منات
مخارج هیزم	۴۰۰۰۰ منات
مواجب ساربانان تا اول ینوار ۱۸۸۱	۲۲۴۰۰۰ منات

طرح ژنرال اسکوبلف بالتمامه مقبول رئیس قشون مملکت قفقاز افتاده

و بسیار مورد تحسین و تصدیق گردید
ژنرال اسکوبلف بخیال اقدام نمودن و بانجام
رسانیدن طرح خود فورا در یازدهم مارت
ژنرال موراویف که در چکشلر بتلاف کرده
که فقرات عشره و هشت را انگاشته حتی المقدور
سعی نماید که آذوقه دو هزار نفر و هشتصد رأس
اسب را بغیر از کاه از چکشلر بدوزالوم حمل کند
و بالطیان هائیرا که در چات و دوزالوم هستند
و باطری توپ کوهی و چهار ارابه اورال قزاق را که در آنجا
هستند حاضر و مهیای سفر نماید بقسمیکه از حیث چکمه
و پیراهن زیر جامه و دستمال ها و گوله بار و جلیقه
و شنیل و نمد زیر انداز و غیره بکلی تکمیل بوده
باشند و مردمان ضعیف البنیه را جدا نماید
و سان مفصلا از جمیع اسبها به بیند

و دیگر شروع بمشق تیراندازی تا چهارصد قدمی

نماید و مخصوصاً با آن ایطالیان هائیکه برای سفر قشون رفته اند

مشغول تیراندازی و نشانه زدن شود

در همان اوقات از ارزروم قشون قفقاز شاهزاده

ملیکف حکم رسید بژنرال موراویف که بطور سعی مشغول

حمل آذوقه و علیق به ارزروم شود و هر چه ممکن است کاه در خط

مابین چلکند و ارزروم جمع نماید و دیگر آنکه فوراً شروع

خریدن شتر شود اگر چه بعضی بسیار کمی هم شود زیرا که از

قراریکه از عرایض خود موراویف معلوم شد بجهت

آوردن و خریدن آن عده شتریکه لازم است

این وقفه بسیار اشکال دارد و بلکه

ممکن نخواهد شد و لهذا لازم دیده شد که هر چه

ممکن است زودتر اقدام بخریدن شتر نمایند

بعد از مسئله در باب آذوقه پیش از همه مضطرب نموده بود ژنرال اسکوبلف را

مسئله در باب آنکه کشتی بسهولت نمی تواند در خلیج مینجایلوفسکی حرکت نماید زیرا

که از همین مسئله بستگی داشته ساختن راه آهن از مینجایلوفسکی به قزل اروات

و همچنین فقره هم آوردن اسباب عمله در قزل آروات

خلیج مینجایلوفسکی واقع است در جنوب شرقی بحر خزر و در جنوب خلیج بالخان

که بتوسط این دو خلیج شبه جزیره دارجا حاصل شده است خلیج مینجایلوفسکی

از نزدیکی جزیره راآو در بیست هشت ورستی کراسنوودسک شروع

می شود و از آنجا ممتد می شود بجانب مشرق و منتهی می شود به دو شعبه بسیار باریک

که در یکی از آنها یعنی در شعبه شمالی کشتی میتواند حرکت نماید در تمام خلیج

جزایر شنی که خالی از گیاه و نبات است فراوان موجود است که اغلب

از شصت الی سیصد پا ارتفاع دارند در منتهای خلیج جزایر ذیل واقع میباشند

در یکطرف تیو و گیومول و قسلیچ و اذون آدا و در طرف دیگر گوگیار و ایی قزل

و ارقیلی و تیق محمد و تنقلی تپه های شنی در وسط خلیج بسیار است اغلب

در اوقات وزیدن بادهای سخت وضع و صورت این تپه ها تغییر میکند از

الی سنه ۱۸۷۳ که مشغول تحقیقات بعمل آوردن و رسیدگی نمودن از جمیع خصوصیات
و کیفیات بحر خزر بودند از خلیج میخایلوفسکی نیز تحقیقات بعمل آمد اول دفعه
بتوسط ایواشینتسوف و بعد بتوسط پوشچین و همچنین در سنه ۱۸۷۳ کاپیتان
وورنف بدقت تمام مخصوصاً این خلیج را رسیدگی نموده و آخر الامر
از باب این خلیج نوشته شد که خلیج میخایلوفسکی بسیار کم آبست
و حرکت کشتی های بسیار کوچک در آنجا امکان ندارد و در بهار وقت
بواسطه وزیدن بادهای بسیار سخت تپه های شنی در وسط آب بوجود
میشوند و بطور یقین این خلیج نمی تواند راهی بشود برای مراوده و آمد و شد دولت
روس با آسیای مرکزی
یکی از سببهائیکه در سنه ۱۸۶۹ مجبور کردند پورسین جبال بالخان را اختیار نمایند
یعنی قشونی را که در تاش آروات قلعه و ملاقاری بهم بر وارد آن نمود
که ریاست مملکت قفقاز در ماه اکتبر همان سال بطور یقین دانست که برای
رفتن قشون روس بوسط مملکت ترکستان خلیج میخایلوفسکی قابل آن نیست
که بتواند نقطه عملیات شود و دیگر در سنه ۱۸۷۰ یک باطالیان و نیم پیاده و دو اسکادرون

ده ودو

و نیم فرسخ اینکه در نزدیک جبال بالخان حفر نموده شد از بابت آذوقه و لوازم دیگر که
از خلیج میخایلوفسکی باینجا میرسید آنچه خواهش باشند مثلاً مجبور بودند که برای
آوردن کاه باشتران بسیار تمام جبال بالخان را دور زده بروند بکراسنوودسک
و از آنجا کاه بار کرده از همان راه مراجعت نمایند و دیگر عیوبات ذیل از جمله
عیوباتیست که در سنه ۱۸۷۱ برای این خلیج ملاحظه شد و بدان واسطه مجبور
شدند بکلی چشم از او بپوشند شوری آب آن بحدی بود که مشک و کمها و لوله های
کشتی را ضایع و خراب میکرد بقسمیکه ممکن نبود که کشتیهای بسیار محکم و معتبر که از هیچ
حیثیت نواقصی نداشته باشند بتوانند یک سال در آن خلیج باشند بدون آنکه آنها را
مرمت و تعمیر کنند و دیگر آنکه اغلب سطح آب آن تغییر میکرد و کم و زیاد میگردید و دیگر
نبودن آب آشامیدنی حتی برای حیوانات
بنابر خواصهائیکه برای خلیج میخایلوفسکی ذکر شد ریاست قفقاز در خیال که برای تسخیر
او آزیس آخال تکه ترتیب داده بود چنین نموده که باید راه آهن را از کراسنوودسک
بقزل آروات کشید که سیصد و چهل ورست فاصله باشد یعنی از خلیج میخایلو
فسکی بقزل آروات که دویست و بیست ورست فاصله است کشیدن راه آهن را اکمال

امکان نخواهد داشت لهذا بنا بر این طرح صد و پنجاه ورست بر راه آهن افزوده شود
و علاوه بر آن از کراسنوودسک تا قزل اروات بعضی جاهای سنگی موجود بود که زحمت
بسیار در هموار کردن آن بود

برای گفتگو و تحقیقات در باب خلیج منخایلوفسکی که آیا مطالبی را که برای آن ذکر میکنند
صحت دارد یا خیر و در واقع میتوان از این خلیج نفع و بهره برد اجزاء و رؤسای بحری را
در اداره گلاونی اشتاب دعوت نمودند در این مجلس اقلی دفعه از روی تحقیقات کلی که برای
سواحل بحر خزر شده بود گفتگو نمودند که خلیج منخایلوفسکی بسیار کم آب است و بطور نفس نمیتواند
راه مراوده با آسیای مرکزی شود ایام نبودن طوفان و نوزیدن باد بهترین اوقات
اوقات آرامی خطرناکتر از اوقات وزیدن باد است در این اوقات
حرکت دادن کشتی در این خلیج امکان ندارد

دیگر تخته هائیکه برای عبور و گذشتن کشتی در این خلیج هستند اغلب بواسطه وزیدن بادهای
بسیار سخت تغییر میکنند یا کلی تخته و راه عبور کشتی گرفته میشود یا آنکه محلش تغییر میکند
کشتیهای بزرگ تا جزیره را او میتوانند بروند و از آن نقطه بیشتر نمیتوانند حرکت
کنند و ممکن است که در آن جزیره مکانی ساخت برای خالی کردن بار از کشتیهای

بزرگ و از آنجا بارها را با کشتیهای کوچکی که کم باب فرو میروند بساحل حمل نمود
ولی سواحل این جزیره بسیار پست است و بدین واسطه در اوقات طوفان کشتی نمیتواند
نزدیک ساحل جزیره شود و برای آنکه در هر روزی چهل هزار پود بار بساحل خلیج منخایلو
فسکی حمل نمود سی و دو کشتی لازم است و در بحر خزر بار کشتیهای کوچکیست که برای حمل
اول بارهای کشتیهای بزرگ استعمال میشود نیست و لازم است که کشتیهای بادی
برای این کار را اجاره نمود و این کشتیهای بادی کشتیهای تجار بسیاری لازم دارند
که آنها را بعقبشان بسته ببرند دیگر آنکه در خلیج منخایلوفسکی بدون روشنائی
چراغ لازم است که اداره مخصوصی معین و برقرار نمود که در فاصله سی و پنج سیل
چراغ بسوزانند و روز خاموش کنند و این کاریست بسیار سخت و مشکل
در رودخانه ولگا بارژهای بزرگ میباشند که دویست و هشتاد پا طول دارند
و نود هزار پود بار میبرند در صورتیکه انها را بیشتر از سی و پنج هزار پود بار
نکنند چهار پا بیشتر باب فرو نمیروند و انوقت میتوانند در این خلیج
حرکت کنند ولی این گونه بارژهای طولانی را در این تنگه های باریک
و کم آب نمیتوان حرکت داد و بطور دلخواه برگردانید بنا بر این این هم

امکان ندارد

آخرالامر بعد از همه قسم تحقیقات چنین برآمد که خلیج میخایلوفسکی نمیتواند فی الجمله کمکی
نماید ولی در هر صورت نقطهٔ عمل کراسنوودسک را باید قرار داد و عجالتاً
تا راه آهن از کراسنوودسک تا قزل اروات بکلی تمام نشده از خلیج میخایلوف
سکی باید منتفع گردید اشخاصیکه از جانب ریاست مملکت قفقاز در این مجلس حضور
داشتند ژنرال پطروسویچ و ژنرال گورچین اظهار کردند که مدتهاست
همین عقیده را در قفقاز داشتند ولی چه فایده که طرح قفقاز را رد کرده و قبول نکردند
ماکارف اجودان مخصوص را تعیین نمودند برای تحقیق و حل مسئله که آیا خلیج
میخایلوفسکی میتواند راه مراوده و آمد و شد همیشگی شود با آسیای مرکزی عقیدهٔ
ماکارف بر آن شد که خلیج میخایلوفسکی شبیه است برودخانه که از آن قبیل
در روسیه بسیار است و حرکت کردن کشتی و عبور کردن از آن بسیار سهل است
همینقدر لازم است که باین کار اقدام کرد و چون هیچ گونه خللی رای این عقیده
خود ملاحظه نکرده بر آن شد که البته و بطور یقین بعضی سبب های خارجه بوده که نمیخواستند
از این خلیج بهره ببرند والا هیچ مانعی در منتفع شدن آن موجود نیست و ممکن است

طراده های بارکشی را از رودخانه ولگا باین خلیج آورد و سه کشتی تجار پر قوت هم برای کشیدن طراده ها
بانها لازم است بنا بر این این اظهار ماکارف مسئله که در سنه ۱۸۷۰ و سنه ۱۸۷۱ حل نشد
نگاهداری نمودن دسته قشون را در نزدیک جبال بالخان نتوانست ثابت نماید
که خلیج میخایلوفسکی نمیتواند راه مراوده همیشگی آسیای مرکزی شود و چنین بیان شد که جز
نشدن نگاهداری قشون در جبال بالخان از بدی خلیج نبوده بلکه از نقصان و کمی لوازم
بحری طراده و کشتی تجاره وغیره بوده با آنکه اکثر هم کسری در لوازم بحری نداشته بعضی
نتوانسته اند که بخوبی از آنها منتفع شوند

ژنرال اسکوبلف از عقیدهٔ ماکارف بسیار راضی و خوشنود شد چنانچه بعد از آنکه
این سفر جنگی بکلی تمام شده بود بیان کرده که از برای من هیچ شک و شبهه نبود
در اینکه خلیج میخایلوفسکی قابل و نافع است برای انجام مقاصد ما زیرا که برهم
در سنه ۱۸۸۱ نافع و قابل بودن این خلیج ثابت شده بود و بسیار خوشنودم از اینکه بعضی
تصورات خارجی پیدا شد که مجبور کرده بعضی اشخاص را که از نافع خلیج انکار کنند
نظر بعضی مسئله درباب خلیج میخایلوفسکی و نظر بآنکه باز هم مدتی گفتگوی در آن خصوص طول
خواهد کشید ژنرال اسکوبلف استدعا نمود که کمیسیونی برای تحقیقات

ورسیده گی از خلیج میخائیلوفسکی مأمور نمایند که شمتی باشد از یکنفر صاحب‌منصب بحری
و یکنفر مهندس که از راه‌های آمد و شد اطلاع داشته باشد که در اول بهار
رسیدگی کامل از خلیج نمایند و بفهمند که تا چه درجه میتوان از آن منتفع شد در هنگام حرکت
دادن قشون بجانب قزل آروات و دیگر استدعا نمود که یک کشتی بخار بزرگ
و یک کشتی بخار کوچکتر از آن و پنج بارکاز بخار که هر کدام اقلاً دارای بارزو
درجه قوت باشند بر کشتیهای جنگی حاضری بحر خزر بیفزایند باین اسم که از برای حرکت
دادن قشون سه کشتی بخار بزرگ برای حمل لوازم کلی و دو کشتی بخار کوچک برای
بستن و کشیدن طراده‌های بزرگ در خلیج لازم است و پنج بارکاز بخار برای
کشیدن زورقها و چاپاری و حال آنکه در بندر بادکوبه بیش از چهار کشتی بخار
نداشتند یعنی دو بزرگ که یکی از آنها مرمت و تعمیر لازم داشته و دو کوچک
که یکی از آنها بسیار ضایع و بی‌مصرف بود

بنا بر استدعای ژنرال اسکوبلف پالکونیک سیکلین و پادپالکونیک دوریف
اول را برای رسیدگی خلیج میخائیلوفسکی مأمور نمودند و اما از بابت استدعای ثانی که
در افزودن بر کشتیهای جنگی بحر خزر کرده بود از وزارت بحری حکم شد که از کشتیهای

بحر بالتیک چهار کشتی بخار کوچک پنج درجه قوتی به بحر خزر فرستاده شود و لی از فرستادن
باقی کشتیهای بخار بزرگ و کوچکی که اسکوبلف استدعا نموده بود انکار کرده و تکلیف کرد که
اینها را از کمپانی قفقاز و مرکوری کرایه نماید

از کشتیهای بحر خزر کشتیهای ذیل باداره ژنرال اسکوبلف سپرده گردید کشتیهای بخار جنگی
معروف به ناصرالدین شاه و بادکوبه و دو کشتی بخار معروف بچکشه که مخصوص برای بستن و کشیدن
کشتیهای بادی و زورقها بود و دیگر کشتی بخار کوچکی که معروف به پراورنی میباشد
و از برای کرانسنود یک کشتی بادی معین شد از کشتیهای مذکور بادکوبه ممکن نشد که تا آخر
ماه آپریل بکارهای اسکوبلف برسد و ناصرالدین شاه چون مرمت و تعمیر لازم داشته
زودتر از پانزدهم اپریل ممکن نبود بکارهای قشون برسد و ضمناً معلوم شد که در صورتیکه برای
خلیج میخائیلوفسکی لازم شود کشتی معروف به آراکس را معین نمایند و این کشتی نیز عوض کردن دیگ
بخار لازم داشت

بنا بر انکار نمودن اداره بحری از دادن عده کشتی که برای این سفر جنگی لازم بود وزارت
جنگ از کمپانی قفقاز و مرکوری دو کشتی بخار شصت درجه قوتی و چهار طراده و دو عدد
که برای خلیج میخائیلوفسکی لازم بود اجاره نمود و ازین قرار در شش ماه اقلاً هر کشتی را

در هر ماهی شش هزار منات و هر طراده را در ماهی دو هزار منات ولی بعد از انقضای مدت

شش ماه اگر دوباره لازم شود هر کشتی را در ماهی هزار منات و هر طراده را ماهی چهارصد منات

و علاوه بر آن بعوض کشتیهای ناوی آوردن هر طراده را از حاجی‌ترخان بکراسنوودسک برگرداندن

آن کمپانی پنج هزار منات بگیرد

ژنرال آدمیرال. بریاست کشتیهای مذکوره که باداره ژنرال اسکوبلف سپرده شده بود

کاپیتان مالارف اجودان خود را معین نمود

بعد از رسیدگی و تحقیقات از خلیج میخایلوفسکی بنتیجه که برای آن معین کنند بطور تعیین مدون

و منظم آوردن آب شیرین بقدریکه لازم است این نقطه نمیتواند محل عمل حتی نقطه اعمال قشون

درجه دوم واقع شود زیرا که در منتهای این خلیج که معروف است به میخایلوفسکی پست و در ۱۸۷

قشون در آن مکان بنا ابدا آنچه انسان و بلکه حیوان بتواند بنوشد موجود نیست و در آن

ایامیکه قشون در حال امتحان بود همیشه یک گروهان پیاده علی الرسم جهة نگاهداری

نقطه میخایلوفسکی پست مامور بوده و آب برای خوردن این گروهان را روز بروز کشتیهای

ترکمانی از کراسنوودسک باینجا می آوردند بنا بر این در چنین وقتی که چنین سفری

در پیش است آیا نقطه میخایلوفسکی بهترین راه پیشه یا سیار مرکزی

اسباب ها

اسباب های آب شیرین کن ازین قرار سفارش شد که بسازند

اولا به علی و قنالی مهندس سفارش شد اسبابی از روی قاعده نماید بسازد

که در هر روزی یک هزار و چهارصد و هشتاد و شش پیمانه آب شیرین بدهد تمام قیمت

آن با کرایه آوردن از لندن بکراسنوودسک و کار گذاردن آن در آنجا [illegible] اسباب

لکن برای سوزانیدن آتش نفت باقی میماند و ساختن منبع برای نفت و سایر مخارج

دیگر آن بیست و پنج هزار منات و نهصد و شصت و نه منات بهم

ثانیا در سن پطرزبورغ بکارخانه نوبل سفارش داده شد اسبابی بسازد

که شبانه روزی ۱۰ هزار پیمانه ولو آب شیرین خوشگوار بدهد قیمت آن اسباب

با کار گذاردن آن در میخایلوفسکی و با دو منبع آهنی آب انبار که یکی از آنها صد هزار

و دیگری بیست و پنج هزار پیمانه آب جای بگیرد و با کرایه حمل کردن آن بمیخایلوفسکی دویست

بیست چهار هزار و ششصد و سی و پنج منات تمام میشود و موعد تمام شدن آن تا ۱۲

اوکوست بوده

ثالثا کمپانی قفقاز و مرکور سفارش داده شده اسبابی بسازند که در شبانه روزی

چهار هزار پیمانه آب بدهد و قیمت آن سی و پنج هزار و صد و بیست و پنج منات

تمام سیگر و دیدن اسبابیکه کمپانی قفقاز و مرکور داده شد مخصوص برای بعضی کشتی

ساخته شد که بهر کجا که بخواهند حرکت دهند ولی اسباب ملودنگی مخصوص برای

قائم و برقرار بودن در مکان معینی ساخته شد

قیمت تمام هر سه اسباب دویست و هشتاد و پنج هزار و نهصد و سی منات بود تفاوت و اختلاف قیمت

با این سفارشاتیکه به سه کارخانه مذکور داده شد از این قرار است اولا اسبابیکه

کمپانی قفقاز و مرکور سفارش شد بسیار ارزان و ساده بود چنانچه هر پیمانه آبی

منات و ده کوپک تمام میشد و اسباب آن عبارت از اسباب دودکهای

کهنه گشته بی علمانه بکار برده و خاصیت آن اسباب آن بود در ابتدای کار آنچه که برای استعمال

لازم است بدهد چونکه کمپانی مذکور تعهد کرده بود کلیه اسباب را در مدت دو ماه حاضر

نماید تا نسبت ملودنگی تعهد نموده اسبابرا که بقاعده زمان با و سفارش شده

بطور تخمین بسازد و از اسباب هر پیمانه آب را ۱۸ منات تمام سیگر و این اسبابیکه

با این قاعده ساخته میشود بهتر و جدیدتر و تخمین تر از جمع اسبابهائیست که بقاعده

و طرزهای مختلفه دیگر در این عصر در تمام مملکت اروپا ساخته میشود و سبب ساختن

آنهایی گرانی و بالا کوچکی آن بود که بعد از امتحان و دیدن نتایج آن از همان

قاعده در روسیه بسازند

ثانیا اسباب نوبل و برادرش بانه روزی پانزده هزار پیمانه آب حاضر میکرد و دو اسباب

دو انبار آهنی بود که صد و بیست و پنجه پیمانه آب بسیار میگرفت تا آخر سنه ۱۸۹۰

۱۸۸۰ حاضر شد و این اسباب عمده تر از سایرین بوده و تمام قشور را قوی انسب از سایرات

آب آنچه نماید اگرچه قیمت آن بیشتر از قیمت اسباب کمپانی قفقاز و مرکور بوده

ولی تخمین تر از آن نیز بوده

برای برقرار نمودن مراوده جنگی در ماورای خزر از جانب اعلیحضرت امپراطور حکم شد

که از خلیج میخائیلوفسکی بفاصله صد ورست بجانب قزل آروات راه آهنی

بطریقه دکوویل بکشند و چون قطعهای عجله را واکشیدند اول بیست و نهم مارت حکم شد

که لوازم و اسباب راه آهن و دستی را سفارش دهند هشتاد و پنج ورست آن

بکارخانه ملسو سفارش داده شد و بیست و پنج ورست دیگر آن بکارخانه دکوویل در فرانسه

و مقصود از سفارش دادن بخارج مملکت آن بود که در کارخانه دکوویل بهتر و تخمین تر خواهند

ساخت و در صورت لزوم ممکن است در کارخانهای روسی از همان روی بسازند

و اما اجزای متحرک متعلق براه آهن را اخیرا و اعظم آن را یعنی دو دستگاه و پانصد

که یک هزار راس اسب قیرقیزی برای این کار بخرد و برای این اسبها تسمه و یراق

در سن پطربورغ سفارش گردید که درست نمایند

ژنرال آننکوف صد دست اسباب و یراق بسیار اعلی برای اسبهای راه آهن

از قرار دستی دوازده منات و پنجاه کپک تمام شده و در ابتدای ماه مای نمونه آنها را

به کراسنووودسک فرستاده بعد از آنکه این یراق ها را با متحان رسانیده لازم دیدند

که بعضی تغییرات در آن بدهند

یکی از تجار سن پطربورغ یراق را به عهده گرفت که پانصد و پنجاه دست از قرار

دستی یازده منات و هفتاد و هشت کپک تمام نماید در اواسط اویل تمام یراقهای

مذکور از سن پطربورغ فرستاده شد به کراسنووودسک

ژنرال اسکوبلف یک گروهان سرباز مخصوص برای ساختن راه آهن خواسته و این گروهان

مرکب بود از پنج نفر صاحب منصب نظامی و یازده نفر صاحب منصب غیر نظامی و دویست و شصت و

دو نفر تابین و تمام تابین ها از اشخاصی بود که بخوبی از ساختن راه آهن مطلع بوده در چهار روز هم

های بجانب کراسنووودسک مامور شده در بیست و پنجم مارس وارد کراسنووودسک

گردیدند و در بیست سیم یون از انجا حرکت کرده به بنخایوفسکی آمدند

و پانصد واگن را در فرانسه سفارش داده و صد واگن کارخانه مالسوو زیرا که این اسبابها

در فرانسه هم بسیار بهتر و کم قیمت تر میساختند

قیمت هفتاد و پنج ورست راه آهن و صد واگون که به کارخانه مالسوو سفارش شده بود

با کرایه آن یعنی تحویل نمودن با دارهٔ نظام در منزل بریان راه آهن ازلوفسکو

صد و نود و سه هزار و پانصد و پنجاه و هشت منات تمام شد

قیمت سفارشاتیکه در فرانسه بکارخانه دکوبیل داده شد یعنی بیست و پنج ورست راه

آهن و دو دستگاه بخار و پانصد واگون با تحویل نمودن آن با داره نظام در انوزن

صد و چهل و دو هزار و هشتصد و هفت منات تمام شد

کرایه رسانیدن تمام آنها بکراسنووودسک صد و نوزده هزار و هفتصد و دو منات

شد و دید تمام مخارج آن بهمه جهة چهار صد و پنجاه و شش هزار و پانصد و پنجاه و هشت

آنچه که در فرانسه سفارش شده بود که در سلخ ایون حاضر شود و آنچه بکارخانه

مالسوو سفارش شده بود قرار بود تا سلخ ایول حاضر نمایند ولی کارخانه دکوبیل تا پنجم

اوگوست و کارهای کارخانه مالسوو تا دوازدهم سپتامبر تمام کردیدند

چون این راه آهن دکوبیل اسب نیز لازم داشته لهذا ژنرال پطروسویچ سفارش

که یک هزار

با کرومان مذکور تمام اسباب و لوازم تلگرافی با مفتول سیم دویست و هشتاد ورست راه
آهن نیز همراه کرد

یسار ویوکویچ و پوگورلکو و آداودورف صندس و بیدرمان تلگرافچی که در جزو همین گروه مان
بودند مدتی قبل از حرکت کروان مامور شدند برای بازدید و آشنائی با جهت و امتداد
آهن کشیده خواهد شد و ایشانرا بنا سپرده شد که معین نمایند در چه نقطه خلیج نیخالیو
مکی بندر برای راه آهن با مجرای قدیم آمودریا هر سه راه را بدقت تمام رسیدگی کرده و این
خصوصیات ان تحقیقات بعمل آورند یعنی یکی از نقطه آخر خلیج نیخالیو کیلی شروع شود دوم
آنکه از کنار خلیجیکه در نزدیکی جزیره [illegible] او واقع است و سیم آنکه از کراسنوودسک بار دهانه
کوباسیکر شروع شود هم چنین تعیین نمایند نقطه را که راه آهن اصلی از آنجا شروع شود و از علامات [illegible]
بکذرد و بمحض اینکه اسباب راه آهن برای نیم فرسخ اول رسید بدون تعویق آن را بهر قرار
بکذارند و بفهمند چه تدابیری لازم است برای دفع و رفع اشکالاتیکه در تمام کردن این راه
روی خواهد داد در باب مسئله فراهم آوردن آب تحقیقات کلی بعمل بیاورند بخصوصه
از چاهای طلاقاری و بطور صحیح معین نمایند که آیا ممکن است کاریز از [illegible] شیرین های
آب شیرین کی نیز تحقیقات بعمل بیاورند

یکی از اسبابها

یکی از اسبابهائیکه در ماوراء الخزر لازم بود برده شود برای حمل بارها لکلی موتور روتیر بوت
در سنه ۱۸۷۷ دو روتیر بقفقاز فرستاده شد لیکن بعد از امتحان معلوم شد که این اسباب
در زمینهای شنی [illegible] ژنرال کرنف کارپرو از نظامی دولت روس مقیم لندن اعلان
نموده که یکنفر انگلیس موسوم به بیرزه اختراع روتیری کرده است که در شن خاک نرم بکار
میکند

اعلان نمود که یکنفر انگلیسی موسوم به میرزه اختراع کرده است که بخوبی بر روی زمینهای شنی
و بر خاکهای نرم حرکت میکند بنابراین اعلان کراف میلیوتین اجزاء مخصوص و کامیسیون
علمی را مامور نموده بلندن که در این خصوص اطلاع بهم برسانند اگر در واقع مفید است
سفارش و [illegible] صاحب‌منصبان مذکور بلندن رفته اختراع مزبور را پسندیده و در آن [illegible]
ندیده مراجعت نمودند

ولی چون روتیر در اغاصله قلیلی در کنار ساحل زمینهایش محکم و غیر شنی باشند فواید کلی
داشتند لهذا سه روتیر بماوراء الخزر فرستاده شد و عده از انها
همانهائی بود که در باکو بود و یکی از انس [illegible] صاحب‌منصب و چهارده نفر تابین
از اجزاء همان کار با آنها فرستاده شد مخارج سه دستگاه و مواجب [illegible]

آنها در سالی سه هزار و هفتصد و پنجاه منات بار دیده شد

اکنون ذکری میکنیم از اظهاراتی که ژنرال اسکوبلف در سن پطربورغ در خصوص توپخانه و مهندسی کرده است

میتوان گفت که توپخانه بقدری که در مملکت آسیا درجه و شأن دارد در هیچ مملکتی ندارد و عدهٔ توپ در آسیای مرکزی آنچنان منزله و قربی دارد که میتوان گفت

که توپخانه بقدری که در مملکت منزله و قربی دارد که میتوان گفت در جنگ داشتن توپ بسیار با قورخانه کم فایده اش بیش از برداشتن توپ کم با قورخانه بسیار است

اهالی آسیا قوه و قشون دشمن را از عده و بسیاری توپ آنها میدانند چنانچه بالکمال تعجب میگویند که آنها فلان قدر توپ دارند

در جنگهائیکه دولت روس در آسیای مرکزی کرده است در هر هزار نفری از قرار تفصیل ذیل توپ داشته است در قشون پرفسکی در جنگ خیوه در هر هزار نفری چهار عراده و در مقابل آق مسجد در هر هزار نفری شش عراده و در قشون سیمیان در تعاقب پیشپق و تکماک در هر هزار نفری نه عراده و در قشون چرنیایف در مقابل تاشقند در ماه سپتامبر سنه ۱۸۶۴ در هر هزار نفری هشت عراده و در ماه مای سنه ۱۸۶۵ شش عراده و در قشون

رمانفسکی در جنگ [illegible] در هر هزار نفری سه عراده و در قشون کریژانفسکی مقابل اوراتوپ در هر هزار نفری هفت عراده و نیم مقابل [illegible] در هر هزار نفری شش عراده در جنگهای مقابل خیوه در هر هزار نفری از این قرار توپ موجود بود در قشون [illegible] هیچ و در قشون ورفکین هفت و در قشون مارکوزف هفت و در قشونیکه از جانب قفقاز بجاور [illegible] فرستاده شد باستثنای قشون مارکوزف نسبت بجمعیتشان توپ بسیار کم داشتند از این قرار قشون منقشلاق در سفر خیوه در سنه ۱۸۷۳ در هزار نفری دو و نیم عراده و در سنه [illegible] در قشون لماکین در هزار نفری دو عراده و در سنه ۱۸۷۹ در گکتپه در هزار نفری چهار عراده توپ داشتند

رسم عمومی اهالی آسیا آن است که آنچه توپخانه دارند حرکت میدهند و توپخانه مجبور میکنند آنها را که با آنچه قوه دارند جنگ نمایند و عقیده شان بر آن است که فتح و نصرت بسته است به نگهداری توپخانه از همین بابت بود که آلیکول توپچیان خود را بسته بود به توپ و در کتاب قانون جنگی حالیه قشون [illegible] نوشته شده است که در اوقات تیراندازی از توپها افواج باید بحالت ستون شوند و نگذارند که دیگر توپ را ملاحظه کند چونکه اگر دشمن توپ را به چند [illegible] است و در اطراف

نشان کند عموماً عقیده آنها بر آن است که آنچه ممکن است نگاهداری از توپ

نمود زیرا که بر آنند که هر توپی مقابل است با قوهٔ هزار نفر بهمین جهت بود که ژنرال اسکو

بلف میگفته که اگر حق و اجازه میداشتیم چند عراده توپ کهنه میدادم به تکه

بملاحظات مذکوره ژنرال اسکوبلف مخصوصاً میل از همه در فکر توپخانه بود که اولاً سطوه

دشمن را متعجب و بیمناک نماید چه از بابت زیادی عده توپ ها و

و چه از حیثیت قسم های مختلف بودن توپها

بنابراین مستدعا نمود که علاوه

بر باطری که در ماوراء الخزر بود که عبارت بود از شش توپ صحرائی و دو باطری توپ دوزن

سبک و یک باطری کوهی دور زن و شش خمپاره و نارنجک بحری و خمپاره

دستی و گرنادوستی

و دیگر علاوه بر آن مستدعا نمود که از توپهای کهنه که در انبار قفقاز موجود است

نیز برای او بفرستند مختصر آن که خیال شخصی ژنرال

اسکوبلف آن بود که در هر هزار نفری کمتر از ده یا دوازده عراده توپ در [illegible]

حاضر نکند بنابر آن از برای تمام قشون هشتاد بلکه صد عراده توپ لازم بود

و دوراز

و دوراز خیال و میل خود را بخوبی صورت داده

یکی از عقاید دیگر ژنرال اسکوبلف آن بود که باید تمام اسکادرانها و دستهای سوار

هر کدام چهار صندوق فشنگ جنگی با خود داشته باشند و خاصیت این فشنگها

آن است که سوار در صورت داشتن این فشنگها و همراه نداشتن توپ و غیره

محتاج نمیباشد لهذا برای هشت اسکادران سواره که با او بودند دو صندوق فشنگ

جنگی خواسته و هزار پارچه تسمه برای بستن فشنگها بترک اسبها چونکه عقیده

او آن بود که لازم است هر یک نفر سواری یک فشنگ با خود داشته باشد

در سفر سنه ۱۸۷۸ قشون روس در جنگ تپه متحمل شکست شدید شدند مخصوصاً در آن جائی که دیگر

با چندین هزار آلاچیق ها که متصل بیکدیگر زده شده بود در پشت دیوار پنهان شده و جنگ

داری [illegible] از قرار تجارب آن سال گلوله توپ ابداً اثر و آسیبی به آلاچیق ها

نمیکند پس از این قرار یورش بردن برای قلاعیکه در آنها آلاچیق ها را متصل بیکدیگر زده اند

کار دست بسیار مشکل و پر خطر بنابراین بطور یقین برای محاصره نمودن و گرفتن گیوک تپه

و بجائی که تمام تکه در آنجا اجتماع نموده اند چاره و تدبیری نیست مگر آنکه بمرور بواسطه

حفر کردن ترانشه پیش رفت و محاصره نمود و آتش و گلوله توپ هم که ابداً [illegible]

صدمه و آسیبی بآنها نیز نرسد پس باید تدبیر دیگری نمود و آن تدبیر آن است که موشک‌های

بزرگ سنگینی و گرانادهای زمینی بکار برده و موشک‌های بحری چوب بسیار باریک و طولانی

نیز بسیار آسان و کم خطر است و در خراب نمودن دیوار و غیره اثر و فایده کلّی دارند

میتوانند بواسطه صدا و برقهای خود بیم و ترس بزرگی بدشمن وارد آورند لهذا ژنرال اسکو

بلف برای هر توپی شصت عدد از این موشک‌ها خواست

یکی از کارهای دیگر ژنرال اسکوبلف آن بود که از ژنرال تیوتیف که در هنگام

تسخیر نمودن جیزاک باطری که مخصوص است برای تیر انداختن از سوراخ‌های دیوار

بداخل قلعه یا شهر دشمن مأمور بجیزاک بود خواهش نمود که دستورالعملی در خصوص

تیراندازی از سوراخهای قلاع بداخل قلاع باو بدهد

آنچه را که ژنرال اسکوبلف خواسته بود باو دادند بجز خمپاره‌های دستی و گرانادهای

دستی زیرا که اداره توپخانه اظهار نمود که در این عصر استعمال برداشتن آنها هم اوا

و شایسته نیست و همچنین اداره توپخانه از دادن خمپاره‌های پنج و نیم پوطی

انکار کرد و ژنرال اسکوبلف اظهار کرد که از خواستن آنها انکار نماید لیکن

اسکوبلف بملاحظه تجربه که در سفر جنگی در تعاقب خیوه حاصل شده بود که از شب ۲۸ هشتم

تا شب بیست و هشتم ماه مای سنه ۱۸۷۳ فواید بسیار از آنها حاصل شده بود و ضرر

بسیار در رفتن آنها داشته

و امّا در خصوص دستگاه و اسباب مهندسی ژنرال اسکوبلف خواهش نمود از ژنرال

آدیوتانت کراف تتلبن که آن را از قرار تفصیل ذیل ترتیب دهد بقسمی که تا آخر

ماه اپول در پطرفسکی حاضر و مهیا بجهه باشد هزار و پانصد بیل چهار صد کلنگ و ششصد

و ششصد تبر و صد و سی اره و دو با عمله جات شش و پنج دست اسباب

برای سوراخ کردن و متر کالیپد تخته سنگهای بزرگ و صد و پنجاه پود باروط و بیست

پود دینامیت علاوه بر اینها اسکوبلف لازم دانسته که باید بطور حتم

تمام آحاد و افراد قشون مأمور جنگ حتی سوار و توپخانه اسباب

داشته باشند

اگر چه در مجلس سن پطرزبورغ گفتگوی نقب زدن بقلاع دشمن هم بود لیکن

اسکوبلف عجالتاً اسباب آن کار را نخواسته و گفته بعد از آشنائی بهر

با وضع دشمن خواهیم خواست

و دیگر چون اسکوبلف اعتقاد کاملی بعلم قلعه سازی داشته از معلم مدرسه مهندسی

پالکونیک کیوئی خواهش نمود که دستورالعملی برای او ترتیب دهد که چه قسم باید بشود

و ساخته شوند قلاعیکه ساخلوی کم لازم داشته باشند ولی در اینها انبارهای

بزرگ بوده باشد کیوئی دستورالعملی کامل در این باب ترتیب داده برای او فرستاد

و اما در خصوص تلگراف از تفلیس بماوراءالخزر دو خط تلگراف کشیده شد یکی از بادکوبه

با استرووسک و یکی از چکشلار با استرآباد و این خط تلگراف دوم محض رسیدن اطلاعات

از استرآباد و خط اترک بوده ژنرال اسکوبلف برای کشیدن خط تلگراف مابین

کراسنوودسک و خلیج میخائیلوفسکی برای فاصله صد و پنجاه ورست سیم تلگراف و سایر

متعلقات آن را خواسته و دیگر برای کشیدن خط تلگراف از چات تا اوزن آتش

برای دویست ورست راسیم و لوازم آن را خواسته ژنرال اطرپوسویچ سپرده شده

که بمحض ورود بماوراءالخزر سه هزار و صد عدد ستون برای تلگراف همیشگی تهیه

نماید و لوازم تلگراف جنگی را اقرار شد که بعد از این رفته رفته از دستورالعمل

تهیه شود

برای اطلاع داشتن دسته‌های قشون از احوالات یکدیگر در آن جاهائیکه تلگراف نیست

حکم شد که در ماوراءالخزر یک دسته برای تلگراف شمسی برقرار نمایند چنانکه اهالی

تلگراف شمسی در هنگام جنگ با زولوها و مخصوصاً در هنگام جنگ با افغانستان صدمات

بزرگ و فواید الی غیرالنهایه بانگلیس‌ها رسانید

اگرچه عیب بر قشون روس معلوم بود آن را در اردوهای تاشکند آن را با امتحان

و تجربه رسانید و در دوهای مابین کالاتس و برالیف برقرار بود ولی تعداد چندان

با آن نه نموده بکلی از میان رفته در هنگام جنگ انگلیس با افغان به تلگراف شمسی

تغییرات کلی داده شد در قسم نیا در سنه ۱۸۷۸ یورش بردن به نوار کتل و ...

ژنرال برتس قشون خود را از اسپیکاف گذرانید افغانها دو دفعه شکست

کابل داده بعد از شکست‌ها که نزدیک بود بکلی تمام قشون او منهدم شود با تلگراف شمسی

تفصیل را رسانید قشونیکه معین شده بود برای حمله عمومی و بهمین واسطه قشون

او نجات یافته و شکست او مبدل بفتح گردید زیرا که این دسته قشون معین شده بود

که در هنگامیکه لازم شود عموماً یورش برده بانجانب حرکت کنند در این وقت

علامت تلگراف شمسی بانها فهمانید که بزودی باید خود را برای یورش عمومی برسانند

و همینکه بانجا رسیدند هر دو دسته قشون یکدفعه یورش برده شکست بر افغانها

وارد آوردند مخصوصاً در هفتم اکتبر سنه ۱۸۷۹ فایده بزرگی تلگراف شمسی بانگلیس‌ها رسید.

از این قرار پست و یک هزار و چهار صد نفر قشون هندی انگلیس بریاست پالوئیک
توئی محافظت شتر گردن رسیکرده‌اند که در پنجم اکتبر ده هزار متعصب و یورش و حمله با آنها
سپردند و در هفتم آب را از انگلیس ها بریده و تمام حیوانات بارکش آنها را گرفته پالوئیک
توئی که از همه طرف محاصره شده و سه روز است که خبری ندارد که در عقب سر او
در علی خیل و در سوارکتی کار بکجا کشیده است و ژنرال بریتس در کجا چه شده و کار
کابل بکجا رسیده است که عقبا با علامات شمس از شینگای ها و رسیده که ژنرال گوگس گور او
در این نقطه است و در کار حرکت برای خلاص از اوی قشون تو چه باشد بعد از قلعه
بیرون آمد از تعاقب ژنرال گوگس گو او نیز تعقیب رسید افغانها را شکست داده
پالوئیک سوبولف که بخوبی جنگ افغانستان را دیده بود ادعا نیست که روسها را
منفعت فوایدی نمود که انگلیس ها از خطوط تلگراف شمی برده بهره و ثابت نمود که چنان است که
بوده باشد بلکه یکی از ضروریات قشون است مخصوصا در آن جاهائیکه تلگراف را
متصل مقطوع نماید
ژنرال گرلف کارپرداز جنگی دولت روس در انگلیس از وزارت جنگ سپرده شد
که ترتیب دسته برای تلگراف شمی در ماوراء الخزر از قرار تفصیل ذیل بدهد

داموریکه

در صورتیکه فرض شود که فقط فاصله‌ای که در این شعر امتد تلگراف لازم است شصت ورست
بشود و هر منزلی را ای ورست قرار دهند پست و دستگاه لازم است اجزاء آن مرکب
از سه صاحب منصب که بخوبی علاوضع استعمال آن را بدانند و پنجاه نفر تابین با هر دستگاهی
دو نفر و ده نفر هم یدکی باشند و این تابین ها را از عمله جات تلگراف معین نماید بخصوصا
آن چنان اشخاصی را که بخوبی حروف مرز را بدانند بدون تعویق و تعللی مشغول
تعلیم و آموختن آنها شوند
برای انجام این مقصود دسته ترتیب داده شد مرکب از پنجاه نفر و برای
آموختن آنها اشخاص مفصله را از اداره تلگراف خانه جنگی معین نمود مشهور است
کاپیتان ماکسیموویچ را بریاست تمام خط تلگرافخانه آفتابی و ... تا ب اول
اول و تاپ دوم اشتراک این دسته در مشق و هم آپریل با چهار دستگاه
تلگراف آفتابی که در تلگرافخانه موجود بود برای امتحان و تجربه نمودن
ماوراء الخزر شده در سیم های وارد چلیشر شدند
به گرلف حکم شد که چهار ورخ دستگاه آفتابی در لندن بخرد و یازده عدد
با شیشه سه دویمی و دوازده فوت و پانزده عدد با شیشه پنج دویم

و پنج یکی پانصد و دوازده توپ و یازده عدد دیگر بسیار بزرگ ده دیویزیون توپخانه یکی پست توپ و

بعض انبکه حاضر شده بخط مستقیم تا یک نفر صاحب منصب و چهار نفر تا پیش روانه ماوراء الخزر نمایند

در یازدهم مارت ژنرال اسکوبلف رئیس نظام ماوراء الخزر ژنرال کطروسویچ را

که در پطرزبورغ بوده مامور ماوراء الخزر نمود که علاوه بر خریدن اسبهای قرقیزی و درست کردن

ستونهای تلگراف برای خط از کراسنوودسک تا میخایلوفسکی ده هزار جفت

کجاوه برای شتران حاضر نماید و برای دوازده هزار نفر قشون از قرقیزهای ملک

ذرع نیم از نمدهائیکه قرقیزها بر روی آلاچیقهای خود میکشند و پنج هزار چهار شتر دیگر

تهیه کند و شتربان از منقشلاق و شترخان و استاد و زوپل و ترازیچر

نماید و برای هزار راس اسپی که خواهد خرید مهتر حاضر کند که آنها را از منقشلاق

بکراسنوودسک بیاورند و هر قسمتیکه میداند آدم برای خالی کردن بارها

از کشتیها بساحل حاضر داشته باشد زیرا که ژنرال اسکوبلف صلاح نمیدانست

که بارها را بتوسط سربازها از کشتیها خالی نمایند و سکنه را از جهت اجرت

باین بزرگی بسربازیکه مامور چنین مغربیت وارد آوردن او را خسته خواهد

کرد و گاه وجود آب برای شتران و اسب در بندر اسکندریه و در تمام

راه حاضر نماید برای کمک ژنرال کطروسویچ از پطرزبورغ پاو بالگونیک

یوسودسکی و کاپیتان بلنتسکی را مامور نمودند و برای مخارج مذکور هفتصد

هزار منات بژنرال کطروسویچ داده شد پانصد هزار از آن برای خریدن

شتر و صد هزار برای خریدن سه هزار اسب و صد هزار منات

دیگر برای سایر مخارج

در آخر دستورالعملهائیکه مذکور شد ژنرال اسکوبلف از ژنرال کطروسویچ

خواهش نمود که یکنفر صاحب منصب ارباب قلم از جانب دیوان محاسبه

برداشته حساب مخارجی را که میکنند با او مامور نماید

مسئله در خصوص برداشتن با خود از جانب دیوان صاحب منصبان ارباب

قلم برای برداشتن صورت مخارج یکی از مسائلی بود که ژنرال

اسکوبلف اولیتر از جمیع مسائل میدانست چنانچه مکرر اظهار کرده

بود که اگر اینگونه صاحب منصبان برای ضبط نمودن صورت حساب مخارج

از جانب دولت با او مامور نمایند ریاست این سفر را

قبول نخواهم نمود و استدعای من اینست در این فقره پیش از همه

چیز مواظبت داشته باشند زیرا که من بودن اینگونه صاحب‌منصبان را
در دسته قشون یکه سپرده و او انچه من است بسیار دوست و عزیز دارم
ولی از جانب خود چنین صلاح دانسته که وجود او باید برای تغیر مأمور این انجمن
مأمور نموده لهذا در پنجم ماه اعلیحضرت امپراطوری عرض شده و در آن باب حکم صادر
رای انجام رسانیدن و مأموریت باین شغل ژنرال اسکوبلف
استدعا نموده که چرو انسکی را که اینک در ترکستان مأمور همین
عمل هست و مدتها در آسیای مرکزی در همین شغل بوده است و داشته
معین نمایند که بهتر از هر کسی قانون این کار را برای آسیای مرکزی
میداند علاوه بر این جناب ژنرال اسکوبلف مقصودش آن بود که در مأموریت
خود رابطه و بستگی با ولایت ترکستان داشته باشد و آذوقه
و بعضی لوازم دیگر که برای قشون لازم است از انجا بیاورد لهذا آن ژنرال
چرو انسکی را که از جمیع خصوصیات و کیفیات ترکستان مطلع است
بر سایر مردم ترجیح داده و در کاغذی که به سولسکی نوشته بود در باب
این فقره چرو انسکی را از این قرار توصیف کرده چون بخاطر

آوردم

آوردم کارروائیهای چرو انسکی را در ترکستان او را برای غرض خود بهترین
بهترین اشخاص و اتم جمیع الجهات میدانم او آسیای مرکزی را بخوبی بلدیت دارد
قواعد و قوانین حرکت قشون را در آسیای مرکزی میداند و از بعضی فقرات که
برای قشون ما لازم میشود بخوبی اطلاع دارد و آدمیت بسیار درست کار
و از توصیفات او یکی این است که من میدانم ده سال قبل از این وقتی که
در تاشکند جمعه بازار و منزلگاه عمومی میساختند او هم در جزو اشخاصی بود که مأمور
آن بناها بودند او مکرر میگفته که بعد از سه سال دیگر قزاقها حجره‌ها را از خیمه‌ها بیرون خواهند کرد
و سرباز در عمارات آن جای خواهند داد و عمارت منزلگاه عمومی را بعد
از پنج سال دیگر تماشا خواهد شد تمام آنچه گفته بود بعینها بوقوع پیوست مگر اینکه
عمارت بعد از هشت سال تمام شد میل و خواهش من بر این است چرو انسکی
در قشون من بوده باشد
مسئله آخر که در این باب لازم بود از نظر بود و حکم صادر شود که فقره
تعیین کردن رئیس گلاوی ستاب بغیر بعد ژنرال اسکوبلف استدعا نموده بعد
که باین شغل پالکوونیک کوروپاتکین فرمانده بریگاد ترکستان تعیین و مأمور

نمایند ولی ژنرال کاوفمان حاکم ولایت ترکستان بملاحظه همسایگی و بستگی با چین

راضی نشد که او را از آنجا برای این شغل بخواهند و دیگر اسکوبلف بپالوینک

سبولف رئیس کلانتری اینستاقشون قسمت آسیائی اظهار کرده او نیز قبول نه نموده لهذا

اسکوبلف واگذار کرده بوزیر جنگ که هرگاه که میل دارد برای این شغل بجا[ی] او پالوینک [illegible]

(قبل از آنکه احکام) در خصوص مطالب عمده از پطرزبورغ صادر شده ختم نمایم لازم است که ذکری

از فقرهٔ ذیل نمایم

ژنرال اسکوبلف بوزیر جنگ اظهار نموده که چون دانستن بعضی اخبارات عمدهٔ متعلق

با آسیای مرکزی و افغانستان و ایران و متعلق باروپا لازم است اجازه

داده شود که از ادارهٔ عمدهٔ ملکی اخبارهای پلتیکی را باو برسانند علاوه بر این (به فقره)

اجازه داده شد کارپرداز نظامی روس مقیم لندن ژنرال گرلف تعهد نمود

که او نیز این چنین اخبارات را از انگلیس باو برساند

دیگر آنکه قدغن شد که قشون بهیچوجه روزنامه نگار را راه ندهند و در روزنامه‌های

تمام روسیه ابدا اخبارات متعلق باین سفر را ننگارند مگر آن اخباراتی را که (وزیر)

جنگ اجازه دهد و آن هم در روزنامهٔ روسکی اینوالید و در قفقاز در تمام

بحر خزر و در شترخان نیز قدغن شد که اخباراتی که از قشون میرسد منتشر نشود

در بیست هشتم مارت که ژنرال اسکوبلف میخواسته از پطرزبورغ بیرون بیاید

و بجا و رادا آنکه [illegible] خدمت وزیر جنگ (وزیر جنگ [illegible]) دستورالعمل و سفارشات ذیل را

باو نموده از آنجائیکه معلوم است تمام اعمال جنگی ما مقصودی فیصل کر[دن]

بصلح در آوردن و اسیر کردن ترکمانها مقصود و حاصل این جنگ هم باعمال

باشد پس بهیچوجه بر الاهم نباید طالب جنگ بود و اسباب از افراد [illegible] آورد

باب پنجم

آمدن ژنرال اسکوبلف بتفلیس — گرفتن ژنرال اسکوبلف احکامات — پرول

آمدن ژنرال اسکوبلف از تفلیس — وارد شدن ژنرال اسکوبلف بساحل شرقی بحر خزر —

تنظیماتیکه ژنرال اسکوبلف در قلعه اسکندریه و در کراسنوودسک داده است

چهارم آپریل ژنرال اسکوبلف وارد تفلیس شده و در مجالس شورای با رؤسای ادارات ملوکی

و چه در مجلس شورای کل که رئیس آن بسبب حضور نداشتن شاهزاده میخائیل نیکلایویچ شاهزاده

ژنرال آدیوتانت ملیکوف بود تمام مسائل و مطالب متعلقه بسفر ذکر شد و احکامات

قطعی درباره آنها صادر گردید فوراً بدون تعویق و تعللی شروع بانجام رسانیدن آنها

نمایند ولی باید دانست که مسئله برای خود اسکوبلف مجهول بود که قبل از همه مسائل برای

او لازم بود و آن عبارت است از اینکه مفید است در چه موعد و در چه وقت اسباب

و لوازم حمل اسباب قاطر غراده کشتی وغیره برای او کلّی آماده و مهیا خواهد شد و بواسطه

مجهول بودن همان مسئله او مجهول بود که در چه وقت قشونها موران سفر را در یک نقطه جمع

آوری نماید و در چه وقت آنها را از ساحل شرقی بحر خزر حرکت دهد و علاوه بر آن سبب

مجهولی همان فقره مفید است که بگذارد در نقطه بعضی لوازمات و اسبابهای غیر مخصوصه بود که مخصوص آنها

روانه نماید

حرکت دادن قشون و هر گونه لوازم آن از راه بادکوبه به هیچ وجه امکان نداشت زیرا که در این راه

یعنی از تفلیس تا بادکوبه به سبب مرگ و میری که پیدا شده بود همه قسم لوازم حمل یعنی شتر و قاطر و عرابه‌جات

بارکشی و غیره بسیار کمیاب شده بود و از برای حکومت‌ها نیز ممکن نبود که اینها را در حکومت رسانیدن

ممکن نبود که لنگی تقشون کنند چه از بابت دربند و روس‌ها چاروادار و چه از ارباب ... صدمه کرده بود

علیق چونکه به سبب غارت و خرابی زرعی که در سنه ۱۸۷۶ و در سنه ۱۸۸ ملخ (سن) در خاک

فراهم آوردن علیق امکان نداشته بنابراین مرکز و نقطهٔ عمده که باید قشون و لوازم آن

از هر طرف در آن نقطه جمع شود بندر پطروفسکی شد و بعد از آن حاجی‌ترخان که نقطهٔ عمده

جمع شدن آذوقه بود و دیگر بندر لنکران نقطهٔ عمدهٔ جمع شدن کاه بود و در بندر بادکوبه همه

بعضی اسباب‌ها بود زیرا که حمل آن از آن مقاطع داده نشد جمع‌آوری شد

علاوه بر قشونی که در راه و راه آخر بود قشون ذیل را برای عملیات جنگ معین کرده که هر ... از هر کدام سه باطالیان

... نفر بخواهد حرکت نماید از افواج بریگاد اول دیویزیون نوزدهم پیاده از هر کدام ...

با فرماندهان فوج و فرماندهان بریگاد و موزیکانچیان و اسلحه‌سازهای اینها و از فوج

آپشرون و داغستان و شیروان از هر کدام یک باطالیان و دو دسته

موزیکانچی

موزیکانچی از افواج سامورسکی و داغستان و دو اسکادران از فوج دراگون از فوج ... و هم

توروسه اسکادران از فوج سوارهٔ تامان و باطری سیم و چهارم از بریگاد نوزدهم و باطری

اول و ششم بریگاد چپت و یکم و پارک سریع‌الحرکه نمبر پنجم

برحسب حکم اعلیحضرت امپراطور که در اول مارت صادر شده عدهٔ اشخاص تمام باطالیان‌ها و باطری‌های

مذکور و گروهان‌ها را که در راه و راه آخر بوده تکمیل نفر از قرار در زمین گروهانی صد و چهار

نفر و عدهٔ اشخاص باطری توپخانه هم از قراری که در اوقات جنگ رسم است

کم و کسر باطالیان‌ها و باطری‌های مذکور را حکم شد از باطالیان‌ها و باطری‌های ... تکمیل نماید

افواج دیویزیون نوزدهم را از افواج کوبان و تریز و استاورپول و از باطالیان‌های سیم

و چهارم ... قفقاز و گروهان ... را از باطالیان ... قفقاز و باطالیان‌های

افواج آپشرون و داغستان و شیروان را از افواج بادکوبه و داغستان و کسر اشخاص باطری‌های

باطری سیم و چهارم بریگاد نوزدهم توپخانه و باطری ... بریگاد چپت و یکم را از بریگادهای ...

تکمیل کنند باطری ششم بریگاد چپت و یکم از همه جهت هم از اسب و هم از آدم تکمیل بود و هیچ ...

نیز ... داشته و باطری چهارم بریگاد سیم که در راه و راه آخر بود نیز از همه بابت تکمیل بود و هیچ ...

... دوازده صد و ... گلوله که تماشای ... اسب هم و حکم شد که اشخاصی را که

از باطالیانها و باطریهای فوق برای تکمیل باطالیانها و باطریهای مورد رسید بشوند
باید تماماً سالم و قوی بنیه باشند و از هیچ بابت نقصی از حرکت جنگی نداشته
باشند و منتخب کردن آنها بعهده روسای نظام همان ولایات سپرده شد
ولی بتصدیق و ثواب دید اطبا

از برای تمام اثقال قشون قرار شد که عرابه و اسباب کشی چه دیوانی چه غیر دیوانی با خود بردارند
ولی اسب تمام صاحبمنصبان نظام و اسباب کشی‌ها و صاحبمنصبان غیر نظامی اجازه داده
که بردارند و علیق دیوانی نیز بآنها داده شود و باقی اسباب و اثقال قشون باید با شتر
حمل شود ولی در این باب استثنائی برای قشون سواره نمودند که در همراه آنها در ده راس
اسب باری داشته باشند برای حمل بعضی لوازم توپخانه و بردن مریضها قدری
و احکامات مذکور بسبب ملاحظه‌های ذیل شد چون از ساحل بحر خزر تا آت
او آزیس در همه جا آب خوب بسیار کم یاب بهم و علیق در هیچ نقطه یافت نمیشد
لهذا مجبور بودند که حتی الامکان سعی نمایند که عده اسبهای قشون را کم نمایند و کوشش
نمایند که هرچه ممکن است از عرابه‌ها و کارهای بارکشی دیوانی بکاهند زیرا که ملاحظات
مذکوره لازم بود که عرابه و کارها را همان آب و علیق بهشا بار نمود برای اسبهای همان عرابه و کارها

اعمال غیر جنگی نسبت بمقصد قشون را آنچه ذکر شد چنانچه کارکنان که بعهده گرفته بود
که هزار و پانصد عرابه یک اسبه برای حمل آذوقه و لوازم قشون حاضر نماید بابت
آنکه پانزده هزار بقوت جو در آنجا تحصیل خواهد کرد و آن تعداد جو در آن راه که عرابها
از آنجا خواهند گذشت در نقاط لازمه جمع آوری خواهد شد ولی چنان اتفاق افتاد
که بعوض پانزده هزار پود جو در آنجا بیش از هزار و پانصد پود تحصیل نشد لهذا او
مجبور شد که هر عرابه را علاوه بر بیست پود بار دیوانی هم در قرار نامه او قید شده بود
علیق تا چات و مراجعت آنرا بار نماید و چون از چکشلر تا چات و مراجعت در مدت
چهارده روز طول میکشید لهذا مجبور بود که علاوه بر بار دیوانی بهر عرابه پنج پود جو نیز
بار کند در آن صورت بار هر عرابه بیست و پنج پود میشد و این کار در مدت
بنابراین ژنرال لازاروف اجازه داد که هر عرابه را هفده پود بار دیوانی بار نماید
از چکشلر تا دوزالوم و بیست و یست چنانچه شد این راه را در مدت بیست روز عرابه
میرود و مراجعت میکند پس جیره بیست روزه هر اسبی از اسبهای عرابه لازم بود که هفت
پود و نیم از علیق علاوه بر بار دیوانی بر دارد در آن صورت هر عرابه بیشتر از دو ازده
پود و نیم بار دیوانی به دوزالوم نمیرساند از این قرار معلوم میشود که تا دوزالوم عرابه

صرفه ندارد و همیشه رنا چاتان نامی است چنانچه در سنه نیز همین قسم

عمل و رفتار کردند

در راه از خلیج میخائیلوفسکی تا قزل آروات بطور یقین حرکت عرابه و گاری امکان

ندارد و چونکه مسیب و درست است تمام شن زار و تپه های شنی پیدا شد

که ممکن نیست عرابه از آنجا بگذرد و ماهی آمدن و قار آنچه فاصله شعبه دریا

درست اول تمام شن زار و تپه های شنی میباشد که ممکن نیست عرابه از آنجا

بگذرد و وضع متحمل کردن قشون از جمیع لوازمات بعینه از همان قراری بود که در سنه

کرده بعد از آنکه در این دفعه دویزنوزدهم سپاده از برای هر نفری از

دویز خود علاوه بر دو پیراهن رسمی یک پیراهن زیر نیم استکی از پارچه

کرباس کتانی و علاوه بر دو جفت چکمه و یک جفت نیم چکمه معمولی

یک جفت کفشی که روی آن از همان پارچه مذکوره و تخت آن از یک پارچه

پوست تهیه و تدارک کرده و تکلیف نمود که اگر این پیراهن و کفش در پاها نهار

ماوراء البحر نافع و مفید واقع شد پس برای تمام قشون از همان روی دولت

نمایند لهذا اداره نظارتی قشون هشت هزار منات داده شد

کرباس

که کرباس کتانی و پوست و نخ و درفش تهیه کرده به ماوراء البحر برده و از قرار دستور العمل

رئیس قشون عمل نماید و همچنین نیم تنه و تدارکات لباس و پارچه جهت پیراهن و زیر جامه

حاضر و داشته باشند

قوریبای مسی کوچک و دیگهائی که در هر کدام برای پنجاه نفر طعام طبخ شود بقشون داده شد

که با خود بردارند وضع خوراک دادن بقشون بعینه از قراری بود که در سنه

داده میشد ولی از اول چای راحتی الامکان سعی میکردند بیشتر دهند چنانچه

در روزی سه دفعه البته چای تمام قشون داده میشد ولی از اول شهرهای تا

اول سپتامبر عرق و تمام مشروبات را کلی قدغن کرده مگر در بعضی موارد

مخصوص آن هم با جازه و حکم رئیس قشون تا اول ماه نوامبر از اول نوامبر بعد

حکم داده میشد و اما از بابت گوشت تا نه که از قرار نفری یک گیروانکه

حکم شده بود در عرض شبانه روز بدهند جهت قشون گوسفند و یک میمان

گوشت که لازم است از قرار هفته ناشه که البته می شود برسانند و جهت قشون

خط آرک نیز همان قاعده را که داشته جهت تحصیل نمودن گوشت بکار

برند ولی در صورت جمع شدن قشون از خط آرک تحصیل نمودن گوشت

باید بعهده و از قرار تدبیر فرمانده کل قشون بعضی ها بخریدن از ناویه کرد و یا بخریدن
از ایالت خیوه ژنرال اسکوبلف جهة احتیاط که مبادا موعد معین جهة قشون
گوشت فراهم نباید چنان صلاح دید که دوازده هزار پود گوشت یعنی حیوان زنده
در ساحل غربی بحر خزر در اطراف پطروفسکی نگاه دارند که در صورتیکه لازم شود یکماه
قبل اطلاع داده بقشون برسانند و اما از بابت نان تازه و سوخاری
چنان صلاح دیده شد که حتی الامکان از سوخاری اجتناب نمایند تا ممکن است
نان تازه بدست بیاورند ژنرال اسکوبلف بعد خود گفت که تنور نان پزی
و تمام لوازم خبازان را با خود بردارد و در هرجا که محل استراحت باشد بپزند و حکم
شد که قشون را تا حد سیری خوراک بدهند و از هیچ چیز مضایقه ننمایند
تمام تدارکات را چه از آذوقه و چه از علیق اداره نظام رتبه بتوسط اجیر
اشخاص مختلفه جهة حاضر کردن آنها تدارک و تهیه نمود چنانچه در هنگام ورود ژنرال
اسکوبلف بتفلیس موعد حاضر بودن تمام آنها معین شده بود و همچنین موعد حاضر بودن
سایر چیزها نیز که بعهده اداره نظام رتبه بود از قبیل چادر و لوازم مریضخانه و لباس
یدکی و پیراهن زیر جامه و چکمه و جلد برای اسباب کار از قبیل بیل و کلنگ

و غیره موعد حاضر بودن لوازم و تدارک را ژنرال آنکوف مامور حرکت دادن
و گذرانیدن قشون و لوازم آن بجا از راه آهن و دریا بساحل شرقی بحر خزر (اطلاع داد)
جهة آسوده کردن قشون سفری و تمام ادوات جمعی انقلاب که آنچه که از ساحل غربی بساحل
شرقی حمل شود خوب و با صرفه بعمل آید در هر نقطه که این تدارکات جمع میشد یعنی و از آنجا
بساحل شرقی فرستاده می شد یعنی در استرخان و لنکران و پطروفسکی کمیسونی ترتیب دادند
که مرکب بود از اجزا قشون و مامورین لشکری که آنچه را که اشخاص اجیر شده حاضر میکنند بتوسط
آن کمیسون تحویل و قبول شود
مسئله که بیشتر از همه برای ژنرال اسکوبلف مجهول بود آن بود که در چه وقت بساحل شرقی بحر خزر
بخواهد دو یا نو رو هم پیاده و باطریهای رکابدار و هم توپخانه و سوار در آنجا گردن را
ابتدا چنان صلاح دید که تهیه و تدارک آذوقه چهار ماهه تمام اینها را
در پطروفسکی نماید در همان مکان جمع باشند و تا هنگامیکه لازم شود اینها را بساحل شرقی
حرکت دادند ولی بعد بخیال افتاد در صورتیکه اندک اشکالی در فرستادن آذوقه و
آذوقه چهار ماهه این مقدار بزرگ آذوقه روی دهد و نگاهداری اینها را یعنی افواج
باطریها را در همان مکان و محلی که حاضر باشند تا اینکه موقع طلبیدن اینها برسد

واما در خصوص مریضخانه عقیده تمام بر آن شده در صورت نبودن مریضخانه غیر متحرک
یکی در چکشلر یکی در چات که در هر کدام جای دویست نفر مریض یعنی دویست تخت
خواب و تمام لوازم آن از قبیل لحاف و توشک و نازبالش و لباس و تمام لوازم
و لوازم طبخ و غیره هم باشد و یک مریضخانه متحرک در کراسنوودسک و دارای صد تخت
و لوازم آن باشد و مریضخانه متحرک دیگری ایضا در کراسنوودسک یا میخائیلفسکی
که دویست تخت خواب و لوازم آن داشته باشد و دو مریضخانه متحرک دیگری
که در هر کدام دویست تخت خواب و لوازم آن هم باشد که در هر نقطه که لازم شود قرار
کنند در این صورت تمام قشون ما و راه بخارا از بابت مریضخانه اسباب خاطر جمع خواهد بود
و جمیع مرضا و زخمداران را تا آن زمانیکه ممکن نیست آنها را بساحل غربی فرستاد در این مریضخانه
آنها خواهند بود و قرار کلی این شد که هر چه ممکن است کمتر مدت مریضها را در این مریضخانه ها نگاه
نگاه دارند و زودتر آنها را بساحل غربی روانه کنند چونکه در این مریضخانه ها البته آن
قسمیکه شاید و باید هم از حیثیت هوا و هم از حیثیتهای دیگر ممکن نیست اسباب و لوازم
حفظ صحت را فراهم آورد و دیگر آنکه این مریضخانه ها بغیر از آنهائیکه در اواخر خط اند
و شده هستند یعنی در چکشلر و کراسنو و میخائیلفسکی هستند چنان ترتیب و تشکیل

دهند که بتوان هر یک از آنها را قسمت بچند مریضخانه در هر کدام صد نیم تخت هم باشد
در این صورت عده نقاطیکه مریضخانه در آن خطیکه قشون حرکت کرده است بیشتر خواهد بود
و مریض هائیکه از قشون بیمار شده در این مریضخانه های متعدد که در این راه است در همه جا لعوت
و پرستاری میکنند تا برسد بساحل غربی خزر
علاوه بر مریضخانه های مذکور مریضخانه های متحرک و دیگری مخصوصا حکم شده بود و بر لوازم هم
و چیت و چیم با خود دارند موجود هم در هر کدام از این مریضخانه ها جای چند نفر هم در هر صد نفر بتوان
گفت با بودن مریضخانه های مشروحه مریضها و زخمداران را در بنهای خوبی و با آتمام نقطه
که مقصود بود ممکن بود رسانید آن علاوه بسیار مریضخانه و تنظیمات آن در واقع کمال بقسمی بود
که بزرگ اسکوبلف میل داشت هم باشد و بعقیده او برای این قشون لازم بود
برای این مریضخانه ها و مسئله کلی ملاحظه شد یکی عمل آذوقه و خوراک دادن مریضها و حمل کردن مریضها
و اما مسئله اول که در خصوص آذوقه مریضخانه ها است - این مسئله بسیار آسان است و اراده
مخصوصه برای مریضخانه هائیکه از ساحل دریا بسیار دور مریضخانه هائیکه در کنار ساحل است
یعنی در چکشلر و کراسنوودسک و میخائیلفسکی از همه قسم آذوقه آنچه بدون هیچ
کوچک زحمتی آنچه که خواسته باشند میتوانند بدست بیاورند بتوسط پاپور دریا چنانکه

یعنی تهیه حاضر کردن شخص را که آنچه که برای مریضخانه‌های کنار ساحل مجرب داشت ولی مریضخانه‌هائی که از
ساحل دورند موجود نمودن آنچه که لازم است بتوسط پادریاد چیکه هرگز امکان نخواهد داشت و این
شخص هرگز بعضی لوازم خوراک را از قبیل مرغ و شیره و غیره هم مهیا نخواهد کرد و بلکه از وقت این
مریضخانه‌ها را مجبور باید بتوسط همان اداره نظارت قشون حاضر نمود در کمیسیونی که برای گفتگوی
از وقت همین مریضخانه منعقد شد بجهت اصلاح دیده شد که دستور العملهای فی ما بین الاستیب بعمل آورد گفت
اولاً ملاحظه اینکه در بعضی جاها امکان نخواهد داشت که نان تازه طبخ یا بدست آورد بخصوص در ایام
مریضخانه لهذا باید همیشه اداره نظارت مریضخانه‌ها نان پس کماج سنگ از آرد سفید با خود داشته
باشد از قرار عوض هر یک کیروانکه نان تازه یک کیروانکه و دو و نیم کیروانکه آن نان پس کماج از
آرد سفید دانه‌ای بهای پس کماج اینکه قدری هم در مریضخانه‌ها صرف نکنند
ثانیاً اداره نظارت مریضخانه همیشه نشاسته خوب و همچنین برای بعضی امراض قلبی
ساگو داشته باشد ثالثاً چون گوشتهای ما را اغلب خوب نمیشد و قوت و ماده
غذائیت کم دارند لهذا باید همیشه بولیون خشک در ظرفهای مخصوص داشته باشند
که در هنگام تنگی همه قسم غذاهای گوشتی که برای مریض و مجروح مشغول از آن بولیون خشک در آن بریزند
رابعاً چون در همه جا تحصیل شیر تازه با خود نتوان بدست آورد لهذا باید اداره نظارت مریضخانه‌ها همیشه شیر غلیظ داشته باشند

خاصاً از برای بعضی غذاهای متفرقه و خوب طعم غذا لازم است اغلب سبزیهای خشک کرده و میوه‌های
خشک کرده و ادویه جات و ترشیجات و از برای صاحب‌منصبان قهوه و شکلات
و غیره موجود باشد
سادساً مرغ و خیار تازه و میوه‌های تازه و کبابهای چای باید همیشه با خود داشته باشد
و اما مسئله در خصوص حمل کردن مریضها حکم شد که بجهت جمع جبه‌خانه قشون و مریضخانه‌ها
عراده‌های دوپوشیده در هر جرگه رتب دهند و در هر مریض در آن جای بکشد از این قرار
حکم شد که اجزا و قشون و مریضخانه‌ها عراده داشته باشد هر باطالیان سه عراده و
هر باطری دو عراده و هر اسکادران یک عراده و هر دو ویزیان در اگو چهار عراده و هر یک
پنج عراده و هر مریضخانه متحرک دویزیون بیست عراده و سه مریضخانه بزرگ شصت و دو عراده
که تمامش صد و هشتاد و شش عراده و هشتصد و چهار عراده هم دیگر که تمامش
دویست عراده شد حاضر نمودن عراده‌های مذکوره را اداره توپخانه تعهد
گرفت و مبلغ سی و شش هزار و هشتصد منات از پول مخارج سفر جهت تهیه و تدارک آنها
داده باشد
در زمان اسکوبلف بقدری از زیاد شدن آب در قشون و اهمه و تنجی حاصل شد حکم قطعی در آب

انکه این عده اوه‌ها را باسبه بندر با شتربان خودوی بشود تا انکه او خود بجاور انجم

رفته اشنائی کامل با وضع انجا بهم رساند

تمام مریضخانه‌ها در الاچیق‌ها بغیر مریضخانه کراسنوودسک که حکم شده مکانی جهة مریضخانه در انجا

بسازند مبلغ صد و پانزده هزار منات جهة ساختمان داده شده و در چکیشلر چند قبل از [illegible]

دواخانه یدکی که در ماوراء الخزر بوده حکم شده بنا بر دستورالعمل مرسل سفر بدو قسمت شود یا همان

حالت باشد ولی باید یک دواخانه متحرک بهمراهی قشون حرکت دهد

در ماه [illegible] ژنرال اسکوبلف کارهای خود را در تفلیس تمام کرده و چون طغیان آب رودخانه

شدت کرده بود تمام راههای کوه‌ها را گرفته بود چنانچه عبور امکان نداشت و راه از [illegible] راه

مسدود کرده بود لهذا اسکوبلف تا بیست پنجم در تفلیس مانده محض باز شدن راهها [illegible] مجبورا

رشته جبال قفقاز با زحمات بسیار رفته چنانچه در اغلب از مکانهای جبال

پیاده عبور نمود در بیست و پنجم وارد پطرفسکی گردید صبح همان روز ورود با [illegible]

اول از افواج داغستان که برای این سفر جنگی معین شده سان مفصلی دید ژنرال

آننکف که از پطربورغ مامور حرکت دادن و گذرانیدن قشون مامور سفر جنگی و تمام لوازم سفر

از راه آهن و بحر بود قبل از اسکوبلف وارد پطرفسکی شده بود اسکوبلف او را ملاقات کرده

کرده دو فقره

و بدقت تمام دانسته که تا کنون چه مقدار آذوقه و لوازمات بتوسط کشتیهای کمپانی قفقاز

و مرکوریا جهت [illegible] فرستاده شده بکراسنوودسک چه مقدار و باسکندریه چه مقدار و بچکیشلر

چه مقدار و تا آخر ماه مای چه مقدار فرستاده خواهد شد

چون از کلاوفی اشتاب حکم شده بود حمل کردن قشون و آذوقه و سایر لوازم جنگی را

از روی دریا باید اداره جنگی مملکت قفقاز تعیین نماید کشتی هائیکه برای این کار معین شده چه قسم

و چه مقدار و در فلان مدت حمل نماید ولی این کار باید با اطلاع و رضایت [illegible] انجام

نیز نظر به اینکه ژنرال اسکوبلف از پطرفسکی تلگراف نموده که زود طرح ریزی این کار شود

که هم مقدار قشون و هم مقدار آذوقه و هم از چه جنس آذوقه و هم از چه قبیل اسباب

و لوازم جنگی و هم انکه در هر نقطه چه مقدار وارد خواهد شد و هم تا چه مدت طول خواهد

کشید نمایان معین باشد در چهارم ماه مای جواب این فقره بکراسنوودسک رسید [illegible]

ژنرال اسکوبلف باتفاق ژنرال آننکف و رئیس کشتیهای کمپانی قفقاز و مرکوریا

برضایت یکدیگر طرح این را ریختند از این قرار که از ابتدای ماه اپریل تا اول نویابر ۱۸۸۰ تمام

آذوقه و توپخانه و لوازم مهندسی و لوازم دیگر را که موازی [illegible] کرور و سیصد و

بیست و چهار هزار و ششصد و هشتاد و چهار پود بار است حمل شود

بطرز فسلی سان ماطری شش ریکا دپیت و یکم را ...

ژنرال اسکوبلف در دوم ورهیه

یعنی شاهزاده اعظم کنتاشین) نشسته بجانب اسکندریه حرکت کرده روز

غره ماه مای وارد اسکندریه گردید این تاریخ بطور واقع و اخبار شغل و فرمایات قشون ها و ...

کرده و احکامات داده سان قشون اسکندریه را بدقت تمام سان دید تمام ...

وخوب دید و امتحان تیراندازی هم نفری و هم یکدفعه از تمام انها ...

و دسته مکانی اسکندریه چهار نفر صاحب منصب و سیصد و پنجاه و هشت نفر تابین

و دسته محافظ انبار اذوقه بیست و پنج نفر تابین

و دسته توپخانه یکنفر صاحب منصب بیست و یکنفر تابین

و دسته که در خدمت اداره نظامی هم یکنفر صاحب منصب هفده نفر تابین

اسکاوران پنجم از فوج لاین پنج نفر صاحب منصب نود و هفت نفر تابین

الحاله جمعیت ایشان بهم رسانده است ...

اسکوبلف بسیار لازم و مفید دید دو دسته مکانی ... حکم داده

کرده در جزو قشون که مشغول جاپ خواهند بود نماید لهذا در این باب حکم داده

ترتیب داده از جمیع لوازم جنگی مکمل و مسلح کنند و همچنین حکم داد که از باطالیان

مکانی که اسکوبلف نیز یک گروهان برای ... و در جنگ ترتیب دهند تقسیمکه

عده شان کمتر از چهار نفر صاحب منصب و صد و پنجاه نفر تابین نه باشد

چنانچه سابق ذکر شد اسکوبلف و آنچه که داشت آنچه می رسید بموقع جمع کرد

شتر در منقشلاق ... یعنی آدایوها از آنجا علی الرسم کوچ کرده بباد یه کردی بروند و ...

به انتقال شتری که لازم است بدست نیاید و در این باب ... بطرز ربوع اظهار کرده بود

از قضا چنان اتفاق افتاد که سرمای بسیار سختی شد آدایوها که در بیابانهای خیوه ...

در اخر ماه آپریل بمنقشلاق آمدند بعض آنها پالکوینک نورتسکی که مامور خرید شتر بود

شروع بعمل کرده و چون بواسطه سرما و کمی خوراک شتران بسیار لاغر ...

نمود که پانزده روز ... آنچه ... و وعده کرفت تا بیست و نهم ... سه هزار و

هشتصد شتر بطور یقین در کراسنوودسک حاضر نماید و همچنین ... در خرید ...

و حاضر کردن ایچاقی قیرقیزی برای ... آتش و کویات و غیره داده ولی حاضر نمودن شتر باز

بقدر کفایت بعد نکرفته لهذا اسکوبلف تلاف کرده با ایوانف ...

که شش هزار نفر شتران اجیر نماید از قرار هر نفری برای شش شتر

چنانچه سابق ذکر شد از بطرز ربوع حکم داده شده مامور نفر شد بجانب ...

سام برای تحقیق رسید که آیا ممکن است شترانی که خرید میشوند از آن راه به کراسنوودسک ...

نساران حکم یکنفر قرقیز معروف به ... امام ... از جهت اظهار کرده بنحوی ممکن است تمام ...

شتر اسرا از آن راه عبور داده و چاه آب آنجا به بسیار عمیق است تقریبا پنجاه ذرع عمق
دارد و لهذا از آن چاه در روزی بیش از پانصد شتر را آب نمی‌شود و بسیار پر آب باشند
شتر از آن راه عبور داده و چاه آب آنجا به بسیار عمیق است تقریبا پنجاه ذرع عمق دارد و لهذا از آن چاه در روزی
بیش از پانصد شتر را آب نمی‌شود داد و چاه تازه هم در آن نزدیکی‌ها نمی‌توان حفر کرد و لیکن تمام چاه‌های دیگر
عمقشان بیش از ربع نمی‌شود و بسیار پر آب باشند بقسمی که در روزی هزار شتر را می‌توان آب داد
چون از قراری که عرض شد گردید بعد راه دیگری نزدیک است که راحت‌تر از راه مذکور است لهذا
ناورتسکی دو مرتبه عرض کرد اما مورنخچ در این باب به ابو الفتح عرض نماید تا او هر دو راه را با هم
موازنه کرده هر کدام راحت‌تر به نظر آید انتخاب نماید
چهار راه‌های اسکولف و اردوگر اسنودینگ شد ملاحظه نمودند که قبل از آنها و یعنی در
اپریل که یک گروهان از باطالیان کاپیتان اردوگر اسنودینگ و یک دسته قزاق مرکب بعداد اسب مصاحب منصب
نفر تا پس بنجالیفسکی به تمام تحقیقات لازمه رفته و انجا را تصاحب نمودند و کوچ [illegible] مادر
به تمام تحقیقات لازمه از آن خلیج راه‌ها آورده و [illegible] که در نیمه اپریل وارد اردوگر اسنودینگ
شد بعد اکنون کارهای ذیل را تهیه و تدارک نموده حرکت نماید و در هر شعبه یک مرتبه اردوگر اسنودینگ را با [illegible]
به توسط سواران چالپان ملکهای معین و برقرار کرده و [illegible] چیلک [illegible] برای آوردن آب
به بنجالیفسکی تهیه کرده و دویست شتر [illegible] قرقیزی [illegible] اسنودینگ پیاده [illegible]

و سه هزار

و سه هزار چوب تلگراف از برای خط تلگراف اردوگر اسنودینگ
بنجالیفسکی و دو هزار پود طناب نیز در شهر خان سفارش داده
حاضر کنند و دو هزار جهاز در بادکوبه و دستورالعمل داده و آجر
جهت ساختن سی مطبخ یعنی برای هر گروهانی یک مطبخ و پنجاه دست
اجاق و کوره که به توسط نفاله نفت طبخ شود و شش چال برای [illegible]
نفت در کراسنودسک و بنجالیفسکی و شش تلمبه برای کشیدن
آب از چاه‌ها و ذغال سنگی و چوبی جهت راه آهن دکویل
و در شاخه پانزده هزار کجاوه شتری نیز سفارش داده و در
بنجالیفسکی شروع بساختن بنادر نیز نموده بعد یکنفر صاحبمنصب مامور نموده
بود با دکوبه جهت اجیر نمودن کالسکه‌چیان برای راه آهن دکویل
و با تاجر موسوم به [illegible] قرارنامه بسته که ثقاله نفت در کراسنودسک [illegible]
حاضر نماید از قرار اگر پنجاه هزار پود بیاورد از قرار پودی پنج
چهارک یک و اگر صد هزار پود بیاورد از قرار پودی پنج و یک
و اگر صد و پنجاه پود بیاورد از قرار پنج کپک حساب می‌شود

فهرست کتاب

باب اول

باب دویم

باب سیم



Дислокація войскъ
въ Закаспійскомъ краѣ
къ 7 мая 1880 года

1, Александровскій фортъ: мѣстная команда
2, Красноводскъ: 3 роты, ½ сотни
3, Михайловскій заливъ: 1 р., ½ сотни
4, Чекишляръ: 3 р., 6 ор.
5, Карадэкя—Батыръ: 1 р.
6, Ялы-олумъ: 1 р.
7, Чатъ: 7 р. 2 сот. 6 ор.
8, Дузъ-олумъ: 8 р. 2 сот.

Укр. Петро-Александровское
ХИВА
Бами
ГЕОКЪ-ТЕПЕ
Асхабадъ
Буджнурдъ
Ширванъ
Мухамедъ-абадъ
Кучанъ
Мервъ
Серахсъ
Себзеваръ
Нишапуръ
МЕШЕДЪ

باب چهارم

قرار مدار و مدا اریکه تهیه و تدارک سفر جنگی در سن پطرزبورغ — رسیدگی کردن خلیج کرده شد برای بدست آوردن شتر — سفارش دادن میخایلوفسکی — زیاد کردن کشتیهای جنگی بحر خزر — راه آهن و کوئل و اسبابها و ماشین های آب شیرین کن و غیره — تلگراف — طرح ژنرال اسکوبلف در عملیات توپخانه و مهندسی — شمسی — مأمور نمودن ژنرال پطروسویچ را بساحل شرقی بحر خزر — تخمینا معین نمودن مخارج سپاه و تعیین وقت برای اعمال جنگی و مخارج در ماوراء — بیرون آمدن ژنرال اسکوبلف از تفلیس

باب پنجم

وارد شدن ژنرال اسکوبلف به تفلیس — احکامات قطعی که در تفلیس داده شده بود — بیرون آمدن ژنرال اسکوبلف از تفلیس — وارد شدن ژنرال اسکوبلف بساحل شرقی بحر خزر — قطعاتیکه در اسکندریه و کراسنوودسک داده است

Дислокація войскъ въ Закаспійскомъ краѣ къ 7 мая 1880 года

1. Александровскій фортъ: мѣстная команда
2. Красноводскъ: 3 роты, ¼ сотни, 4 ор.
3. Михайловскій заливъ: 1 р., ¼ сотни.
4. Чекишляръ: 2 р., 6 ор.
5. Караджа-Батыръ: 1 р.
6. Яглы-олумъ: 1 р.
7. Чатъ: 7 р., 2 сот., 8 ор.
8. Дузъ-олумъ: 8 р., 2 сот.

УСЛОВНЫЕ ЗНАКИ.

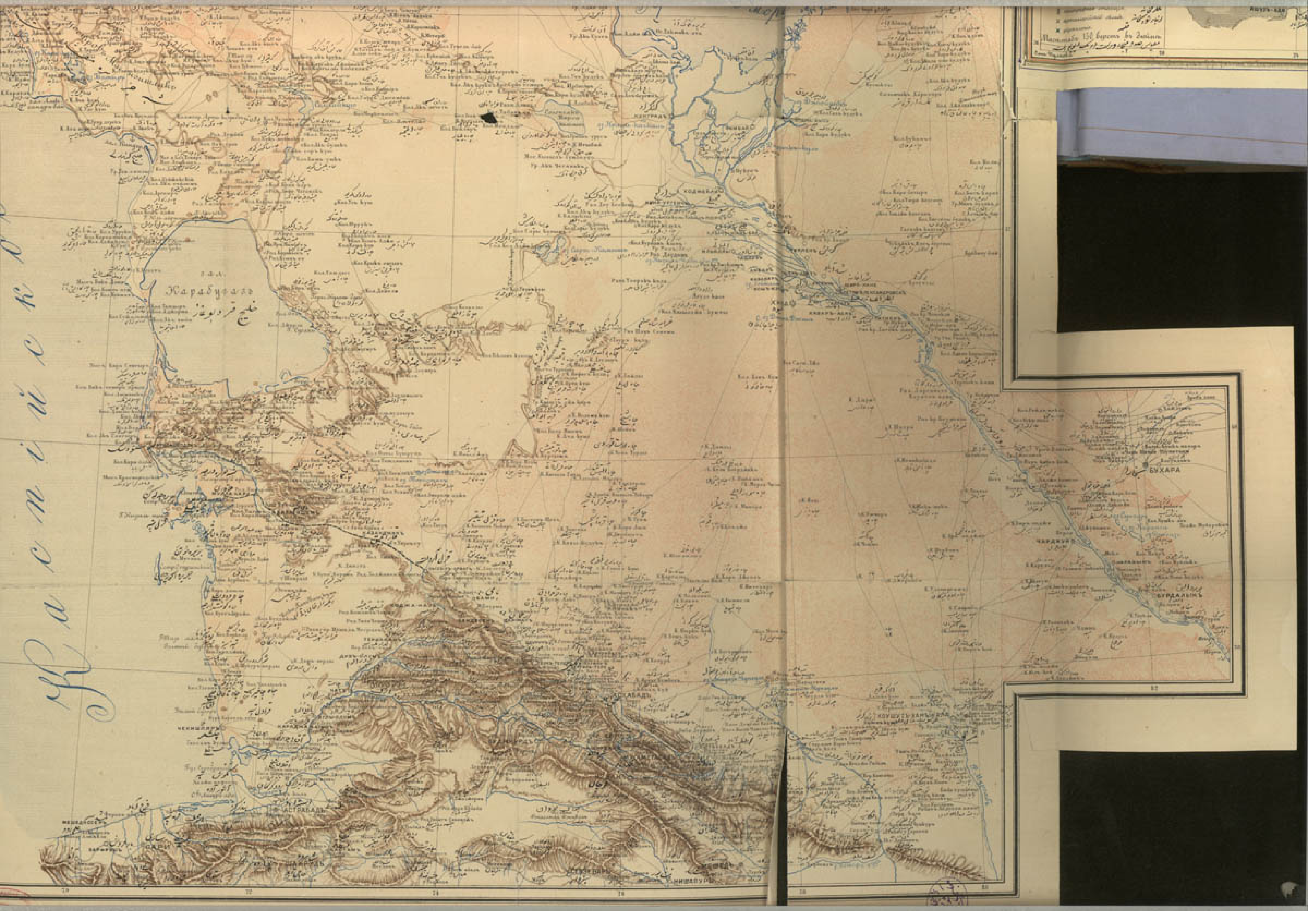
продовольственный складъ.
лечебное заведеніе.
телеграфная станція.
артиллерійскій складъ.
укрѣпленіе.
штабъ 150 верстъ въ дюймѣ

Фортъ Александровскій
Петровскъ
ДЕРБЕНТЪ
Шемаха
БАКУ
Ленкорань
Каспійское море
Красноводскъ
Укр. Михайловское
Чекишляръ
Ашуръ-ада
АСТРАБАДЪ
Шахрудъ
Бами
ГЕОКЪ-ТЕПЕ
Асхабадъ
Буджнурдъ
Ширванъ
Кучанъ
Мухамедъ-абадъ
Мервъ
Серахсъ
Себзеваръ
Нишапуръ
МЕШЕДЪ
ХИВА
Укр. Петро-Александровское



КАРТА
ЗАКАСПІЙСКАГО КРАЯ.
Масштабъ 50 верстъ въ дюймѣ.
Море
зал Мертвый Култукъ
Полуостровъ
Аральское море
зал Карабугазъ
ХИВА


Каспійское
Карабугазъ
ХИВА
БУХАРА
АСХАБАДЪ
АСТРАБАДЪ
НИШАПУРЪ



Карабугазъ
БУХАРА
БУРДАЛЫКЪ
ЧАРДЖУЙ
АСТРАБАДЪ
ЧЕКИШЛЯРЪ

